

دفتر اول

# آفتاب مهر

یکصد پرسش و پاسخ مهدوی



پرسش و پاسخ مرکز تخصصی مهدویت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# آفتاب مهر

پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی  
و پاسخ به پرسش‌های مهدوی



مرکز تخصصی مهدویت



بنیاد علمی و فرهنگی مهدویت

## آفتاب مهر (پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی)

مؤلف/ جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

نوبت چاپ/ اول، پاییز ۸۷

قیمت/ ۳۵۰۰ تومان

تیراژ/ ۳۰۰۰

صفحه آرا: رضا فریدی

### مراکز پخش:

قم: مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهداء (صفائیه)/

کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص.ب. ۱۱۹-۳۷۱۳۵ ○ تلفن: ۷۷۳۷۱۶۰ ○ فاکس: ۷۷۳۷۸۰۱

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام/

○ ص.ب. ۳۵۵-۱۵۶۵۵ ○ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ ○ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹

[WWW.IMAMMAHDI-S.COM](http://WWW.IMAMMAHDI-S.COM)

[info@imammahdi-s.com](mailto:info@imammahdi-s.com)

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۵۱-۴

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱۲

### فصل اول

#### ادیان، فرق و مذاهب

۱. آیا اعتقاد به آمدن منجی در آینده مخصوص مسلمانان و به ویژه شیعیان است؟ ... ۱۵
۲. دیدگاه دین اسلام درباره ظهور منجی چیست؟ ..... ۱۷
۳. آیا درباره امام مهدی علیه السلام اعتقاداتی وجود دارد که شیعه و عامه (اهل سنت) در آنها اتفاق نظر داشته باشند؟ ..... ۲۰
۴. چرا اهل تسنن معتقدند امام زمان علیه السلام هنوز به دنیا نیامده است؟ ..... ۲۶
۵. نظر عامه (اهل سنت) درباره ولادت امام مهدی علیه السلام چیست؟ ..... ۳۰
۶. آیا دین یهود و یهودیان، ظهور منجی آخر الزمان را قبول دارند؟ ..... ۳۴
۷. دیدگاه انجیل و مسیحیان درباره موعود چیست؟ ..... ۳۷
۸. آیا زرتشتیان آمدن مصلح آخر الزمان را باور دارند؟ ..... ۳۹
۹. شنیده‌ام در دین باستانی هندوها درباره منجی مطالبی ذکر شده است. در این باره توضیحی بدهید ..... ۴۲
۱۰. گرایش انجمن حجتیه چیست؟ آیا مشروعیت دارند؟ برنامه آنها چیست؟ ..... ۴۴

### فصل دوم

#### مهدی شناسی

۱۱. چگونه می‌توانیم سطح فکری و اعتقادی خود را در ارتباط با امام عصر علیه السلام بالاتر برده و عمیق‌تر کنیم؟ ..... ۵۳
۱۲. خلاصه‌ای از زندگی امام مهدی علیه السلام را بگویید ..... ۵۹
۱۳. چگونه حضرت که در یک مکان است، ناظر همه جا می‌باشد؟ ..... ۶۴

۱۴. آیا موقع گناه، امامان علیهم‌السلام ناظر اعمال ما هستند و آیا اعمال ما به امام عصر علیه‌السلام عرضه می‌شود؟ اگر این چنین باشد، لقب «ستار العیوب» بودن خدا برای چیست؟ ۶۵.
۱۵. این که امام زمان علیه‌السلام بر طبق روایاتی، دارای زن و فرزند هست، از نظر سند، معتبر است یا نه؟ ..... ۶۹.
۱۶. محل زندگی حضرت مهدی علیه‌السلام در دوره غیبت کجا است؟ آیا داستان جزیره خضرا واقعیت دارد؟ ..... ۷۰.
۱۷. چطور ممکن است امام مهدی علیه‌السلام دارای عمری چنین طولانی باشد؟ ..... ۷۲.
۱۸. با توجه به عمر بسیار طولانی و بعید امام زمان علیه‌السلام چکار کنیم که یقین ما به وجود آن حضرت بیشتر شود؛ زیرا، متأسفانه، میان قشر دانشجو، کسانی را می‌بینیم که حتی درباره وجود آن حضرت شک دارند و می‌گویند، اگر هست، چرا تا به حال کسی او را ندیده است یا لااقل ما نشنیده‌ایم در چند سال اخیر، کسی او را دیده باشد؟ ... ۷۸.

## فصل سوم

### امام مهدی علیه‌السلام در قرآن

۱۹. چرا در قرآن کریم به صورت صریح و روشن درباره حضرت مهدی علیه‌السلام سخن گفته نشده است؟ در کجای قرآن درباره آن حضرت صحبت شده است؟ با توجه به ذکر واضح و صریح پیامبر اسلام در تورات، چرا در قرآن به طور روشن حضرت مهدی علیه‌السلام معرفی نشده است؟ ..... ۸۷.
۲۰. آیا واسطه فیض بودن امام زمان علیه‌السلام در نعمتها و در عالم وجود غیر از روایات، ریشه قرآنی هم دارد؟ ..... ۹۲.
۲۱. با توجه به آیه یکم از سوره نحل که در آن، از عجله و شتاب، نهی شده است. چگونه روایات و دعاهایی درباره تعجیل در ظهور حضرت ولی عصر علیه‌السلام وارد شده است؟ ۹۶.

## فصل چهارم

### انتظار و منتظران

۲۲. انتظار در زمان غیبت امام زمان علیه‌السلام چه معنایی دارد و مقصود از انتظار فرج چیست؟ ..... ۱۰۳.
۲۳. چرا انتظار فرج، افضل اعمال است؟ ..... ۱۰۵.
۲۴. وظایف منتظران امام زمان علیه‌السلام چیست؟ ..... ۱۰۷.

۲۵. چه کار کنم تا موفق شوم به آقا امام زمان علیه السلام نزدیک شوم؟ ..... ۱۱۰
۳۶. چگونه می‌توان به امام مهدی علیه السلام تقرب یافت و رضایت او را به دست آورد؟ ..... ۱۱۴
۲۷. دلیل دعا کردن برای سلامتی امام عصر علیه السلام چیست؛ در حالی که خدای منان، اراده دارد آن حضرت زنده و سلامت بماند. آیا اصلاً امکان دارد آن وجود مبارک، دچار کسالت شود؟ ..... ۱۱۸

## فصل پنجم

### یاران و نایبان عام و خاص

۲۸. نایب امام زمان علیه السلام به چه کسی گفته می‌شود؟ ..... ۱۲۳
۲۹. نایبان خاص امام مهدی علیه السلام چه کسانی بودند؟ ..... ۱۲۷
۳۰. چگونه میتوان نایب امام زمان علیه السلام را در زمان غیبت شناخت؟ ..... ۱۲۹
۳۱. ویژگیهای یاران امام زمان علیه السلام چیست؟ ..... ۱۳۱
۳۲. یاران امام زمان علیه السلام چند نفرند و از چه شهرهایی هستند؟ ..... ۱۳۴
۳۳. آیا انحصار یاران حضرت مهدی علیه السلام به ۳۱۳ نفر، یک نوع تبعیض نیست؟ ..... ۱۳۷
۳۴. چرا بیشتر یاران حضرت مهدی علیه السلام مرد هستند؟ ..... ۱۳۹
۳۵. آیا تعدادی که به ۳۱۳ نفر معروفند و از یاران خاص امام مهدی علیه السلام هستند، همه هم عصر زمان ظهور هستند یا افرادی از سابق نیز میان آنان هستند؟ ..... ۱۴۱
۳۶. یاران حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، چگونه نزد آن حضرت اجتماع کرده و حاضر می‌شوند؟ ..... ۱۴۲
۳۷. آیا با خواندن چهل بار دعای عهد یار حضرت مهدی علیه السلام می‌شویم؟ ..... ۱۴۴
۳۸. نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ ..... ۱۴۶

## فصل ششم

### دوران غیبت

۳۹. فلسفه وجود امام زمان علیه السلام در زمان غیبت چیست و چه آثار و فوایدی بر وجود او مترتب است؟ ..... ۱۵۱
۴۰. مسجد مقدس سهله در کوفه چگونه به نام امام زمان علیه السلام معروف شد و پیدایش آن، بر اساس چه معیاری بوده است؟ ..... ۱۵۷

۴۱. مسجد مقدس جمکران در قم چگونه به نام امام زمان عجل الله فرجه معروف شد و پیدایش آن بر اساس چه معیاری بوده است؟ ..... ۱۵۹
۴۲. مراد از غیبت امام مهدی عجل الله فرجه چیست و چرا آن حضرت غایب شد؟ ..... ۱۶۱
۴۳. چرا امام زمان از دیده‌ها غایب شد. اگر بین مردم بود و مردم را به راه راست راهنمایی میکرد بهتر نبود؟ خداوند بر همه چیز قادر است و میتواند او را از شر کافران حفظ کند ..... ۱۶۶
۴۴. غیبت امام زمان عجل الله فرجه دارای چه مراحل بود؟ چرا؟ ..... ۱۶۸
۴۵. آیا امامان گذشته علیهم السلام برای وقوع غیبت و آماده کردن شیعیان برای این امر زمینه‌سازی کرده‌اند؟ ..... ۱۷۰
۴۶. عده‌ای از شیعیان، اعتقاد دارند مثلث برمودا، پایگاه حضرت مهدی عجل الله فرجه است. آیا اسناد و شواهدی وجود دارد تا آن را به اثبات رساند؟ ..... ۱۷۱
۴۷. مراد از سرداب غیبت چیست؟ ..... ۱۷۵
۴۸. در کتابی، حدیثی دیدم مبنی بر این که، هر حکومتی که پیش از قیام امام زمان عجل الله فرجه ظهور کند و به وجود بیاید، حکومت طاغوت است. این حدیث را در رابطه با نظام فعلی ما توضیح دهید ..... ۱۷۷

## فصل هفتم

### ارتباط و ملاقات

۴۹. در حدیث داریم که حضرت مهدی عجل الله فرجه میفرماید: «هر کس بگوید مرا دیده، دروغ گفته است»؛ در حالی که در بسیاری موارد، از شخصیت‌های بزرگ نقل شده است که امام زمان را دیده‌اند. تناقض را حل کنید؟ ..... ۱۸۵
۵۰. روایاتی میگوید: «هر کس در غیبت کبرا، ادعای رؤیت امام زمان را کرد، او را تکذیب کنید»؛ آیا این روایت، بر خلاف لطف کامل پروردگار نیست و آیا برخی عالمان و صلحا، حضرت مهدی عجل الله فرجه را زیارت نکرده‌اند؟ ..... ۱۸۸
۵۱. آیا می‌توان به امام زمان عجل الله فرجه نامه نوشت؟ چه شرایطی باید رعایت شود؟ ..... ۱۹۱
۵۲. آیا شخصی که گناه کرده است، میتواند با امام زمان عجل الله فرجه، ارتباط داشته باشد؟ ..... ۱۹۴
۵۳. عشق دو سویه درباره امامان علیهم السلام چگونه است؟ برای نمونه آیا وقتی یاد مولا امام زمان یا امام رضا علیهما السلام در دل ما میافتد و چشمان ما پر از اشک میشود و بی اختیار



قلبمان متوجه آن دو حضرت می‌شود، ایشان به ما توجه میکنند یا نه در یک لحظه اختیار قلب انسان را میگیرند؟..... ۱۹۷

## فصل هشتم

### آخرالزمان

۵۴. آخرالزمان یعنی چه؟ آیا ما در آخرالزمان هستیم؟..... ۲۰۵
۵۵. مراد از گسترش و فراگیر شدن ظلم در آخرالزمان و پیش از ظهور چیست؟..... ۲۰۹
۵۶. در روایت است که دینداری در آخرالزمان مثل گرفتن آتش در دست است. چرا دینداری در آخرالزمان، سختتر از زمانهای دیگر است؟..... ۲۱۳
۵۷. معنای این جمله چیست که میگویند: «هنگام ظهور، از اسلام و قرآن، چیزی جز نام باقی نمانده است؟..... ۲۱۶
۵۸. منظور از «آرماگدون» چیست و آیا با نبرد قرقیسیا ارتباط دارد؟..... ۲۱۷
۵۹. فیلم‌هایی که امریکایی‌ها (هالیوود) دربارهٔ تسخیر جهان می‌سازند و این که کسی می‌آید و جهان را به هم می‌ریزد چگونه است؟..... ۲۲۶

## فصل نهم

### ظهور، علایم و شرایط آن

۶۰. اساس و بنیان حرکت و نهضت حضرت مهدی علیه السلام آیا بر پایه معجزه است یا روندی عادی و طبیعی مانند انقلاب‌های دیگر جهان دارد؟..... ۲۳۷
۶۱. مراد از شرایط ظهور چیست؟ با علایم ظهور چه تفاوتی دارد؟..... ۲۴۲
۶۲. برای آن که ظهور امام مهدی علیه السلام واقع شود، چه شرایطی باید موجود باشند؟..... ۲۴۴
۶۳. با توجه به این که امام زمان ظهور نمیکند، مگر این که جهان پر از ظلم شود، آیا این روایت با دعوت انسانها به آماده سازی شرایط فرج، منافات ندارد؟ اگر جهان باید پر از ظلم شود، تا ظهور کند، آماده سازی شرایط چه معنایی دارد؟..... ۲۴۸
۶۴. آیا با توجه به شرایط کنونی جهان، زمینه‌ها و شرایط برای ظهور امام مهدی علیه السلام آماده است؟..... ۲۵۳
۶۵. دنیا و مردم، چه شرایطی باید داشته باشند تا امام زمان علیه السلام ظهور کنند؟..... ۲۵۴
۶۶. به نظر شما، امام زمان علیه السلام آمدنی است یا آوردنی؟..... ۲۵۶
۶۷. چرا حضرت امام زمان علیه السلام ظهور نمیکند؟ آیا مانع عمده ظهور، نبودن یاران صدیق است؟..... ۲۵۸

۶۸. انقلاب اسلامی ایران، چه نقشی در امر قیام و ظهور امام مهدی علیه السلام دارد؟ ..... ۲۶۱
۶۹. هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام ایران اسلامی ما در چه شرایط و موقعیت اجتماعی است؟ ..... ۲۶۵
۷۰. می‌گویند زمان ظهور امام زمان علیه السلام چیزهای زیادی است که تکامل می‌یابند؛ از جمله علم، به حد اعلای خود میرسد. بعضی می‌گویند - در کتابها نیز نوشته شده است - امام زمان با شمشیر قیام میکند. سؤال من، این است که با وجود پیشرفت علم و با وجود سلاحهای مدرن، آیا جنگ امام زمان علیه السلام باز هم با شمشیر خواهد بود؟ ..... ۲۶۷
۷۱. مراد از علایم ظهور چیست؟ نشانه‌های ظهور کدامند؟ ..... ۲۶۹
۷۲. کدام یک از علایم ظهور واقع شده است؟ ..... ۲۷۳
۷۳. آیا به نظر شما نیز نشانه‌های ظهور نزدیک است یا این، صرف تصوراتی است که ما داریم؟ ..... ۲۷۵
۷۴. دجال کیست؟ ..... ۲۷۶
۷۵. خراسانی کیست؟ ..... ۲۷۹
۷۶. منظور از قتل نفس زکیه چیست؟ ..... ۲۸۱
۷۷. درباره سید حسنی توضیح دهید. ..... ۲۸۳
۷۸. درباره یمانی توضیح دهید. ..... ۲۸۵
۷۹. سفیانی کیست؟ درباره او توضیح دهید. ..... ۲۸۶
۸۰. خواستار اطلاعاتی درباره چگونگی ظهور امام زمان علیه السلام هستیم. ..... ۲۸۷
۸۱. آیا امام زمان علیه السلام از زمان ظهور اطلاع دارد؟ ..... ۲۹۲
۸۲. حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام قیام خود را از کجا آغاز میکند؟ ..... ۲۹۳
۸۳. درباره جنگ‌های زمان ظهور اطلاعاتی می‌خواستم. ..... ۲۹۵
۸۴. زمان ظهور حضرت حجت، چه وقتی است؟ ..... ۲۹۷
۸۵. حضرت علی علیه السلام، هنگام قبول خلافت، فرمودند: «علت قبول خلافت از سوی من، عهد و مسؤولیتی است که خدا از عالمان و دانشمندان گرفته است که برابر شکمبارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان و بیچارگان سکوت نکنند. اینک مردم، اطراف مرا گرفته و اصرار به قبول آن دارند». چرا اکنون که مردم، این همه استغاثه میکنند و فریاد تمنای ظهور مهدی سر میدهند و ظلم و جور، بیداد میکند و فقر، گریبانگیر ملت‌ها شده است، حضرت نمی‌آید؟ ..... ۳۰۰

## فصل دهم

دوران ظهور و حکومت حضرت مهدی علیه السلام

۸۶. آیا پروژه جهانی سازی یا فرایند جهانی شدن با حکومت جهانی امام مهدی، همگرایی دارد یا واگرایی؟ ..... ۳۰۵
۸۷. آیا انقلاب مهدی علیه السلام الزاماً به حکومت واحد جهانی می انجامد؟ ..... ۳۰۸
۸۸. آیا با ظهور امام زمان علیه السلام همه مردم مسلمان میشوند؟ ..... ۳۱۲
۸۹. آیا با ظهور حضرت مهدی علیه السلام جهان دچار چه تغییر و تحولاتی خواهد شد؟ برنامه حکومتی و اصلاحی امام مهدی علیه السلام چیست؟ ..... ۳۱۵
۹۰. آیا امام زمان و اصحابش در عصر ظهور از امدادهای غیبی برخوردارند؟ ..... ۳۲۱
۹۱. منظور از کشته شدن شیطان به دست امام زمان علیه السلام چیست؟ ..... ۳۲۴
۹۲. اگر حضرت، شیطان را بکشند پس خیر و شر وجود ندارد و همه بهشتی می شوند. این، چگونه با عدالت خدا سازگار است که مردمان پس از ظهور، از فریبهای شیطان در امان خواهند ماند؟ ..... ۳۲۶
۹۳. آیا پس از ظهور یا قیام یا تشکیل حکومت بقیه الله، کسی هم گناه میکند؟ اختیار چه میشود؟ ..... ۳۳۰
۹۴. سیمای دوران ظهور و دوران حکومت امام مهدی علیه السلام چگونه است؟ ..... ۳۳۴
۹۵. در زمان ظهور امام زمان علیه السلام نقش و برنامه حضرت عیسی علیه السلام در حکومت آن حضرت چیست؟ ..... ۳۳۸
۹۶. آیا حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور خود، احکام جدید می آورند؟ ..... ۳۴۰
۹۷. منظور از دین و قرآن جدیدی که امام زمان علیه السلام می آورد، چیست؟ ..... ۳۴۲
۹۸. حکومت امام مهدی علیه السلام چه مدت به طول می انجامد؟ ..... ۳۴۴
۹۹. آیا امام زمان علیه السلام بعد از ظهور، به شهادت میرسند؟ چرا و چگونه؟ ..... ۳۴۵
۱۰۰. مسأله رجعت را کاملاً توضیح بفرمایید؟ ..... ۳۴۷

## مقدمه

وضعیت جهان در آستانه ظهور را می‌توان چنین تصور کرد  
گروهی از مردم برای کسب منافع بیشتر، به ظلم و ستم رو  
می‌آورند. اینان برای به دست آوردن امکانات بیشتر، از هیچ جنایتی  
روی گردان نیستند و به استثمار مردم اقدام می‌کنند و در کنار استفاده  
از ابزار ظلم، فساد را نیز در جامعه رواج می‌دهند. آنان سعی دارند با  
فریب مردم و کشاندن آنان به ورطه فساد، حاکمیت ظالمانه خود را  
ادامه دهند، و در این راستا، عده‌ای را به دامن فساد می‌کشانند.

مقابل این گروه، برخی دیگر از مردم که دین را ضامن سعادت و  
دولت امام مهدی علیه السلام را شایسته جامعه و منزلت انسان‌ها می‌دانند،  
ضمن تقویت درونی باورهای دینی، زمینه‌سازی برای دوران ظهور را  
سرلوحه برنامه‌های خود قرار می‌دهند و می‌کوشند مردم را با امام  
مهدی علیه السلام و واقعیت‌های حکومت او آشنا کنند، تا آنان آماده پذیرش  
ظهور شوند.

در آستانه ظهور، حرکت این دو گروه دین‌مدار و مستبد، به اوج  
می‌رسد و هر کدام با تلاش فراوان، سعی دارند مردم را با خود  
هم‌رأی کنند. نتیجه این تقابل، خواست عمومی مردم برای ظهور  
است.

فصل اول

## اديان، فرق و مذاهب



## آیا اعتقاد به آمدن منجی در آینده مخصوص مسلمانان و به ویژه شیعیان است؟

فوتوریسم<sup>۱</sup> به معنای اعتقاد به ظهور یک نجات‌دهنده بزرگ آسمانی و امید به آینده روشن که در آن، نگرانی‌ها و هراس‌ها مرتفع گردد و به برکت ظهور یک شخصیت ممتاز الهی، همه تاریکی‌ها از پهنه گیتی برچیده شود و ریشه ظلم و جهل و تباهی از روی کره زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره، همه‌جا و همه زمان‌ها، نزد تمام ملت‌ها شایع و رایج بوده است.

در کتاب‌های مربوط به مذاهب به نام‌ها و القاب مختلفی بر می‌خوریم؛ برای نمونه

– در مذهب یهود: سرور میکائیلی، عزیر، منحاس، ماشیح؛

---

۱. fotorism

- در مذهب مسیحیت: مهمید آخر، مسیح، پسر انسان؛

- در مکتب زرتشت: سوشیانس؛

- در مکتب هندوها: ویشنو، منصور، فرخنده؛

- در مکتب بودا: مایتریا، بودای پنجم؛

- در مذهب اسلام: مهدی، قائم؛

آنچه از تاریخ امت‌ها استفاده می‌شود، این است که مسأله عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخرالزمان، به نام منجی موعود جهان، به قدری اصیل و ریشه‌دار است که در اعماق دل ملت‌ها و پیروان همه ادیان الهی و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است، تا جایی که در طول تاریخ بشریت، انسان‌ها در فراز و نشیب‌های زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدري، پیوسته خود را از یأس و ناامیدی نجات می‌دادند و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه شماری می‌کنند.

باید توجه داشت در ادیان، منجی به افراد مختلفی اطلاق می‌شود؛ ولی در ویژگی‌های دوران ظهور، مشترکات فراوانی یافت می‌شود. تحت یک آیین قرار گرفتن مردم در دوران ظهور، اجرای عدالت فراگیر، نابودی مظاهر شرک و فساد، امنیت و آرامش کامل، حق‌گرایی عموم مردم، از بین رفتن فقر و آشکار شدن همه زیبایی‌ها، چیزی است که ادیان برای ظهور به تصویر کشیده‌اند.



## دیدگاه دین اسلام درباره ظهور منجی چیست؟

در دین مقدس اسلام، مسأله موعود و منجی، به روشنی مطرح شده است. قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان، در آیات متعدد به حاکمیت صالحان بر زمین و غلبه دین حق، اشاره دارد. از جمله آنها آیه ۱۰۵ از سوره انبیا است.<sup>۱</sup> خداوند، در این آیه تصریح می‌کند که زمین را بندگان صالح من به ارث می‌برند و در اختیار می‌گیرند. همچنین تصریح می‌کند که این امر، حقیقتی است که در کتب انبیای گذشته نیز بدان اشاره شده است. در آیه ۵۵ از سوره نور خداوند، به انسان‌هایی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند، وعده می‌دهد که خلافت و حکومت در زمین را به آنان وامی‌گذارد و دینشان را پابرجا و برقرار می‌سازد و در چنین زمانی، آرامش و امنیت کامل، در جهان ایجاد می‌شود و آدمیان به عبادت و بندگی خدا می‌پردازند.

خداوند، در سه جای قرآن (توبه: ۳۳ و ۳۴؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۸) تصریح می‌کند، دین اسلام بر همه ادیان غلبه خواهد کرد؛ هر چند کافران و مشرکان نخواهند و خود را شاهد بر چنین رویدادی معرفی

۱. و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أنَّ الارض یرثها عبادی الصالحون؛ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بنندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد».



می‌کند. البته، با توجه به روایاتی که در تفسیر و تبیین آیات الهی از پیشوایان معصوم صادر شده است، می‌توان دریافت که بیش از ۲۵۰ آیه از آیات قرآن، به امام مهدی علیه السلام و حاکمیت عدل و دین، اشاره دارد.<sup>۱</sup>

علاوه بر قرآن کریم، روایات متعددی از پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام درباره ظهور موعود و منجی، صادر شده است، به این مضمون که در آخرالزمان، فردی از فرزندان پیامبر که هم نام او است، قیام خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.

اعتقاد به ظهور امام مهدی علیه السلام چنان در میان مسلمانان ریشه دارد که علاوه بر آن که مورد قبول همه فرقه‌ها است و در کتب روایی مهم شیعه و سنی روایات متعددی درباره او ذکر شده است، کتاب‌های متعددی نیز ویژه آن حضرت به رشته تحریر در آمده است؛ برای نمونه، می‌توان از *کمال الدین و تمام النعمة*، اثر شیخ صدوق، *الغیبة*، نوشته نعمانی و *کتاب الغیبة*، نوشته شیخ طوسی از علمای گذشته و *منتخب الاثر*، اثر لطف‌الله صافی گلپایگانی از علمای معاصر شیعه، نام برد یا به *الفتن*، اثر ابن حماد و *الاربعین*، تألیف ابونعیم اصفهانی از اهل سنت اشاره کرد. در خطبه ۱۳۸ *نهج البلاغه* نیز، درباره امام مهدی علیه السلام و ظهور او مطالبی مطرح شده است.

۱. ر.ک: معجم احادیث الامام مهدی، ج ۵.

در سنن ابوداؤود که از کتاب‌های مهم اهل سنت است، در باب «ما جاء فی المهدی» حدیث شماره ۳۷۳۵ از ام‌سلمه نقل شده است که:

سمعت رسول الله يقول: «المهدی من عترتی من ولد فاطمة»؛ شنیدم پیامبر فرمود: «مهدی، از عترت من از نسل فاطمه است».

در حدیث شماره ۳۷۳۶ از ابی سعید خدری نقل شده است که رسول الله ﷺ فرمود: «المهدی منی اجلی الجبهة اقی الانف یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً؛ مهدی، از من است. او، فراخ پیشانی و ... است. زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده است».<sup>۱</sup>

ذکر این نکته مناسب است که به اعتقاد شیعه، امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است که در سال ۲۵۵ق به دنیا آمد و اکنون در پرده غیبت قرار دارد و تا زمانی که خداوند اذن ظهور و قیام دهد، زنده است؛ ولی به اعتقاد اهل سنت، او به دنیا نیامده است؛ بلکه در آخرالزمان و حدود چهل سال پیش از ظهورش، متولد خواهد شد.

۱. الطرائف، ترجمه داؤود الهامی، ص ۳۴۷.



## آیا درباره امام مهدی علیه السلام اعتقاداتی وجود دارد که شیعه و عامه (اهل سنت) در آنها اتفاق نظر داشته باشند؟

با رجوع به روایات موجود در منابع روایی و با نگاه به کلمات بزرگان و علمای هر دو فرقه، به موارد متعددی برمی‌خوریم که مورد قبول و اتفاق آنها می‌باشد، از جمله:

الف. هر دو گروه، ظهور حضرت مهدی علیه السلام را امری قطعی می‌دانند. مرحوم شهید صدر رحمته الله از علمای بزرگ شیعه در این باره می‌فرماید: به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام در جایگاه پیشوای منتظر برای تغییر جهان به جهانی بهتر، در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله به طور عموم و در روایات اهل بیت علیهم السلام به طور خصوص آمده است و به حدی بر این مسأله تاکید شده است که جای هیچ شکی برای انسان باقی نمی‌گذارد...<sup>۱</sup>

همچنین مرحوم شیخ محمد رضا مظفر از دیگر بزرگان مکتب شیعه می‌فرماید: مسأله بشارت به ظهور مهدی علیه السلام از اولاد فاطمه علیها السلام در آخر الزمان و این که زمین را از عدل و داد پر می‌کند بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد، از مسائلی است که به طور

۱. بحث حول المهدی، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

متواتر از پیامبر ﷺ رسیده است و مسلمانان در کتاب‌های روایی خود، آن‌ها را نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup>

ناصرالدین البانی از بزرگان اهل سنت می‌گوید: اما مسأله مهدی، باید دانسته شود که دربارهٔ خروج او احادیث صحیح بسیاری وارد شده است...<sup>۲</sup>

شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد از دیگر اندیشمندان اهل سنت می‌گوید: همانا کثرت احادیث مهدی ﷺ و تعدد طرق آن‌ها و اثبات آن‌ها در کتاب‌های اهل سنت به حدی رسیده است که بسیار دشوار به نظر می‌رسد بتوانیم بگوییم حقیقتی ندارد، مگر این‌که کسی جاهل بوده یا اهل جدل باشد، یا در سندهای آن‌ها دقت نکرده باشد و بر کلام بزرگان اهل علم واقف نباشد...<sup>۳</sup>

ب. یکی دیگر از مسائل مورد قبول هر دو گروه، موضوع فراگیر بودن دعوت و حکومت حضرت مهدی ﷺ است. خداوند متعال در قرآن کریم به این مطلب اشاره کرده و می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾<sup>۴</sup>؛ خداوند، به کسانی از شما بندگان که ایمان آورده و نیکوکار شوند، وعده داده

۱. عقائد الامامیه، ص ۷۷.

۲. ناصرالدین البانی، حول المهدی ﷺ، مجله التمدن الاسلامی، سال ۱۳۷۱ق.

۳. عبدالمحسن بن حمد العباد، «عقیده اهل السنة والاثار فی المهدی المنتظر»، مجله جامعة اسلامیة، ش ۳.

۴. نور (۲۴): ۵۵.

است آنان را بر روی زمین خلافت دهد....

امام باقر علیه السلام درباره گستره حکومت حضرت مهدی علیه السلام فرمود:  
 يملك القائم ثلاثمائة سنة ويزداد تسعا كما لبث اهل الكهف في كهفهم،  
 يملأ الارض عدلا و قسطا كما ملئت ظلما و جورا فيفتح الله له شرق الارض  
 و غربها؛ قائم علیه السلام ۳۰۹ سال مالک زمین می‌شود و در آن، حکومت  
 می‌کند؛ همان‌گونه که اهل کهف در غارشان درنگ کردند. زمین را  
 پر از عدل و داد خواهد کرد، آن‌گونه که پر از ظلم و جور شده  
 باشد. خداوند برای او شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد...».

احمد بن حنبل از بزرگان عامه و سر سلسله گروه حنابله، به  
 سندش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: تملأ الارض  
 ظلما و جوراً ثم يخرج رجل من عترتي يملك سبعا او تسعا فيملأ الارض  
 قسطا و عدلاً؛ زمین پر از ستم و ظلم می‌شود. در این هنگام،  
 شخصی از عترتم خروج می‌کند و در مدت هفت یا نه سال مالک  
 کل زمین خواهد شد. در این هنگام، زمین را پر از عدل و داد خواهد  
 کرد.

ج. با رجوع به روایات رسیده از هر دو گروه، پی می‌بریم که  
 همگی اتفاق دارند لقب منجی جهانی، «مهدی» است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸.

مرحوم علامه مجلسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:   
 یخرج المهدي و علی رأسه غمامة فیها مناد ینادی هذا المهدي خلیفة   
 الله فاتبعوه؛ مهدی خروج می‌کند، در حالی که بالای سر او ابری   
 است و میان آن ابر، کسی است که ندا می‌کند: «این، مهدی خلیفه   
 خدا است. او را پیروی کنید».

حاکم نیشابوری از علمای حدیث عامه به سند خود از ابو سعید   
 خدری نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدی منا اهل البیت؛   
 مهدی، از اهل بیت است».<sup>۱</sup>

د. از دیگر مواردی که همه مسلمانان اتفاق نظر دارند این که   
 مهدی موعود علیه السلام از ذریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از فرزندان فاطمه   
 زهرا علیها السلام است.

امام باقر علیه السلام فرمود: «المهدی رجل من ولد فاطمه؛ مهدی مردی از   
 اولاد فاطمه است».<sup>۲</sup>

در روایات اهل سنت از سعید بن مسیب نقل شده است: نزد   
 ام سلمه بودم که سخن از مهدی صلی الله علیه و آله به میان آمد. ام سلمه فرمود: از   
 رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «المهدی من ولد فاطمه؛<sup>۳</sup> مهدی

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱

۲. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۳

۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۸۶، ج ۴۰۸۶

از اولاد فاطمه است.»

ابو سعید خدری می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «لا تقوم الساعة حتى تمتلئ الارض ظلما و عدوانا. قال: ثم يخرج رجل من عترتي (أو من اهل بيتي) يملأها قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و عدوانا؛ قیامت بر پا نمی‌شود تا این که زمین پر از ظلم و جور شده باشد. فرمود: سپس مردی از عترتم یا از اهل بیتم [تردید از راوی است] قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همان گونه که پر از ظلم و جور شده است»<sup>۱</sup>.

ه نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدای او به امام مهدی علیه السلام از دیگر اموری است که هر دو گروه به آن اشاره کرده‌اند.

ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: و ينزل روح الله عیسی بن مریم فیصلى خلفه؛ نازل می‌شود روح الله عیسی بن مریم، پس نماز می‌خواند پشت سر او [امام مهدی] علیه السلام.<sup>۲</sup>

ابوهریره از راویان بزرگ عامه از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم؟ چگونه‌اید زمانی که فرزند مریم فرود آید؛ در حالی که امام شما فردی از خودتان است؟

در صحیح مسلم که از اصلی‌ترین کتب حدیثی اهل سنت است

۱. مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۵، باب ۳۳، ح ۳۱.

۳. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵.

آمده است که جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «دائماً طایفه‌ای از امتم بر حق و ظاهرند تا روز قیامت. سپس فرمود: عیسی بن مریم از آسمان فرود آید. امیر آنها به حضرت عیسی می‌گوید پیش آی و برای ما امامت کن او در جواب می‌گوید: «خیر به راستی بعضی از شما بر بعضی دیگر امیر است برای اکرام خدا بر این امت».<sup>۱</sup>

ابو سعید خدری از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: *منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه*<sup>۲</sup>؛ از ما است کسی که عیسی بن مریم به او اقتدا کرده و نماز می‌گزارد.

و. معرفی و بیان علایم ظهور نیز از دیگر امور مورد اتفاق است.

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: پس فرود می‌آید امیر لشکر سفیانی [همراه لشکرش] به [زمین] بیداء. پس منادی از آسمان ندا دهد: «ای بیداء نابود کن قوم [= لشکر] را». پس آنها را در خود فرو می‌برد.<sup>۳</sup>

عایشه از پیامبر ﷺ نقل کرده است: لشکری آهنگ کعبه می‌کند. پس هنگامی که به زمین بیداء درآمدند، [زمین] همه آنها را فرو می‌برد.<sup>۴</sup>

۱. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲. مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۷۹، ج ۶۷.

۴. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۷۹، ج ۲۰۱۲.



البته موارد اتفاقی دیگری نیز وجود دارد، مانند: امدادهای الهی، طلوع خورشید از مغرب، مشخصات ظاهری امام، فراوانی نعمت در زمان ظهور، بیعت بین رکن و مقام و... .



### چرا اهل تسنن معتقدند امام زمان علیه السلام هنوز به دنیا نیامده است؟

تمام مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، به اصل آمدن امام مهدی علیه السلام و قیام او اعتقاد دارند و این، به سبب روایات بسیار زیادی است که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این باره نقل شده است که به آمدنش بشارت داده و حتی اوصاف و ویژگی‌های جسمی او را نیز ذکر کرده است؛ مانند این که بر گونه راستش خال سیاهی دارد و بین دو دندان پیشینش، فاصله است. در روایات متعددی، نسب آن حضرت نیز ذکر شده است؛ مانند این که مهدی علیه السلام، از فرزندان علی و فاطمه علیهما السلام و نهمین از فرزندان حسین علیه السلام و ششمین از فرزندان جعفر صادق علیه السلام و پنجمین از فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام و نام پدرش حسن علیه السلام است.

وجود روایات فراوان درباره مهدی موعود، اعتقاد به آمدن مهدی را در آخرالزمان، عقیده‌ای مسلم میان مسلمانان قرار داده است؛ اما

درباره ولادت آن حضرت، میان شیعه و اکثریت اهل سنت، اختلاف است. عدم اعتقاد بسیاری از اهل سنت به ولادت حضرت مهدی علیه السلام علت‌هایی دارد، از جمله:

۱. مخفی بودن ولادت آن حضرت: آمدن مهدی موعود، از همان زمان نبی اکرم و صدر اسلام، امری مسلم و شایع و مورد توجه مسلمانان بود. سلاطین و حاکمان وقت هم از آن اخبار بی‌اطلاع نبودند و شنیده بودند که مهدی موعود، از نسل فاطمه و حسین علیه السلام به وجود می‌آید و حکومت ستمکاران به دستش منقرض می‌گردد و تمام زمین را از حکومت حق خود و عدل و داد پر خواهد کرد؛ به ویژه روایات متعددی که می‌گفت او، نهمین از فرزندان حسین علیه السلام است؛ لذا از پیدایش و ظهور او، در بیم و هراس بودند و در صدد بودند به هرگونه این خطر را از حکومت خود دفع کنند؛ به همین سبب، خانه‌های بنی‌هاشم - به ویژه خانه امام حسن عسکری علیه السلام - به شدت تحت کنترل و مراقبت مأموران مخفی و علنی دولت عباسی قرار داشت. حتی معتمد عباسی، به عده‌ای از زنان قابله مأموریت سری داده بود در خانه‌های بنی‌هاشم - به ویژه خانه امام حسن عسکری علیه السلام - رفت و آمد کنند و مراتب را گزارش دهند. او پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، دستور داد خانه آن حضرت را تفتیش و بازرسی کنند و گروهی از زنان قابله را فرستاد تا تمام کنیزان آن حضرت را معاینه کنند و اگر آبستنی بین آنان دیده

شد، بازداشت کنند. حتی به خانه امام عسکری علیه السلام هم اکتفا نکرد و دستور داد تمام خانه‌های شهر را با کمال دقت بازرسی و کنترل کنند.<sup>۱</sup> ولادت حضرت مهدی علیه السلام نیز به دلیل وضعیت سخت آن زمان، مخفی بود و امام حسن عسکری علیه السلام فرزند بزرگوار خود را تنها به خواص و معتمدان از شیعیان خود نشان می‌داد و او را امام و حجت بعد از خود معرفی می‌کرد. با این وضعیت، طبیعی است، اهل سنت که از اهل بیت پیامبر فاصله گرفته بودند، از ولادت آن حضرت مطلع نشوند؛ هر چند بنا بر روایات رسیده از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت مهدی علیه السلام از اولاد امام حسن عسکری علیه السلام و نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام معرفی شده بود.

۲. اجتناب از برخی لوازم احتمالی پذیرش ولادت حضرت مهدی علیه السلام: گفتیم روایاتی که درباره مهدی موعود آمده، بسیار زیاد و از نظر مضمون، بسیار متنوع است. در روایات بسیاری، از پیامبر اکرم نقل شده که تعداد امامان و خلفای بعد از من، دوازده نفر است. مجموع روایات شیعه و سنی در این باره ۹۲۵ حدیث است. در بسیاری از همین روایات، به نام دوازده نفر تصریح شده و این که اولشان امام علی علیه السلام و آخرشان امام مهدی موعود علیه السلام است و این که نه نفر از آنان، از نسل امام حسین علیه السلام هستند. در تعدادی از این روایات، تمام دوازده نفر نامشان یک به یک ذکر شده است. همچنین

۱. الارشاد مفید، اعلام الوری شیخ طبرسی، اصول کافی مرحوم کلینی.

در روایات متعددی آمده است که مهدی علیه السلام از اولاد امام علی علیه السلام است (۲۱۴ حدیث) و مهدی علیه السلام از اولاد فاطمه علیها السلام است (۱۹۲ حدیث) و امام مهدی علیه السلام نهمین از اولاد امام حسین علیه السلام است (۱۴۸ حدیث) و امام مهدی علیه السلام از اولاد امام محمد باقر علیه السلام است (۱۰۳ حدیث) و امام مهدی علیه السلام ششمین اولاد امام جعفر صادق علیه السلام است (۹۹ حدیث) و ... و این که امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است (۱۴۵ حدیث) و نام پدر مهدی، حسن است (۱۴۸ حدیث). برای اطلاع تفصیلی، مراجعه کنید به کتاب *منتخب الاثر*، نوشته آیت الله صافی گلپایگانی که این احادیث را به تفصیل و با ذکر منابع و مصادر شیعی و سنی آن نقل کرده است.

با توجه به این احادیث چنین به نظر می‌رسد که پذیرش ولادت حضرت مهدی علیه السلام از امام حسن عسکری علیه السلام توابعی دارد که تأیید عقیده شیعه در امامت و خلافت بلافصل امام علی علیه السلام و یازده فرزندش است و اگر اهل سنت آن را بپذیرند، می‌بایست خود را به زحمت و تکلف انداخته و به گونه‌ای در صدد توجیه برآیند؛ یعنی، پذیرش ولادت حضرت مهدی علیه السلام به طور حتم و لزوم، به پذیرش نظر شیعه در مسأله خلافت و امامت نمی‌انجامد؛ ولی اهل سنت را مقابل انبوهی از روایات قرار می‌دهد که باید خود را به زحمت و مشقت توجیه آن روایات بیندازند، لذا از اصل، ولادت آن حضرت را منکر می‌شوند.

ناگفته نماند شیعه، به دلیل عقلی، لزوم وجود امام را در هر عصر و دوره اثبات می‌کند و معتقد است هیچ‌گاه زمین از حجت خدا و واسطه فیض خالی نیست؛ ولی اهل سنت، این‌گونه مسایل و ادله عقلی را قبول ندارند.



### نظر عامه (اهل سنت) درباره ولادت امام مهدی علیه السلام چیست؟

میان عامه درباره این موضوع دو دیدگاه وجود دارد:

الف. اکثر آنان ولادت امام مهدی علیه السلام را قبول ندارند؛ بلکه معتقدند او در آخر الزمان به دنیا می‌آید.

ب. برخی از آنان، ولادت حضرت را پذیرفته‌اند؛ برای نمونه، موارد زیر ارائه می‌شود:

۱. محمد بن یوسف شافعی در کتاب *البیان فی اخبار صاحب الزمان*، می‌گوید: در تألیف کتاب، اخبار و روایات مربوط به مهدی صاحب الزمان را از غیر از طرق شیعه نقل کرده‌ام؛ هرچند آنچه شیعه در این زمینه معتقد است و پذیرفته است، صحیح و نقل آن، درست است.

این کتاب، بر ۲۵ فصل مشتمل است که در هر فصل، تنها روایاتی را که از دیدگاه اهل سنت معتبر است، نقل می‌کند. برخی از فصل-

های کتاب عبارت است از: مهدی در آخرالزمان خروج می‌کند؛ مهدی از نسل فاطمه زهرا است؛ حضرت عیسی در آخرالزمان به او اقتدا می‌کند؛ نام و کنیه‌اش، همانند پیامبر اکرم است؛ صفات و رنگ و چهره‌ی حضرت مهدی؛ مهدی، امام صالحی است که خلیفه‌الله است.

فصل بیست و پنجم این کتاب، در این زمینه است که مهدی از زمان غیبتش که در سرداب سامرا اتفاق افتاد، تاکنون زنده و باقی است. او، به اشکالاتی که در زمینه طول عمر حضرت و غیبت آن بزرگوار وجود دارد، پاسخ می‌دهد.

۲. محمد بن طلحه شافعی در کتاب *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول* می‌گوید: مهدی منتظر، در سال ۲۵۸ق، در سامرا متولد شد. پدرش، حسن بن علی بن محمد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن حسین بن علی المرتضی است. نام او محمد و کنیه‌اش ابوالقاسم و از القاب او حجت و خلف صالح و منتظر است.

سپس روایاتی را از پیامبر دربارهٔ مهدی علیه السلام موعود نقل می‌کند مبنی بر این‌که: «مهدی، از نسل من و از فرزندان فاطمه و هم‌نام من است؛ در آخرالزمان قیام می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، بعد از آن که از ظلم و جور پر شده است. این قیام، حتمی است، حتی اگر یک روز از عمر دنیا بیش‌تر باقی نمانده باشد». وی

پس از ذکر این روایات، آن‌ها را بر همان ابوالقاسم محمد بن حسن بن علی ... علی ابن ابی طالب متولد ۲۵۵ق تطبیق می‌کند و به اشکال‌ها و شبهاتی که در این باره ممکن است مطرح شود، پاسخ می‌دهد.

۳. سبط ابن جوزی حنفی در کتاب *تذکرة الخواص* می‌گوید: حضرت حجت مهدی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی ابن ابی-طالب است. کنیه او، ابوعبدالله و ابوالقاسم است و او است حضرت حجت و صاحب‌الزمان و قائم منتظر.

سپس از عبدالله بن عمر روایتی نقل می‌کند که رسول گرامی اسلام گفت: در آخرالزمان، مردی از فرزندان من قیام می‌کند که نام او همانند نام من و کنیه‌اش همانند کنیه من است و زمین را از عدل و داد پر می‌کند پس از آن که از ظلم و جور پر شده است.

۴. عبدالوهاب شعرانی در کتاب *الیواقیت و الجواهر*، که در بیان آرای اکابر و بزرگان علمای اهل سنت در مسائل مختلف عقیدتی است، فصلی را به وقایعی که پیش از روز رستاخیز و پایان دنیا حتماً اتفاق می‌افتد، اختصاص داده است که یکی از آن وقایع، قیام حضرت مهدی است که مفصلاً درباره آن بحث کرده است. او از قول برخی از اکابر علمای اهل سنت، نقل می‌کند که «مهدی، فرزند حسن عسکری است که در نیمه شعبان سال ۲۵۵ق متولد شد و

زنده باقی خواهد ماند، تا با عیسی ظهور کند و اکنون که سال ۹۵۸ هجری است، ۷۰۳ سال از عمر شریف او می‌گذرد».

نیز از قول شیخ محیی‌الدین عربی چنین نقل می‌کند: خروج مهدی، حتمی است بعد از آن که زمین از ظلم و جور پر شود؛ به گونه‌ای که حتی اگر یک روز از عمر دنیا بیش‌تر باقی نمانده باشد، حتماً مهدی قیام می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌کند. او، از نسل پیامبر اکرم و فاطمه علیها السلام است و جدش، حسین بن علی ابن ابی‌طالب است و پدرش حسن عسکری، فرزند علی النقی، فرزند محمد تقی، فرزند علی الرضا، فرزند موسی الکاظم، فرزند جعفر الصادق، فرزند محمد الباقر، فرزند زین العابدین علی، فرزند حسین، فرزند امام علی ابن ابی‌طالب علیه السلام است. اسمش، اسم رسول خدا و چهره‌اش، شبیه رسول خدا است و ...<sup>۱</sup>

ما به ذکر همین چند نمونه بسنده می‌کنیم. برای اطلاع بیش‌تر مراجعه کنید به: *کفایة الموحدين* نوشته شیخ طبرسی و *الامام المهدی*، اثر سید محمد کاظم قزوینی.

۱. *الیواقیت و الجواهر*، ج ۲، ص ۱۴۳.





## آیا دین یهود و یهودیان، ظهور منجی آخر الزمان را قبول دارند؟

در کتاب *تورات* و ملحقات آن، بشارات زیادی درباره آمدن موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخر الزمان آمده است که به قسمتی از آن اشاره می‌شود:

الف. بشارت ظهور در زبور داوود

در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر صدوپنجاه‌گانه، نوید ظهور آن موعود امم و منجی عالم موجود است:

زیرا که شیریان منقطع می‌شوند؛ اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد؛ چون که بازوهای شیریان شکسته می‌شود و خداوند، صدیقان را تکیه گاه است. خداوند، روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. صدیقان، وارث زمین شده، ابداً در آن ساکن خواهند شد؛ اما عاصیان، عاقبت، مستأصل و عاقبت، شیریان، منقطع خواهند شد.<sup>۱</sup>

از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصا زمین، سلطنت خواهد کرد. تمامی ملوک، با او کرنش خواهند کرد و تمامی امم او را بندگی

۱. کتاب *مزامیر*، مزمور ۳۷، بندهای ۹ - ۳۸.

خواهند کرد؛ زیرا، فقیر را وقتی که فریاد می‌کند و مسکین که نصرت‌کننده ندارد، خلاصی خواهد داد. و به ذلیل و محتاج، ترحم خواهد فرمود و جان‌های مسکینان را نجات خواهد داد.<sup>۱</sup>

قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد.<sup>۲</sup>

### ب. بشارت ظهور در کتاب اشعای نبی

در بخشی از این کتاب، خداوند، قریب‌الوقوع بودن تحقق عدالت خویش را وعده می‌دهد و مؤمنان را به اجرای عدالت فرا می‌خواند و می‌گوید: انصاف را نگاه بدارید، عدالت را جاری کنید؛ زیرا که آمدن نجات من و منکشف شدن عدالت من، نزدیک است.<sup>۳</sup>

آن گاه، انصاف، در بیابان، ساکن خواهد شد و عدالت، در بوستان مقیم خواهد گردید و عمل عدالت سلامتی و نتیجه عدالت، آرامی و اطمینان خاطر خواهد بود تا ابدالآباد. و قوم من، در مسکن، سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزل‌های آرامی، ساکن خواهند شد.<sup>۴</sup>

### ج. بشارت ظهور در کتاب زکریای نبی

در آن روز، یهوه [خدا] بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود و در

۱. همان، مزمور ۷۲.

۲. همان.

۳. کتاب اشعای نبی، باب ۵۹.

۴. همان، باب ۳۲.

آن روز، یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد.<sup>۱</sup>

د. بشارت ظهور در کتاب *دانیال نبی*

امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده، خواهد برخاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز، نبوده و در آن زمان، هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یاد شود، رستگار خواهد شد و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد؛ اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. و حکیمان، مثل روشنایی افلاک خواهند درخشید و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌کنند؛ مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الابد. اما توای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر، مهر کن. بسیاری به سرعت تردد خواهند کرد و علم افزوده خواهد گردید. خوشا به حال آن که انتظار کشد!<sup>۲</sup>

ه. بشارت ظهور در کتاب *حقوق نبی*

اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش؛ زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد...؛ بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند.<sup>۳</sup>

۱. کتاب *زکریای نبی*، باب ۱۴.

۲. کتاب *دانیال نبی*، باب ۱۲.

۳. کتاب *حقوق نبی*، فصل ۲، بندهای ۳.



## دیدگاه انجیل و مسیحیان دربارهٔ موعود چیست؟

نام کتاب مقدس مسیحیان، *انجیل* است که به دست چهار نفر جمع-آوری شده و به نام نویسندگان آن مشهور گشته است. انجیل کنونی، مشتمل بر چهار انجیل *متی*، *مرقس*، *لوقا* و *یوحنا* است. اینک، متن برخی از آن بشارت‌ها را که در انجیل آمده است، می‌آوریم:

### الف. انجیل متی:

و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب، تاریک گردد و ماه، نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و قوت‌های افلاک، متزلزل گردد. آن گاه علامت پسر انسان در آسمان پدیدار گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین، سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان، با قوت و جلال عظیمی می‌آید.<sup>۱</sup>

### ب. انجیل مرقس:

عیسی، خطاب به حواریون گفت: «زنهار کسی شما را گمراه نکند؛ زیرا که بسیاری به نام من آمده، خواهند گفت که من هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد؛ اما چون جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را

۱. انجیل متی، باب ۲۴.

بشنوید، مضطرب مشوید؛ زیرا وقوع این حوادث، ضروری است. لیکن انتها، هنوز نیست؛ زیرا امتی بر امتی و مملکتی بر مملکتی خواهند برخاست و زلزله‌ها در جای‌ها، حادث خواهد شد و اغتشاش‌ها پدید می‌آید و این‌ها، ابتدای دردها می‌باشد، لیکن شما از برای خود احتیاط کنید.

ولی از آن روز و ساعت، غیر از پدر، هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بیدار شده و دعا کنید؛ زیرا نمی‌دانید آن وقت کی می‌شود در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده، شما را خفته یابد.<sup>۱</sup>

#### ج. انجیل لوقا:

و کمرهای خود را ببندید، چراغ‌های خود را افروخته بدارید. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد. پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسر انسان می‌آید.<sup>۲</sup>

#### د. انجیل یوحنا:

و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند؛ زیرا پسر انسان است. از این تعجب نکنید؛ زیرا، ساعتی می‌آید که در آن، جمیع

۱. انجیل مرقس، باب ۱۳.

۲. انجیل لوقا، باب ۱۲.

کسانی که در قبورند، آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد.<sup>۱</sup>  
 لازم ذکر است در انجیل و ملحقات آن، هشتاد بار کلمه «پسر  
 انسان» آمده است که فقط سی مورد آن، با حضرت عیسی مسیح  
 قابل تطبیق است اما پنجاه مورد دیگر، از نجات‌دهنده‌ای سخن می-  
 گوید که در آخرالزمان و پایان روزگار ظهور خواهد کرد.<sup>۲</sup>



### آیا زرتشتیان آمدن مصلح آخر الزمان را باور دارند؟

زرتشتیان، از نظر فقهی و آداب مناسک دینی، علاوه بر اوستا، متون  
 جانبی مفصلی در دست دارند که طهارات و نجاسات و قوانین ازدواج  
 و طلاق و تجارت را دربردارد. در مجموعه اوستا، واژه «سوشیانس»  
 چه به صورت جمع و چه به صورت مفرد، به دفعات استفاده شده  
 است. سوشیانس، از ریشه «سویا» همان سود به معنای بهره و  
 منفعت گرفته شده که به مفهوم سودرسان است.

او را از این رو «سوشیانس» خوانند که به همه جهان مادی،  
 منفعت و سود می‌رساند.<sup>۳</sup>

۱. انجیل یوحنا، باب ۵.

۲. مستر هاکس آمریکائی، قاموس کتاب مقدس، به نقل از کتاب ظهور حضرت  
 مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، نوشته سید اسدالله هاشمی شهیدی.

۳. فروردین یشت، از اوستا، فقره ۱۲۹.

سوشیانس، در کاربردهای جمع خود، شامل زرتشت و حامیان و یاران و مبلغان نوسازان و آرایندگان جهان پایانی است که ویژگی‌های عمده آنان، عبارتند از: خردمندی و نیکوکاری و سودرسانی به همه موجودات و ستایش پروردگار و آراستن عالم معنوی و غلبه بر خصومت دیوان و پاک کردن جهان از دروغ.<sup>۱</sup> از آن جا که دین، با یک رهبر، یعنی زردشت شروع شد، با یک رهبر نیز به پایان می‌رسد و سوشیانس در پایان، پیشوای دینی و در واقع آخرین پیشوای دینی خواهد بود.<sup>۲</sup>

تفاوت عمده موعود اسلام و مزدیسنا، در آن است که مسلمانان، به زنده بودن موعودشان معتقد هستند، در صورتی که موعودهای مزدیسنا، تا پیش از ظهورشان، متولد نشده‌اند.

### ولادت موعود زرتشت

سی سال مانده به پایان آخرین هزاره هستی، دختری پانزده ساله از سلاله زرتشت که به مردی نپیوسته، از میان قومی خداپرست که بالای کوه اوشیدا<sup>۳</sup> نزدیک دریاچه کیسانیه قرار دارد، به دریاچه می‌رود و در آن آب، تن خویش را خواهد شست و جرعه-ای از آن را می‌نوشد و حامله می‌شود. پس از نه ماه، پسری بزاید موسوم به «استوت ارند» که به نام‌های سوسیوس، سوشیوس،

۱. پورداد، سوشیانس، ص ۱۰ و ۸

۲. دینکرد، کتاب نهم، فصل ۵۸، فقره ۱۵.

۳. oshida.

سوشیان، سوشیانس نیز خوانده می‌شود.<sup>۱</sup>  
این فرزند، در سی سالگی، به مکالمه اهورا مزدا موفق می‌شود و  
به نوکردن جهان، همت خواهد گماشت.

### نشانه‌های ظهور

آمدن سوشیانس، آن قدر طول می‌کشد که درباره او گویند که  
نمی‌آید؛ در حالی که او خواهد آمد.<sup>۲</sup> خورشید، در آسمان، به مدت  
سی شبانه روز، توقف می‌کند.<sup>۳</sup> سقوط یک شهاب یا ستاره به نام  
«جوز هر مار» یا «گوز هر» بر زمین است.<sup>۴</sup> نیز زمین لرزه بسیار  
بباشد؛ جوانان، زود پیر شوند و هر کس از کردار بد خود شاد است و  
ارجمند. مردم ستمگر را به نیکی دارند و مردم دیندار را به بدی.<sup>۵</sup>

### ویژگی‌های موعود

او، دارای فره‌ای قوی‌تر از سایر مردمان است؛  
با نگاه بخشایش، به جهان می‌نگرد؛  
با دیده خرد به خلائق می‌نگرد و جهان را جاودانگی می‌بخشد؛  
او، داناتر، راست‌گفتارتر، مددکار، خردمندتر از همه خلائق است.<sup>۶</sup>

۱. اوتسیدری، دانش مزدیسنا، ص ۱۳۷.

۲. وینکرد، کتاب نهم، فصل ۳۲، فقره اول.

۳. پور داد، سوشیانس، ص ۴۶.

۴. بندهش هندی، بخش ۲۶.

۵. یادگار جاماسب (جاماسب نامه)، ترجمه صادق هدایت، ص ۸ و ۱۱۷.

۶. اوستا، زامیاد یشت، ص ۹۴، یسنا ص ۳ و ۱۳.





**شنیده‌ام در دین باستانی هندوها دربارهٔ منجی مطالبی ذکر شده است. در این باره توضیحی بدهید.**

هندوها، دارای کتب مقدس متعددی هستند که در برخی از آن‌ها از آمدن مصلح و منجی سخن به میان آمده است که به مواردی اشاره می‌کنیم:

#### **الف. بشارت ظهور در کتاب اوپانیشاد**

این مظهر ویشنود (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله‌دار در دست دارد، ظاهر می‌شود و شیران را تماماً هلاک می‌سازد و خلقت را از نو، تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد. این مظهر دهم، در انقضای عالم، ظهور خواهد کرد.<sup>۱</sup>

#### **ب. بشارت ظهور در کتاب باسک**

دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریا و زمین‌ها و کوه‌ها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمان‌ها و زمین آنچه باشد، خبر دهد و از او بزرگ‌تر، کسی به دنیا

۱. اوپانیشاد، ترجمه محمد دار اشکوه، ج ۲، ص ۶۳۷

نیاید.<sup>۱</sup>

### ج. بشارت ظهور در کتاب پاتیکل

و دولت او، بسیار کشیده شود و عمر او از فرزندان ناموس اکبر، زیاده باشد و آخر دنیا به او تمام شود و بتخانه سومنات را خراب کند و هر بتی که در هر جا باشد، بشکند.<sup>۲</sup>

### د. بشارت ظهور در کتاب وشن جوک

آخر دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست می‌دارد و از بندگان خاص او است. نام او خجسته و فرخنده باشد. خلق را که در دین‌ها اختراع کرده و حق خدا و پیامبر را پایمال کرده‌اند، همه را زنده گرداند و بسوزاند و عالم را نو گرداند و هر بدی را سزا دهد.<sup>۳</sup>

### ه. بشارت ظهور در کتاب دید

پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلائق باشد و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هرچه از خدا بخواهد، برآید.<sup>۴</sup>

۱. بشارات عهدین، ص ۲۴۶.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۷۲.

۴. همان، ص ۲۴۵.



## گرایش انجمن حجتیه چیست؟ آیا مشروعیت دارند؟ برنامه آن‌ها چیست؟<sup>۱</sup>

در گذشته (زمان رژیم پهلوی) دو خطر عمده دین را تهدید می‌کرد:

۱. حزب توده که مرام مارکسیسم را میان جوانان نشر می‌داد که متدینان و ملی‌ها و حتی رژیم پهلوی همه با آن درگیر بودند.
۲. خطر بهائیت که فقط متدینان روی آن حساسیت داشته که پس از شهریور ۱۳۲۰ متوجه شدند آن‌ها در دستگاه پهلوی هم نفوذ کردند که به مبارزه با آن پرداختند با این وجود به لحاظ حمایت رژیم پهلوی، بهائیت در سطح بالای کشور (نخست‌وزیر، برخی از وزرا و...) نفوذ کردند.

### انگیزه تشکیل انجمن

در این اثنا تشکلی مذهبی از اواسط دهه سی به هدف مبارزه با بهائیت تهران و سایر شهرستان‌ها پدید آمد. رهبری این تشکل از سال ۱۳۳۲ ق در اختیار یک روحانی قرار گرفت که به جز سوابق حوزوی، در نهضت ملی شدن نفت نیز فعال بود. این تشکل که

۱. این مطالب درباره انجمن حجتیه از کتاب *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی و سیاسی*، نوشته رسول جعفریان ص ۳۶۸ - ۳۷۸ چاپ انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پاییز ۸۳، استفاده شده است.

«انجمن خیریه حجتیه» نامیده شد نه تنها در حوزه مبارزه با بهائیت، بلکه در محدوده وسیع‌تر و حتی بیش از دو دهه در تعمیق بسیاری از آموزش‌های دینی، ولی با برداشتی خاص در سطح جامعه مذهبی ایران مؤثر بود.

انجمن خیریه حجتیه مهدویه به سال ۱۳۳۲ش با تلاش حاج شیخ محمود تولایی (مشهور به حلبی) فعالیت خود را آغاز کرد، وی در سال ۱۲۸۰ش در شهر مشهد به دنیا آمد. وی دروس حوزوی خود را نزد اساتید به نام مشهد خواند. او افزون بر حضور در دروس خارج اصول فقه به تحصیل دروس معارف الهیه پرداخت که آثاری از او به جای مانده است. کار عمده آقای حلبی پس از شهریور ۱۳۲۰ش تبلیغ در قالب منبر بود و در این کار، مهارت و شهرت خاصی به دست آورد، تا آنجا که چندین سخنرانی وی از رادیو مشهد پخش و بعداً به صورت مجموعه‌ای به چاپ رسید.

در اواخر سال ۱۳۲۸ حلبی همراه جمعی از فعالان مذهبی مشهد و نیز انجمن‌ها و هیئات مذهبی به طور منظم با بهائیان درگیر بودند.

مرحوم حلبی در آستانه ملی شدن صنعت نفت به فعالیت‌های تبلیغی - سیاسی خود افزود و پس از آن، در جریان شکستی که در انتخابات مجلس هجدهم خورد، از فعالیت سیاسی کناره گرفت و دو سال بعد، به تهران آمد و به همان کار خطابه و منبر مشغول شد.

وی بخشی از فعالیت خود را به مبارزه با بهائیت اختصاص داد و تا پایان عمر همین مشی را ادامه داد. ایشان، روز جمعه ۲۶ دی ماه ۱۳۷۶ درگذشت و کنار مزار شیخ صدوق (ابن بابویه) در شهر ری به خاک سپرده شد.

مرحوم حلبی با همکاری جمعی از متدینان که با عنوان هیأت مدیره، امور انجمن را اداره می‌کردند تا آغاز پیروزی انقلاب اسلامی به فعالیت فرهنگی برضد فرقه بهائیت اشتغال داشت و به تربیت نیرو برای مقابله با بهائیان و تبلیغات آنان اهتمام داشت. انجمن طی ۲۵ سال فعالیت ضمن مبارزه با بهائیت، توانست جمع زیادی از نیروهای جوان را در بسیاری از شهرها به خود جذب کند.

انجمن اساسنامه‌ای داشت؛ از جمله مواد این اساسنامه این بود که «انجمن به هیچ وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسؤولیت هر نوع دخالتی را که در زمینه‌های سیاسی از طرف افراد منتسب به انجمن صورت گیرد، به عهده نخواهد داشت». (قابل ذکر است بعدها از این شعار دست برداشته و خلاف آن عمل کردند). این همان بندی بود که انقلابیون پیش و پس از انقلاب از آن ناراحت بودند.

### زمینه‌های فعالیت

انجمن در هر شهر دفتری داشت که تحت عنوان بیت (بیت امام زمان) شناخته می‌شد. این بیت، مسؤولی داشت و زیر نظر وی سه

گروه تدریس، تحقیق و ارشاد فعالیت می‌کردند. گروه نخست، به آموزش نیروها در سه مرحله ابتدایی، متوسطه و عالی می‌پرداختند. گروه دوم، به دنبال افرادی از مسلمانان بودند که تحت تأثیر بهائی‌ها به آیین آن‌ها گرویده بودند. و گروه سوم، کار ارشاد این افراد را با شیوه‌های خاص خود دنبال می‌کردند.

سخنرانی‌های عمومی در محافل که بیشتر، منازل بود، برگزار می‌شد و به طور معمول در سالروز تولد امام عصر علیه السلام نیز جشن‌های بزرگی برگزار می‌شد. بیشتر افرادی که از بهائیت برمی‌گشتند، توبه نامه و تبرا نامه‌ای می‌نوشتند که متن بسیاری از آن‌ها در یک مجموعه در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود.

وضعیت بعد از انقلاب اسلامی: به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی که به نوعی پیروزی مذهبی‌های سیاسی بود، انجمن به موضع انفعال افتاد و نیروهای تربیت شده در انجمن در سطوح مختلف، پس از انقلاب به سه دسته تقسیم شدند:

۱. برخی به انقلاب اسلامی پیوستند؛
۲. برخی برابر انقلاب بی‌تفاوت ماندند؛
۳. برخی به انتقاد از انقلاب پرداخته و به صف مخالفان - از نوع دیندار - پیوستند...

انجمن، چندی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، یعنی در شهریور ۱۳۵۷ مواضع خود را در ارتباط با سیاست تغییر داده شروع به

همراهی انقلاب کرد. (از جمله مواضع پیش از انقلاب این گروه: انقلاب امر ناممکن است، مگر آن که وابسته به یک قدرت خارجی باشد... همچنین می‌گفتند چه کسی مسؤول خون‌های ریخته شده در جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و بعد از آن می‌باشد؟)

پس از انقلاب از سوی برخی از رهبران انقلاب، انجمن به عنوان یک عنصر خطرناک معرفی شده و برای جلوگیری از نفوذ آن در مراکز، تبلیغات وسیعی بر ضد آنان شد و به مرور، به حذف شمار زیادی از چهره‌های مذهبی با سابقه منجر شد. طبعاً برخی از سوابق برخوردهای منفی رهبران انجمن با جریان انقلاب یک تجربه برای موضع‌گیری بر ضد آنان مورد استفاده قرار گرفت، برای نمونه، امام خمینی علیه السلام که در روزگاری آقای حلبی را تایید می‌کرد، در سال‌های پیش از انقلاب، به تدریج به حرکت انجمن بدبین شده و حمایت خود را قطع کرد. آقای گرامی - فردی که اخبار داخلی ایران را برای نجف می‌نوشته است - نامه‌ای در این باره به امام نوشته که پاسخ امام علیه السلام این بوده است: «از وقتی که مطلع شدم، دیگر تأییدی نکردم».

این جهت‌گیری‌ها ادامه پیدا کرد تا سر انجام در اثر بروز انحرافات در میان برخی از افراد انجمن (از قبیل کج اندیشی درباره خون شهیدان و شهید ندانستن کشته‌های جنگ تحمیلی و این که باید بگذاریم گناه زیاد شود تا آقا امام عصر علیه السلام ظهور کند و...) امام

خمینی رحمۃ اللہ علیہ در سخنرانی عید فطر سال ۱۳۶۲ بدون تصریح به نام انجمن، هشدارهای تکان‌دهنده دادند و در ضمن از ایشان خواسته شده که انحرافات خود را کنار بگذارند.

انجمن در سال ۱۳۶۲ رسماً تعطیلی خود را اعلام کرد و ضمن آن توضیح داد که خود را مصداق سخنان رهبر انقلاب نمی‌داند. بدین ترتیب انجمن منحل شد.

از مطالب گذشته پاسخ سؤال خواننده محترم روشن می‌شود که انجمن در ابتدا با گرایش مذهبی و مبارزه با بهائیت تاسیس و شروع به فعالیت نموده؛ ولی در سیر کار گرفتار انحرافات شدند که با موضع‌گیری سران انقلاب به ویژه رهبر کبیر انقلاب به انحلال انجمن منتهی شد. از لابه‌لای مطالب و موضع‌گیری‌های امام خمینی نیز پی می‌بریم نه تنها این گروه با امام زمان ارتباطی نداشته، بلکه برخی مواضع ایشان مخالف با ایده و هدف ظهور انقلاب جهانی حضرت بقیة الله می‌باشد.



فُعال فَعول

مهدی شناسی



## چگونه می‌توانیم سطح فکری و اعتقادی خود را در ارتباط با امام عصر علیه السلام بالاتر برده و عمیق‌تر کنیم؟

برای بالا بردن سطح فکری و اعتقادی به دو گزینه نیاز است:

۱. توجه به حضرت حق و دعا و انابه به درگاه او و توجه به وظایف دینی، تا دل روشن و پاک گردد و بتواند تجلی‌گاه انوار و معارف حق باشد. این انوار، هم الهامات الهی را شامل می‌شود و هم تفکر.

۲. مطالعه کتاب‌ها و گفت و گو با اندیشوران و صاحبان علم و فکر.

برای کسب معرفت از راه‌های زیر می‌توان بهره برد که هر یک دیگری را کامل می‌کند:

الف. راه عقل: اگر انسان کمی اندیشه کند درمی‌یابد برای رسیدن به سعادت و نیل به هدف از خلقت خود، نیاز به راهنمایی از طرف خداوند دارد. پس باید از طرف خداوند افرادی برای رساندن پیام

خداوند (نبوت و رسالت) انتخاب شوند؛ از این رو، عقل در می‌یابد نیاز به وحی و بعثت انبیا دارد.

انسان، علاوه بر آن که به وحی و ابلاغ آن به وسیله انبیا نیاز دارد، همچنین به تعلیم و تبیین آن توسط آنها نیز نیازمند است؛ زیرا از یک طرف، وحی‌های الهی در بسیاری از موارد حالت کلی دارد و از طرف دیگر، عقل بشر محدود بوده و توانایی درک درست و کامل وحی را ندارد. بر این اساس، انسان نیازمند فرمایشات و توضیحات انبیا می‌باشد.

گفتنی است انسان علاوه بر جسم، دارای روح است که شخصیت اصلی او را تشکیل می‌دهد. روح نیز همچون جسم دارای نیازمندی‌ها بوده و گرفتار آفت‌ها و بیماری‌ها می‌شود.

روح اگر بخواهد رشد و تعالی پیدا کند باید تحت تربیت قرار گرفته و تزکیه شود، نیازهای معنوی او تامین شود، آفت‌هایی که به آن دچار شده و یا ممکن است دچار شود شناسایی شده و با آن مبارزه شود. این مهم (رفع نیازها و مبارزه با آفت‌ها) فقط در سایه تربیت یک مربی پاک امکان دارد؛ از این رو خداوند تزکیه و طهارت نفوس را وظیفه انبیا شمرده است و در قرآن می‌فرماید: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ﴾: خداوند بر مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها

بخواند و آن‌ها را پاک کند و کتاب حکمت بیاموزد».<sup>۱</sup>

با بعثت آخرین پیامبر و رسول خدا حضرت محمد ﷺ پیام‌هایی که باید از طرف خداوند نازل می‌شد فرستاده شد و در اختیار انسان قرار گرفت که همان قرآن کریم بود. تا زمانی که پیامبر در میان مردم بود، به مقدار استعدادها و توانایی‌های مردم آن زمان دین را برایشان تبیین کرد و به تزکیه نفوس پرداخت. البته تبیین دین پیامبر، بر اساس علوم الهی بود که پیامبر در اختیار داشت و به سبب داشتن عصمتی که داشت ارشاد و تزکیه مردم را انجام می‌داد. عقل می‌گوید: بعد از رحلت پیامبر ﷺ نیز باید فردی مانند او (عالم به علم الهی و معصوم از هر خطا) باشد، تا وظیفه تبیین دین و تزکیه مردم را به عهده بگیرد؛ پس باید در هر زمان انسان عالم و معصومی همچون پیامبر باشد، تا انسان به واسطه هدایت‌ها و ارشادات او، راه کمال را بیمایند؛ اما این که چنین فردی، چه کسی می‌تواند باشد، باید از پیامبر پرسید؛ زیرا ما توانایی شناخت انسان عالم معصوم را نداریم؛ پس راه نقل (استفاده از گفتار) را باید بررسی کنیم.

ب. راه نقل: در احادیثی که از پیامبر ﷺ (و همچنین از پیشوایان معصوم) به ما رسیده است، علاوه بر تاکید بر نیاز انسان به عالم معصوم، افرادی که بعد از پیامبر عهده‌دار خلافت و جانشینی

۱. آل عمران (۳): ۱۶۴.

پیامبر هستند معرفی شده‌اند، از جمله در حدیث معروف ثقلین پیامبر فرمود: من دو شیء گرانبها در میان شما می‌گذارم، یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیت. اگر به این دو تمسک کنید [و از آنها پیروی کنید] هرگز گمراه نمی‌شوید. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند، تا در حوض [کوثر در قیامت] بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

طبق این حدیث، باید همیشه یک نفر از اهل بیت که عالم کامل و معصوم است در کنار قرآن باشد؛ چون قرآن دریای علم بوده و از هر خطا دور است.

و در حدیث معروف دیگر پیامبر فرمود: «خلفا و جانشینان من دوازده نفرند».<sup>۲</sup>

طبق این حدیث، آن اهل بیت که در کنار قرآن هستند، دوازده نفر خواهند بود.

در احادیث متعدد دیگر خداوند نام این دوازده نفر را ذکر کرده است؛ برای نمونه، وقتی آیه ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾<sup>۳</sup> نازل شد، از پیامبر درباره اولی الامر سؤال شد که که آنان چه کسانی هستند؟ پیامبر، آنان را معرفی کرد که اول آنها علی بن

۱. صحیح مسلم، ج ۴، ش ۲۴۰۸، چاپ عبدالباقی، ص ۱۸۰۳؛ سنن ترمذی، ج ۵، ش ۳۷۸۸، الاختجاج، ج ۱، ص ۲۱۶ و ۳۹۱.

۲. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۰۲ و ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۵؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۷۹؛ غیبت طوسی، ص ۸۸؛ غیبت نعمانی، ص ۷۵.

۳. نساء (۴): ۵۹.

ابی طالب است و سپس نام باقی امامان را تا امام مهدی علیه السلام فرمود.<sup>۱</sup> پس ما به کمک عقل و نقل فهمیدیم که امام زمان علیه السلام که در کنار قرآن قرار دارد و عالم به علم الهی و معصوم است، همان امام مهدی علیه السلام است.

البته باید با تفکر بیشتر و با استفاده از روایات، ادعیه و زیارات معرفت خود را به امام و مقام او بیشتر و عمیق تر کنیم. گفتنی است اگر انسان سعی کند ایمان را در خود تقویت کند و به وظایف دینی عمل کند، خداوند عنایت بیشتری به او کرده، او را در شناخت بهتر و کامل تر امام کمک می کند.

۳. از راه های مختلف می توان فهمید انسان چه مقدار به امام معرفت پیدا کرده است؛ از جمله:

- چه مقدار به او محبت دارد و به یاد او است؟
- در برابر شبهات، تا چه اندازه خود را می تواند حفظ کند و عقیده صحیح خود را از دست ندهد؟
- به وظایف دینی، چه مقدار توجه دارد و به آنها عمل می کند؟
- هر اندازه محبت و یاد امام بیشتر باشد و توجه به وظایف دینی دقیق تر و کامل تر باشد و انسان برابر شبهات مقاوم تر باشد، به همان اندازه معرفت پیدا کرده است.

بنابراین، باید به دو عنصر عقل نقل توجه کرد و از درگاه خداوند

توفیق خواست و با بالابردن صفت تقوا، با عمل به دین و تکالیف شرع، دل و روح و قلب را قابل پذیرش انوار الهی کرد.

در پایان بیان این نکته خالی از لطف نیست که هر چند دشمنان، از راه‌های گوناگون به مرزهای فکری و اعتقادی و اخلاقی هجوم برده و در صدد انحراف مردم - به خصوص جوانان - هستند؛ ولی عنایت الهی متوجه طرفداران حق است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾؛ کسی

که تقوای الهی را پیشه کند، [خداوند] برای او راه خروج [از بن بست‌ها را] قرار می‌دهد و به او روزی می‌دهد از جایی که گمان نمی‌برد و کسی که به خدا توکل کند، پس او برایش کافی است.<sup>۱</sup>

این رزق و روزی، شامل رزق و روزی معنوی و معرفتی نیز می‌شود. امام مهدی علیه السلام مراعات حال شیعیان را مهمل و رها نگذاشته است.<sup>۲</sup> رعایت حال در همه امور است؛ حتی امور معنوی و فکری؛ پس اگر علاوه بر تلاش علمی و مطالعاتی، تقوا پیشه کنیم و به دستورات دین پایبند باشیم، خداوند و امام علیه السلام توجه بیشتری به ما خواهند داشت و علاوه بر امداد در پیشرفت معرفتی و ایجاد آمادگی، ما را از کید دشمنان حفظ می‌کنند.

۱. طلاق (۶۵): ۳ و ۲.

۲. نامه به شیخ مفید، الاحتجاج، مرحوم طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۵.

## ۱۶

خلاصه‌ای از زندگی امام مهدی علیه السلام را بگویید.

آخرین امام شیعیان و دوازدهمین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق در سامرا، یکی از شهرهای عراق، دیده به جهان گشود. پدر گرامی او، پیشوای یازدهم امام حسن عسکری علیه السلام و مادر بزرگوار آن حضرت بانویی شایسته به نام «نرجس» بود. نام و کنیه امام زمان علیه السلام همان نام و کنیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و لقب‌های مشهور آن حضرت عبارت است از: مهدی (هدایت شده‌ای که مردم را به حق می‌خواند)، قائم (قیام برای حق می‌کند)، منتظر (همه، در انتظار مقدم اویند)، بقیة الله (باقی مانده حجت‌های خدا و آخرین ذخیره او)، صاحب الزمان، ولی عصر (حاکم و فرمانروای یگانه زمان).

با توجه به این که فرمانروایان ستمگر عباسی به دنبال قتل آن بزرگوار بودند، لذا ولادت آن حضرت پنهانی بود. حتی نزدیکان امام عسکری علیه السلام نیز از ولادت او بی‌اطلاع بودند. حکیمه خاتون (عمه بزرگوار امام یازدهم) که بزرگ بانوان حرم اهل بیت بود نیز در شب نیمه شعبان و چند ساعت پیش از ولادت، از واقع شدن این امر



بزرگ آگاه شد و این، بدان سبب بود که اثر حمل و نشانه بارداری در نرجس خاتون، به قدرت خدا، دیده نمی‌شد.

در روایات، شمایل و اوصاف حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است از جمله: چهره‌ای گندمگون، پیشانی بلند، ابروان هلالی، چشمان سیاه و درشت و... اهل عبادت و شب زنده‌داری، زهد و پارسایی، صبر و بردباری، عدالت و نیکوکاری.

زندگی آن حضرت شامل سه دوره پرفراز و نشیب است:

دوران اختفا: زندگی پنهانی آن حضرت که از آغاز ولادت تا شهادت پدر را شامل می‌شود. در این دوران امام حسن عسکری علیه السلام با نوشتن نامه و دادن عقیقه، نزدیکان و خواص را از ولادت امام مهدی علیه السلام آگاه کرد.<sup>۱</sup>

در این دوره، برخی افراد، به دیدار امام زمان علیه السلام موفق شدند. محمد بن عثمان که یکی از بزرگان شیعه است، می‌گوید: چهل نفر از شیعیان، نزد امام یازدهم گرد آمدیم. آن حضرت، فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: «پس از من، این، امام شما و جانشین من است. از او فرمان برید و بعد از من، در دین خود پراکنده نشوید که هلاک می‌شوید».<sup>۲</sup>

دوران غیبت: این زمان، از هنگام شهادت امام یازدهم علیه السلام شروع

۱. کمال الدین، ج ۲، ب ۴۳.

۲. همان، ب ۴۳، ح ۲.

می‌شود و تا ظهور ادامه دارد. علت غیبت آن حضرت، به روشنی معلوم نیست؛ ولی از حکمت‌های آن، نجات از قتل و امتحان مردم است.

غیبت آن حضرت دو مرحله دارد:

الف. غیبت کوتاه مدت (صغرا): که از سال ۲۶۰ (هنگام شهادت

امام یازدهم) تا سال ۳۲۹ یعنی حدود هفتاد سال طول کشید.

مهم‌ترین ویژگی این دوره، آن است که مردم، از طریق نایبان

خاص، یعنی عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید

عمری، حسین بن روح و علی بن محمد سمري، با امام مهدی علیه السلام

در ارتباط بودند و به وسیله آنان، سؤالات خود را می‌پرسیدند و

پیام‌ها و پاسخ‌های حضرت را دریافت می‌کردند. در این دوره نیز

برخی از ارادتمندان، موفق به دیدار حضرت شدند.

ب. غیبت بلند مدت (کبرا): در آخرین روزهای عمر نایب چهارم،

در نامه‌ای، امام زمان علیه السلام خطاب به او، خبر رحلت او را تا شش روز

دیگر اعلام می‌کند. امام، از او می‌خواهد که دیگر فردی را به عنوان

نایب خاص، از طرف ایشان معرفی نکند. بدین گونه دوران غیبت

کبری شروع شد. امام، در این دوره، عالمان و فقیهان را به عنوان

نایب عام به مردم معرفی کرد و از آنان خواست که در امور خود به

عالمان رجوع کنند.<sup>۱</sup>

البته باید توجه داشت هر چند امام در پرده غیبت قرار دارد؛ مردم از شمع وجود او بهره می‌برند. در روایت مشهور از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ<sup>۱</sup> و خود حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام<sup>۲</sup> امام غایب، به خورشید پشت ابر تشبیه شده است که مردم از آن بهره می‌برند.

در این دوران پرفراز و نشیب مردم باید در انتظار مقدم او باشند و به وظیفه یک منتظر واقعی عمل کنند و برای ظهور زمینه‌سازی بکنند، برخی نیز موفق به دیدار آن عزیز شدند که نمونه آن، تشریف حاج علی بغدادی است که در کتاب *مفاتیح الجنان* ذکر شده است.

**دوران ظهور:** این دوره، از ظهور حضرت تا رحلت ایشان را شامل می‌شود. پس از آن که شرایط ظهور فراهم گشت و علایم ظهور؛ مانند خروج سفیانی و ندای آسمانی پدیدار شد، آن یگانه دوران، در مکه ظاهر می‌شود و همراه یاران در مسجد الحرام، ظهور خود را اعلام می‌دارد. پس از سیطره بر مکه و اصلاح امور، به طرف مدینه و سایر نقاط به حرکت در می‌آید و با پاکسازی جهان از ظلم و شرک، عدل و دین را بر این زمین خسته از سیاهی می‌گستراند. در این دوران است که زمین، خرم و آباد می‌گردد و برکاتش را به مردم ارزنی می‌دارد.

**اما برخی ویژگی‌های ایشان از زبان روایات:**

از امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است: تعرفون المهدی بالسکینه و الوقار

۱. همان.

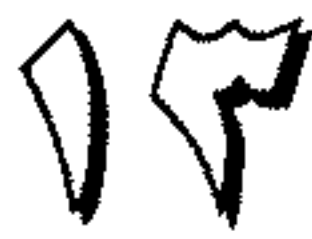
۲. همان، ب، ۴۵، ح ۴.

و بمعرفة الحلال و الحرام و بحاجة الناس اليه و لا يحتاج الى احد؛ مهدی را با آرامش و وقار و شناخت حلال و حرام و نیاز همگان به او و بی‌نیازی او از دیگران خواهید شناخت.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: فوالله ما لباسه الا الغليظ و لا طعامه الا الجشب؛ به خدا سوگند! لباس او جز پارچه‌ای زبر و خشن و غذای او، جز غذای ساده نیست.

از امام رضا علیه السلام نقل شده است: يكون اعلم الناس و احكم الناس و اتقى الناس و اسخى الناس و اعبد الناس؛ او عالم‌ترین مردم و حکیم‌ترین مردم و با تقواترین مردم، و سخی‌ترین مردم و عابدترین مردم است.

نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده است: المهدي سمي بالمال، شديد على العمال، رحيم بالمساكين؛ مهدی، بخشنده‌ای است که مال را به وفور می‌بخشد، بر کارگزاران و مسؤولین دولت خویش بسیار سختگیر است، و بر بینوایان بسیار رؤوف و مهربان است.



### چگونه حضرت که در یک مکان است، ناظر همه جا می‌باشد؟

باید دانست که حاضر و ناظر دانستن امام به این معنا نیست که امام با چشم سر، افراد را نگاه می‌کند؛ همان‌گونه که شاهد و ناظر بودن خدا نیز شهود و دیدن مادی نیست. بلکه امام دارای حقیقت وجودی بسیار بلندی است که مربوط به گستره این عالم مادی نیست. در بسیاری از اخبار، برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام غیر از آنچه که ما آن را نفس و روح می‌نامیم، مقامی والاتر اثبات شده و آن مقام نورانیت است. در روایتی نقل شده است «نخستین چیزی که خدای متعال آفرید، نور پیامبر اکرم و امامان بود». در روایت دیگر آمده است: «خداوند در آغاز، نور محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی عَلَيْهِ السَّلَام را خلق کرد» و در روایتی دیگر بیان شده است: «خداوند، از نور عظمت خویش، آنان را آفرید».

آفرینش از نور خدا، چندان برای ما روشن نیست، ولی می‌توان گفت غیر مادی و مقامی بس بلند است. این مقام نورانیت، چون محیط و دربردارنده زمان‌ها و مکان‌ها است، بر همه چیز احاطه وجودی دارد و نمونه و مثلی است برای علم الهی؛ یعنی همان‌گونه که خدای متعال بر همه ما سوای خویش، احاطه حضوری دارد و

این، به زمان و مکان ربطی ندارد، آن‌ها نیز که مظهر تام اسمای الهی‌اند و علمشان هم مظهر علم الهی است، به موجودات احاطه حضوری دارند.

بر این اساس، استقرار حضرت در مکانی از مکان‌های این کره خاکی، با شاهد و ناظر بودن او منافاتی ندارد. استقرار برای بدن مادی است و شاهد و ناظر بودن، مربوط به مقام نورانیت و روح مظهر آنان که وسعت وجودی دارد می‌باشد.<sup>۱</sup>



**آیا موقع گناه، امامان علیهم‌السلام ناظر اعمال ما هستند و آیا اعمال ما به امام عصر علیه‌السلام عرضه می‌شود؟ اگر این چنین باشد، لقب «ستار العیوب» بودن خدا برای چیست؟**

روایات عرضه اعمال خدمت امام عصر، علیه‌السلام معتبرند و نافی ستاریت خداوند نیست. میان پیروان مکتب اهل بیت، با توجه به اخبار فراوانی که از امامان رسیده، عقیده این است که پیامبر و امامان علیهم‌السلام از اعمال همه امت آگاه می‌شوند؛ یعنی خداوند از طرق خاصی اعمال امت را بر آنان عرضه می‌دارد. روایات، در این زمینه، بسیار است. پیش از آوردن حدیث، برای تایید موضوع، آیاتی را که به

۱. معارف قرآن، بحث انسان شناسی، ص ۴۱۱ و ۴۱۲.

موضوع عرضه اعمال بر پیامبر و امام دلالت دارد، می‌آوریم. خدای سبحان در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا لِغَدٍ إِنَّكُمْ لَعِندَ اللَّهِ لَمُعْمَلُونَ﴾؛ بگو: عمل کنید، خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند...<sup>۱</sup>

از طرفی، نبی مکرم اسلام ﷺ شاهد و گواه امت است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا﴾؛<sup>۲</sup> و «فكيف إذا جئنا من كل أمة بشهيد و جئنا بك على هؤلاء شهيداً؛ حال آنان چگونه است آن روز که برای هر امت، گواهی بر اعمالشان می‌طلبیم و تو را گواه بر اعمال آنان قرار خواهیم داد؟»<sup>۳</sup>

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید: هر عملی که انسان انجام می‌دهد، از خیر یا شر، خدا و رسولش و مؤمنان، حقیقت عمل خیر یا عمل شر را مشاهده می‌کند؛<sup>۴</sup>

منظور از «مؤمنون» در آیه ۱۰۵ از سوره توبه، امامان عليهم السلام هستند. یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام درباره این آیه پرسیدم. فرمود: «مؤمنان، امامان هستند».<sup>۵</sup> پس اعمال انسانی، از

۱. توبه (۹): ۱۰۵.

۲. احزاب (۳/۳): ۴۵؛ «ای پیامبر ما تو را گواه فرستادیم».

۳. نساء (۴): ۴۱.

۴. المیزان، ج ۹، ص ۳۹۸.

۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۸.

خیر و شر، به رسول خدا و امامان علیهم السلام عرضه می‌شود. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

در هر بامداد، کردار بندگان نیکوکار و فاسق بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود؛ پس بر حذر باشید از کردار ناشایست. همین است معنای قول خدای تعالی «قل اعملوا فسیری الله علیکم و رسوله...»<sup>۱</sup> بنابراین پیامبر و امامان علیهم السلام از حقیقت اعمال بندگان با خبر هستند و اعمال آنان را مشاهده می‌کنند.

معنای ستار بودن خدا، آن است که اعمال انسان‌ها را از دیگر انسان‌ها می‌پوشاند تا آبروی آنان حفظ گردد. پیامبر و امامان علیهم السلام مظهر اسما و صفات الهی هستند. همان‌گونه که خداوند، ناظر بر اعمال مردم است، پیامبر و امامان نیز چشم خدا میان خلق هستند و اعمال آنان را می‌بینند. آن روایتی نیز که فرموده است، خدا، اعمال را حتی از چشم پیامبر مخفی می‌کند، به مواردی خاص اشاره دارد، تا رحمت بیکران الهی را به تصویر کشد.

ضمن آن که نظارت پیامبر و امام بر اعمال مردم، همانند نظارت خداوند، آثار سازنده فراوانی دارد؛ یعنی همان‌گونه که ستاریت پروردگار، برای تربیت و رشد مردم است، عرضه اعمال مردم بر پیامبر و امامان نیز در همین جهت است؛ زیرا آنان، هادیان امت از طرف خداوند و فیض الهی از طریق آن بزرگواران بر بندگان نازل



می‌شود؛ بنابراین، هیچ تنافی و تناقضی مشاهده نمی‌شود.

آیت الله جوادی آملی می‌فرماید:

خداوند متعال که ستار العیوب است، می‌داند کجا ستاری بکند و کجا ستاری نکند. اگر کسی ستار عیوب دیگران باشد و در عین حال مخفیانه مرتکب گناهی شود، ذات اقدس اله اجازه نخواهد داد اسرارش نزد دیگران افشا شود. حتی در قیامت خداوند اجازه نمی‌دهد کسانی که کنار یک‌دیگرند از اعمال هم باخبر شوند؛ بنابراین، عملکرد خود شخص بسیار مهم است. اگر کسی پرده دیگران را نبرد و آشکارا به گناه دست نیازد، خداوند، پرده‌اش را نمی‌برد. بر این اساس، کسی که با قلم و بیان و اندیشه‌های ناصواب خود آبروی دین خدا و مردم را می‌برد، به جایی می‌رسد که شایسته نیست خداوند متعال آبروی او را حفظ کند. در این موقعیت، خدای سبحان اجازه می‌دهد صاحب‌بدلان ببینند او چه کرده است و حتی احتمال دارد در قیامت، مقابل دیگران رسوا شود.<sup>۱</sup>

## ۱۵

این که امام زمان علیه السلام بر طبق روایاتی، دارای زن و فرزند هست، از نظر سند، معتبر است یا نه؟

دلیل معتبری نداریم که موضوع ازدواج حضرت مهدی علیه السلام و وجود فرزند برای آن حضرت را به طور قطع، اثبات یا نفی کند. البته، بعضی برای اثبات ازدواج حضرت دلیل آورده‌اند که ازدواج، سنت پیامبر است و امام مهدی، حتماً به سنت پیامبر عمل می‌کند؛ ولی باید گفت، آن حضرت، در شرایط غیبت به سر می‌برد که یک زندگی استثنایی است؛ بنابراین، امکان دارد ازدواج را تا عادی شدن زندگی خود، به تاخیر بیندازند.

در عین حال، اگر حضرت، در همه عمر شریف خود یک بار هم ازدواج کرده باشد و در زمانی محدود، همسری داشته باشند، به سنت نبوی عمل کرده است. و لزومی ندارد همیشه، همسر و فرزندان داشته باشد.

روایات و ادعیه‌ای که برخی، به آن‌ها استناد می‌کنند و برای حضرت فرزندان را می‌شمارند، در مواردی، به دو صورت است؛ در یک روایت، کلمه «ولد» (فرزند) ذکر شده و در روایتی دیگر، کلمه «ولی» (ملازم). به علاوه، معمول آن‌ها، قابل حمل و تطبیق به زمان ظهور است. برخی، استنادشان به جزیره خضرا و مانند آن است که

اصل چنین قضایایی، بسیار محلّ نظر و تأمل است (که در محل خود به آن اشاره شده است).

در مقابل، برخی دیگر، ازدواج و همسر و فرزند داشتن را هم منافی با امر غیبت دانسته‌اند و هم از لحاظ اجتماعی، قابل سوء استفاده. همچنین در روایتی نقل شده: به امام رضا علیه السلام عرض کردند: «برای ما روایت شده که امام از دنیا نمی‌رود، تا آن که نسل خود را ببیند». حضرت فرمود: آیا درباره این حدیث گفته نشده است که: به جز قائم! بنا بر این، در باره ازدواج و همسر و فرزند داشتن حضرت یا نفی آن، به صورت قاطع، نمی‌توان سخن گفت. علاوه بر این که این مسأله، یکی از مباحث فرعی در میان مباحث مهدویت است که اطلاع نداشتن از آن، ضرری ندارد و پی‌گیری آن نیز ثمری ندارد.

## ۱۶

### محل زندگی حضرت مهدی علیه السلام در دوره غیبت کجا است؟ آیا داستان جزیره خضرا واقعیت دارد؟

آنچه درباره محل زندگی حضرت مهدی علیه السلام گفته می‌شود، براساس حدس و گمان است؛ زیرا غیبت امام، خود دلیل روشنی بر آن است که مکان شناخته شده‌ای برای آن حضرت، وجود ندارد.

داستان جزیره خضرا که در *بحار الأنوار* آمده است، اعتباری ندارد و عالمان و کارشناسان دینی، آن را رد کرده‌اند و دلائل سستی و بی‌اعتباری آن را بیان کرده‌اند.<sup>۱</sup> در این داستان، ادعا شده است که امام مهدی علیه السلام و فرزندانش، در جزیره‌ای سبز و خرم زندگی می‌کنند. این مطلب، با آنچه درباره امامان معصوم علیهم السلام شنیده‌ایم، از همراهی و همسانی با شیعیان که در سختی‌ها و رنج‌ها زندگی می‌کنند، سازگاری ندارد. نیز این داستان مشتمل بر مطالبی متناقض و متضاد است و در آن سخن از تحریف قرآن به میان آمده است. به علاوه، راوی این داستان نیز ناشناس است. مرحوم مجلسی، خود می‌گوید داستان جزیره خضرا را در کتب معتبر نیافتیم.<sup>۲</sup>

مقابل داستان فوق، روایاتی داریم که می‌گویند آن حضرت، میان مردم زندگی می‌کند و در راه‌های آن‌ها قدم می‌گذارد و بر فرش‌های آنان، پا می‌نهد. این‌ها، حاکی از حضور مداوم و مستمر حضرت در میان شیعیان است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: سوگند به خدای علی! حجت خدا، میان مردم هست و در راه‌ها گام بر می‌دارد؛ به خانه‌های آن‌ها سر می‌زند و در شرق و غرب زمین، رفت و آمد می‌کند. گفتار مردم را می‌شنود و بر ایشان سلام می‌کند و می‌بیند و دیده نمی‌شود، تا وقت معین و وعده الهی.<sup>۳</sup>

۱. رک به: *دادگستر جهان*، اثر ابراهیم امینی و *جزیره خضرا، افسانه یا واقعیت*، ابوالفضل طریقه‌دار.

۲. *بحار الأنوار*، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

۳. *نحیبت نعمانی*، باب ۱۰، حدیث ۳، ص ۱۴۶.



### چطور ممکن است امام مهدی علیه السلام دارای عمری چنین طولانی باشد؟

سرچشمه این سؤال و علت طرح آن، این است که آنچه در جهان امروز، معمول و متداول است، عمرهای محدودی است که حداکثر بین ۸۰ تا ۱۰۰ سال طول می‌کشد (البته هم اکنون عمرهای بالای صد سال هم یافت می‌شود که بسیار کم است).

دیدگاه علوم تجربی: عمر طولانی از نظر عقل و دانش بشری، امری غیر ممکن نیست و دانشمندان، با مطالعه اجزای بدن، به این حقیقت رسیده‌اند که ممکن است انسان، سال‌های بسیار طولانی زنده بماند و حتی گرفتار پیری و فرسودگی هم نشود. برنارد شاو می‌گوید:

از اصول علمی مورد پذیرش همه دانشمندان بیولوژیست، این است که برای عمر بشر، نمی‌توان حدی تعیین کرد و حتی دیرزیستی نیز مسأله مرزناپذیری است.<sup>۱</sup>

پروفسور اتینگر می‌نویسد: به نظر من با پیشرفت تکنیک‌ها و کاری که ما شروع کرده‌ایم، بشر قرن بیست و یکم خواهد توانست

۱. راز طول عمر امام زمان علیه السلام، ص ۱۳.

هزاران سال عمر کند.<sup>۱</sup>

بنابراین تلاش دانشمندان برای دست یافتن به راه‌های غلبه بر پیری و رسیدن به دراز عمری، نشانگر امکان چنین پدیده‌ای است؛ چنان‌که در این مسیر، گام‌های موفقیت‌آمیزی نیز برداشته شده است و هم‌اکنون در گوشه و کنار جهان، هستند افرادی که بر اثر شرایط مناسب آب و هوایی و تغذیه مناسب و فعالیت مناسب بدنی و فکری و عوامل دیگر، عمری نزدیک به صدوپنجاه سال و گاهی بیشتر از آن دارند.

بیان کتب و ادیان آسمانی: مهم‌تر این‌که عمر طولانی در گذشته تاریخ انسان‌ها بارها تجربه شده است و در کتاب‌های آسمانی و تاریخی، انسان‌های زیادی با نام و نشان و شرح حال یاد شده‌اند که مدت عمر آن‌ها بسیار درازتر از عمر بشر امروز بوده است؛ برای نمونه چند مورد را بیان می‌کنیم:

۱. در قرآن، آیه‌ای هست که نه تنها از عمر طولانی، بلکه از امکان عمر جاویدان خبر می‌دهد و آن آیه درباره حضرت یونس علیه السلام است که می‌فرماید: اگر او [یونس] علیه السلام در شکم ماهی تسبیح نمی‌گفت، تا روز رستاخیز در شکم ماهی می‌ماند.<sup>۲</sup>

با توجه به این آیه شریفه، عمر بسیار طولانی (از عصر یونس علیه السلام)

۱. مجله دانشمند، سال ۶، ش ۶، ص ۱۴۷.

۲. صافات (۳۷): ۱۴۴.

تا روز رستاخیز) که در اصطلاح زیست‌شناسان، عمر جاویدان نامیده می‌شود، برای انسان و ماهی از نظر قرآن کریم امکان‌پذیر است.

۲. قرآن کریم درباره حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید: به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم پس ۹۵۰ سال میان آن‌ها درنگ کرد.<sup>۱</sup>

آنچه در این آیه شریف آمده است مدت پیامبری آن حضرت است و براساس برخی روایات، عمر آن بزرگوار ۲۴۵۰ سال طول کشیده است.<sup>۲</sup>

جالب این‌که در روایتی از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که فرمود: در امام مهدی علیه السلام سنت و شیوه‌ای از زندگی حضرت نوح علیه السلام است و آن، طول عمر است.<sup>۳</sup>

۳. قرآن درباره حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: ... و هرگز او را نکشتند و به دار نیاویختند؛ بلکه امر به آن‌ها مشتبه شد... به یقین او را نکشتند؛ بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد که خداوند، توانا و فرزانه است.<sup>۴</sup>

همه مسلمانان به استناد قرآن و احادیث فراوان معتقدند عیسی علیه السلام زنده است و در آسمان‌ها است و هنگام ظهور حضرت

۱. عنکبوت (۲۹): ۱۴.

۲. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۴۶، ح ۳.

۳. همان، ج ۱، باب ۲۱، ح ۴.

۴. نساء (۴): ۱۵۷.

مهدی علیه السلام فرود آمده، او را یاری خواهد کرد.

امام باقر علیه السلام فرمود: در صاحب این امر [مهدی علیه السلام] چهار سنت از چهارتن از پیامبران است... و از عیسی علیه السلام سنتی دارد و آن این که می گویند: «او فوت کرده است»؛ در حالی که او زنده می باشد.<sup>۱</sup>

علاوه بر قرآن، در تورات و انجیل نیز سخن از دراز عمران مطرح گردیده است. در تورات آمده است:

... تمام ایامِ آدم که زیست، ۹۳۰ سال بود که مُرد... جمله ایام «انوش» ۹۰۵ سال بود که مُرد... و تمام ایام قینان ۹۱۰ سال بود که مُرد... پس جمله ایام متوشالاح ۹۶۹ سال بود که مُرد...<sup>۲</sup>

بنابراین *تورات*، به صراحت به وجود افرادی با داشتن عمرهای طولانی (بیش از نهصد سال) اعتراف می کند.

در *انجیل* نیز عباراتی موجود است که نشانگر آن است که عیسی علیه السلام پس از به دار کشیده شدن، زنده گردیده و به آسمان رفته است.<sup>۳</sup> و در روزگاری فرود خواهد آمد. مسلم است که عمر آن بزرگوار از دو هزار سال بیشتر است.

با این بیان روشن می شود پیروان دو آئین یهود و مسیحیت، باید به علت اعتقاد به کتاب مقدس، به عمرهای طولانی نیز معتقد باشند.

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷.

۲. *زنده روزگاران*، ص ۱۳۲ به نقل از تورات - ترجمه فاضل خانی - سفر پیدایش باب پنجم، آیات ۵ - ۳۲.

۳. *زنده روزگاران*، ص ۱۳۴ به نقل از عهد جدید، کتاب اعمال رسولان، باب اول، آیات ۱ - ۱۲.



قدرت الهی: گذشته از این که طول عمر، از نظر علمی و عقلی پذیرفتنی است و در گذشته تاریخ، موارد بسیار دارد، در مقیاس قدرت بی‌نهایت خداوند نیز قابل اثبات است. به اعتقاد همه پیروان ادیان آسمانی، تمام ذرات عالم در اختیار خداوند است و تأثیر همه سبب‌ها و علّت‌ها به اراده او بستگی دارد. اگر او نخواهد، سبب‌ها از تأثیر باز می‌ماند و نیز بدون سبب و علّت طبیعی، ایجاد می‌کند و می‌آفریند. او خدایی است که از دل کوه، شتری بیرون می‌آورد و آتش سوزنده را بر ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت می‌سازد<sup>۱</sup> و دریا را برای موسی و پیروانش خشک می‌کند و آن‌ها را از میان دو دیوار آبی عبور می‌دهد.<sup>۲</sup> این‌ها حقایقی است که در قرآن کریم آمده است - آیا از این که به عصاره انبیا و اولیا و آخرین ذخیره الهی و نهایت آمال و آرزوی همه نیکان و تحقق بخش وعده بزرگ قرآن را عمری طولانی بدهد، ناتوان خواهد بود؟!

امام حسن مجتبی علیه السلام فرموده است: ... خداوند، عمر او [مهدی علیه السلام] را در دوران غیبتش طولانی می‌کند، سپس به قدرت خدایی‌اش او را در سیمای جوانی زیر چهل سال آشکار می‌سازد، تا مردمان دریابند که خداوند، بر هر کاری توانا است.<sup>۳</sup>

نظرگاه عقل: همه امور، از دیدگاه عقل بر اساس یک نگاه به دو

۱. انبیا (۲۱): ۶۹

۲. شعرا (۲۶): ۶۳

۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

دسته کلی تقسیم می‌شوند:

**الف. امور عادی:** اموری که طبق روند طبیعی شناخته شده تحقق می‌یابند و برای علوم تجربی، قابل اثبات و نزد مردم، روشن است؛ مانند سیر طبیعی تشکیل ابر و بارش باران یا رشد و باروری و میوه دهی عادی یک درخت.

**ب. امور محال:** اموری که امکان پیدایش آنها نیست؛ زیرا شرایط تحقق پدیده در آنها موجود نمی‌باشد. باید توجه داشت که امور محال نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند:

محال عقلی، امری که از نظر عقل، به هیچ عنوان موجود نمی‌شود؛ زیرا به تناقض می‌انجامد.

محال عادی، امری که تحقق آن، در حالت عادی محال است؛ ولی عقل پیدایش آن را نفی نمی‌کند؛ مانند معجزاتی که از انبیای گرامی صادر می‌شد. این گونه امور، چون دارای شرایط و زمینه‌های شناخته شده نیستند به صورت عادی محال است موجود شوند؛ ولی با وجود علل و شرایط خاص، عقل پیدایش آنها را ممکن می‌داند (البته این دیدگاه، تبیین دیگری از قدرت خدا است).

بنابراین جریان طول عمر امام دوازدهم علیه السلام، از ابعاد مختلف عقلی و علمی و تاریخی امری ممکن و پذیرفتنی است و پیش از همه این‌ها، از جلوه‌های اراده خداوند بزرگ و توانا است.<sup>۱</sup>

۱. ر.ک: زنده روزگاران، اثر دکتر فریدونی.



با توجه به عمر بسیار طولانی و بعید امام زمان علیه السلام چکار کنیم که یقین ما به وجود آن حضرت بیشتر شود؛ زیرا متأسفانه، میان قشر دانشجو، کسانی را می‌بینیم که حتی درباره وجود آن حضرت شک دارند و می‌گویند اگر هست، چرا تا به حال کسی او را ندیده است یا لااقل ما نشنیده‌ایم در چند سال اخیر، کسی او را دیده باشد؟

برای اثبات وجود هر چیزی، اگر راه مناسب آن پیموده شود، بسیاری از سوالات و شبهات نیز پاسخ خود را پیدا می‌کند. آیا عمر طولانی برای یک انسان، از نگاه عقل، محال است یا علم تجربی آن را ناممکن می‌داند یا از قدرت خداوند خارج است، تا به سبب آن بتوان وجود حضرت را منکر شد؟ نه عقل آن را محال می‌داند، نه علم تجربی آن را غیر ممکن بر می‌شمارد و نه از قدرت خدا خارج است که عمر انسانی را طولانی قرار بدهد. آیا صرف ندیدن، می‌تواند علت انکار وجود چیزی باشد؟ یقیناً این‌گونه نیست. خیلی از موجودات هستند که دیده نمی‌شوند؛ ولی انسان به وجود آنها اعتقاد دارد؛ مانند خدا و عقل و بهشت و جهنم... به علاوه کسانی بوده‌اند در طی سالیان دراز، او را دیده‌اند و از محضر او بهره برده‌اند. بله؛ عده زیادی نیز او را ندیده‌اند؛ زیرا دوران غیبت است و ملاقات‌های عمومی، با این دوره سازگاری ندارد.

برای اثبات وجود و ازدیاد یقین به وجود حضرت، می‌توان از راه عقل و نقل استفاده کرد. راه عقل، مقداری فنی‌تر و پیچیده‌تر است و ذهن باید تلاش بیشتری از خود نشان دهد. راه نقل، ساده‌تر و متنوع‌تر است و برای همه مردم قابل فهم است.

### دلیل عقلی

به اعتقاد ما، برای ادامه حیات انسان‌ها، وجود یک حجت الهی و واسطه فیض لازم است؛ چرا که آدمیان برای حیات خود، نیاز به کسب فیض از مبدأ فیاض (خداوند) دارند و چون از حیث وجود ضعیفند و توانایی درک فیض از خداوند را که در نهایت شدت وجود است، ندارند، باید در این بین، واسطه‌ای باشد که از حیث وجودی، شدید و قوی باشد، تا فیض از طریق او به انسان‌ها، و سایر مخلوقات برسد. آن واسطه، باید کسی باشد که جنبه الهی و معنوی او به قدری بالا باشد که در درجه بالای وجود قرار گیرد و قابلیت درک فیض را پیدا کند. به این واسطه، «حجت خدا» گویند.

این بیان، علاوه بر آن که در فلسفه و عرفان ثابت است، مورد اشاره روایات قرار گرفته است. مرحوم کلینی در کافی، بابی را مطرح کرده است به نام «ان الارض لا تخلو من حجة»<sup>۱</sup> و باب‌های دیگر.

به راستی، چقدر فاصله است میان مکتب شیعه با سایر مکاتب و

شرایع که واسطه‌ای بین خود و خدا ندارند؛ چرا که یهودیان، مسیحیان، مسلمانان سنی معتقدند با وفات پیامبر، ارتباط با مبدأ اعلی، قطع شده و واسطه فیضی در کار نیست.

### راه نقل

روایات در این زمینه، فراوان است و به گونه‌های مختلفی، وجود امام را ثابت می‌کند. برخی روایات، به صورت عام، وجود حجت خدا را در هر زمان ثابت می‌کند که به دو روایت اشاره می‌کنیم:

پیامبر ﷺ در کلامی فرمود: هر کس بمیرد و امام زمان خودش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.<sup>۱</sup>

در این حدیث شریف، پیامبر تصریح دارد که انسان، امام زمان خودش را اگر نشناخت، دچار مرگ جاهلی می‌شود. پس باید در هر زمان، امام و حجت خدا باشد و مردم او را بشناسند، تا دچار مرگ جاهلی نشوند.

در حدیث معروف ثقلین، پیامبر، اهل بیت خود را کنار قرآن قرار داد و فرمود: این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض بر من وارد شوند.

و فرمود: «اگر به این دو تمسک بجوئید، گمراه نمی‌شوید».<sup>۲</sup>

این حدیث، در بردارنده نکاتی است:

الف. قرآن، تا آخر عمر دنیا باقی است؛ پس باید تا آخر عمر دنیا،

فردی از اهل بیت باشد.

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۶.

۲. همان، ص ۱۰۴.

ب. از قرآن باید پیروی کرد؛ پس باید از آن فرد نیز پیروی کرد.  
 ج. قرآن، معصوم از خطا است؛ پس او نیز باید معصوم از اشتباه باشد.  
 د. قرآن، هادی کامل است؛ پس او نیز باید دریای علم و معرفت باشد.  
 با توجه به حدیث معروف دوازده خلیفه و با توجه به روایات متعددی که نام این بزرگواران را ذکر کرده‌اند؛ مانند حدیث لوح و با توجه به این که یازده نفر از آن پاکان، به شهادت رسیدند، روشن می‌شود که حجت خدا در این زمان حضرت مهدی علیه السلام است، که واسطه فیض الهی است. در برخی روایات، به این عبارات بر می‌خوریم: اول آنان علی علیه السلام و آخر آنها مهدی علیه السلام است. و نه نفر از آنان، از فرزندان حسین علیه السلام هستند و نهمین آنان، قائم ایشان است.<sup>۱</sup>  
 برخی روایات، مربوط به وجود مقدس امام مهدی علیه السلام است که به ابعاد مختلف وجود و زندگی ایشان اشاره دارد؛ از جمله روایاتی به این مضمون: او، پنجمین از فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام است. او، چهارمین از فرزندان امام رضا علیه السلام است. او، سومین از فرزندان امام جواد علیه السلام است. او، پسر امام حسن عسکری علیه السلام است. نیز روایاتی که به غیبت او و چگونگی انتفاع مردم از وی در زمان غیبت و مخفی بودن ولادت او و طول عمر او و علت غیبت او اشاره دارند.<sup>۲</sup>  
 به علاوه برای اثبات ولادت و وجود یک انسان، باید به تاریخ

۱. منتخب الاثر، فصل اول.

۲. همان، فصل دوم.

مراجعه کرد. در کتب تاریخی به مباحثی برمی‌خوریم که به روشنی، بر ولادت و حیات آن بزرگوار دلالت دارد؛ مانند معرفی مادر آن بزرگوار، داستان ولادت مخفیانه، افرادی که ایشان را دیده‌اند، و کلا و نایبان خاص....

این مباحث، در کتب ویژه امام زمان علیه السلام جمع‌آوری شده است. از کتب قدیم، می‌توان به کتاب *کمال الدین و تمام النعمة*، اثر مرحوم شیخ صدوق اشاره کرد و از کتبی که جدیداً به رشته تحریر درآمده است، می‌توان به کتاب‌های *منتخب الاثر* از آیت‌الله صافی، *د/دگستر جهان* از آیت‌الله ابراهیم امینی، *خورشید مغرب* از آقای حکیمی و *نگین آفرینش* اثر جمعی از نویسندگان اشاره کرد.

مطلبی را که نباید از نظر دور داشت، این است که از ویژگی‌های مکتب تشیع، آثار باقی‌مانده از پیشوایان و گذشتگان است که آیندگان را به گذشته آن‌ها پیوند می‌دهد و خود، سندی بر وجود این دین و مکتب می‌شود. وجود حرم‌ها و مشاهد مشرفه، مساجد و زیارتگاه‌ها، همه بیانگر تاریخ زندگی پیشوایان معصوم است. این، امری است که یهودیان و مسیحیان از آن محرومند و از این رو برای برخی، اصل وجود پیامبرانی چون موسی و عیسی علیهما السلام و دین یهود و مسیح، مورد تشکیک است.

درباره امام زمان نیز مکان‌هایی منتسب به ایشان وجود دارد که هر کدام به گونه‌ای افراد را به فکر فرو می‌برد که صاحب این مکان

کیست. مساجدی مانند مسجد سهله و جمکران یا سرداب غیبت در سامرا و یا مقام امام زمان علیه السلام کنار نهر علقمه. به راستی، این مساجد و اماکن، چه چیزی را بیان می‌کند و چه کسی را نشان می‌دهد؟ مسافرت این مردمی که با یک دنیا عشق و نیاز به این محل‌ها و اماکن دیگر بار می‌بندند و از آن عزیز عنایت می‌گیرند، چه پیام‌هایی دارد؟ آیا در همه چیز می‌توان شک کرد؟ دعوت قرآن برای سیر در زمین و تدبیر و تفکر برای چیست؟ آیا با بستن چشم، می‌توان منکر وجود خورشید و نورافشانی آن شد؟ باید خواند و فکر کرد.



کتابخانه

# امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

چرا در قرآن کریم به صورت صریح و روشن درباره حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته نشده است؟ در کجای قرآن درباره آن حضرت صحبت شده است؟ با توجه به ذکر واضح و صریح پیامبر اسلام در تورات، چرا در قرآن به طور روشن حضرت مهدی علیه السلام معرفی نشده است؟

قرآن کریم، در جایگاه قانون اساسی اسلام، در بسیاری از موارد، کلیات مسائل اسلامی را مطرح کرده است و بیان بسیاری از حقایق را به پیامبر و جانشینان او واگذار کرده است و صریحاً، پیامبر را مبتنی و مفسر قرآن معرفی کرده است:

﴿و انزلنا الیک الذکر لتبین الناس ما نزل الیهم﴾؛ قرآن را بر تو نازل

کردیم، تا آنچه را بر مردم نازل شده است، برای آنان بیان کنی.<sup>۱</sup>  
نکته لطیف این که خداوند از کلمه تبیین استفاده کرده است که



به معنای توضیح و تفسیر است، نه از الفاظی مانند قرائت و تلاوت که به معنای خواندن است.

خداوند، در قرآن کریم برای معرفی افراد از روش‌های مختلفی استفاده کرده است؛ برای نمونه:

الف. معرفی به نام: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾<sup>۱</sup> «محمد ﷺ پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است».

ب. معرفی با عدد: ﴿وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾<sup>۲</sup> «خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها، دوازده نقیب [سرپرست] برانگیختیم».

ج. معرفی با صفت: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يَحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتُ وَ يَحْرَمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ وَ يُضَعُّ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...﴾<sup>۳</sup> «همانا که از فرستاده (خدا) پیامبر امی پیروی کنید؛ پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می‌یابند: آنها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد؛

۱. احزاب (۳۳): ۴۰.

۲. مائده (۵): ۱۲.

۳. اعراف (۷): ۱۵۷.

اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند؛ و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد...».

بنابراین، غیر از وجود مقدس امام مهدی علیه السلام موارد فراوان دیگری هست که در قرآن به صراحت از آنها سخن به میان نیامده است. این که نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با صراحت در تورات آمده است، دلیل بر این نیست که باید نام مهدی علیه السلام هم در قرآن با صراحت بیاید؛ چون، ممکن است همان‌گونه که آنجا مصلحت ذکر صریح بود، این-جا مصلحت در عدم صراحت به نام امام مهدی علیه السلام باشد، اگر چه با تصریح نام نیز مشکل حق‌ستیزان حل نمی‌شود؛ چنان که بشارت پیامبر در تورات و انجیل آمد؛ ولی بسیاری از اهل کتاب ایمان نیاوردند. مخالفت بنی اسرائیل با پیامبر زمان خود درباره فرماندهی طالوت<sup>۱</sup> دلیل دیگری است بر این که ذکر نام همه جا و همیشه اختلاف را از بین نمی‌برد. بنی اسرائیل در مخالفتی آشکار با پیامبرشان - با این که نام فرمانده به صراحت گفته شده بود - گفتند:

﴿أَنى يكون له الملك علينا و نحن أحق بالملك منه و لم يؤت سعة من المال﴾<sup>۲</sup>؛ چگونه او فرمانروای ما باشد، با این که ما برای فرمانروایی از او سزاوارتریم و به او مال گسترده‌ای هم داده نشده است.»

۱. بقره (۲): ۲۴۶-۲۶۷.

۲. بقره (۲): ۲۴۷.

بزرگان گفته‌اند اگر نام امام مهدی علیه السلام یا سایر امامان، با صراحت در قرآن ذکر می‌شد، انگیزه مخالفان برای تحریف قرآن، فراوان می‌شد و این سند جاوید الهی، در خطر تحریف قرار می‌گرفت. به‌علاوه این‌گونه نیست که تنها راه بیان حقایق، تصریح به اسم و رسم آن‌ها باشد؛ بلکه در بسیاری از موارد، با بیان ویژگی‌های یک حقیقت، البته به صورتی آشکار و روشن، می‌توان حقیقتی را به دیگران معرفی کرد. قرآن کریم، در مسأله امامت و ولایت و نیز مهدویت و حکومت عدل جهانی، از این شیوه بهره گرفته است. در آیات متعدد، ولایت پس از پیامبر (مائده (۵): ۵۵) و حکومت جهانی مهدوی (نور (۲۴): ۵۵) را در قالب بیان ویژگی‌ها و صفات، بیان کرده است.

مفسران قرآن، با استفاده از روایات پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام بیش از ۲۵۰ آیه از قرآن را درباره امام مهدی علیه السلام و حکومت جهانی او و یاوران صالح او آورده‌اند. در این باره، کتاب‌های مستقلی هم نوشته شده است، مانند *سیمای امام مهدی علیه السلام در قرآن*، ترجمه حائری قزوینی و *امام زمان در آینه قرآن*، نوشته علی اکبر مهدی پور. بعضی از آن آیات عبارت است از:

﴿و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون ان فی هذا لبلاغاً لقوم عابدين﴾؛ به تحقیق در زبور، از پس تورات نوشتیم که مسلماً، زمین را بندگان صالح من، به ارث خواهند برد. به یقین، در این

سخن، پیام رسایی است برای قومی که بندگان خدایند»<sup>۱</sup>.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ  
 كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ  
 ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛ خداوند، کسانی از شما را که ایمان  
 آوردند و عمل صالح انجام دادند، وعده فرمود که آنان را قطعاً در  
 زمین به خلافت خواهد گمارد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از  
 آنان بودند به خلافت گمارد و قطعاً برایشان دینشان را مستقر  
 خواهد کرد؛ دینی که آن را برای‌شان پذیرفت و آنان را از پس  
 خوفشان به حالت امنیت، دگرگون می‌کند؛ آن چنان که مرا عبادت  
 می‌کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس بعد از آن کفر  
 ورزد، قطعاً آنان فاسقند.<sup>۲</sup>

۱. انبیا (۲۱): ۱۰۵ و ۱۰۶.

۲. نور (۲۴): ۵۵.



## آیا واسطه فیض بودن امام زمان علیه السلام، در نعمت‌ها و در عالم وجود غیر از روایات، ریشه قرآنی هم دارد؟

باید توجه داشت که فهم واسطه فیض بودن امامان علیهم السلام از آیات، به تدبیر و دقت احتیاج دارد و مقدمات متعددی را برای نتیجه‌گیری نیاز دارد و چنان نیست که به سادگی بتوان از آیات، چنین حقیقتی را فهمید. به هر حال، در این باره به مباحثی می‌توان اشاره کرد:

### شفاعت

یکی از معارفی که قرآن در آیات فراوان به آن اشاره می‌فرماید، شفاعت است. معنای شفیع، واسطه است. خداوند، میان خود و موجودات دیگر، شفیعان یا به اصطلاح واسطه‌هایی را قرار داده است. علامه طباطبایی رحمته الله، در بیان معنای شفاعت می‌فرماید:

شفاعت، دو قسم است: تکوینی و تشریحی. شفاعت تکوینی، از تمام اسباب وجودی سر می‌زند و همه اسباب، نزد خداوند، شفیع هستند؛ چون، میان خدا و مسبب خود واسطه‌اند، اما شفاعت تشریحی که در دایره تکلیف و مجازات واقع است، خود، دو نوع است: شفاعت در دنیا و شفاعت در قیامت که باعث آمرزش گناهان و قرب

به خدا می‌شود.<sup>۱</sup>

با توجه به این مطلب، آیاتی که در آنها به شفاعت و سببیت اشاره شده است، واسطه فیض بودن را می‌رساند. البته این واسطه فیض بودن، شامل همه موجودات است که مصداق کامل آن، امامان هستند؛ زیرا آنان، از نظر قدرت وجودی و قرب به خداوند، از همه موجودات بالاتر هستند؛ برای نمونه در آیه سوم سوره یونس، خداوند می‌فرماید:

﴿ثم استوى على العرش يدبر الأمر ما من شفيع الا من بعد اذنه﴾؛  
سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت؛  
هیچ شفاعت کننده‌ای، جز با اذن او نیست»

و آیه ۲۵۵ از سوره بقره چنین است: ﴿له ما فى السموات و الارض من ذا الذى يشفع عنده الا باذنه﴾؛ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟ (بنابراین، شفاعت کنندگان برای آنها که شایسته شفاعتند از مالکیت او نمی‌کاهد)».

مرحوم علامه طباطبایی تصریح می‌فرماید: که منظور از این دو آیه، شفاعت تکوینی است<sup>۲</sup> در ذیل آیه دوم در تفسیر عیاشی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که منظور از این شفیعان، ما هستیم، پس هر خیر و خوبی

۱. ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲. همان، ص ۲۴۲.



که به ما می‌رسد، با شفاعت و وساطت و سببیت امامان است. وقتی دعا می‌کنیم، امامان، مریض ما را شفا دهند، در حقیقت، آنان در عالم تکوین تصرف می‌کنند و این بهبودی را از خداوند متعال می‌گیرند و این هم نوعی وساطت در فیض است. فرشتگان که در آیات فراونی، واسطه بین خداوند و موجودات دیگر معرفی شده‌اند، سجده بر انسان کامل می‌کنند و این خود، نشانه مقام بلند انسان کامل است. طبیعی است هر موجود قوی‌تر و نزدیک‌تر به خداوند، سبب و واسطه میان خدا و موجودات پایین‌تر است؛ پس انسان کامل، واسطه میان فرشتگان و خداوند است و این واسطه بودن، همان واسطه بودن در وجود و فیض هستی است.

### نورانیت

خداوند، در آیه ۳۵ از سوره نور می‌فرماید: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾؛ خداوند، نور آسمان‌ها و زمین است. در تفسیر این آیه، مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: «ظهور اشیا به نور الهی، عین وجود یافتن آن‌ها است».<sup>۱</sup>

در ادامه آیه می‌فرماید: ﴿مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ...﴾؛ «مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که...». این آیه، ثابت می‌کند، نور خداوند، مثلی دارد و در روایت ذیل این آیه، مثل به اهل بیت تطبیق داده شده است.<sup>۲</sup>

۱. همان، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۲.

نیز خداوند در آیه ۶۹ از سوره زمر می‌فرماید: ﴿و اشرق الارض بنور ربها﴾؛ زمین به نور پروردگارش روشن شد». در تفسیر این آیه، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که «رب الارض، یعنی امام الارض؛<sup>۱</sup> منظور از «ربها» در آیه، امام هر عصر است.

در زیارت جامعه کبیره نیز چنین آمده است: «و اشرق الارض بنور کم؛ زمین، به نور شما اهل بیت، روشن شد».

با توجه به این موارد، می‌توان نتیجه گرفت خداوند، خالق و به وجود آورنده همه موجودات است؛ اما این فیض وجود، به اذن الله، توسط امامان، به ماسوی الله می‌رسد؛ همان‌گونه ربوبیت حضرت حق نیز از طریق امامان علیهم السلام، تحقق می‌یابد.

## ۳۱

با توجه به آیه یکم از سوره نحل که در آن، از عجله و شتاب، نهی شده است. چگونه روایات و دعاهایی دربارهٔ تعجیل در ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام وارد شده است؟

آنچه دربارهٔ شأن نزول آیات آغاز سوره نحل گفته شده، این است که این آیه همراه آیات پس از آن، در مکه و همان ایام که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با بت-پرستان درگیری شدیدی داشت، نازل شده است. آنان، هر روز به بهانه-هایی متوسل می‌شدند؛ مثلاً هرگاه پیامبر آنان را به عذاب الهی تهدید می‌کرد، برخی از آنان می‌گفتند: «اگر این تهدید راست است، پس چرا عذاب به سراغ ما نمی‌آید؟». از ظاهر آیه برمی‌آید که خطاب در این آیه، به مشرکان است؛ برای این که آیات بعدی، همه، در مقام احتجاج برضد ایشان است؛ لذا آیه، بر بطلان پندارهای مشرکان و بی‌ثمر بودن تلاش-های ایشان، و این که به زودی کیفر ایشان را می‌دهد، استدلال می‌کند.

استعجال، از ریشه «عجله» است. راغب اصفهانی، در معنای آن گوید: «عجله، طلب شیء است پیش از وقت آن و استعجال، خواستن با عجله است»<sup>۱</sup>

۱. نحل (۱۶): ۱، «اتی امر الله فلا تستعجلوه»؛ «فرمان خدا (برای مجازات مشرکان و مجرمان) فرا رسیده است؛ برای آن عجله نکنید».

## استعجال در قرآن

درست است که از عجله و استعجال، در قرآن، از مؤمنان صریحاً نفی شده است، آن جا که فرموده است:

﴿يَسْتَعْجَلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ﴾؛ کسانی که به آخرت ایمان ندارند، درباره عذاب آن، استعجال می کنند؛ ولی آن ها که ایمان دارند، در ترس از آن هستند، چون می دانند که حق است.<sup>۱</sup>

ولی باید توجه کرد این نفی عجله از مؤمنان، در صورتی است که به عذاب و موارد شبیه به آن مرتبط باشد یا بر اساس جهل و نادانی بنا شده باشد؛ اما در صورتی که عجله مربوط به کار نیک باشد و بر اساس آگاهی و عشق صورت بگیرد، در قرآن، از مؤمنان نفی نشده است. در جریان داستان حضرت موسی علیه السلام می خوانیم: ﴿وَمَا أَعْجَلَكَ عَنِ قَوْمِكَ يَا مُوسَى﴾؛ ای موسی! چه چیز سبب شد پیش از قومت این جا بیایی و در این راه عجله کنی؟<sup>۲</sup> موسی علیه السلام بلافاصله عرض کرد: «پروردگارا! آنان به دنبال من هستند و من برای رسیدن به میعادگاه و محضر وحی تو، شتاب کردم تا از من خشنود شوی».

در تأیید این مدعا، آیات زیر را هم می توان شاهد آورد: ﴿سَارِعُوا

۱. شورا (۴۲): ۱۸.

۲. طه (۲۰): ۸۳ و ۸۴.

الی مغفرة من ربکم»؛<sup>۱</sup> «فاستبقوا الخیرات»؛<sup>۲</sup>

در احادیث اسلامی، بابی با عنوان «تعجیل فعل الخیر» آمده است. در حدیثی از پیامبر ﷺ می‌خوانیم: «ان الله یحبّ من الخیر ما یعجل؛ خداوند، کار نیکی را دوست دارد که در آن شتاب شود». امام صادق علیه السلام هم فرمود: «کسی که تصمیم به کار خیری گرفت، باید عجله کند؛ زیرا، هر کاری را که در آن تأخیر کنید، شیطان در آن، حیل‌های می‌کند».<sup>۳</sup>

منظور از عجله در این روایات، همان سرعت در مقابل اهمال-کاری و تأخیرهای بی‌جا و امروز و فردا کردن است که بیشتر سبب بروز مشکلات روحی و روانی و موانعی در کارها می‌گردد؛ از این رو، باید گفت، سرعت و جدیت در کارها، آری؛ اما عجله و شتابزدگی، نه. از همین جا می‌توانیم ادعا کنیم تقاضای تعجیل در ظهور امام عصر علیه السلام از ساحت حضرت حق، منافاتی با این آیه ندارد و با کلمات معصومان هم هماهنگ است.

یکی از اموری که می‌تواند تسهیل‌کننده ظهور آن حضرت باشد، خود تقاضای تعجیل فرج است. اگر زمینه‌های ظهور امام، مقدمات متعددی داشته باشد، این تقاضا و استمداد، یکی از آن مقدمات به

۱. آل عمران (۳) ۱۳۳. «و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان».

۲. بقره (۲): ۱۴۸؛ مائده (۵): ۴۸. «در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت بجوید».

۳. سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۲۹.

حساب می‌آید. به عبارت دیگر، دعا برای تعجیل فرج، استعجال نیست؛ بلکه با دعا از خداوند می‌خواهیم زمینه‌های ظهور زودتر فراهم شود. وقتی زمینه‌ها آماده شد، تحقق ظهور در جایگاه خود به وقوع می‌پیوندد. علاوه بر این که خود دعا، در روح انسان تأثیر می‌گذارد و او را به خدا و امام، نزدیک‌تر می‌کند و آمادگی را در فرد بیشتر می‌کند. دعا، نوعی نشانه عبودیت و اظهار آمادگی است.

فصل چهارم

## انتظار و منتظران



## انتظار در زمان غیبت امام زمان علیه السلام چه معنایی دارد و مقصود از انتظار فرج چیست؟

فرج، یعنی نصرت، پیروزی و گشایش. مقصود از فرج، نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بی‌داد است؛ بنابراین، انتظار فرج، یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی. و منتظر حقیقی، کسی است که به حقیقت خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد.

این خواسته، آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر، عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج، در حد یک ادعا و شعار بی‌محتوا باقی خواهد بود؛ از این رو، در روایات آمده است که انتظار فرج، خود، فرج است؛ زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تاسیس حکومت عدل گستر او



پذیرایی را فراهم سازد و... منتظر امام زمان علیه السلام نیز به کسی گفته می‌شود که خود را برای آمدن چنین بزرگ‌مردی آماده کند. طبیعی است که باید خود را در گروه بندگان صالح قرار دهد، دین را در زندگی خود جاری سازد و دیگران و محیط را برای آمدنش مهیا کند؛ از این رو انتظار فرج، بنا بر فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله افضل اعمال است.<sup>۱</sup> و هر کس تلاش درونی او برای عبادت و عبودیت و کوشش بیرونی او برای زمینه‌سازی و جهت دهی مردم و محیط بیشتر باشد، موفق‌تر است.

انتظار فرج، به معنای امید به آینده روشن و تحقق ارزش‌ها و خوبی‌ها است. چنین نگاهی، به انسان، شور و نشاط و حرکت می‌دهد؛ به گونه‌ای که هم در پی اصلاح خود اقدام می‌کند و هم محیط درباره خود را تحت تاثیر قرار می‌دهد. منتظر، ساکت و ساکن نمی‌ماند، بلکه کارها و تلاش‌های خود را در جهت زمینه‌سازی برای تحقق ظهور انجام می‌دهد. چنین فردی، در جامعه، نه تنها خود را از انحرافات اعتقادی و عملی به دور نگه می‌دارد؛ بلکه سعی در ساختن و اصلاح کردن جامعه نیز دارد؛ بنابراین، انتظار، نه تنها یک عمل فردی که یک کار جمعی و تشکیلاتی است که به طور مداوم، جامعه و افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد و می‌تواند ضامن سلامت فکری و عملی فرد و جامعه باشد.

نیز انتظار، سبب استقامت و پایداری مسلمانان برابر فشارها و سختی‌ها می‌شود و از یأس و ناامیدی آنان، جلوگیری می‌کند و به این شکل، راه را برای غلبه و پیروزی آنان هموار می‌کند.

با این وصف، انتظار، ظرفیت و توانایی فراوانی برای تحقق جامعه آرمانی و اسلامی موعود، ایجاد می‌کند که در سایه اعمال فردی و جمعی، کمتر به چشم می‌خورد؛ به همین سبب، با فضیلت‌ترین عمل‌ها شمرده شده است.



### وظایف منتظران امام زمان علیه السلام چیست؟

باید توجه داشت که انتظار، حقیقتی است که از رفتار و کردار فهمیده می‌شود؛ بنابراین، نمی‌توان هر کس را که مدعی دوستی و ولایت امام زمان علیه السلام است، در شمار دوستان و منتظران او قلمداد کرد. منتظر واقعی امام زمان علیه السلام باید رفتارش به گونه‌ای باشد که هر لحظه، منتظر ظهور امام و آماده خدمت در جهت اهداف مقدس او باشد. کسی که بخواهد این گونه باشد، وظایفی بر عهده او است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. معرفت و شناخت امام زمان علیه السلام؛ در روایات ما، تأکید فراوان شده است که انسان باید امام زمان خود را بشناسد؛ چون، پیمودن

مسیر درست و صراط مستقیم الهی، جز به معرفت او ممکن نخواهد بود. پیامبر ﷺ فرمود: من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة؛ هر کس بمیرد؛ در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.

البته، شناخت حضرت، مراتبی دارد. یک مرتبه از آن، شناخت تاریخی و شناسنامه‌ای حضرت است و مرتبه بالاتر، شناخت جایگاه امام و ویژگی‌های والای او است.

۲. الگو پذیری: آدمی باید از رهبر و مقتدای خود الگو گرفته و منش و رفتار خود را شبیه او قرار دهد، تا بتواند او را همراهی کند. از پیامبر ﷺ نقل شده است:

خوشا به حال آنان که قائم خاندان مرا درک کنند؛ در حالی که پیش از دوران قیام، به او و امامان پیش از او اقتدا کرده و از دشمنان ایشان، اعلام بیزاری کرده باشند. آنان، دوستان و همراهان من و گرامی‌ترین امت، نزد من هستند.<sup>۱</sup>

از مهم‌ترین رفتارهایی که باید از بزرگان دین، الگو گرفت، ورع و حسن خلق است. امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود: هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و در حال انتظار، به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند.<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹.

۲. همان، ص ۱۴۰.

۳. یاد حضرت: اگر کسی به حقیقت، منتظر محبوب خود باشد، پیوسته در اندیشه او خواهد بود. منتظر واقعی، سعی می‌کند در همه حال، به یاد آن بزرگوار باشد و با یاد حضرت، دل و جان خود را زنده نگه دارد و اعمال خود را از انحراف و کجی‌ها حفظ کند. یاد آن حضرت، با خواندن دعاهای آن بزرگوار، توسل به آن عزیز، صدقه-دادن برای سلامتی او، انجام دادن خیرات به نیابت او، دعا کردن برای تعجیل فرج او، ندبه کردن در فراق او و تجدید پیمان در یاری او، تحقق می‌یابد.

۴. تلاش برای حفظ ایمان در زمان غیبت: از آن جا که در زمان غیبت، خطرات فراوانی برای ایمان و عمل پیش می‌آید و فکرها و مذاهب انحرافی در مسیر انسان پیدا می‌شود و دوستان نمایان شیطانی سعی در گمراهی انسان دارند، انسان منتظر، پیوسته در حفظ ایمان و عمل خود می‌کوشد. در این زمینه، او پیرو مجتهد جامع‌الشرایط مورد سفارش و توجه امامان معصوم علیهم‌السلام است؛ زیرا او کسی است که از نظر علمی و عملی، مورد تأیید آن حضرت قرار گرفته است.

۵. زمینه سازی برای ظهور: منتظر واقعی، با درک صحیح معنای انتظار، می‌کوشد زمینه ظهور امام زمان علیه‌السلام را تقویت کند؛ بنابراین، هم به اصلاح نفس و خودسازی می‌پردازد و هم با امر به معروف و نهی از منکر، سعی در ساختن جامعه دارد پس او فردی متعهد برابر خود و جامعه خویش است.

## ۲۵

**چه کار کنم تا موفق شوم به آقا امام زمان علیه السلام نزدیک شوم؟**

ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام به دو شکل ممکن است: ۱. ارتباط ظاهری و ملاقات کردن حضرت؛ ۲. ارتباط معنوی و از راه چشم دل. درباره ملاقات با حضرت مهدی علیه السلام باید گفت افتخار دیدار حضرت، شرف بسیار بزرگی است؛ اما در زمان غیبت حضرت که اصل، بر پنهان بودن حضرت از دیدگان مردم است، دلیلی نداریم که درخواست ملاقات را توجیه کند. ضمن این که توفیق ملاقات با حضرت، تنها به خواستن و تقاضای ما، بستگی ندارد؛ بلکه مشروط است به این که امام علیه السلام در آن، مصلحتی ببیند؛ بنابراین، به جا است که آدمی بر ملاقات با حضرت اصرار نرزد و بلکه همت خود را در راه جلب رضای آن بزرگوار، صرف کند و در این راه، از ارتباط معنوی با امام مدد بگیرد.

قرآن کریم، در آیه دویست سوره آل عمران فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صبر کنید و همدیگر را به صبر وادارید و مرابطه کنید و تقوا و خدا ترسی را پیشه سازید؛ باشد که رستگار شوید.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریف فرموده است: صبر کنید بر ادای فرائض [= در انجام تکالیف الهی استقامت ورزید] و برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان که انتظارش را می کشید، رابطه کنید. معلوم است که در پرتو رابطه مداوم با امام است که آدمی بر تعهد و پیمان خود با امام زمانش باقی می ماند و پیوسته در جهت اهداف و آرمان های امام خود حرکت می کند و خود را از انحرافات اعتقادی و عملی مصون می دارد. برای آن که بتوان با امام عصر علیه السلام ارتباط معنوی برقرار کرد، باید به نکات زیر توجه داشت:

### شناخت امام

از روایات فراوان که درباره معرفت و شناخت امام زمان، از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام روایت شده است، دانسته می شود که از ارکان مهم ارتباط معنوی و قلبی با امام، معرفت ساحت مقدس او است. طبیعی است هرچه شناخت انسان از یک حقیقت، گسترده تر و عمیق تر باشد، امکان ارتباط باطنی با او بیشتر خواهد شد؛ به ویژه هنگامی که آن حقیقت، سراسر زیبایی و کمال؛ بلکه آیینه تمام نمای کمالات الهی باشد. آدمی، با معرفت به حضرت مهدی علیه السلام همه جا و همه وقت، حضور او را لمس می کند و خود را کنار او و در محضر او می بیند؛ پس با مطالعه درباره حضرت مهدی علیه السلام و آگاهی از شخصیت

بی‌نظیر او در عالم، می‌توان گامی اساسی در جهت ارتباط معنوی با او برداشت.

### پیوسته به یاد آن حضرت بودن

برای امکان ارتباط با حضرت، باید به صورت منظم و برنامه‌ریزی شده، یاد حضرت در زندگی آدمی جاری باشد. این مهم؛ با انس گرفتن با زیارت‌ها و دعاهای مربوط به آن حضرت تأمین می‌شود. آن کس که دل در گرو محبوب دارد، به هر بهانه‌ای ذکر محبوب بر زبانش جاری می‌شود. گاهی به جانب کوی محبوب، توجه می‌کند و از روی ادب سلام می‌دهد و گاهی در خلوتی با او نجوا می‌کند و زمانی دیگر از زیبایی‌های جمال و کمالش گفت و گو می‌کند. با امام عصر که عصاره همه خوبی‌ها است، به بهانه‌های فراوان می‌توان ارتباط جست؛ گاهی با زیارت «آل یاسین» به محضر مقدسش سلام داد و گاهی با «دعای ندبه» در فراق جان‌سوزش ناله و فغان سرداد و همه روز با «دعای عهد» با او تجدید پیمان کرد.

### تهذیب نفس و کسب فضایل روحی و معنوی

حضرت مهدی علیه السلام آب زلال است و تنها بر دلی می‌بارد که ظرف پاکی برای آن آب زلال باشد؛ بنابراین، برای ارتباط و انس بیشتر با آن بزرگوار، باید در دوری از گناهان و آلودگی‌ها بکوشیم و آینه دل را برای حضور آن وجود مطهر، غبارروبی کنیم و به جای رذیلت‌ها و

بدی‌ها، بذر فضیلت‌ها و خصلت‌های زیبای اخلاقی را در زمین دل بکاریم. هرچه دل انسان و رفتار او، پاک‌تر باشد، قطعاً بهتر و بیشتر می‌تواند با پاک‌ترین موجود عالم، ارتباط برقرار کند؛ چون در این صورت است که سنخیت پدید می‌آید و سنخیت، بین دو شیء، سبب نزدیکی آن‌ها خواهد بود. قرآن فرموده است: «لایمسته الا المطهرون»<sup>۱</sup>. مفسران گفته‌اند مراد، این است که فقط کسانی به فهم معارف عمیق قرآن راه می‌یابند که از طهارت روح برخوردار باشند. مصداق کامل اینان، امامان معصوم علیهم‌السلام هستند که به اسرار قرآن آگاهند و آن را برای دیگران بیان می‌کنند.

پس باید کوشید با کسب کمالات اخلاقی و رفتاری، به ولی عصر علیه‌السلام شباهت یافت. حضرت علی علیه‌السلام نیز در یکی از سخنان خود ضمن بیان ویژگی‌های خود برای مسلمانان می‌فرماید:

شما نمی‌توانید مانند من باشید؛ ولی با ورع و پرهیزگاری و تلاش و استواری، مرا یاری کنید.<sup>۲</sup>

شاید مراد حضرت، آن است که هر مقدار که می‌توانید، در سازندگی خود و روحتان بکوشید، همان‌گونه که قرآن می‌فرماید:

﴿فاتقوا الله ما استطعتم﴾؛ هر چه می‌توانید، تقوای الهی پیشه کنید.<sup>۳</sup>

۱. واقعه (۵۶): ۷۹؛ «و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند [دست یابند].

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۳. تغابن (۶۴): ۱۶.



طبق روایات معصومان علیهم‌السلام تقوای الهی، عبارت از انجام دادن واجبات و ترک محرمات است؛ بنابراین، قدم اول، آن است که وظایف دینی خود را در هر شرایط، انجام دهیم و بر تعهد به آن، پای بفشیریم.



### چگونه می‌توان به امام مهدی علیه‌السلام تقرب یافت و رضایت او را به دست آورد؟

تنها راه برای نزدیک شدن به امام عصر علیه‌السلام حرکت در مسیر رضایت او است. رضایت آن بزرگوار، فقط در سایه عمل به دین و انجام وظایف و دستورات آن امکان‌پذیر می‌باشد. آیا کسی که به دلیل هواپرستی و پیروی از شیطان، برابر تکالیف الهی و اوامر و نواهی او سهل‌انگار باشد و غضب خدا را برای خود بخرد، می‌تواند رضایت امام زمان علیه‌السلام را کسب کند؟ خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾؛ به درستی کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، [خدای] رحمان، دوستی و محبت برای آنان قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

طبق این آیه شریف، شرط ایجاد محبت و ارتباط، ایمان همراه عمل صالح است. میان اعمال صالح، توجه به چند عمل، ارزش

۱. مریم (۱۹): ۹۶.

بیشتری داشته و مورد سفارش امام مهدی علیه السلام می باشد که با انجام آنها می توان محبت و رضایت حضرت را جلب کرد؛ برای نمونه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

- توجه به نماز، به ویژه نماز اول وقت: در نامه‌ای که از امام زمان علیه السلام صادر شده آمده است: هیچ عملی بهتر از نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد؛ پس نماز بخوان و بینی او را به خاک بمال.<sup>۱</sup>  
در کلام دیگری از ایشان چنین نقل شده است:

از رحمت خداوند به دور است کسی که [نماز] مغرب را تا پدیدار شدن ستارگان و نماز صبح را تا ناپدید شدن ستارگان به تأخیر اندازد.<sup>۲</sup>

- دقت در کسب و مصرف مال حلال: در نامه‌ای که از امام زمان علیه السلام صادر شده آمده است:

آنچه را برای ما فرستادی [از اموال] از آن رو می‌پذیریم که پاکیزه و طاهر می‌باشند... ؛ اما کسانی که اموال ما را با اموال خودشان درمی‌آمیزند، هر کس چیزی از اموال ما را حلال شمارد و آن را بخورد، همانا آتش خورده است.<sup>۳</sup>

- کمک به دیگران و توجه به امور مسلمین: امام زمان علیه السلام در نامه‌ای می‌فرماید: ما در مراعات شما کوتاهی نکرده و یاد شما را

۱. بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۸۲.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۵.

۳. همان، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

فراموش نمی‌کنیم.<sup>۱</sup>

طبیعی است فردی که خود را مرید و پیرو امام می‌داند باید همچون او عمل کند.

– زمینه سازی برای ظهور: خواست امام زمان علیه السلام این است که دوستان در این امر مهم همت گمارند و به تاسی از آن بزرگوار، برای تعجیل در امر ظهور تلاش کنند، و در این راه، هم از دعا استفاده کنند: «اکثروا الدعای بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم؛ برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید که این فرج شماست»<sup>۲</sup> و هم در امور زندگی به عالمان مراجعه کنند: «فاما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم؛ در حوادث و رویدادها، به راویان حدیث ما [=علما] مراجعه کنید؛ به درستی که آنان، حجت من بر شمایند و من، حجت خدا بر آنان هستم»<sup>۳</sup> مراجعه به علما، باعث حفظ دین مردم و وحدت و انسجام میان آنان است. همچنین باید به عهدها و پیمان‌های الهی که همان اطاعت از اهل بیت و عمل در طریق آن است، استوار باشند. آن حضرت فرمود:

اگر شیعیان ما، دل‌هایشان در وفای بر عهدی که بر آنها است، اجتماع کند لقای ما برای آنان به تاخیر نمی‌افتد.<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۱۷۴.

۲. همان، ص ۱۸۰.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۷۶.

- تلاوت قرآن: این عمل، مورد امر خاص الهی است. حتی در یک آیه، دو بار به قرائت و تلاوت آن امر شده است: ﴿فَأَقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾؛ آنچه میسر است، از قرآن تلاوت کنید.<sup>۱</sup>

- زیارات قبور امامان معصوم و خواندن زیارت نامه ائمه؛ به ویژه خواندن زیارت عاشورا که مورد تاکید امام زمان علیه السلام می باشد.



**دلیل دعا کردن برای سلامتی امام عصر علیه السلام چیست؛ در حالی که خدای مَنان، اراده دارد آن حضرت زنده و سلامت بماند. آیا اصلاً امکان دارد آن وجود مبارک، دچار کسالت شود؟**

درباره تاثیر دعا، از دو زاویه می‌توان نگاه کرد:

الف. تاثیر دعا درباره امام؛

ب. تاثیر دعا برای دعا کننده.

از نگاه اول، دعا در سلامتی حضرت، مؤثر است؛ زیرا آن حضرت به این سبب که انسان است و در همین عالم زندگی می‌کند، در معرض آفات و بلاهاست و دعا می‌تواند در دور کردن بلاها و مرض‌ها از وجود عزیزش مؤثر باشد؛ همان‌گونه که می‌تواند در بهبود بیماری اثر داشته باشد. این، با اراده خدا مبنی بر حیات و سلامتی امام، منافاتی ندارد؛ زیرا اراده خدا از طریق اسباب اعمال می‌شود و دعا، از مهم‌ترین وسیله‌ها و سبب‌ها برای جریان اراده خدا در زندگی است. البته برخی بر این باورند اراده الهی بر حفظ و تعالی حضرت می‌باشد و چون امام با بدن مادی در همین عالم طبیعت زندگی می‌کند، ممکن است دچار بیماری و کسالت شوند؛ از این رو، دعا می‌تواند در بهبود حال امام مؤثر باشد؛ همان‌گونه که می‌تواند در

جلوگیری از بروز بیماری اثر داشته باشد.

از نگاه دوم، آثار دعا کردن فراوان است از جمله:

دعا کردن، راهی است برای این که امام عصر را یاد کنیم و به این وسیله، با آن عزیز ارتباط روحی و معنوی پیدا کنیم و این ارتباط، ثمرات بسیاری برای رشد و کمال روحی ما دارد.

دعا کردن برای امام، نوعی عرض ارادت و محبت به او است که قطعاً از سوی آن منبع جود و کرم، بی پاسخ نخواهد ماند و دعا کننده را مورد لطف و عنایت خاص خود قرار خواهد داد.

دعا کردن برای امام، یعنی آن وجود عزیز را بر بسیاری از موجودات و پدیده‌ها مقدم دانستن و وجود و نقش او را مدنظر قرار دادن. این موضوع، سبب زیاد شدن محبت آن عزیز در دل‌ها و جان‌ها می‌گردد؛ زیرا ذکر محبوب، سبب فراوانی محبت نسبت به او است.

با توجه به این که ایشان، واسطه فیض الهی در عالم هستی است، صلوات و صدقه به نیت او، خود، نوعی وسیله برای کسب فیوضات بیشتر است.

فعل پنجم

**ياران و نايان عام و خاص**



## نایب امام زمان علیه السلام به چه کسی گفته می‌شود؟

مراد از نایب امام علیه السلام کسی است که در زمان غیبت آن وجود مقدس، از طرف او سرپرستی جامعه شیعه را بر عهده دارد. نایبان به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. نایب خاص: فردی است که به طور مشخص و معین از طرف امام معرفی می‌شود. نایبان خاص، چهار نفر بودند که از سال شروع غیبت (سال ۲۶۰ ق) به مدت هفتاد سال (تا سال ۳۲۹ ق) نیابت حضرت را بر عهده داشتند.

۲. نایب عام: فردی است که به طور مشخص و معین از سوی امام معرفی نشده است؛ بلکه دارای صفات و ویژگی‌هایی است که یک نایب باید داشته باشد (این ویژگی‌ها، علاوه بر این که عقل بدان‌ها اشاره دارد، در روایات نیز به آن‌ها اشاره شده است). این



شخص، به نیابت از امام زمان علیه السلام سرپرستی جامعه شیعه را بر عهده دارد؛ ولی چون به صورت مشخص و با نام از طرف امام معرفی نشده است، نایب عام نامیده می‌شود.

اکنون باید روشن شود که کدام گروه از افراد جامعه مصداق نایب عام هستند و وظیفه سرپرستی بر دوش آنان گذاشته شده است؟ از دیدگاه عقل تنها فقها و مجتهدان جامع شرایط، می‌توانند رهبری و سرپرستی جامعه را عهده‌دار باشند؛ چرا که جامعه اسلامی باید بر اساس دستورهای دین اداره شود؛ لذا زمامدار باید مسلمانی باشد که از مبانی و احکام دین، آگاه باشد، تا بتواند طبق مقررات اسلامی، جامعه را راهبری کند. این فرد، کسی جز فقیه و مجتهد توانمند در تدبیر جامعه نیست. با رجوع به روایات نیز به روشنی به دست می‌آید که رهبری و اداره جامعه و نیابت حضرت مهدی علیه السلام فقط شایسته مجتهد جامع شرایط است و چنین فردی از طرف آن بزرگوار، سکان جامعه را باید در دست بگیرد. این‌جا به برخی از روایات، اشاره می‌کنیم:

اسحاق بن یعقوب می‌گوید: از محمد بن عثمان عمری (دومین نایب خاص) خواستم نامه‌ای را که مشتمل بر مسائلی بود، خدمت حضرت برساند و پاسخ آن‌ها را دریافت کند. توقیع و نامه‌ای از آن وجود مقدس صادر شد و حضرت پاسخ‌هایی را مرقوم فرمود که از جمله آن‌ها این سخن است:

و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتي عليكم و انا حجة الله عليهم؛ در حوادث و رویدادهایی که واقع می‌شود، به راویان احادیث ما [= علما و کارشناسان دین] رجوع کنید. به درستی که آنان، حجت من بر شما هستند و من، حجت خدا بر آنانم.<sup>۱</sup>

روشن است مراد از حوادث واقعه، پیشامدها و رخدادهایی است که بر جامعه وارد می‌شود و باید به صورت صحیح و طبق نظر دین، از آنها گذر کرد و مصلحت جامعه را در سایه دین درباره آنها مد نظر قرار داد. در این توقیع شریف، حضرت مهدی علیه السلام امر به مراجعه به راویان و دین‌شناسان کرده است و آنان را از طرف خود، حجت بر مردم و خلیفه خویش معرفی می‌کند.

در روایت عمر بن حنظله نیز از وجود مقدس امام صادق علیه السلام در باره وظیفه شیعه برابر مشکلات و منازعات و مرجع صالح برای رسیدگی به امور چنین نقل شده است:

ينظران من كان منكم ممن قد روى حديثنا و نظر في حلالنا و حرامنا، و عرف احكامنا، فليرضوا به حكما، فاني قد جعلته عليكم حاكما، فاذا حكم بحكمننا فلم يقبل منه، فانما استخف بحكم الله و علينا رد و الراد علينا الراد على الله و هو على حدالشرك بالله؛ باید نگاه کنند کسانی که از شما [=

۱. کمال الدین، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴.

شیعیان] هستند، به کسی که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما تأمل و دقت می‌کند و احکام ما را می‌شناسد؛ پس به حکم او باید راضی باشند. من او را بر شما حاکم قرار دادم. اگر او به حکم ما حکم داد و از او پذیرفته نشد، همانا به حکم خدا استخفاف ورزیده شده است و ما را رد کرده است و کسی که ما را رد کند، خدا را رد کرده و این، در حد شرک به خدا است.<sup>۱</sup>

مراد از شخص آگاه به حلال و حرام، همان فقیه است که با تأمل در روایات، با احکام اسلامی و دستورهای دین آشنا می‌شود. امام صادق علیه السلام چنین فردی را شایسته دانسته و مردم را به رجوع به او و پذیرش حکم او ملزم کرده و او را حاکم قرار داده است.

وجود مقدس حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سه بار فرمود: «اللهم ارحم خلفایی؛ خدایا! به جانشینانم رحم کن». هنگامی که درباره جانشینان پرسیدند، فرمود: «الذین یأتون بعدی یروون حدیثی و سنتی»؛ کسانی که بعد از من می‌آیند و حدیث و سنت مرا نقل می‌کنند».

معنای خلیفه، معنایی کاملاً روشن است که همان جانشین پیامبر و فردی است که بعد از آن حضرت در جایگاه آن بزرگوار قرار می‌گیرد و عهده‌دار اموری می‌شود که او بر عهده داشت که همان رهبری و سرپرستی جامعه است.

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۶، ح ۱؛ کافی، ج ۱، ص ۶۷.

نکته مهم و قابل دقت در روایت، این است که حضرت، به مهم‌ترین ویژگی جانشین اشاره دارد که راوی حدیث و سنت و آشنا به دستورهای دین بودن است؛ بنابراین، طبق این روایات، فقیه و اسلام شناس نایب امام خواهد بود.

## ۲۹

### نایبان خاص امام مهدی علیه السلام چه کسانی بودند؟

اولین نایب خاص جناب عثمان بن سعید بود. کنیه وی ابو عمر و لقبش عمری بود. او از قبیله اسد و ساکن شهر سامرا بود؛ لذا گاهی عسکری نیز به او گفته می‌شود. چون شغلش روغن فروشی بود، سمان نیز خوانده می‌شد. او نایب امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام هم بود و از سوی امام عسکری علیه السلام در جمع چهل نفر از شیعیان به نیابت خاص امام غایب تعیین شد.<sup>۱</sup>

نایب دوم، محمد فرزند نایب اول بود. او در همان شهر زندگی می‌کرد و به همان شغل می‌پرداخت. او از سوی امام عسکری علیه السلام و پدر خویش به مردم معرفی شد، تا بعد از پدر جانشین او باشد. علاوه بر این، در توقیعات مختلف امام زمان علیه السلام، ایشان جانشین پدر

۱. غیبت طوسی، ص ۳۵۷.

اعلام شد.<sup>۱</sup>

نایب سوم، حسین بن روح نوبختی بود. او از خاندان نوبخت و ایرانی بود و در بغداد زندگی می‌کرد. وی، از وکلای نایب دوم بود و نایب دوم به امر امام زمان علیه السلام بعد از خود حسین بن روح را به مردم معرفی کرد.<sup>۲</sup>

نایب چهارم، علی بن محمد سمری بود. او نیز به معرفی نایب سوم نیابت را عهده دار شد که این معرفی نیز به فرمان امام زمان علیه السلام بود.<sup>۳</sup>

و البته قرائن و نشانه‌ها و کرامت‌های فراوانی وجود داشت که شیعیان به وسیله آن‌ها یقین می‌کردند این فرد نایب واقعی امام است و راست می‌گوید.<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۳۶۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۷۰-۳۷۲.

۳. همان، ص ۳۶۰-۳۶۲.

۴. برای اطلاعات بیشتر، رک: سازمان وکالت، اثر دکتر جباری.



### چگونه می‌توان نایب امام زمان علیه السلام را در زمان غیبت شناخت؟

برای شناخت نایب امام زمان، معیارهایی وجود دارد که با توجه به آن‌ها می‌توان در هر زمان، فرد یا افرادی را یافت که صلاحیت این مقام را داشته باشند. البته، باید دانست که این نیابت، نیابت خاص نیست؛ یعنی، امام زمان علیه السلام شخصی را به نیابت خاص خود معرفی نمی‌کند؛ بلکه این نیابت، نیابت عام است؛ یعنی هر کس دارای صفات خاصی باشد، به طور عام، از طرف امام زمان علیه السلام مجاز است احکام الهی را تبیین کند و شؤونی را که امام بر عهده دارد بر عهده بگیرد. مجموعه این شرایط که از قرآن و سنت استفاده می‌شود، به شرح زیر است:

۱. عالم بودن و داشتن قوه اجتهاد و استنباط احکام الهی از منابع آن؛
۲. زهد و تقوا و پرهیز از دنیا پرستی و مفتون نشدن به آن؛
۳. داشتن بصیرت و عالم به زمان بودن.

البته هر زمان، اگر چند نفر، دارای این شرایط بودند باید أعلم آنان برگزیده شود و اگر مساوی بودند، انتخاب هر یک از آنان مجاز است. البته، در مسایل سیاسی و حکومتی، به سبب آن که نظام جامعه مختل نشود، باید یک نفر (ولی فقیه) در رأس امور قرار گیرد

و اختیارات حکومتی نیز در دست او متمرکز باشد، و گرنه موجب به هم خوردن امور می‌گردد.

یک فرد شیعه که می‌خواهد به وظیفه خود عمل کند؛ یعنی نایب امام را بشناسد و تحت سرپرستی او وظایف اجتماعی خود را به انجام برساند، از دو حال خارج نیست: یا خود توانایی شناخت نایب را دارد؛ یعنی خودش با مبانی و دستوره‌های دین آشنا است و می‌تواند با بررسی افراد، دریابد که کدام شخص، دارای شرایط نیابت است که در این صورت، به شناخت خود عمل می‌کند و یا توانایی شناخت و تشخیص را ندارد که در این صورت، باید به افرادی که خُبره بوده و توانایی تشخیص دارند، مراجعه کند و با راهنمایی آنان، نایب امام را بشناسد.



### ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام چیست؟

با توجه به روایات، می‌توان ویژگی‌ها و صفات یاران را چنین برشمرد:

۱. معرفت عمیق به خدا و امام خویش: در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «در قلوب آنان [یاران مهدی علیه السلام] شکی به ذات خدا نیست»<sup>۱</sup> یعنی چنان به خداوند معرفت دارند که ذره‌ای تردید و شک در آنان راه ندارد.

در روایت دیگری امام سجاد علیه السلام در رابطه با صفات منتظران زمان غیبت فرموده‌اند: «آنان کسانی هستند که به امامت آن بزرگوار اعتقاد دارند»<sup>۲</sup> و این اعتقاد، برخاسته از عقل و درک است. حضرت، در ادامه می‌فرماید: «خداوند متعال، عقل و فهم و معرفتی به آنان داده است که غیبت نزد آنان، به منزله مشاهده است.»

۲. اطاعت کامل: نتیجه معرفت صحیح، اطاعت همه جانبه از امام است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «اطاعت آنان از امام، از

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲. کمال الدین، ج ۱، ب ۳۱، ح ۲.



فرمان برداری کنیز برابر مولایش، بیشتر است»<sup>۱</sup>.

۳. عبادت و صلابت: آنان، کسانی‌اند که از پیشوای خود الگو می‌گیرند و روزها و شب‌ها را با یاد شیرین حق و مناجات با او سپری می‌کنند. امام صادق علیه السلام دربارهٔ آنان فرمود: شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند.<sup>۲</sup> و این یاد حق، در همه حالات آنان تجلی دارد.

همین ذکر دائمی و همیشگی خدا است که از آنان، مردانی آهنین می‌سازد که هیچ چیز صلابت و استواری آنان را درهم نمی‌شکند. امام صادق علیه السلام فرمود: «آنان، مردانی هستند که گویا، دل‌هایشان پاره‌های آهن است»<sup>۳</sup>.

۴. جان نثاری و شهادت طلبی: آنان، در می‌یابند که برای کسب کمال، زندگی می‌کنند و می‌فهمند که راه تحصیل کمال، آن است که همه وجودشان برای خدا و دین خدا باشد؛ از این رو، حاضر به هر نوع فداکاری و ایثارند. امام صادق علیه السلام فرمود: [یاران مهدی علیه السلام] در میدان رزم، در اطراف او می‌چرخند و با جان خود، از او محافظت می‌کنند.<sup>۴</sup>

آنان که خدا و امام را شناختند، نهایت آرزوی‌شان، شهادت در راه

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲. یوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۴. همان.

خدا و در رکاب امام است. امام صادق علیه السلام فرمود: «آنان آرزو می کنند در راه خدا به شهادت برسند»<sup>۱</sup>.

۵. شجاعت و دلیری: یاران مهدی علیه السلام مانند مولایشان، افرادی شجاع و مردانی پولادین هستند که از هیچ چیز جز خدا هراس ندارند. حضرت علی علیه السلام در وصف آنان فرمود:

همه آنان، شیرانی هستند که از بیشه، بیرون شده اند و اگر اراده کنند، کوهها را از جا می کنند.<sup>۲</sup>

۶. صبر و بردباری: مبارزه بر ضد ظلم جهانی و تلاش برای برقراری عدالت، با رنج و مشقت های فراوان، همراه است. یاوران امام، در راه تحقق آرمان های جهانی امام مهدی علیه السلام همه ناگواری ها را به جان می خورند؛ ولی از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را ناچیز می شمارند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: آنان، گروهی هستند که به سبب صبر و بردباری در راه خدا، بر خداوند منت نمی گذارند و از این که جان خویش را تقدیم حضرت حق می کنند به خود نمی بالند و آن را بزرگ نمی شمارند.<sup>۳</sup>

۷. اتحاد و همدلی: آنان، خودخواهی ها و خواسته های شخصی را از خود دور کرده اند و همه چیز را برای هدف واحد می خواهند و زیر

۱. همان.

۲. یوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۳. همان.

یک پرچم به قیام می‌پردازند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «ایشان، یک‌دل و هماهنگ هستند».<sup>۱</sup>

۸. زهد و پارسایی: حضرت علی علیه السلام در وصف یاران مهدی رسالت الله فرموده است: او، از یارانش بیعت می‌گیرد که طلا و نقره‌ای پس‌انداز نکنند و گندم و جویی ذخیره نکنند».<sup>۲</sup>

آنان، اهداف بلندی دارند و برای آرمانی بزرگ برخاسته‌اند، لذا مادیات و دنیا نباید آنان را از هدف باز دارد. البته نباید فراموش کرد که این حالات و ویژگی‌ها، به یک‌باره در انسان متجلی نمی‌شود و آدمی، به آن‌ها متصف نمی‌گردد؛ بلکه باید سال‌ها برای تحصیل آن‌ها تلاش کرد؛ از این رو، یاران مهدی رسالت الله در دوران غیبت، به سازندگی مشغول می‌شوند.



**یاران امام زمان رسالت الله چند نفرند و از چه شهرهایی هستند؟**

یاران حضرت را سه گروه تشکیل می‌دهند:

۱. ۳۱۳ نفر؛

۲. ده هزار نفر؛

۱. همان، ص ۲۲۳.

۲. منتخب‌الاثار، فصل ۶، باب ۱۱، ح ۴.

۳. عموم شیعیان و مؤمنان.

توضیح آن که دربارهٔ تعداد یاران حضرت مهدی علیه السلام سه دسته روایات وجود دارد:

دسته اول: روایات متعددی از امامان اطهار علیهم السلام به ما رسیده است که یاران حضرت مهدی علیه السلام ۳۱۳ نفر، به تعداد یاران پیامبر در جنگ بدر هستند.<sup>۱</sup> در منابع روایی اهل سنت نیز همین تعداد به عنوان یاران حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است.<sup>۲</sup>

دسته دوم: روایاتی است که یاران ایشان را ده هزار نفر ذکر می‌کند.<sup>۳</sup> دسته سوم، روایاتی است که می‌گویند شیعیان در گرد حضرت جمع می‌شوند یا می‌گویند اهل شرق و غرب زمین با نهضت او همراه می‌شوند.<sup>۴</sup> نتیجه جمع این روایات - با توجه به قرائن و شواهدی که از خود همین روایات استفاده می‌شود - این است که یاران خاص حضرت که هسته اصلی نیروها را تشکیل می‌دهند و فرماندهان و کارگزاران حضرت مهدی هستند، ۳۱۳ نفر به تعداد اهل بدرند. امام صادق علیه السلام فرمود:

گویا می‌نگرم به قائم بر فراز منبر کوفه؛ در حالی که یارانش گرد او حلقه زده‌اند. آنان، پرچمداران و کارگزاران امام روی زمین هستند.<sup>۵</sup>

۱. منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، الفصل السابع، الباب الخامس، بیست و پنج روایت را با این مضمون گردآوری شده است.

۲. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ص ۱۱۹؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۰.

۳. غیبت نعمانی، ص ۳۰۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶ و ۳۲۶.

۴. منتخب الاثر، فصل ۷، ب ۶، ص ۵۹۷.

۵. کمال الدین، ص ۶۷۳.

از این یاران خاص، در روایات، به «نقبا» و «خواص» نیز تعبیر شده است.<sup>۱</sup> این عده، کسانی هستند که خداوند آنان را پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به سبب قابلیت و لیاقتشان برگزیده است. یاران خاص، نخستین کسانی هستند که گرد حضرت جمع می‌شوند و دعوت جهانی امام مهدی علیه السلام با آنان شروع می‌شود. پس از آشکار شدن دعوت حضرت، تعداد ده هزار نفر، کسانی هستند که به امام علیه السلام می‌پیوندند و به عنوان هسته اولیه نیروهای حضرت، تحت فرماندهی همان ۳۱۳ نفر هستند. قیام جهانی امام زمان علیه السلام با این عده آغاز می‌شود. امام جواد علیه السلام فرمود:

زمانی که ۳۱۳ نفر از یاران خاص قائم، به خدمت آن بزرگوار رسیدند، خدا امر او را به جهانیان آشکار می‌کند. وقتی این تعداد به ده هزار نفر رسید، به اذن خداوند، متعال خروج می‌کند.<sup>۲</sup> در ادامه نهضت، توده‌های انبوه مردم از سراسر جهان که در انتظار منجی بشریت به سر می‌برند و از ظلم و ستم به ستوه آمده‌اند، به او می‌پیوندند.<sup>۳</sup>

اما درباره وطن اینان، باید گفت از مکان‌های مختلف هستند. در روایتی از وجود مقدس امام جواد علیه السلام نقل شده است: «اصحابش، اجتماع

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۲۸۳.

۳. منتخب الاثر، فصل ۷، باب ۶، ص ۵۹۷؛ الملاحم والفتن (سید ابن طاووس)، ص ۲-۶۵.

می‌کنند به سوی او به تعداد اهل بدر، ۳۱۳ نفر از نقاط مختلف زمین»<sup>۱</sup>. البته در برخی روایات نام برخی افراد از بعضی شهرها ذکر شده است که نام این اشخاص مبهم است، مثلاً محمد از شهر طالقان که می‌تواند نام عده‌ی زیادی باشد و به علاوه شهر نام برخی شهرها شهر فرق کرده و برخی از نام‌ها مربوط به شهرهای متعدد در کشورهای گوناگون می‌تواند باشد. همچنین سند این روایت‌ها، قابل اعتماد نیست؛ لذا نمی‌توان گفت از کدام شهر، چه افرادی، از گروه یاران هستند؛ ولی آنچه مسلم است، این است که یاران حضرت، از مناطق مختلفند.



### آیا انحصار یاران حضرت مهدی علیه السلام به ۳۱۳ نفر، یک نوع تبعیض نیست؟

باید توجه داشت که یاران حضرت، منحصر در ۳۱۳ نفر نیست؛ زیرا حضرت، دارای سه گروه یار است که گروه اول آنان، ۳۱۳ نفرند. اینان، فرماندهان و بزرگان لشکر حضرت محسوب می‌شوند و موالیان اویند. طبیعی است هر لشکر، تعدادی محدود فرمانده دارد و بقیه، تحت نظر اینان در لشکر حضرت به سر می‌برند و حاکم را یاری می‌کنند. پس این نوع انحصار، تبعیض نیست، با توجه به

۱. کمال الدین، ج ۲، ب ۳۷، ح ۲.

این‌که یاران گروه دوم را لشکر ده هزار نفری و یاران گروه سوم را عموم مؤمنان تشکیل می‌دهند.

گفتنی است که دلیل خاصی در این‌که چرا یاران گروه اول ۳۱۳ نفر هستند وارد نشده است. شاید بتوان گفت: این‌که تعداد یاران امام مهدی علیه السلام همچون یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ بدر ۳۱۳ نفر است برای آن است که یاد و خاطره جنگ بدر زنده شود. جنگی که مسلمانان عده کمی بودند با تجهیزات نامناسب، و فقط تکیه بر خدا داشته و با ایمان وارد معرکه جنگ شدند. هدف حفظ اسلام و دین بود. امدادهای خاص و ویژه الهی نازل شد، چنانچه در ابتدای سوره انفال (آیات ۷ - ۱۴) به آن اشاره شده است. جنگی که همه گروه‌های مسلمان آن زمان، در آن حضور داشتند. افراد سپاه از همه اقشار و سنین مختلف تشکیل شده بود و پیروزی قاطع مسلمانان در آن رقم خورد. بسیاری از سران مشرک و کافر سپاه مکه کشته شدند، پیروزی در این جنگ سرآغاز بسیار زیبایی برای شروع حرکت اسلام بود.



### چرا بیشتر یاران حضرت مهدی علیه السلام مرد هستند؟

بنابر آنچه از روایات استفاده می‌شود، یاران حضرت را سه گروه تشکیل می‌دهند:

- ۳۱۳ نفر یاران خاص که در ابتدای ظهور خدمت حضرت اجتماع می‌کنند؛
- لشکر و گروه ده هزار نفری که با اجتماع آنان خروج صورت می‌پذیرد؛
- عموم شیعیان و ارادت‌مندان که در طول حرکت امام مهدی علیه السلام به ایشان ملحق می‌شوند.

اگر سخنی از پنجاه زن به میان آمده، مربوط به گروه اول است. از امام باقر علیه السلام در روایتی بلند نقل شده است:

... قسم به خدا! ۳۱۳ تن که بین آنان، پنجاه زن هستند، در مکه اجتماع می‌کنند...<sup>۱</sup>

طبیعی است وقتی شمار زنان در گروه اول به این تعداد باشد، در گروه‌های بعد، بیشتر خواهد بود. علاوه بر این که پرسش از کم بودن تعداد زنان در مقایسه با مردان میان یاوران حضرت، حرف صحیح و پسندیده‌ای نیست؛ چرا که یآوری، نه فقط به معنای جنگیدن و سلاح برکشیدن است؛ بلکه یار و یاور واقعی، کسی است که با همه وجود، در خدمت امام و اهداف او باشد و



آنچه را که حضرت از او می‌خواهد، انجام دهد. در زمان غیبت و انتظار، به وظیفه یک منتظر واقعی آگاه باشد و آنچه را در این مدت بایسته است، انجام دهد و در زمان ظهور، گوش به فرمان و مطیع دستورهای او باشد و امر او را امتثال کند. مگر فاطمه زهرا و زینب کبری علیها السلام از یاوران پیامبر و امام زمان خود نبودند؛ در حالی که جنگ ظاهری با اسلحه نیز نداشتند؟ هر کس به تاریخ بنگرد، به خوبی به نقش بارز و بی‌بدیل آنان در یاری رهبر خود پی می‌برد. یاری رهبر در رساندن پیام او و مکتبش، بسیار ارزشمند است و اصولاً حرکت فرهنگی، پایه و اساس است؛ لذا در روایت، به علم و عالم و قلم او اشاره فراوان شده است؛ چرا که اگر یاری امام در بُعد فرهنگی و تبیین معارف دین نباشد و مردم از اهداف و برنامه‌های امام آگاه نباشند، طبعاً، برای کمک به گسترش فرهنگ و مکتب او، سلاح به دست نمی‌گیرند. زنان، در این عرصه مهم، به خوبی می‌توانند ایفای نقش کنند و یاری امام خود را در حدّ اعلا، اعلام و آشکار کنند.

در مواردی که یاری‌کردن مربوط به حالت جنگ و قیام و جهاد باشد، طبیعی است که مردان باید فعال‌تر حضور داشته باشند؛ چرا که خداوند با توجه به ویژگی‌های جسمی و روحی زنان و مردان، وظایف و تکالیف را قرار می‌دهد و ویژگی‌ها و مشکلات جنگ، به گونه‌ای است که نه با جسم زن سازگاری دارد و نه با روح او هم‌خوانی دارد؛ لذا وظیفه جهاد، از دوش آنان برداشته شد، مگر در زمان ضرورت.

## ۳۵

آیا تعدادی که به ۳۱۳ نفر معروفند و از یاران خاص امام مهدی علیه السلام هستند، همه هم عصر زمان ظهور هستند یا افرادی از سابق نیز میان آنان هستند؟

تعدادی از یاران گروه ۳۱۳ نفری، از کسانی هستند که در عصر و زمان ظهور زندگی می‌کنند. در برخی روایات آمده است که اینان کسانی هستند که شب در بستر خود ناپدید شده، پس صبح در مکه خواهند بود. آیه ﴿اینما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً﴾<sup>۱</sup> درباره این گروه است<sup>۲</sup> این گونه از روایات، متعدد است و از آن‌ها به خوبی می‌توان استفاده کرد که تعدادی از یاران، هم عصر زمان ظهورند.

البته از برخی روایات، استفاده می‌شود که برخی از بزرگان روزگار گذشته، براساس مصالحی خاص، دوباره زنده شده و رجعت می‌کنند و در رکاب حضرت و از یاران آن بزرگوار می‌شوند. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

خروج می‌کنند با قائم علیه السلام از پشت کوفه - یا کعبه - ۲۷ مرد که عبارتند از: پانزده نفر از قوم حضرت موسی علیه السلام و هفت نفر از اصحاب کهف، و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانہ انصاری و مقداد و مالک

۱. بقره (۲): ۱۴۸.

۲. غیبت نعمانی، ب ۲۰، ح ۳.

اشتر؛ پس در نزد آن حضرت، از یاران و والیان هستند.<sup>۱</sup>

لذا از ما خواسته شده است هر روز صبح دعای عهد بخوانیم امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود: هر کس پیش از صبح این دعا را بخواند، از یاران قائم علیه السلام خواهد بود و اگر پیش از ظهر بمیرد، دوباره زنده شده و از قبر خارج می‌شود.<sup>۲</sup>

در متن این دعا نیز ما از خدا می‌خواهیم اگر پیش از ظهر از دنیا رفتیم، دوباره زنده شویم.

بنابراین، یاران قائم علیهم السلام هم از افرادی هستند که هم‌عصر زمان ظهورند و هم از افرادی‌اند که در پیش از زمان ظهور، زندگی کرده‌اند و از دنیا رفته‌اند.



### یاران حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، چگونه نزد آن حضرت اجتماع کرده و حاضر می‌شوند؟

آنچه درباره اجتماع یاران در روز موعود مطرح است، مربوط به گروه اول است. حضور یاران خاص (۳۱۳ نفر) در مکه به دو صورت قابل تصور است:

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۰.

۲. بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۴۲.

۱. به صورت عادی: به این معنا که با توجه به آشکار شدن علایم، یارانی که توان تهیه مقدمات سفر به مکه را دارند، خود را به میعادگاه می‌رسانند.

۲. به صورت اعجاز آمیز: به این معنا که یارانی که باید در مکه حاضر باشند و نتوانسته‌اند به صورت عادی رهسپار آنجا شوند، به قدرت الهی و (مثلاً) طی الارض در مکه حاضر می‌شوند.  
در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

هر کس در راه باشد، در آن ساعت می‌رسد و کسی که درگیر راه نباشد (نتوانسته حرکت کند)، از بستر خود ناپدید می‌شود و این، همان فرمایش امیر مؤمنان علی علیه السلام است که فرمود: «مفقودان از بسترهایشان» و نیز قول خداوند است که فرمود: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾؛<sup>۱</sup> پس سبقت بگیرید [از یکدیگر به] خیرات [یعنی اهل بیت] هر جا که باشید، خداوند همه شما را می‌آورد [نزد امام مهدی هنگام ظهور].<sup>۲</sup>

بنابراین سخن از استطاعت و عدم آن مطرح نیست؛ بلکه اراده الهی و قدرت بی‌انتهای او است ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾<sup>۳</sup>؛ به درستی که امر او (چنین) است هنگامی که اراده چیزی

۱. بقره (۲): ۱۴۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.

۳. یس (۳۶): ۸۲.

داشته باشد می‌گوید باش پس (موجود) می‌شود.»  
گفتنی است ممکن است اجتماع همگی یاران، از نوعی اعجاز برخوردار باشد؛ زیرا روایات در این باره به صورت دقیق و شفاف و جزئی به همه نکات اشاره ندارند.



### آیا با خواندن چهل بار دعای عهد یار حضرت مهدی علیه السلام می‌شویم؟

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس دعای عهد را چهل صبح بخواند، از یاران قائم علیه السلام خواهد بود. البته باید دانست که خواندن دعا به تنهایی کافی نیست؛ بلکه انسان باید قابلیت یاوری امام را در خود ایجاد کند.

به بیان دیگر، یکی از راه‌های ارتباطی میان انسان و خدا و حجت او دعا است. دعا راز و نیاز با محبوب و مناجات با مطلوب است؛ پس اصل دعا بسیار ارزشمند است. البته هر دعا تأثیر و خاصیت مناسب با خود را نیز دارد؛ یکی در آمرزش گناه و پذیرش توبه مؤثر است و دیگری در وسعت رزق و روزی و دیگری در کسب علم و معرفت و... در این میان، دعاهایی که از امامان علیهم السلام صادر شده و به دست ما رسیده است، ارزش والا و برتر دارد. در دعای عهد از امام صادق علیه السلام

برای ما نقل شده است و مضمون بسیار بلندی دارد، ما عاجزانه از پروردگار خود می‌خواهیم به ما قابلیت‌ی عنایت کند که بتوانیم خود را برای یآوری امام آماده کنیم و واقعاً دست بیعت و وفاداری به او بدهیم. از خداوند ظهور او را می‌طلبیم و از او می‌خواهیم ما را در امر زمینه‌سازی و ظهور کمک کند.

پس یکی از بهترین راه‌های ارتباط، دعا است که مشی صحیح زندگی را نیز همراه دارد.

عدد چهل که در روایات متعددی مطرح شده است، بیانگر این مطلب است که تکرار عمل در چهل مرتبه تأثیر گزار است. برای نمونه در روایت آمده است: هر کس چهل روز خود را برای خدا خالص کند چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می‌گردد.<sup>۱</sup> یا مناجات حضرت موسی علیه السلام در کوه طور<sup>۲</sup> که چهل شب به طول انجامید و یا شهادت چهل مؤمن برای میت که باعث مغفرت او می‌شود.

شاید مراد از چهل بار خواندن دعای عهد نیز این باشد که حقیقت دعا در انسان تجلی یابد.

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۶.

۲. بقره (۲): آیه ۵۱ و اعراف (۷): آیه ۱۴۲.



## نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

بدون تردید، نقش زنان در تاریخ اسلام، نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای بوده و هست. در صدر اسلام، زنانی چون نسیبه را مشاهده می‌کنیم که در جنگ احد از رسول خدا صلی الله علیه و آله دفاع می‌کرد و در این راه زخمی شد. نیز در جنگ احد، بدن امام علی علیه السلام پر از زخم شده بود، به طوری که بدن آن حضرت از شصت جا جراحت سخت برداشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو زن را به نام سلیم و ام عطیه مأمور مداوای حضرت علی علیه السلام نمود، و آن‌ها طبق مأموریت به زخم بندی مشغول شدند.

همچنین نقش پر اهمیت زهرا علیها السلام در دفاع از حریم ولایت، و رسوایی غاصبان خلافت، امری است روشن و معلوم که در جای خود بحث شده است. زنان در انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز دارای نقش مهمی هستند. امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر می‌فرماید: «با حضرت قائم علیه السلام سیزده زن همراه است». عرض کرد: «آن‌ها چه کار می‌کنند؟» حضرت فرمود: «مجروحان را مداوا و بیماران را پرستاری می‌کنند؛ همانطور که زمان پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بود»<sup>۱</sup>.

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۵۰.

نیز امام باقر علیه السلام فرموده است: سوگند به خدا! سیصد و اندی مرد می آیند که میانشان پنجاه نفر زن هستند. در مکه اجتماع می کنند بی آن که قبلاً وعده داده باشند. آمدنشان مانند ابرهای پاییزی است.<sup>۱</sup> با توجه به این مقدمه می توان گفت:

الف. در دیدگاه اسلام، حضور زن در امور اجتماعی یک مسأله پذیرفته شده است و می توان برای آن، مؤیدهایی را ذکر کرد:

۱. حضور جدی حضرت زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام در امور اجتماعی و سیاسی.  
 ۲. حضور زنان در میان سپاهیان پیامبر که وظایفی هم چون رساندن آب و غذا به رزمندگان، پرستاری مجروحان، تهیه دارو، رساندن مهمات، انتقال شهدا، تشویق رزمندگان و... داشتند. چنین چیزی را در سیره جنگی حضرت امیر علیه السلام می توان دید؛ مثل داستان حضور زنی به نام سوده حمدانی در جنگ صفین که رزمندگان را علیه معاویه تشویق می کرد.

ب. اگر سیره امام زمان علیه السلام ادامه سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام است، قطعاً در دولت امام زمان علیه السلام نیز زنان از این سبب محروم نخواهند بود. در این باره روایات متعدد داریم؛ نظیر آن روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت فرمود: «زنان همان کارهایی را که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله انجام می دادند، در زمان حضرت قائم علیه السلام نیز انجام خواهند داد».<sup>۲</sup>

در برخی روایات فقط به اجمال به حضور زن تاکید شده و نامی از

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۲. چشم اندازی به حکومت امام مهدی علیه السلام، ص ۶۸-۸۰.



تعداد آنان برده نشده است. در برخی روایات به سیزده زن اشاره دارد که هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام با حضرت خواهند بود.<sup>۱</sup> البته این روایت، تعداد زنان رجعت‌کننده در زمان ظهور حضرت را بیان می‌کند. همچنین برخی روایات تعداد زنان را در جمع یاوران اصلی حضرت پنجاه نفر بیان کرده‌اند؛ در دسته دیگری از روایات، تعداد یاران زن تا چند هزار نفر برشمرده شده است.<sup>۲</sup> البته این زنان غیر از یاوران اصلی حضرت هستند.

در نتیجه می‌توان گفت با توجه به سیره نبوی و علوی، حضور زن در حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام و میان یاران آن حضرت، امری مسلم است؛ اما این که چه تعداد از آنان زن هستند یا این که در جمع ۳۱۳ نفر یار اصلی حضرت چند نفرشان زن هستند، نمی‌توان یک سخن قطعی و عدد مشخصی را بیان داشت.

باید توجه داشت که یاری رساندن زنان به حضرت (بر خلاف آنچه متبادر به ذهن است) به جبهه جنگ منحصر نیست؛ بلکه عرصه‌های مختلفی چون حوزه فرهنگ و سیاست، امور اجتماعی و تربیتی را نیز در بر می‌گیرد. حوزه‌هایی که در آنها میدان یاری برای زنان با حفظ کرامت زن، باز است و زنان در حکومت حضرت می‌توانند در این عرصه‌ها نقش داشته باشند؛<sup>۳</sup>

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۵.

۲. چشم اندازی به حکومت امام مهدی علیه السلام، ص ۶۸ - ۸۰.

۳. برای مطالعه بیشتر، رک: سیمای آفتاب، نوشته حبیب الله طاهری؛ چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، اثر نجم الدین طبسی.

کتابخانه عمومی  
شهرستان

# دوران غیبت

## فلسفه وجود امام زمان علیه السلام در زمان غیبت چیست و چه آثار و فوایدی بر وجود او مترتب است؟

از زمانی که سخن از غیبت حجت خدا از زبان پیامبر مطرح شد، این سؤال نیز ذهن انسان را به خود مشغول کرد که در صورت غیبت، فلسفه وجودی امام چه خواهد بود؟ امام چه نقش و تأثیری در زندگی انسان خواهد گذاشت؟ و آدمی چگونه از امام غایب نفع می‌برد و از او کسب فیض می‌کند؟

وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ به سؤال جابر بن عبدالله انصاری درباره بهره انسان‌ها از امام غایب فرمود:

ای و الذی بعثنی بالنبوة انهم یستضیئون بنوره و ینتفعون بولایته فی غیبه کانتفاع الناس بالشمس و إن تجلّ لها سحاب؛ آری؛ قسم به خدایی که مرا به نبوت برگزید! به درستی که آنان، از نور او طلب روشنائی

می‌کنند و در دوران غیبتش به ولایت او نفع می‌برند؛ مانند بهره مردم از خورشید، هرچند ابر، آن را پوشانده باشد.<sup>۱</sup>

نظیر این تشبیه و تعبیر، از خود حضرت ولی عصر علیه السلام نیز بیان شده است:

و اما وجه الانتفاع بی‌فی غیبتی فکالاتنفاع بالشمس اذا غیبتها عن الابصار السحاب؛ اما کیفیت بهره‌برداری از من در غیبتم، مانند انتفاع از خورشید است؛ زمانی که ابر، آن را از دیدگان پنهان می‌کند.<sup>۲</sup>

در مقام تبیین این تشبیه، گفته شده است همان‌گونه که خورشید، محور منظومه شمسی است و سیارات از جمله زمین، در حرکتی منظم، دور آن می‌چرخند، و اگر خورشید را بردارند، این نظام درهم پیچیده می‌شود، جایگاه امام نیز چنین است و بقای عالم انسانی و به تبع آن عالم ما سوی الله، به وجود امام است. اگر حجت نباشد، نظام انسانی در هم پیچیده شده و پایان عمر جامعه انسان‌ها فرا می‌رسد. امام باقر علیه السلام فرمود: «لو بقیت الارض بغير امام لساخت؛ اگر زمین، بدون امام باشد، اهلیش را فرو می‌برد و نابود می‌کند».<sup>۳</sup>

همان‌گونه که حرارت و نور خورشید، حتی از پشت ابر نیز به زمین می‌رسد و باعث روشنایی و گرمای مناسب زمین می‌شود و

۱. کمال الدین، ج ۱، ب ۲۳، ح ۳.

۲. همان، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

حیات موجودات، ممکن پذیر می‌شود، برکات امام نیز هرچند او در پشت پرده غیبت است، به انسان‌ها می‌رسد و جامعه انسانی از وجود شریفش بهره‌مند می‌شوند.

مناسب است درباره اثرات وجودی امام، کامل‌تر صحبت شود. به نظر می‌آید، آثار وجودی امام و حجت خدا را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

- آثاری که بر اصل وجود امام در عالم هستی مترتب می‌شود؛ چه امام ظاهر باشد و چه غایب؛

- آثاری که بر افعال امام مترتب می‌شود؛ چه امام ظاهر باشد و چه غایب؛

- آثاری که بر وجود امام ظاهر مترتب می‌شود.

واسطه فیض: اولین اثری که بر وجود امام مترتب است، این‌که امام، واسطه فیض الهی بر مخلوقات است و فیض الهی، به واسطه او بر بندگان نازل می‌شود. واسطه فیض بودن، دو گونه قابل تصور است:

الف. نظام جهان بر اساس اسباب و مسببات است و هر پدیده‌ای از راه سبب و علت، ایجاد می‌شود. در رأس این سلسله اسباب، وجود مقدس حجت خدا است.

ب. نظام جهان، بر اساس هدف و غایتی خلق شده است و تا زمانی که غایت از این نظام و هدف آن، پابرجا است، نظام نیز به وجود خود ادامه می‌دهد. هدف از خلقت عالم، امکان حیات انسان است و هدف از خلقت آدمی، عبادت و عبودیت است. عبادت و عبودیت کامل که

همراه معرفت کامل است، فقط از طریق امام و حجت خدا تحقق می‌یابد؛ پس تا زمانی که امام هست، هدف از خلقت نیز باقی است؛ لذا در سایه وجود او نظام هستی پا برجا است؛ بنابراین امام، واسطه فیض است و به واسطه او، فیض به عالم هستی می‌رسد و به واسطه او، عالم وجود باقی است؛ چه امام ظاهر باشد و چه غایب.

دفع بلا: روایت معروفی از وجود مقدس پیامبر صادر شده است که فرمود: «خداوند، ستارگان را امان برای اهل آسمان قرار داد و اهل بیتم را امان برای اهل زمین».<sup>۱</sup>

نظیر این تعبیر، از وجود مقدس امام زمان علیه السلام نیز صادر شده است:<sup>۲</sup>  
من، آخرین اوصیا هستم. به واسطه من، خدا، بلا را از خاندان و شیعیانم دفع می‌کند».<sup>۳</sup>

به نظر می‌آید مراد از بلا، عذاب‌هایی باشد که به سبب اعمال ناشایست انسان‌ها باید نازل می‌شد؛ ولی به سبب آن که وجود مقدس حجت خدا در میان مردم است، عذاب دفع می‌شود. خداوند، به وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: ﴿وما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم﴾؛ و خداوند، آنان را عذاب نمی‌کند؛ در حالی که تو میانشان هستی».<sup>۴</sup>

بنابراین، یکی از آثار وجودی امام، دفع بلا است. البته از روایات

۱. «جعل الله النجوم اماناً لأهل السماء و جعل أهل بيتي اماناً لأهل الارض»، بحار الانوار، ج ۲۷.

۲. «انا خاتم الاوصياء و بی يدفع الله عزوجل البلاء عن اهلی و شیعتی».

۳. کمال الدین، ج ۲، ب ۴۳، ح ۱۲.

۴. انفال (۸): ۳۳.

استفاده می‌شود دایره دفع بلا، برای سه گروه بوده و دارای وسعت و ضیق است: دفع بلا از اهل زمین، دفع بلا از امت اسلام و دفع بلا از شیعه و نزدیکان.

از امام باقر علیه السلام در حدیث نسبتاً بلندی نقل شده است که پیامبر فرمود: «النجوم أمان لأهل السماء و أهل بیتی أمان لأهل الأرض... و اذا ذهب أهل بیتی أتى أهل الأرض ما یكروهون... بهم یمهل أهل المعاصی و لا یجعل علیهم بالعقوبة و العذاب...؛ ستارگان، برای اهل آسمان امانند و اهل بیتم برای اهل زمین امان هستند... زمانی که اهل بیتم بروند، آن اهل زمین از آنچه کراهت دارند بر سرشان می‌آید... به واسطه آنان، اهل عصیان، مهلت داده می‌شوند و مورد عقوبت و عذاب واقع نمی‌گردند.<sup>۱</sup>

امید بخشی: آدمی، به امید زنده است، امید به آینده‌ای سبز و روشن که در آن، اثری از پلیدی و تباهی نباشد. انسان، منتظر چنین ایام زیبایی است و بهترین عمل او نیز انتظار فرج و دمیدن صبح ظفر است. پیامبر فرمود: «أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج؛ برترین عمل امت من، انتظار فرج است». وجود امامی که منتظر اذن الهی برای ظهور است، به مردم، دلگرمی می‌دهد و گام‌های آنان را در جاده انتظار استوار می‌کند.

به راستی، آیا وجود رهبر در تبعید، انقلاب را ایجاد می‌کند و

مردم را به جوشش و حرکت در می‌آورد یا وعده آمدن فردی در آینده که دوران حیاتی در این زمان برای او متصور نیست؟

**خودسازی:** از دیگر آثار وجودی امام، پیدایش و تقویت روحیه خودسازی و تهذیب نفس است. بر اساس روایات<sup>۱</sup> امام و حجت خدا، ناظر و شاهد بر اعمال است. هر روز و هر هفته، اعمال انسان‌ها خدمت آن بزرگوار عرضه می‌شود. کسی که دوستدار امام باشد، راضی نمی‌شود امام، ناظر بر اعمال ناپسند او باشد و با دیدن اعمال بد او، غمگین و ناراحت شود؛ لذا سعی می‌کند دقت بیشتری در اعمال خود داشته باشد و به گونه‌ای رفتار کند که رضایت امامش را به دست آورد. در کنار این آثار، آثار دیگری هم هست؛ مانند هدایتگری و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی.

برخی از آن آثار را انسان‌ها در زندگی خود به روشنی احساس کرده‌اند؛ مانند حفظ و نجات شیعیان. حضرت در نامه‌ای به شیخ مفید نوشتند: ما، بر اخبار و احوال شما آگاه هستیم و هیچ چیز از اوضاع شما، بر ما پوشیده نیست. ما، در رسیدگی و رعایت امور شما، اهمال نکردیم و شما را از یاد نبرده‌ایم.<sup>۲</sup>

در این باره، عنایات حضرت، بی‌شمار است؛ مانند داستان انار و نجات شیعیان بحرین، و کمک‌های ایشان در جریان انقلاب و جنگ. در کنار حفظ شیعه از کیدهای دشمنان، نباید عنایات حضرت به

۱. کافی، ج ۱، باب عرضه اعمال و شاهدان اعمال.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۶.



بیماران و درماندگان و در راهماندگان و نیازمندان را از یاد برد. افراد متعددی از لطف او بهره برده‌اند و بیماریشان علاج شده و گم-گشتگان در راه، به منزل رسیده‌اند و نیازمندان و محتاجان و فقرا، سامان یافته‌اند. این آثار، به افعال امام برمی‌گردد و امام ظاهر باشد یا غایب، امکان ترتیب اثر هست. بله؛ اثری که به وجود ظاهری امام برمی‌گردد، حکومت ظاهری است؛ یعنی بشریت امروز به سبب غیبت امام علیه السلام که علت این غیبت هم خود مردم هستند، از حکومت عدل الهی و رشد و تکامل بشری در حدّ اعلاّی آن محروم شدند و تا زمانی که ظهور امام علیه السلام رخ ندهد، این محرومیت ادامه دارد.



**مسجد مقدس سهله در کوفه چگونه به نام امام زمان علیه السلام معروف شد و پیدایش آن، بر اساس چه معیاری بوده است؟**

مسجد مقدس سهله که در کوفه واقع است، قدمتی به اندازه آغاز زندگی انسان روی زمین دارد؛ زیرا، در روایتی، امام صادق علیه السلام می-فرماید: خداوند پیامبری را مبعوث نکرده، جز آن که در مسجد سهله نماز گزارده است.<sup>۱</sup>

مسجد سهله، همیشه، به صورت مسجد و دارای بنا نبوده است؛

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶.

اما مکان آن، همیشه مورد توجه بوده است. ابان بن تغلب، می‌گوید:  
 امام صادق علیه السلام اطراف کوفه، در سه نقطه نماز خواند و فرمود:  
 «سومین محل، محل نزول قائم علیه السلام بود».<sup>۱</sup> از این روایات معلوم می‌شود، آن نقطه، مسجد سهله بوده است.<sup>۲</sup>

بسیاری از پیامبران، در این مسجد، اقامت داشته‌اند؛ مانند حضرت ابراهیم و حضرت ادریس علیه السلام و فضیلت‌های بسیار زیادی برای رفتن و عبادت کردن در آن مسجد، نقل شده است<sup>۳</sup> و اعمال خاصی دارد که در *مفاتیح الجنان* نیز به آن اشاره شده است. علت انتساب این مسجد به امام زمان علیه السلام به سبب وجود روایاتی است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

- مسجد سهله، منزل و محل اقامت امام زمان علیه السلام بعد از ظهور است<sup>۴</sup>
  - مسجد سهله، منزل و محل اقامت دائمی امام زمان علیه السلام است.<sup>۵</sup>
  - مسجد سهله، محل بیت‌المال و محل تقسیم غنائم خواهد بود؛<sup>۶</sup>
  - مسجد سهله، محل اقامت جانشینان امام زمان خواهد بود؛<sup>۷</sup>
- علاوه بر موارد بالا که در روایات متعدد آمده و مسجد را منسوب به

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۷۲.

۲. مجله انتظار، ش ۶، اماکن زیارتی منتسب به امام زمان علیه السلام در ایران و جهان اسلام (مسجد سهله)، مقاله مهدی‌پور، ص ۳۳۳.

۳. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶.

۴. کافی، ج ۳، ص ۴۹۵.

۵. مزار کبیر، ص ۱۳۴.

۶. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۷. تهذیب، ج ۶، ص ۳۱.

امام زمان علیه السلام می‌کند، تعداد زیادی از افراد، در مسجد سهله، به محضر امام زمان علیه السلام رسیده‌اند و توفیق ملاقات آن امام را یافته‌اند یا مورد عنایت آن حضرت قرار گرفته‌اند؛ بزرگانی مانند سید مهدی بحر العلوم و حاج میرزا مهدی اصفهانی و حاج شیخ محمدتقی آملی و آیت‌الله خویی و...<sup>۱</sup> سیره و روش علما، این بوده است که برای کسب فیض، شب‌های چهارشنبه، به آن مسجد می‌رفتند. البته دربارهٔ شب چهارشنبه یا چهل شب رفتن، روایتی در دست نیست، مگر همان راهنمایی‌ها که در ملاقات‌ها صورت گرفته است.<sup>۲</sup>



### مسجد مقدس جمکران در قم چگونه به نام امام زمان علیه السلام معروف شد و پیدایش آن بر اساس چه معیاری بوده است؟

مسجد مقدس جمکران قم، از مساجد منسوب به امام زمان علیه السلام است که تاریخ بنای آن، بر اساس آنچه از کتاب تاریخ قم نوشته شیخ حسن بن محمد بن حسن قمی معلوم می‌شود، به سال ۳۹۳

۱. برای مطالعه متن این ملاقات‌ها و جریان‌ها، ر.ک: به کتاب مسجد سهله نوشته سید عباس موسوی مطلق.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: فصلنامه انتظار، ش ۶، مقاله «اماکن زیارتی منتسب به امام زمان در ایران و جهان (مسجد سهله)»، علی اکبر مهدی پور و مسجد سهله میعادگاه عاشقان، نوشته سید عباس موسوی مطلق.

ق برمی‌گردد و قدمتی بیش از هزار ساله دارد. در همین کتاب، سبب بنای این مسجد را فرمان امام‌زمان علیه السلام به شیخ حسن بن مثله جمکرانی بیان می‌کند.

جمکران، نام دهی در نزدیکی شهر مقدس قم است. شیخ حسن بن مثله، از افراد صالح و ساکن این روستا بوده است که امام به او فرمان داد زمینی را که اکنون محل مسجد جمکران است، از دست فردی به نام حسن بن مسلم که بی‌اجازه در آن جا کشت می‌کرده بگیرد و در آن محل، مسجدی بنا کند و محل هزینه آن را نیز به او نشان داد.

به این ترتیب، اولین بنای مسجد جمکران ساخته شد و خود امام‌زمان علیه السلام در همان فرمان ساخت مسجد، اعمال آن را نیز بیان داشت و فرمود: به مردم بگویید به این مکان رغبت کنند و آن را عزیز شمارند و هر کس دو رکعت نماز در آن بخواند؛ مانند کسی است که در کعبه نماز خوانده است.

به سبب دستور امام‌زمان علیه السلام این مسجد به نام ایشان معروف است و عاشقان آن حضرت ارادت خاصی به آن دارند. علمای بزرگ ما نیز در باره آن مسجد، جملات بسیار مهمی دارند. آیت‌الله بروجردی می‌فرماید، این جریان [= ساخت اولیه مسجد]، در زمان شیخ صدوق اتفاق افتاده است؛ یعنی، ایشان، صحت این جریان را تأیید می‌کنند.

علاوه بر نقل مذکور که در کتاب تاریخ قم موجود است و اکنون آن قسمت کتاب، در دست نیست، سیره عالمان و بزرگان و صالحان،

این بوده است که به آن مسجد بروند و افراد زیادی در این مسجد مورد عنایت حضرت واقع شده‌اند. البته در باره شب چهارشنبه‌رفتن یا چهل شب رفتن، روایتی در دست نیست؛ اما سیره و روش بزرگان، چنین بوده است و احتمال دارد چنین روشی، با راهنمایی‌های خود حضرت ولی عصر علیه السلام بوده باشد.<sup>۱</sup>

## ۴۲

### مراد از غیبت امام مهدی علیه السلام چیست و چرا آن حضرت غایب شد؟

الف. «غیبت» یعنی پنهان بودن و مراد از غیبت امام زمان علیه السلام این است که زندگی پنهانی دارد. با توجه به روایات می‌توان دریافت مراد از پنهان زیستی حضرت مهدی علیه السلام این است که مردم او را نمی‌شناسند؛ یعنی آن بزرگوار، میان مردم می‌باشد و آنان او را می‌بینند؛ ولی نمی‌دانند او همان امام زمان علیه السلام می‌باشد؛ لذا غیبت حضرت علیه السلام به حضرت یوسف علیه السلام تشبیه شده است که با این‌که برادرانش برای خرید گندم به مصر رفتند و او را دیدند؛ ولی وی را نشناختند. البته در مواردی بدن حضرت نیز دیده نمی‌شود.

ب. بیان علت حقیقی و اصلی غیبت، امری دشوار و شاید دور از

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: فصلنامه انتظار، ش ۵.

دسترس باشد. درباره غیبت می‌توان، دو نگاه داشت:

۱. نگاه تاریخی: وقتی به تاریخ صدر اسلام و حتی پیش از آن می‌نگریم، به خوبی می‌بینیم که جبهه کفر و باطل برای مقابله با جبهه حق و نابودی آن، از هیچ اقدامی فروگذاری نکرده و در این راه حتی از کشتن پیشوایان دین نیز ابایی نداشته است. آنان، به خوبی می‌دانستند ادامه حکومت دنیایی و سیطره بر مردم و کسب منافع نامشروع، زمانی امکان پذیر خواهد بود که پیشوایان دین و هادیان حق را از سر راه خود بردارند؛ لذا شهادت امامان علیهم‌السلام در دستور کار خلفای جور قرار گرفت. آنچه وحشت و اضطراب حاکمان خودکامه را بیشتر می‌کرد، وعده ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام به عنوان منجی و مصلح بود؛ از این رو خلفای معاصر امام حسن عسکری علیه‌السلام ایشان را به شدت تحت نظر داشتند، تا وقتی فرزندش به دنیا می‌آید، او را در همان ابتدای زندگی به شهادت برسانند؛ بنابراین بسیار طبیعی است که خداوند آخرین حجت خود را در پرده غیبت قرار دهد، تا جان او حفظ شود و در موعد مقرر و زمانی که مردم آمادگی ظهور داشتند، ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد نماید.

۲. نگاه روایی: در روایات، به علت و حکمت‌های متعددی اشاره شده است. پی از بیان آن‌ها ذکر این مقدمه ضروری است که: غیبت، سری از اسرار الهی است و ما ایمان داریم که خداوند متعال، هیچ کاری را جز بر اساس حکمت و مصلحت، انجام نمی-

دهد؛ خواه ما آن حکمت‌ها را بشناسیم یا نشناسیم. غیبت حضرت مهدی علیه السلام یکی از پدیده‌هایی است که با اراده و تدبیر او رخ داده است؛ پس حتماً دارای حکمت و مصلحتی مهم است که حتی اگر ندانیم، به آن باور داریم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ان هذا لأمر من أمر الله و سر من سر الله؛ این، امر الهی و سری از اسرار خداوند است.<sup>۱</sup> در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، در پاسخ سوال از علت غیبت آمده است: غیبت، به سبب امری است که اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم ... غیبت، سری از اسرار الهی است؛ ولی چون می‌دانیم که خداوند بزرگ، حکیم است، می‌پذیریم که همه کارهای او (براساس) حکمت است؛ اگر چه علت کارها برای ما معلوم نباشد.<sup>۲</sup>

الف. آزمایش مردم: امتحان کردن مردم، از سنت‌های حتمی خداوند است. او، بندگان خود را به اسباب گوناگون می‌آزماید، تا میزان استواری آن‌ها در مسیر حق، آشکار شود. نتیجه امتحان، برای خداوند معلوم است؛ ولی در گذر از سختی‌ها، بندگان خدا پخته می‌شوند و به جوهر وجود خود پی می‌برند. امام علی علیه السلام فرمود: «به خدا قسم! من و دو فرزندم شهید می‌شویم. خداوند در آخر الزمان مردی از فرزندانم را به خونخواهی ما بر خواهد انگیخت. او مدتی غایب می‌شود، تا مردم آزمایش شوند و گمراهان جدا گردند، تا

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱.

جایی که افراد نادان می‌گویند: «خداوند، دیگر به آل محمد کاری ندارد».<sup>۱</sup> امام کاظم علیه السلام فرمود:

هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مراقب دین خود باشید، تا کسی شما را از آن بیرون نکند. برای صاحب این امر، غیبتی خواهد بود که گروهی از پیروان او، از اعتقاد خود دست برمی‌دارند و این غیبت، آزمونی است که خداوند با آن، بندگان را امتحان می‌کند.<sup>۲</sup>

ب. ستم پیشه بودن انسان‌ها: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند؛ ولی خداوند به دلیل ستم پیشه بودن و زیاده‌روی انسان‌ها، آنان را از وجود [ظاهری] حجت خود محروم می‌سازد.<sup>۳</sup>

ج. حفظ جان امام: یکی از عوامل کناره‌گیری پیامبران از قوم خود، حفظ جان خویشان بوده است، تا بتوانند در وقتی دیگر، رسالت خود را به انجام رسانند؛ همان‌گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای حفظ جان خود، از مکه بیرون رفت و در غار پنهان شد. البته همه این‌ها، به خواست خدا و اراده او تحقق می‌یافت. در روایات متعدد آمده است که علت غیبت حضرت مهدی علیه السلام حفظ جان آن حضرت است. امام صادق علیه السلام فرمود: امام منتظر، پیش از قیام خود، مدتی از چشم غایب خواهد شد. «راوی، از علت غیبت سوال کرد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰.

۳. غیبت نعمانی، ب ۱۰؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸۸.



حضرت فرمود: «بر جان خویش بیمناک است.<sup>۱</sup> البته ترس حضرت بر جان خود، برای آن است که او، آخرین ذخیره الهی است که باید برای تحقق عدالت جهانی که وعده حتمی خداوند است، بماند و گرنه، او نیز مانند پدران بزرگوارش، از شهادت در مسیر تحقق اهداف الهی، استقبال می‌کند.

د. تأدیب مردم: وقتی امت، برابر پیامبر و امام، وظایف خود را به درستی انجام ندهد و وجود آنان را قدر نداند، روا است که خداوند، پیشوای ایشان را برای مدتی از آنان جدا کند تا به خود آیند. امام باقر علیه السلام فرموده است:

وقتی خداوند، همراهی و همنشینی ما را برای قومی خوش ندارد، ما را از میان آنان برگیرد.<sup>۲</sup>

ه. استقلال و بیعت نکردن با حاکمان: اگر امام مهدی علیه السلام پیش از فراهم شدن زمینه‌های ظهور، ظاهر شود یا کشته خواهد شد یا برای حفظ جان خود باید با دشمنان خدا و ظالمان عصر خود پیمان ببندد تا مورد تعرض آنان قرار نگیرد و دشمن نیز او را رها نمی‌کند، تا مبدا امام و پیروان او بر آنان بشورند و برضد ظالمان قیام کنند؛ همچنان که بسیاری از امامان پیشین، به بیعت ظاهری با حاکمان جور زمان خود مجبور شدند. چون رسالت مهدی علیه السلام قیام برضد

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۲۳۳.

۲. علل الشرایع، ص ۲۲۴، باب ۱۷۹.

همه ظالمان و ستمگران است و این امر، با بیعت با آنان سازگاری ندارد، او غایب شد، تا از بیعت با حاکمان جور، رها شود و هر زمان، خداوند اراده کرد، آزادانه با ستمکاران برخورد کند. امام رضا علیه السلام در بیان علت غیبت، چنین فرموده است:

برای این که آن زمان که با شمشیر قیام می‌کند، کسی بر عهده او بیعتی نداشته باشد.<sup>۱</sup>

البته برخی بر اساس روایت اول می‌گویند: علت اصلی غیبت، روشن نیست و آنچه از علت‌ها گفته شده (مانند حفظ جان)، از آثار غیبت است، نه علت اصلی.<sup>۲</sup> برخی دیگر با توجه به تاریخ و روایات، علت اصلی غیبت را حفظ جان، و بقیه موارد را از آثار آن می‌دانند.



**چرا امام زمان از دیده‌ها غایب شد. اگر بین مردم بود و مردم را به راه راست راهنمایی می‌کرد بهتر نبود؟ خداوند بر همه چیز قادر است و می‌تواند او را از شر کافران حفظ کند.**

روشن است اگر امام در میان مردم ظاهر بودند و به صورت آشکار مردم را راهنمایی و هدایت می‌کردند، بسیار بهتر بود؛ ولی آیا

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۴.

۲. فصلنامه انتظار، ش ۴، دلایل غیبت حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه روایات، ص ۲۲۹، نجم‌الدین طیبی.

دشمنان چنین اجازه‌ای را به او می‌دادند؟

پیامبر و امامان علیهم‌السلام در موارد متعدد، گفته بودند دستگاه ظلم، به دست مهدی عجل‌الله‌فرجه برچیده می‌شود؛ از این رو وجود مقدس او، مورد توجه دو دسته از مردم واقع می‌شود:

۱. مظلومان که در امید نجات به دست او بوده و هستند.
۲. ظالمان که چون وجود مقدس امام را سد راه منافع خود می‌دیدند، حضرت را به قتل می‌رساندند. در تاریخ، نمونه‌های متعددی از شهادت اولیای خدا و راهنمایان دین حق به دست ستمگران وجود دارد که از جمله آن‌ها شهادت امامان بزرگوار شیعه علیهم‌السلام است. قدرت خداوند، محدود نیست؛ ولی نظم هستی، به گونه‌ای است که کارها، از طریق اسباب و از مجرای عادی انجام شود. اگر خداوند، بخواهد برای حفظ جان انسان‌های مقدس، از جریان عادی حاکم بر جهان دست بردارد و برخلاف آن عمل کند، بدان معنا است که با تغییر در نظام آفرینش، دیگر دنیا، محل تکلیف و اختیار و امتحان نباشد؛ زیرا خداوند، با اعمال قدرت، جلوی اختیار افراد را در این باره می‌گیرد. به علاوه، اگر امام، میان مردم به صورت آشکار حاضر بود یا باید با ظالمان وارد جنگ و پیکار می‌شد یا باید برابر آن‌ها سکوت می‌کرد. راه اول، به تحقق شرایط و اذن الهی مشروط است و بدون آن، قیام و نبرد نتیجه بخش نیست. اگر امام، راه دوم را برگزیند و مؤمنان ببینند حضرت، برابر تمام جنایات و ستم‌ها سکوت کرده و

این سکوت، سالیان طولانی ادامه پیدا کرده است، از اصلاح جهان، مایوس می‌شوند؛ در بشارت‌های پیامبر ﷺ و قرآن، شک می‌کنند؛ بنابراین، گزینه غیبت تا آماده شدن شرایط و مهیا شدن مردم برای پذیرش قیام و عدالت گستری حضرت، بهترین انتخاب و روش است.



### غیبت امام زمان ﷺ دارای چه مراحل بود؟ چرا؟

غیبت امام عصر علیه السلام دارای دو مرحله است: غیبت کوتاه مدت (صغرا)، غیبت بلند مدت (کبرا).

غیبت کوتاه مدت از زمان شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ق آغاز شد و تا سال ۳۲۹ ق - حدود هفتاد سال - ادامه یافت. ویژگی این دوره، وجود چهار نایب خاص بود که از طرف حضرت منصوب شده بودند و دیگری محدود بودن زمان آن و همچنین امکان دیدار حضرت توسط برخی از افراد با اجازه امام علیه السلام. غیبت بلند مدت از سال ۳۲۹ ق آغاز شد و تا زمان ظهور ادامه پیدا می‌کند.

رخدادها و پدیده‌های اجتماعی، نیازمند مقدمه و آماده سازی است و باید شرایط را به گونه‌ای فراهم کرد که قابل تحمل و پذیرش عموم مردم شود. پدیده غیبت نیز در همین راستا قابل بررسی است.

شیعیانی که در دوران گذشته هرگاه می‌خواستند امام خود را ملاقات کنند، محضر او شرفیاب شده و از وجودش بهره می‌بردند، اینک امام و مقتدای خود را در پس پرده غیبت می‌بینند. این حادثه، بدون زمینه‌سازی، مشکل و غیره منتظره بود؛ از این رو امامان قبلی آرام آرام، شیعیان را با این پدیده آشنا کردند.

از زمان امام جواد علیه السلام به بعد به صورت‌های مختلفی مانند توجه به نهاد وکالت که از زمان امام باقر علیه السلام و صادق علیه السلام شکل گرفته بود، انجام ملاقات‌های پشت پرده، برقرار کردن ارتباط از طریق نایب خاص، مسأله غایب شدن امام به شکل جدی‌تری مطرح شد، تا طبیعی جلوه کند. این کارها، پذیرش و قبول مسأله غیبت را بین شیعیان تقویت می‌کرد؛ لذا آنان دیگر با یک پدیده غریب رو به رو نمی‌شدند. از این رو دوران غیبت در دو مرحله صورت گرفت.

غیبت صغرا (مرحله مقدماتی)؛ امام عصر علیه السلام امر هدایت و رهبری را مدت زمان هفتاد سال، از طریق نایبان خاص انجام می‌داد. این گونه اداره کردن امور، اولاً موقتی و جهت آماده سازی مردم برای غیبت کامل بود، ثانیاً برای تثبیت وجود و حقانیت امامت حضرت مهدی علیه السلام و ثالثاً تعلیم مردم به رجوع به عالمان دین بود. حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتى عليكم...؛ اما در حوادثی که پیش می‌آید، به راویان حدیث ما

مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شمايند...»<sup>۱</sup>.  
 بنابراین از جمله دلایل مرحله غیبت صغرا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اثبات وجود حضرت (با توجه به ولادت مخفیانه ایشان).
  ۲. آماده شدن مردم برای ورود به غیبت کبرا.
  ۳. تمرین برای رجوع کامل به نایبان و علما.
- بعد از پایان یافتن دوران غیبت صغرا و آمادگی مردم دوران غیبت کبرا به امر الهی آغاز شد.



## آیا امامان گذشته علیهم‌السلام برای وقوع غیبت و آماده کردن شیعیان برای این امر زمینه‌سازی کرده‌اند؟

غیبت، امری است که سیر حرکت انسان‌ها، آن را ناگزیر کرده و در این فرایند باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شد تا جامعه شیعه، با کمترین مشکل بتواند پذیرای آن باشد؛ از این رو امامان علیهم‌السلام از یک سو، راه‌های فهم احکام را به شاگردان می‌آموختند تا بتوانند احکام دین را در حد توان از منابع استنباط و استخراج کنند و مردم را نیز به آموختن از عالمان و رجوع به آنها فرامی‌خوانند و از سوی دیگر

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

با برقراری نهاد وکالت، مردم را به رجوع به وکیلان دعوت کردند. در همین راستا، امام هادی و عسکری علیهما السلام ارتباط مستقیم خود را کمتر کردند و در مواردی از پشت پرده پرسش‌ها را پاسخ می‌دادند، تا مردم به ندیدن امام عادت کنند. به دنبال آن غیبت کوتاه مدتی (صغرا)، پیش بینی شد تا مردم به واسطه نواب خاص، برخی مسائل مورد نیاز را بپرسند و در ضمن رجوع همیشگی به نایبان را فرابگیرند.<sup>۱</sup>

## ۴۶

عده‌ای از شیعیان، اعتقاد دارند مثلث برمودا، پایگاه حضرت مهدی علیه السلام است.  
آیا اسناد و شواهدی وجود دارد تا آن را به اثبات رساند؟

درباره این مسأله، به نکاتی توجه داده می‌شود:

در شمال غربی اقیانوس اطلس (نزدیک قاره آمریکا) جزایر کوچکی (حدود ۳۶۰ جزیره که بیست جزیره آن مسکونی است) وجود دارد. این جزایر، به برمودا معروف هستند. برمودا، نام یکی از جزایر بزرگ آن مجموعه است.<sup>۲</sup> مثلث برمودا، به منطقه‌ای مثلث

۱. رک: غیبت طوسی؛ تاریخ عصر غیبت، اثر پورسید آقایی؛ اصول عقاید، نوشته آیت الله مصباح یزدی؛ دادگستر جهان، تألیف آیت الله ابراهیم امینی.

۲. جزیره خضرا، اثر ناجی النجار، ص ۶۰ و ۶۱

شکل می‌گویند که یک رأس آن، جزیرهٔ برمودا (۳۳ درجه شمالی و ۶۴ درجه غربی) است و یک رأس آن، بندر میامی در ساحل شرقی ایالت فلوریدا از مهم‌ترین بنادر ایالات متحده است و رأس دیگر آن نیز سن‌خوان (سن ژوان) پایتخت پورتوریکو، یکی از جزایر بزرگ دریای کارائیب است که در شرق کشور دومینیکن قرار دارد.<sup>۱</sup> از آنچه در بالا گفتیم، وجود محلی به نام جزیره برمودا و ناحیه-ای به نام مثلث برمودا، ثابت می‌شود. این جزایر، از لحاظ جغرافیایی، محل مشخصی دارد و در نقشه‌ها ثبت شده است.

اصل نکته دربارهٔ این جزیره و مثلث برمودا، اخباری است که مخابره و ثبت شده است. در حدود سال ۱۳۵۵ش، یعنی دو سال پیش از انقلاب اسلامی در ایران، در تمام مطبوعات و رادیوها، اخباری عجیب و غریب از حوادث دردناک و اسرارآمیز از این جزیره و منطقه، نوشته و اعلام شد و به تبع آن، در مجلات داخلی ایران نیز چیزهایی ترجمه و بیان گردید؛ اما اینک دیگر اثری از آن خبرها نیست و در سال‌های اخیر، دیگر از چنین حادثه‌هایی سخن گفته نمی‌شود، در حالی که با گسترش ارتباطات، باید اخبار بیشتر و دقیق‌تر از گذشته، ارائه می‌شد.

بعضی، درباره پخش گسترده این اخبار، استدلال کرده‌اند که چون کشور کوبا، رابطه خوبی با شوروی سابق داشت و از طرفی،



نزدیک بودن آن به ایالات متحده آمریکا، خطر جدی برای آمریکا محسوب می‌شد و می‌توانست جایی برای نصب ابزار جاسوسی و جنگی و در واقع پایگاهی برای شوروی در نزدیکی آن کشور باشد، آمریکا به این فکر افتاد که در نزدیکی کوبا (مثلث برمودا) با شایعه-کردن این اخبار، منطقه خطرناک و ناامنی را ایجاد کند و آن‌جا، پایگاهی بسازد که کوبا را از نزدیک زیر نظر بگیرد و اگر کسی خواست نزدیک شود، او را از بین ببرد و آن را به نیروهای اسرارآمیز منتسب سازد؛ بنابراین، اخبار مخابره شده، همه، جنبه سیاسی و امنیتی داشت و در واقع، ساختگی بوده است. البته، امکان دارد برای واقعی جلوه کردن، چند هواپیما و کشتی را نیز از بین برده باشند.

متأسفانه بعضی، با شنیدن این اتفاقات و مشخصات ادعا کردند یا احتمال دادند که آن منطقه، همان جزیره خضرا و محل زندگی اهل بیت امام زمان علیه السلام است، در حالی که این، احتمالی بیش نیست و عقیده‌ای شخصی است که ابراز گردیده است و می‌تواند نشان از کج سلیقه‌گی افراد باشد؛ زیرا وقتی اخبار دردآور و غم‌انگیز کشته شدن عده‌ای افراد بی‌گناه که بعضاً راه را گم کرده‌اند یا سوار بر کشتی تجاری بوده‌اند دنیا را فرا گرفت - بر فرض واقعیت داشتن این جریان‌ها- و همه را به تأسف و تأثر واداشت اگر کسی ادعا کند که آن‌جا جزیره امام ما است و حضرت و یارانش چنین کارهایی را انجام داده‌اند، اثر منفی بر اذهان همه مردم خواهد داشت.

به راستی، این ادعا، به شنوندگان و خوانندگان، چه پیامی را القا می‌کند؟ آیا جز این است که خشونت‌طلبی و خون‌ریزی دین اسلام و پیشوایان دین را تبلیغ می‌کند؟

وقتی از مدعیان وجود جزیره خضرا می‌پرسند: چرا تا به حال آن را کسی ندیده است؟، می‌گویند: از قدرت خدا دور نیست که آن را به حالت معجزه‌آسا و خارق‌العاده، از چشم‌ها دور کند و کسی آن را نبیند.<sup>۱</sup>

باید از اینان پرسید: اگر خدا چنین کاری را می‌کند، چه لزومی برای نابود کردن هواپیماها و کشتی‌ها در آن منطقه هست و چرا باید این افراد بی‌گناه کشته شوند؛ در حالی که می‌شود آن‌جا را نبینند و رد شوند؟ در حالی که آنچه در حدیث جزیره خضرا آمده است، بنا بر صحت آن، به کشته‌شدن دشمنان اشاره دارد. آیا کسی که راه را گم کرده و اتفاقاً به آن‌جا رسیده، دشمن و مستوجب قتل است؟ آیا ارائه چنین تصویری از اسلام و امام، صحیح است؟

### خلاصه این‌که:

۱. مثلث برمودا، وجود دارد؛ اما اخبار نقل شده درباره آن، ساختگی و برای مقاصد سیاسی بوده است.

۲. تطبیق آن، بر جزیره خضرا، ادعایی شخصی است و فقط از سوی یک فرد ناشناخته، به نام ناجی النجار ابراز شده است. به نوشته خود او،

۱. همان، ص ۵۵.

فقط به سبب تشابهاتی که بین جریان جزیره خضرا و اتفاقات نقل شده دربارهٔ مثلث برمودا وجود داشته، به این نتیجه‌گیری رسیده است<sup>۱</sup> و طبیعی است چنین نتیجه‌گیری‌ای، ارزش علمی ندارد.

۳. پذیرش چنین چیزی، خدشه‌دار کردن چهره دین و خشن و خطرناک جلوه‌دادن امام رحمت و رأفت است که با قوانین مسلم دین، سازگاری ندارد.<sup>۲</sup>



### مراد از سرداب غیبت چیست؟

سرداب، به طبقه زیرین ساختمان اطلاق می‌شود که در مناطق گرمسیری برای حفاظت از گرمای شدید، زیر ساختمان ساخته می‌شود. این شیوه ساختمان‌سازی در بسیاری از مناطق عراق، از جمله شهر سامراء که دارای آب و هوای گرم و خشک می‌باشد، مرسوم است. خانه امام هادی علیه السلام در شهر سامراء نیز دارای چنین سردابی بود. این خانه پس از شهادت امام هادی علیه السلام در اختیار امام حسن عسکری علیه السلام قرار گرفت.

۱. همان، ص ۱۶۱.

۲. پژوهشی دربارهٔ جزیرهٔ خضراء، مجتبی کلباسی، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود. (با اندکی تصرف)

بر اساس شواهد تاریخی، ولادت با سعادت خاتم الاوصیا و منجی عالم بشریت، حضرت مهدی علیه السلام در این منزل رخ داد. آن بزرگوار، به علت شرایط حاکم بر زمان و وجود خلفای جور، مخفیانه به دنیا آمد و پس از شهادت پدر گرامی‌اش، غیبت او از آن خانه آغاز شد.

با توجه به حضور و عبادت سه امام بزرگوار شیعه در این خانه و اقامت ایشان در سرداب برای مدتی، این خانه و سرداب آن، نزد شیعه مکانی مقدس شمرده می‌شود. به علاوه برخی بر این باورند که غیبت امام مهدی علیه السلام نیز از همین سرداب آغاز شده است؛ لذا به آن «سرداب غیبت» می‌گویند. البته برخی دیگر این امر را مطلبی مسلم نمی‌دانند.

گفتنی است به علت تولد و زندگی مخفیانه امام زمان علیه السلام در زمان حیات پدر و همچنین آغاز غیبت با شهادت پدر و به امامت رسیدن ایشان، اظهار نظر درباره محل شروع غیبت مشکل است. به علاوه که این امر مسأله‌ای فرعی است. آنچه مهم است، این است که ما یقین داریم حضرت، طول دوران غیبت، میان مردم بوده و در مجامع شرکت می‌کند، نه این‌که امام، تا زمان ظهور در سرداب مخفی شده است.



در کتابی، حدیثی دیدم مبنی بر این که هر حکومتی که پیش از قیام امام زمان علیه السلام ظهور کند و به وجود بیاید، حکومت طاغوت است. این حدیث را در رابطه با نظام فعلی ما توضیح دهید.

بشر، موجودی اجتماعی است. زندگی مطلوب در جامعه، به قانون و مقرراتی کامل و مجری آگاه و توانمند در اداره جامعه نیاز دارد، تا در سایه مدیریت او، مقررات اجرا شود و حقوق کسی پایمال نگردد. دین مقدس اسلام نیز از این مهم غافل نیست و علاوه بر دستورهایی که به زندگی شخصی انسان مربوط است؛ مانند نماز و روزه، حاوی مقررات و قوانین اجتماعی است و برای اداره کننده جامعه، صفاتی مانند عقل، درایت، ایمان، آشنایی با دستورهای دین، قناعت، مناعت را برمی-شمرد. روشن است زندگی فردی انسان، از زندگی اجتماعی او قابل انفکاک نیست؛ لذا برای نیل به کمالات، باید هر دو بُعد زندگی مورد توجه و اهتمام قرار گیرد؛ بنابراین هم دستورهای فردی باید عمل شود و هم مقررات اجتماعی لازم الاجراء است.

نکته دیگر آن که برنامه‌ها و آموزه‌های دین، مربوط به دوره و عصر زمانی خاصی نیست؛ بلکه برای عموم مردم در هر عصر و زمان است؛ بنابراین، مردم در هر زمان، مکلف به اجرای فرمان‌هایی؛ مانند

﴿و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة﴾<sup>۱</sup> یا ﴿و لتكن منكم امة يدعون الى الخير يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر﴾<sup>۲</sup> یا ﴿و السارق و السارقة فاقطعوا ايديهما﴾<sup>۳</sup> هستند. اجرای این‌ها نیازمند برقراری حکومت و ایجاد تشکیلات نظام‌مند است. در نتیجه، از دید اسلام باید حکومت اسلامی تشکیل شود و حاکم اسلامی، اداره جامعه را بر عهده بگیرد. با توجه به این مقدمه، به بررسی روایت نافی حکومت در زمان غیبت می‌پردازیم. روایتی، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «کل رایة ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت یبعد من دون الله؛ هر پرچمی که پیش از قیام قائم برافراشته شود، صاحب آن، طاغوت است که به جای خدا، پرستش می‌شود».<sup>۴</sup> شبیه این مضمون، از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است که فرمود: «هر پرچمی که پیش از پرچم مهدی برافراشته شود، صاحبش، طاغوت است». شبیه این مضمون از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است که فرمود: «هر پرچمی که پیش از پرچم مهدی برافراشته شود، صاحبش طاغوت است».

سند روایت اول، خوب و قابل اعتبار است؛ ولی سند روایت دوم، این‌گونه نیست. برای فهم روایت، باید به دو نکته توجه کرد: . الفاظ

۱. انفال (۸): ۶۰؛ (هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید).

۲. آل عمران (۳): ۱۰۴؛ (باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند).

۳. مائده (۵): ۳۸؛ (دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، قطع کنید).

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳، وسائل الشیعة، ج ۱۱، ح ۶، ص ۱۱.

روایت، چه محتوایی را بیان می‌کند؟ ۲. آیا روایات دیگری نیز در این باره صادر شده است، تا با توجه به آن‌ها معنای صحیح آن روشن شود؟

«رایة» به معنای پرچم است و «رفع رایة» کنایه از اعلان جنگ با نظام موجود حاکم است. «صاحب پرچم» همان رهبر قیام است که مردم را به یاری می‌طلبد. طاغوت، یعنی فرد ستمگر و متجاوز که به حریم خدا تجاوز می‌کند و مردم را به خود می‌خواند که حاکمیت او را بپذیرند. منظور از «قبل قیام القائم» دوران عصر غیبت است.

با توجه به الفاظ روایت، می‌توان دریافت، پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام عده‌ای با شعار نجات انسان، مردم را به سوی خود فرا می‌خوانند. اینان، بدون آن که اعتقاد کامل و صحیح به دین داشته باشند، و حاکمیت را فقط برای خدا و خلیفه خدا بپذیرند و تنها راه نجات و سعادت مردم را حرکت در مسیر دین تحت رهبری حجت خدا بدانند، با پی‌ریزی مکتب‌های مختلف، خود و اندیشه خود را تنها راه نجات بشریت می‌دانند. اینان، طاغوتند که مردم را از راه الهی به سوی خود منحرف می‌کنند؛ از این رو، اگر فرد عادل و پرهیزکاری که نور ایمان و تقوا در تمام زندگانی‌اش نورافشانی کرده، به پاخیزد و مردم را به سوی دین خدا و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت فرا خواند، اصلاً از موضوع روایت خارج است.

شاهد بر این بیان، روایت دیگری، با سند صحیح، از وجود مقدس

امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

اگر یک نفر از ما [= خاندان پیامبر] آمد و شما را به قیام و خروج دعوت کرد، خوب بیندیشید که به چه منظور قیام کرده است. [او برای توجیه قیام او] نگویند: «زید بن علی [= فرزند امام سجاد، علیه السلام] هم پیش‌تر قیام کرد»؛ زیرا زید، مردی دانشمند و راستگو بود و شما را به امامت خودش دعوت نمی‌کرد؛ بلکه به شخصی دعوت می‌کرد که مورد توافق و رضایت اهل بیت قرار گیرد [= امام معصوم]. او اگر پیروز می‌شد، حتماً به وعده‌اش عمل می‌کرد و حکومت را به اهلش می‌داد. زید، برابر دستگاه سلطنت قیام کرد، تا آن را سرنگون سازد؛ اما آن کس که امروز قیام کرده است، شما را به چه امری دعوت می‌کند؟ آیا شما را به سوی شخصی دعوت می‌کند که مورد توافق و رضایت آل محمد قرار گیرد؟ نه؛ چنین نیست. شما را گواه می‌گیریم که ما به قیام این شخص راضی نیستیم. او، اکنون که به قدرت نرسیده است، با ما مخالفت می‌کند؛ پس در صورتی که قدرت یافت و پرچمی برافراشت، به طریق اولی، از ما اطاعت نمی‌کند»<sup>۱</sup>.

با توجه به این روایت، به خوبی می‌توان دریافت که اگر قیام-کننده، دعوت‌کننده به خود باشد، طاغوت است؛ ولی اگر هدف او، دعوت مردم به خدا و زمینه‌سازی برای حاکمیت حجت حق باشد، قیام او نه تنها اشکال ندارد؛ بلکه در راستای اراده خداوند است که

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۱.



می‌خواهد با حاکمیت حاکم اسلامی، به مقررات عمل شود؛ لذا امامان علیهم‌السلام مردم را به سوی عالمان فرا خواندند و آنان را مرجع امور قرار دادند.

امام صادق علیه‌السلام درباره رجوع به فقیه فرمود: «فانی قد جعلته علیکم حاکماً؛ من، او [= فقیه] را بر شما حاکم قرار دادم.» به راستی آیا زندگی تحت سیطره حکومت ظلم، مطلوب خدا و عقل است یا زیر چتر عالم عادل مسلمان و کدام یک به زمینه‌سازی برای ظهور کمک می‌کند؟

خلاصه آن که قوانین سیاسی و اجتماعی اسلام که بخش وسیعی از دین را شامل می‌شود، برای پیاده شدن و عمل کردن، در هر عصر و زمان است و اجرای این قوانین، به حکومت اسلامی نیاز دارد؛ چه در زمان وجود معصوم که میان مردم ظاهر است و چه در زمان غیبت. امام حسین علیه‌السلام فرمود: «مجاری امور و احکام، به دست عالمان است.»<sup>۱</sup> و وظیفه هر مسلمان، - به‌ویژه عالم دین - مخالفت با حاکم جور است. امام حسین علیه‌السلام به نقل از پیامبر فرمود: «هر کس حاکم ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده و عهد خدا را شکسته و با سنت پیامبر مخالفت کرده و میان بندگان خدا به ظلم رفتار کرده است و او، برابر چنین حاکمی با عمل و گفتار مخالفت نکند، بر خدا است که او را در جایگاه همان ستمگر [جهنم] وارد

۱. تحف العقول، ص ۲۴۲، ترجمه کمره‌ای.

کند»<sup>۱</sup>؛ لذا قیام برای حق، طاغوت نیست.<sup>۲</sup>

---

۱. الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۴۸.  
۲. ر.ک: ابراهیم امینی، دادگستر جهان.

فصل اول  
در بیان

## ارتباط و ملاقات

در حدیث داریم که حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: «هر کس بگوید مرا دیده، دروغ گفته است»؛ در حالی که در بسیاری موارد، از شخصیت‌های بزرگ نقل شده است که امام زمان را دیده‌اند. تناقض را حل کنید؟

برای آن که بتوان به درستی در این باره گفت و گو کرد و به قضاوت نشست، ابتدا لازم است متن کلام حضرت را به دقت مرور کرد، تا روشن شود مراد امام مهدی علیه السلام چیست. حدیثی که بحث مشاهده و دروغگو بودن مدعی مشاهده را مطرح می‌کند، آخرین توقیع و نامه-ای است که امام زمان علیه السلام به چهارمین و آخرین نایب خاص خود، چند روز پیش از مرگ او نوشته است. متن نامه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ ای علی بن محمد سمري! خداوند، اجر برادرانت را در عزای تو عظیم گرداند. به درستی که تو تا شش روز دیگر از دنیا می‌روی. پس به کارهای خود رسیدگی کن و به احدی وصیت مکن که پس از وفات، جانشین تو شود. به تحقیق، دومین

غیبت (غیبت کامل) واقع شده است. پس ظهوری نیست. مگر بعد از اذن خدای عزوجل و آن، بعد از مدتی طولانی و قساوت دل‌ها و پرشدن زمین از ظلم خواهد بود. به زودی نزد شیعیان من می‌آید، کسی که ادعای مشاهده می‌کند. بدانید کسی که ادعای مشاهده کند، پیش از خروج سفیانی و ندا، او دروغگو و افترازننده است. و لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظیم.<sup>۱</sup>

این حدیث، در بردارنده نکاتی است، از جمله:

۱. مدعیان مشاهده، در این دوره، وجود خواهند داشت.
  ۲. مدعی مشاهده، پیش از خروج سفیانی و ندا (دو علامت حتمی ظهور) هم دروغگو است و هم افترازننده.
- افترا یا تهمت، آن است که فردی به شخص دیگر، عملی یا قولی را نسبت دهد، در حالی که او چنین نکرده باشد؛ بنابراین، بین دروغ‌گوبودن و تهمت‌زدن، تفاوت است. هر دروغ‌گویی، تهمت‌زننده نیست. اگر کسی فقط مدعی دیدن باشد؛ ولی به حضرت، نسبتی ندهد، ممکن است دروغگو باشد؛ ولی تهمت‌زننده نیست. امام، در این نامه هر دو صفت ناپسند را به مدعی مشاهده، وارد کرده است؛ یعنی، مدعی مشاهده، نسبتی نیز به حضرت می‌دهد.

این نکات در نامه، بزرگان را بر آن داشت، تا با تأمل و تدبیر دقیق‌تر، به محتوای نامه بنگرند و سپس اظهار نظر کنند.

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴۵.

عده‌ای با توجه به این که نامه، در آخرین روزهای عمر نایب چهارم صادر شده و در آن، به پایان نیابت خاصه تصریح شده است، چنین گفته‌اند که مراد از مدعی مشاهده، ادعای نیابت خاصه و ارتباط با حضرت است؛ زیرا نیابت خاص یعنی حضور نزد حضرت، همراه شناخت آن بزرگوار و رساندن سؤالات مردم و ابلاغ پاسخ‌ها و پیام‌ها. این فرد، هم ادعای دیدار دارد و هم آنچه می‌گوید را از جانب حضرت بیان می‌کند و حرف‌ها را پیام حضرت اعلام می‌کند.<sup>۱</sup>

حضرت امام خمینی رحمته الله می‌گوید: مراد از تکذیب مدعی مشاهده این است که فردی، مدعی ملاقات باشد؛ ولی شاهد و دلیلی نداشته باشد.<sup>۲</sup> شهید صدر می‌گوید: مراد، ادعای انحرافی است که شخصی با ادعای مشاهده و ارتباط، بخواهد عقاید و نظر خود را با نام پیام‌های امام زمان علیه السلام به مردم القا کند.<sup>۳</sup> برخی نیز گفته‌اند: مراد از تکذیب مدعی مشاهده، تکذیب مدعی ظهور است.<sup>۴</sup> بنابراین می‌توان دریافت که در روایت، صرف دیدار، منتفی نشده است و عالمان نیز نفی اصل دیدار را استفاده نکرده‌اند. به علاوه، روایت، مدعی مشاهده را کذاب می‌داند؛ حال اگر کسی امام را ببیند و به دیگران نگوید، تحت این روایت قرار نمی‌گیرد؛ لذا اصل دیدار، امر ممکن خواهد بود.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱.

۲. انوار الهدایة، ج ۱، ص ۲۵۶.

۳. تاریخ الغیبة الصغری، ج ۱، ص ۶۳۹-۶۵۴.

۴. مهدی منتظر، ص ۹۳.

نکته آخر این که علمای ما که موفق به دیدار حضرت شده بودند، آن را برای مردم بازگو نمی‌کردند؛ بلکه اطرافیان و خواص آنان، از روی شواهد و قراینی یا در زمان‌های بعد، متوجه وقوع دیدار آن عالم با امام می‌شدند؛ لذا عالمان تحت «عنوان مدعی مشاهده» قرار نمی‌گیرند و این روایت، با داستان ملاقات برخی بزرگان تنافی ندارد.



**روایاتی می‌گویند: «هر کس در غیبت کبرا، ادعای رؤیت امام زمان را کرد، او را تکذیب کنید»؛ آیا این روایت، بر خلاف لطف کامل پروردگار نیست و آیا برخی عالمان و صلحا، حضرت مهدی علیه السلام را زیارت نکرده‌اند؟**

آنچه در این سؤال، قابل توجه و دقت است، تنافی بین نفی دیدار و لطف کامل پروردگار است. در پاسخ به این سؤال، باید توجه داشت که:

۱. اگر خود انسان‌ها، به سبب اعمال و کردار ناصحیح، نعمتی را از دست بدهند، خودشان باید جوابگوی عملکرد غلط خود باشند و تاوان آن را نیز بدهند. خداوند مهربان، الطاف و نعمات خود را از مخلوقات خویش دریغ نمی‌دارد؛ بلکه این انسان‌ها هستند که ناسپاسی می‌کنند و با ناشکری و کفران نعمت، آن را از دست می‌دهند.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس﴾؛ فساد، در

خشکی و دریا آشکار شد؛ به دلیل کارهایی که مردم انجام داده‌اند.<sup>۱</sup>  
در دعای عهد که مناسب است هر روز صبح خوانده شود، نیز این  
مطلب اشاره شده است.

بنابراین، اگر از نعمت دیدار امام محروم شدیم، به سبب آن بود  
که قدر امام دانسته نشد. حال، اگر بخواهیم دوباره از ظهور، فیض  
ببریم، خود باید بخواهیم. در نامه‌ای که از وجود مقدس امام زمان  
برای شیخ مفید صادر شده است، حضرت چنین می‌فرماید:

و لو أن اشیاعنا وفقهم الله لطاعته، علی اجتماع من القلوب فی الوفاء  
بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا  
علی حق المعرفة و صدقها منهم بنا، فما یحبسنا عنهم الا ما یتصل بنا مما  
نکره؛ اگر شیعیان ما - که خداوند، آنان را به طاعتش موفق بدارد -  
بر اجتماع قلوبشان در وفای به عهدی باشند، که بر عهده آنان است،  
از آنان، مبارکی دیدار ما به تأخیر نمی‌افتد، و هر آینه، سرعت می-  
گرفت برای آنان، سعادت دیدار ما با شناخت و معرفت حقیقی و  
تصدیق آنان نسبت به ما. پس چیزی ما را از آنان منع نکرده، مگر  
آنچه به ما می‌رسد از آنچه کراهت داریم ما [= کردار ناپسند مردم].<sup>۲</sup>

۲. دیدار ظاهری امام، نعمتی بسیار ارزشمند است و یکی از  
الطاف خداوند مهربان، توفیق دیدار و شرفیابی به خدمت حجت

۱. روم (۳۰): ۴۱.

۲. احتجاج، ج ۲، ش ۳۶۰، ص ۶۰۰.



حق و ولیّ خدا است؛ ولی اگر بنابر مصالح و شرایطی، لازم شد امام غایب شود و طلب دیدار، به حادثه نامطلوبی منجر شود و برای مثال، خطری را متوجه امام یا فرد خواهان دیدار بکند، آیا باز نیز چنین دیداری می‌تواند لطف الهی باشد؟ باید توجه داشت که خداوند، الطاف بیکران خود را بنابر مصالح و شرایط، بر مردم فرو می‌ریزد. به عبارت دیگر، باید زمان و موقعیت مناسب برای هر نعمت فراهم باشد.

۳. در روایت، دیدار، به صورت کلی و مطلق نفی نشده است؛ بلکه با توجه دقیق به متن روایت، روشن می‌شود که مدعی مشاهده، آن هم با توجه به شرایطی، دروغگو و افترا زننده است؛ بنابراین، ممکن است دیدارهایی نیز رخ بدهد و یکی از الطاف خدا (دیدار امام) تحقق یابد.

۴. تکذیب مدعی مشاهده، در مواردی، عین لطف است، تا کسی نتواند با ادعای دروغین مشاهده و دیدار، دیگران را بفریبد و آنان را متوجه خود کند و به نام امام زمان علیه السلام دگانی باز کند و حرف‌های خود را از جانب امام به مردم بگوید.

زیارت آن عزیز، امری است که نه تنها ممکن است؛ بلکه واقع شده و انسان‌های وارسته و عالم و حتی انسان‌های عادی نیز به این فیض عظیم، نائل گردیده‌اند که داستان‌های آنها در کتب معتبر نیز آمده است و علمای بزرگ ما، در طول تاریخ، به این امر تصریح

کرده‌اند. مرحوم شیخ صدوق و شیخ طوسی که از علمای قدیم ما هستند، در کتاب‌های خود، *کمال الدین و تمام النعمة و الغيبة* بابی را گشوده‌اند دربارهٔ افرادی که امام زمان علیه السلام را دیده‌اند.

## ۵۱

### آیا می‌توان به امام زمان علیه السلام نامه نوشت؟ چه شرایطی باید رعایت شود؟

نامه یا به اصطلاح عریضه نویسی، یکی از راه‌های توسل و بیان حاجت به محضر امام زمان علیه السلام یا هر امام دیگر است. در نحوه عریضه‌نویسی بیان شده است که حاجت خود را در کاغذی نوشته و آن را در چاه پاک یا آب جاری بیندازید (فرقی نمی‌کند چاه کجا باشد). افراد با این روش، حاجت خود را به امام بیان می‌کنند و امام، با احاطه و علم فراوانی که دارد از خواسته‌های آنان مطلع می‌شود؛ همان‌گونه که هنگام زیارت یا بعد از نماز یا هر وقت دیگر، هر حاجتی به طور شفاهی از امام می‌خواهیم، اطلاع می‌یابد و حتی اگر از قلب خویش بگذرانیم، امام علیه السلام اطلاع می‌یابد. پس گفتن شفاهی یا نوشتن کتبی فرقی نمی‌کند و امام در هر صورت اطلاع می‌یابد. نوشتن نامه برای آرامش و اطمینان ما توصیه شده و یکی از راه‌های بیان حاجت است.

با توجه به آموزش‌هایی که امامان معصوم علیهم‌السلام برای رقعہ نویسی به پیروان خود داده‌اند و همچنین نامه‌ها و عریضه‌هایی که برای امامان بزرگوار علیهم‌السلام توسط شیعیان نوشته شده است، عریضه باید شامل دو بخش عمده توقیفی و اختیاری باشد:

منظور از بخش توقیفی، محتوایی است که از ناحیه امامان معصوم علیهم‌السلام به نوشتن آن امر شده است و شیعیان، در همه عریضه‌های خود، استفاده کرده‌اند. این قسمت، غالباً شامل اذکار و اسمای الهی و توصیف و مدح و ثنای حضرت حق و کلماتی برای توجه و توسل به حضرات معصومان علیهم‌السلام و ذکر اسامی مبارک آنها است. شیعیان، هم می‌توانند برای این قسمت، با قلم خود، خداوند متعال را بستایند و به درگاه اهل بیت علیهم‌السلام متوسل شوند و هم می‌توانند از مدح و ثنایی که در ادعیه معصومان علیهم‌السلام وارد شده یا عریضه‌های مختلفی که بزرگان دینی نگاشته‌اند، استفاده کنند.

بخش اختیاری عریضه، شامل مطالبی است که نویسنده عریضه برای عرض حاجت شخصی، بیان حالات و راز و نیاز با خداوند متعال و امامان علیهم‌السلام به انتخاب و قلم خود می‌نویسد.

تذکر این نکته لازم است که در جامعه اسلامی، همچنان که بر فرهنگ گفت‌وگو با خدا و امامان معصوم علیهم‌السلام تبلیغ و تاکید می‌شود، لازم است بر فرهنگ نوشتن نیز تاکید گردد و سعی شود نوشتن نیز مانند گفتن، جایگاه خاص خود را پیدا نماید. این مسأله به خصوص

برای نسل جوان امری ضروری است تا با استفاده از ابزار مقدس نوشتن؛ یعنی قلم مأنوس شده و راه دومی را برای ارتباطهای معنوی با خدا و امامان علیهم السلام برای خود تعریف نمایند.

برای دعا، شرایط و مقدماتی ذکر شده است که رعایت کردن آنها برای استجاب دعا لازم و ضروری است. از آنجا که نوشتن عریضه، نوعی دعا و نیایش است، رعایت آداب دعا، هنگام نوشتن عریضه نیز لازم است. علاوه بر این، در بعضی از حالات و مکانهای خاص به نوشتن عریضه توصیه شده است که رعایت ادب آن زمانها و مکانهای مقدس، علاوه بر آداب دعا باید مورد توجه قرار گیرد. بعضی از آداب دعا کردن و عریضه نویسی به شرح زیر است:

۱. خلوص نیت؛
۲. وضو داشتن و خواندن دو رکعت نماز؛<sup>۱</sup>
۳. روزه گرفتن روز پنجشنبه و نوشتن عریضه در صبح روز جمعه؛
۴. انداخته عریضه، در حالی که انسان رو به قلبه ایستاده است؛
۵. در حال انداختن عریضه، نواب خاص امام زمان علیه السلام را صدا بزند؛<sup>۲</sup>
۶. در حالی که رقعہ را به دست دارد بکا (گریه) یا تباکی (حالت گریه به خود گرفتن) کند؛<sup>۳</sup>
۷. در حالی که رقعہ را به دست دارد، دستهای خود را به سوی

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۴۰.

۲. همان، ص ۲۳۵.

۳. همان، ص ۲۴۱.

آسمان بگشاید و مشغول دعا و مناجات با خداوند متعال شود.<sup>۱</sup>  
معمولاً برای نوشتن عریضه، باید از مقدس‌ترین مکان‌ها و  
معنوی‌ترین زمان‌ها بهره گرفت؛ چرا که استفاده از دو عنصر مکان و  
زمان در استجابات دعاها و تاثیر گذاری آن‌ها توصیه شده است:

۱. برای مثال در جلد ۹۹ بحار الانوار، ص ۲۴۴ روایت هفتم،  
توصیه شده است عریضه روز جمعه نوشته شود.

۲. در جلد ۹۹ بحار الانوار، ص ۲۳۶، روایت سوم توصیه شده است  
عریضه نزدیک طلوع خورشید نوشته و در چاه انداخته شود.

۳. در جلد ۹۹، ص ۲۴۰، روایت ششم توصیه شده است نوشتن  
عریضه بعد از ادای نماز شب یعنی در سحر باشد.

## ۵۲

آیا شخصی که گناه کرده است، می‌تواند با امام زمان علیه السلام  
ارتباط داشته باشد؟

خداوند بزرگ، راه برگشت را به روی هیچ کس نبسته است. هر کس  
توبه کند و از گناه دست بکشد و به راه صحیح بازگردد، قطعاً  
مشمول رحمت حق قرار می‌گیرد. خداوند، در آیات متعدّد، به این  
مطلب اشاره دارد؛ مانند:

﴿قل يا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً انه هو الغفور الرحیم﴾؛<sup>۱</sup> بگو: ای بندگان من که بر خود، اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خدا نا امید نشوید که خدا، همه گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا او، بسیار آمرزنده و مهربان است.

امام معصوم و حجت خداوند که تجلی رحمت بی‌انتهای الهی است نیز با آغوش باز، فرد توبه‌کننده را می‌پذیرد. نمونه زیبای آن، حرکت حرّ بن یزید ریاحی در صبح روز عاشورا به سمت خیمه‌گاه حسینی و پذیرش وی از سوی امام حسین علیه السلام است.

امام مهدی علیه السلام نیز چنین است و طبق حدیث شریف لوح که کلام خداوند است، یکی از ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام رحمت بر عالمیان ذکر شده است: ...إنی لم أبعث نبیاً فاکملت آیامه و انقضت مدته الا جعلت له وصیاً... ثم أكمل ذلك بابنه رحمة للعالمین؛<sup>۲</sup> به درستی که من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم، جز آن که وقتی ایامش کامل و مدتش سپری شد، برای او وصی‌ای قرار دادم... سپس کامل کردم آن [سلسله اوصیا] را به فرزندش [فرزند امام حسن عسکری علیه السلام] رحمت بر عالمیان....

بنابراین، برگشت گناهکار از راه اشتباه و پذیرش وی در بارگاه ربوبی و نزد امام زمان علیه السلام امری مسلم است.

۱. زمر (۳۹): ۵۳.

۲. کمال الدین، ج ۱، ب ۲۸، ح ۱.

این که سؤال شد: «آیا می‌تواند ارتباط داشته باشد؟» باید دید منظور از ارتباط چیست؟ اگر مراد، این است که بتواند حضرت را ببیند، در پاسخ باید گفت، امکان دیدار به صورت کلی نفی نشده است؛ بنابراین ممکن است حتی گناهکاری نیز حضرت را ببیند؛ هر چند نشناسد.

اگر مراد، ارتباط قلبی است، به این معنا که فرد، احساس بکند به حضرت نزدیک است و امام زمان علیه السلام به او توجه دارد، در پاسخ باید گفت، امامان بزرگوار علیهم السلام که تجلی رحمت خداوند هستند، همیشه به احوال مردم و شیعیان نظر دارند و به یاد آنان هستند و خواهان سعادت و نیک بختی آنانند. حضرت مهدی علیه السلام در توقیعی به مرحوم شیخ مفید می‌فرماید:

انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم؛<sup>۱</sup> ما، هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم.

لذا هر فرد حتی شیعه گناهکار، مورد توجه امام زمان علیه السلام است. حال اگر از گناه پشیمان شد و برگشت، حتماً مورد پذیرش قرار می‌گیرد و حضرت به او توجه بیشتری می‌کند. او می‌تواند و باید یقین داشته باشد که می‌تواند با امام، درد دل کند و یقیناً، حضرت کلام او را می‌شنود و آنچه به خیر و صلاح او است، در حق او انجام می‌دهد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

## ۵۳

عشق دو سویه دربارهٔ امامان علیهم‌السلام چگونه است؟ برای نمونه آیا وقتی یاد مولا امام زمان یا امام رضا علیه‌السلام در دل ما می‌افتد و چشمان ما پر از اشک می‌شود و بی‌اختیار قلبمان متوجه آن دو حضرت می‌شود، ایشان به ما توجه می‌کنند یا نه در یک لحظه اختیار قلب انسان را می‌گیرند؟

روابط انسان‌ها، انواع مختلف دارد. برخی از رابطه‌ها، اعتباری و قراردادی است و تنها برای حل مشکلات و سهولت در امور زندگی ایجاد شده است. رابطه یک مسؤول و افراد زیردست او این گونه است؛ یعنی امری قراردادی است و از نظر وجودی، در ذات طرفین تأثیری ندارد. به عبارت دیگر، فردی که رئیس یک اداره یا مؤسسه می‌شود، این عنوان بر واقعیت وجودی و مایه‌های درونی‌اش، چیزی نمی‌افزاید. حتی گاه، جای طرفین در این رابطه عوض می‌شود و رئیس، زیردست و زیردست، رئیس می‌گردد.

گاه، رابطه، واقعی و تکوینی است و قرارداد دو طرف، هیچ تأثیری در آن ندارد. این نوع رابطه، تحت اختیار و انتخاب دو طرف نیست؛ بلکه رابطه‌ای وجودی است که سهم وافر از حقیقت و واقعیت دارد. رابطه بین پدر و مادر و فرزندان، از این قبیل است؛ یعنی در تکوین ریشه دارد و منشأ آثار بسیاری مانند محبت و علاقه و ظهور عواطف و احساسات است. این گونه رابطه‌های حقیقی، سرچشمه



بسیاری از زیبایی‌ها و خلاقیت‌ها و صفات عالی انسانی و خدایی است. دختری که شاید در منزل پدر چندان احساس مسؤولیتی نداشته باشد و بسیاری اوقات، خود را میهمان دائمی خانواده تصور کند، پس از ازدواج، هنگامی که در نیمه شب، صدای گریه نوزاد دل‌بندش را می‌شنود، سراسیمه از خواب می‌پرد و سختی بی‌خوابی را از یاد برد.

رابطه میان انسان و خالق هستی، از نوع رابطه‌های اصیل و استوار است و در اعماق جان و فطرت، ریشه دارد و بر قلب و روح انسان، خیمه زده است. اساس این رابطه، شوق خالق متعال به مخلوق و احتیاج بنده ضعیف به خدای غنی و عزیز است.

در حدیث قدسی آمده است:

لو علم المدبرون کیف اشتیاقی بهم لماتوا شوقاً؛ اگر کسانی که [به من] پشت کرده‌اند می‌دانستند چقدر مشتاق آنان هستم، از شدت شوق، جان می‌سپردند.

البته رابطه خداوند و همه بندگان، یکسان نیست و در برخی موارد، قوی‌تر و محکم‌تر است؛ یعنی خداوند، به بندگان که بیش از دیگران، آداب بندگی و رسم تقوا و عبودیت را مراعات می‌کنند، لطف و عنایت دارد؛ با آن که لطف او، گسترده و فراگیر است و همه مخلوقات، زیر چتر لطف و رحمت او قرار دارند. رابطه اولیا خداوند و پیروان و شیعیان آنان نیز سایه‌ای از همان رابطه عمیق بندگان و

خداوند است. این رابطه معنوی و استوار، برای کسانی که از چار-چوب این رابطه بیرون هستند، به خوبی قابل درک نیست.

در فرهنگ شیعه، رابطه امام معصوم و شیعیان، ازلی است و عمقی به ژرفای دریا، لطافتی به نرمی نسیم بهار و ثمری به شیرینی شهد بهشت دارد. در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام، می خوانیم:

رحم الله شیعتنا! خلقوا من فاضل طینتنا و عجنوا بماء ولایتنا، یحزنون لحزننا و یفرحون لفرحنا؛<sup>۱</sup> خداوند، شیعیان ما را مورد رحمت خویش قرار دهد! آنان، از زیادی سرشت ما خلق شده و با آب ولایت ما عجن گشته‌اند. در شادی ما، شاد و در اندوه ما، غمناکند.

این رابطه، رابطه‌ای بس عمیق و دقیق است که روح امامان علیهم السلام را به روح شیعیانشان پیوند می‌زند؛ به گونه‌ای که غم و شادی هر کدام، در دیگری اثر می‌گذارد. یکی از شیعیان حضرت علی علیه السلام به نام «رمیله» چنین می‌گوید:

من، دچار تبی شدید شدم. هنگامی که از شدت آن کاسته شد، غسل کردم و برای رسیدن به ثواب نماز جمعه و درک فضیلت نماز با مولایم علی علیه السلام به مسجد آمدم. زمانی که حضرت به منبر شتافت و مشغول سخنرانی شد، دوباره تبم شدت یافت. بعد از نماز، به دیدار علی علیه السلام رفتم. حضرت، علت بیماری و ناراحتی‌ام را پرسید و من

۱. شجره طوبی، ج ۲، ص ۶

توضیح دادم. حضرت فرمود:

ای رمیله! هر مؤمنی که بیمار می‌شود، ما نیز بیمار می‌شویم و حزن و اندوه او، ما را محزون و غمناک می‌سازد و هر دعایی که می‌کند، ما به دنبال آن «آمین» می‌گوییم و اگر دعا نکند، ما برایش دعا می‌کنیم.<sup>۱</sup>

این ارتباط مقدس و عمیق، ارواح اولیای الهی و شیعیانشان را به منزله روح واحد قرار می‌دهد و چنان آنان را به هم می‌پیوندد که ابوبصیر، از یاران حضرت صادق علیه السلام می‌گوید: در مجلسی از حضرت پرسیدم: «گاهی بدون علت خاص، دچار غم و غصه یا سرور و خوشحالی می‌شوم؛ علت چیست؟ حضرت در پاسخ فرمود:

«انّ ذلک لحزن و فرح یصل الیکم منّا إذا دخل علینا حزن او سرور کان ذلک داخلاً علیکم لانا و انتم من نور الله عزّوجلّ<sup>۲</sup>؛ این حزن و شادی که گاه سراغ شما می‌آید، اثر آن غم و سروری است که در ما ایجاد می‌شود؛ و چون ما و شما، هر دو از نور خداوند متعال خلق شده‌ایم، این حالات ما، در شما نیز اثر می‌گذارد.

بنابراین، می‌توان گفت هنگامی که ما به یاد اولیای الهی و عظمت و بزرگواری آنان می‌افتیم یا مصیبت‌ها و غم‌های آنان را به یاد می‌آوریم و قلبمان متوجه آنان می‌شود و دریای دل‌مان به موج

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۶۹

۲. میزان الحکمة، ج ۲، ص ۴۰۰

می‌افتد و آسمان قلبمان ابری می‌شود و چشمانمان از گوهرهای پر بهای اشک، سرشار می‌گردد، در اثر همان پیوند شدید روحی میان ما و آنان است. در واقع، عنایت و مهر آنان را به ما نشان می‌دهد؛ یعنی، با لطف و توجه آنان، آن رابطه عمیق که شاید مورد غفلت ما قرار گرفته و قدری مخفی شده است، دوباره خود را آشکار می‌سازد و حالات ما واکنشی برابر لطف و عنایت و فقیرنوازی آنان است.

البته باید زمینه این لطف و عنایت را خود فراهم سازیم و با شخم‌زدن زمین سخت دل، موقعیتی مناسب برای رشد بذر محبت آنان پدید آوریم، تا این بذر به درختی تناور تبدیل گردد، به بار نشیند، میوه‌های شیرین محبت و ولایت و اطاعت به ما ارزانی دارد. آنچه لطیف‌تر است، این است که یاد شدن ما توسط حضرت، فقط مربوط به زمانی نیست که ما به یاد آن بزرگوار هستیم؛ بلکه حتی زمانی که از آن حضرت غافلیم، باز آن عزیز، به یاد ما است و آنچه به خیر و صلاح است، در حق ما انجام می‌دهد؛ همان‌گونه که در نامه‌ای فرمود:

انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم؛ ما، رعایت امور شما را مهمل نگذاشته‌ایم و یاد شما را فراموش نکرده‌ایم.<sup>۱</sup>

این کلام حضرت هم شامل زمانی است که ما به یاد آن بزرگوار هستیم و هم زمانی را در برمی‌گیرد که ما از او غافل هستیم.

فصل آخر

# آخر الزمان

## آخر الزمان یعنی چه؟ آیا ما در آخر الزمان هستیم؟

الف. اصطلاح «آخر الزمان» در گفتارهای ادیان آسمانی و روایات اسلامی مطرح شده است و مراد از آن، روز پایانی عمر دنیا (معنای لغوی) نیست؛ بلکه مراد از آن، دوره زمانی ویژه‌ای است که به گونه‌ای معنای آخر بودن را دارد. اصطلاح آخر الزمان به سه دوره اطلاق شده است:

۱. دوره پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله که از بعثت آن حضرت تا قیامت را شامل می‌شود. در این صورت، آخر الزمان، به این معنا است که بعد از آن بزرگوار، پیامبر و شریعت دیگری نخواهد آمد و این دوره، دوره آخرین شریعت است.<sup>۱</sup>

۲. دوره غیبت و سال‌های پیش از ظهور که آخر الزمان طبق این

۱. کافی، ج ۸، ص ۱۳۸، بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۳۱۷ و ج ۱۲، ص ۲۸۱.

معنا، پایان دوره ظلم‌ها و فسادها و حکومت‌های غیر الهی است و با ظهور حضرت مهدی علیه السلام، همه مظاهر شرک و ظلم و فساد از بین می‌رود.

۳. دوران ظهور و زمان تشکیل دولت عدل الهی که این حاکمیت، تا آخر عمر دنیا برقرار می‌ماند و دیگر از بین نمی‌رود. در روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله به دختر بزرگوارش فرمود:

إذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و أغار بعضهم على بعض ... فبعث الله عزوجل عند ذلك مهدينا التاسع من صلب الحسين ... يفتح حصون الضلالة ... يقوم بالدين في آخر الزمان؛ وقتی دنیا هرج و مرج شود و فتنه‌ها آشکار گردد و راه‌ها بسته شود و عده‌ای، عده دیگر را فریب دهند، خداوند کسی را که دژهای گمراهی را فتح می‌کند، برمی‌انگیزد و او، در آخر الزمان، دین را برپا می‌کند.<sup>۱</sup>

ب. با مراجعه به روایات، معلوم می‌شود یکی از معانی آخر الزمان، دوران غیبت امام دوازدهم علیه السلام است؛ به ویژه سال‌های پیش از ظهور آن حضرت که فتنه‌ها و مشکلات، به اوج خود می‌رسد.

از روایات فراوانی که از قیام حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان خبر می‌دهد، نیز روایاتی که در وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۴۴ و

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۸.

بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۲۵ و مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۶۷ آمده است، می‌توان این نکته را فهمید. در روایتی، با صراحت، به دوران غیبت اشاره شده است:

یا علی اعجب الناس ایماناً و اعظمهم یقیناً قوم یکنون فی آخرالزمان لم یلحقوا النبی و حجب عنهم الحجة فآمنوا بسواد علی بیاض؛ ای علی! عجیب‌ترین مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین، گروهی هستند که در آخرالزمان هستند، پیامبر را ندیده‌اند، امام آنان نیز در غیبت است و آنان به نوشته‌ای ایمان می‌آورند.<sup>۱</sup>

با توجه به این روایات می‌توان گفت روایاتی هم که نشانه‌های مختلفی برای آخرالزمان بیان کرده است، به دوران غیبت و ما قبل ظهور اشاره دارد؛ مانند روایتی که می‌فرماید: «در آخرالزمان، مردم، امر به معروف و نهی از منکر را ترک می‌کنند و اهل ریا می‌شوند و نماز و روزه‌شان ظاهری است.»<sup>۲</sup> یا «آخرالزمان، زمان بدی است. زنان، بی‌حجاب و بزک کرده ظاهر می‌شوند.»<sup>۳</sup>

بعضی از ویژگی‌های این دوره چنین است:

وضع حکومت‌ها: افراد، فاسد و ظالمند و حکومت‌ها، ضعیف،

استبدادی، زودگذر و متزلزل هستند.

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۵۶.

۲. کافی، ج ۵، ص ۵۵، باب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، ح ۱.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰، ح ۴۳۷۴.



وضع دین: از اسلام و قرآن، فقط اسمی می‌ماند و مساجد، زیبا؛ اما بدون جمعیت است و مردم از دین خارج می‌شوند.

وضع اخلاق: عواطف انسانی ضعیف می‌شود. و ترحم به یک دیگر وجود ندارد. انواع فسادهای اخلاقی، علنی و بدون نهی و جلوگیری در جامعه انجام می‌شود.

وضع امنیت: ترس و اضطراب، فراگیر و راه‌ها نا امن است. جنایت‌های هولناک صورت می‌گیرد و مردم، آرزوی مرگ می‌کنند. مرگ‌های ناگهانی، زلزله، جنگ، فتنه، بیماری و مرگ زیاد می‌شود.

وضع اقتصاد: باران و محصولات کشاورزی کم می‌گردد و رودها و چشمه‌ها خشک می‌شوند. گرانی، فقر، گرسنگی و عدم رونق تجارت و بازار، غوغا می‌کند.<sup>۱</sup>

ج. چون در روایات، دوران غیبت امام زمان آخرالزمان نامید شده است، می‌توان گفت ما در آخرالزمان هستیم؛ به ویژه این که بعضی از علائم یاد شده، در زمان ما وجود دارد؛ اما اگر کسی منظور از آخرالزمان را فقط چند سال پیش از ظهور حضرت در نظر بگیرد، چون وقت ظهور مشخص نیست، نمی‌توان گفت، در آخرالزمان هستیم یا نه. البته چون امر ظهور، به عملکرد و خواست مردم نیز بستگی دارد - بدین معنا که هر زمان آنان آماده ظهور بودند، ظهور تحقق می‌یابد - هر زمان می‌تواند آخر الزمان باشد و زمان ظهور فرا برسد.

۱. برای آگاهی بیشتر: ر، ک: نجم الدین طیبی، چشم اندازی به حکومت امام مهدی علیه السلام.



## مراد از گسترش و فراگیر شدن ظلم در آخرالزمان و پیش از ظهور چیست؟

درباره مفهوم و چیستی فراگیری ظلم و ستم، دو دیدگاه اصلی و مهم مطرح است:

۱. فراگیری ظلم و ستم به معنای غالبیت: طبق این دیدگاه، در آستانه ظهور، ظلم و ستم در جهان غالب شده و چهره جهان، چهره ظلم و ستم خواهد بود. البته همراه غالبیت ظلم و ستم، صلاح و رستگاری نیز میان مردم مطرح می‌باشد. نکته قابل ذکر این‌که در روایات از فراگیری ظلم و ستم خبر داده شده است نه فراگیری ظالم و ستمگر. با این نگاه، اگر در جهان یک ظالم بود و از او ظلم‌های متعدد و متنوع سرزند و بقیه مردم، مظلوم و ستم‌دیده باشند، باز «ملت ظلماً و جوراً» (پرشدن زمین از ستم و جور) تحقق پیدا خواهد کرد.

۲. فراگیری ظلم و ستم به معنای کامل و تام؛ این عده قائلند فراگیری ظلم و ستم در جهان به طور کامل و تمام صورت می‌پذیرد و جهان، به صورت یکپارچه پر از ظلم و ستم خواهد شد و از صلاح و رستگاری هیچ خبری نیست.

البته دیدگاه صحیح همان دیدگاه اول است.

اینک به نمونه‌هایی از روایات که به ظلم و جور پیش از ظهور اشاره دارند، اشاره می‌کنیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: لا تقوم الساعة حتی یملک رجل من اهل بیتی، یواطئ اسمه اسمی، یملاً الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً؛ قیامت، برپا نمی‌شود، تا این که مردی از اهل بیت من حکومت کند، نام او هم نام من است...<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: ...الحادی عشر من ولدی، هو المهدی الذی یملاً الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً؛ یازدهمین از فرزندان من، مهدی است؛ کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است.<sup>۲</sup>

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: لولم یبق من الدنیا الایوم واحد لطول الله عزوجل ذلک الیوم حتی یخرج رجل من ولدی فیملأها عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً؛ اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند، آن روز را طولانی کند، تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند، پس از آن که از ستم و بیداد پر شده باشد.<sup>۳</sup>

از مجموع روایات موجود، نوعی همسانی میان واژگان عدل و داد

۱. کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۶۱.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۷، باب فی الغیبة.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۰۵، باب ۳۰، ح ۴.

و ظلم و جور دیده می‌شود؛ یعنی همان طور که در جامعه بعد از ظهور، عدل و داد فراگیر و همه جانبه می‌شود، در جامعه پیش از ظهور نیز ظلم و جور فراگیر و همه جانبه خواهد شد، نه این که همه ظالم باشند.

در نگاه ابتدایی و بدون تعمق، چنین برداشت می‌شود که فراگیری ظلم و ستم، پیش زمینه و از شرایط تحقق ظهور عدل و داد توسط امام مهدی علیه السلام است و تا شرط، تحقق نیابد، تحقق مشروط محال است؛ پس برای تحقق مشروط که همان جامعه مهدوی و عدالت مهدوی است، باید به دنبال تحقق پیش زمینه‌های آن رفت که همان فراگیر شدن ظلم و جور است، با نگاه ژرف و دقیق، معلوم خواهد شد اصل این نظریه و تفکر، غلط و حاکی از سوء برداشت یا عدم اطلاع کافی از فرهنگ و تعالیم روح بخش اسلام است. اثبات این مدعا بدین گونه است:

الف. فراگیری ظلم و ستم شرط ظهور نیست:

با مراجعه به احادیث و روایات مهدویت، این مطلب به خوبی روشن می‌شود که در هیچ یک از آن‌ها فراگیری ظلم و ستم، شرطی از شرایط ظهور دانسته نشده است؛ بلکه فراگیری ظلم و ستم، در واقع به نوعی، نهایت آمادگی و احساس نیاز شدید مردم به منجی را می‌رساند.

۲. فراگیری ظلم و ستم از علائم حتمی ظهور نیست: نشانه یک

پدیده، همانند آینه و ابزاری است که به وسیله آن، می‌توان آن را شناخت؛ ولی در تحقق آن پدیده تأثیر گذار نیست. علائم و نشانه‌های ظهور نیز به حتمی و غیر حتمی تقسیم شده‌اند و فراگیری ظلم و ستم پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، از علائم ظهور نمی‌باشد.

از سوی دیگر، طبق روایات، یاران امام زمان علیه السلام پیش از ظهور حضرت، در آن جامعه رشد کرده، تربیت یافته و در زمان ظهور حضرت در رکاب حضرت به جان‌فشانی می‌پردازند؛ پس بی‌شک، جامعه‌ای که توان پرورش و تربیت یاران آن چنانی را داشته باشد، باید در آن، زمینه‌ها و بستر مناسب نیز وجود داشته باشد. معلوم است این تربیت و پرورش قهری نیست؛ بلکه در سایه تلاش و زحمت و استفاده از بستر مناسب است که به این لیاقت می‌رسند. بر این اساس، اگر در جامعه عصر ظهور، ظلم و ستم، همه جای عالم را فرا گرفته باشد، بستر و زمینه‌های مناسب رشد و تربیت از بین خواهد رفت و دیگر پرورش یاران حضرت علیه السلام ممکن نخواهد بود.

نتیجه آن که فراگیری ظلم و ستم به معنای ظالم بودن همه نیست؛ بلکه عده‌ای به وسیله ظلم و زور می‌خواهند بر توده مردم مسلط شوند و در این میان، برخی انسان‌ها نیز در جاده صلاح گام برمی‌دارند و سعی می‌کنند خود و مردم را برای تحقق ظهور آماده کنند.

## ۵۶

در روایت است که دینداری در آخرالزمان مثل گرفتن آتش در دست است. چرا دینداری در آخرالزمان، سخت‌تر از زمان‌های دیگر است؟

برای سختی دینداری در آخرالزمان، به نکات مختلفی می‌توان اشاره کرد که مهم‌ترین آن‌ها، دو عامل زیر می‌تواند باشد:

**الف. تشخیص وظیفه:** وظیفه یک مسلمان معتقد، آن است که وظایف دینی خود را به خوبی بشناسد و به آن‌ها عمل کند. هنگام حضور ظاهری امام در جامعه و میان مردم، امر تشخیص وظیفه، راحت‌تر است؛ چرا که فرد به خدمت امام زمان می‌رسد و کسب تکلیف می‌کند؛ ولی در زمان غیبت، این امر نیز به صورت کامل، بر عهده خود شیعیان است. طبیعی است که وظیفه، دوچندان می‌شود و کار مشکل‌تر می‌گردد؛ چرا که خود تشخیص وظیفه، مسأله بسیار مهمی است که امکان خطا و اشتباه در آن وجود دارد. البته امامان علیهم‌السلام شیعیان را به حال خود واگذار نکرده‌اند؛ بلکه از آنان خواسته‌اند که به عالمان و کارشناسان دین و اسلام شناسان فقیه مراجعه کنند و برای تشخیص وظیفه، از آنان مدد جویند. در توقیعی که از امام زمان علیه‌السلام صادر شده است، حضرت می‌فرماید:

و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا؛ فانهم حجتی

علیکم و انا حجة الله علیهم؛ و اما حوادثی که واقع می‌شود، پس در آن‌ها به راویان حدیث ما (علما و فقهای اسلام‌شناس) رجوع کنید که آنان، حجت من بر شما هستند و من، حجت خدا بر آنان هستم.<sup>۱</sup> بنابراین، یکی از مشکلات دینداری، تشخیص وظیفه صحیح است.

ب. ظواهر فریبنده دنیای امروز: شاید به جرأت بتوان گفت، عامل اصلی و مهم‌تر در سختی دینداری در دوره آخرالزمان، وضعیت فرهنگی دنیای مادی است. غول‌های ارتباط جمعی و رسانه‌ای از یک طرف به شدت با اسلام درگیر شده‌اند و با انواع تخریب‌ها و تحریف‌ها و سیاه‌نمایی‌ها، سعی بر آن دارند که چهره خشن و سیاهی از اسلام نشان دهند و در این کار، چنان ماهرانه و شیطنت-آمیز واقعیت‌ها را تحریف و تخریب می‌کنند که حتی برخی از مسلمانان نیز دچار تردید می‌شوند و گاه از دین خود شرمنده می‌شوند. از طرفی دیگر، ظواهر دنیا را چنان فریبنده و زیبا جلوه می‌دهند و انواع فساد و فحشا را در جامعه پخش می‌کنند؛ به گونه‌ای که مردم در کنترل کردن امیال و غرایز خود باید مجاهدت و تلاش فراوان بکنند. بازار فسادهای مالی و اخلاقی، چنان گرم می‌شود که برخی همه چیز را به فراموشی می‌سپرند و حتی انسانیت را نیز زیر پا قرار می‌دهند و سخن از حیوان مدرن می‌گویند و معتقد می‌شوند

۱. کمال الدین، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴.

که انسان، یکی از اقسام حیوانات است نه بیشتر. روشن است با فساد علنی دنیای امروز، حفظ دین و معنویت، بسیار مشکل است. البته هرچند حفظ دین و عمل به وظیفه، در دنیای پرتلاطم و سراسر ظلم و فساد، کاری دشوار است؛ پاداش انسان‌های متدین و دین‌مدار نیز افزون است. در روایتی پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «به زودی گروهی بعد از شما می‌آیند که یک نفر از آنان، اجر پنجاه نفر از شما [صحابه] را دارد». اصحاب گفتند: «یا رسول الله! ما با تو در بدر و أحد و حنین شرکت داشتیم و قرآن، میان ما نازل شد». پیامبر فرمود: «اگر آنچه آنان تحمل می‌کنند بر شما وارد می‌شد، مانند صبر آنان، صبر نمی‌کردید».<sup>۱</sup>

مؤمنان آخرالزمان، به فرموده امیر مؤمنان، در کارها و فداکاری‌های نیک و بزرگ مسلمانان صدر اسلام شریکند.<sup>۲</sup> اینان، کسانی هستند که پیامبر، آنان را برادر خود خوانده و دیدار آنان را آرزو کرده است.<sup>۳</sup> افرادی هستند که خداوند، آنان را اولیای خود خوانده.<sup>۴</sup> و پیامبر در حق آنان فرموده است: «خوشا به حال صابران در غیبت که اینان، حزب الله هستند».<sup>۵</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۲. همان، ص ۱۳۱.

۳. همان، ص ۱۳۳.

۴. همان، ص ۱۴۳.

۵. همان.





## معنای این جمله چیست که می‌گویند: «هنگام ظهور، از اسلام و قرآن، چیزی جز نام باقی نمانده است؟»

منظور از این که در پیش از زمان ظهور، از اسلام و قرآن، جز اسمی نمی‌ماند این است که مردم از محتوای اسلام و قرآن و حقیقت آن، دور می‌شوند. این دور شدن، به چند شکل اتفاق می‌افتد.

۱. توجه بیش از حد به ظاهر و غفلت از محتوا و پیام: مردم، به جای آن که به دنبال فهم معانی قرآن باشند، بیشتر به خواندن آن و لحن و صوت ارزش می‌هند؛ اما هرگز برای ترجمه و تفسیر و فهم پیام قرآن، زمانی را اختصاص نمی‌دهند. چنین افرادی، جز اسمی از قرآن نمی‌دانند و نزد آنان، قرآن، همان صداهای زیبا است. یا تمام همت افراد، نوشتن قرآن به خط‌های زیبا و چاپ انواع قرآن در خط‌ها و اندازه‌ها و رنگ‌های مختلف است؛ اما در معنای قرآن، فکر نمی‌کنند. نزد این گروه، قرآن جز خطی خوش نیست.<sup>۱</sup>

۲. به قدری معانی مختلف و برداشت‌های غیر معقول از قرآن عرضه شود و به قدری اختلاف قرائت‌ها و تکرگرای‌ها رواج و مقبولیت یابد که معنای اصلی قرآن و منظور الهی از نزول آن، بین مردم گم شود و کسی نداند منظور خداوند، از نزول فلان آیه یا

۱. همان، ص ۱۹۰.

سوره یا کلّ قرآن و اسلام، چیست. در این صورت نیز از قرآن و اسلام، جز اسم چیزی نخواهد ماند؛ زیرا هر کس حرفی خواهد زد و آن را حرف اسلام و قرآن قلمداد خواهد کرد.<sup>۱</sup>

علاوه بر این که این تعبیر، حالت غالبی دارد؛ یعنی، غالب مسلمانان از حقیقت اسلام و قرآن، فاصله می‌گیرند؛ ولی در همان حال، گروهی هستند که عمل به دستورهای قرآن و اهداف اسلام را در متن زندگی خود قرار می‌دهند؛ به ویژه شیعیان که تحت تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام هستند.



### منظور از «آرماگدون» چیست و آیا با نبرد قرقیسیا ارتباط دارد؟

کلمه «هَرْمَجِدُن»<sup>۲</sup> در اصل واژه‌ای است یونانی که بنا به تعریف واژه‌نامه‌های آمریکایی همچون فرهنگ «وبستر» به معنای نبرد نهایی حق و باطل در آخر الزمان است. همچنین این واژه، نام شهری در منطقه عمومی شام است که بنا بر آنچه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا، در عهد جدید آمده است، آن‌جا، جنگی عظیم رخ

۱. تفسیر فرات کوفی، ص ۱۳۹.

می‌دهد و مرحله حاضر از زندگی بشر در آن زمان پایان می‌یابد. به عبارتی نبرد مذکور، مقدمه تحولی بزرگ است که سرنوشت نهایی آدمی بر روی کره زمین به آن بستگی دارد.

حادثه شریف ظهور، حادثه‌ای بزرگ است و قدرت‌های بزرگ جهان، سیاست خارجی خود را بر مبنای حوادثی که پیش از آن رخ می‌دهد، جهت داده و نقشه‌های نظامی خود را به شکلی سامان داده‌اند که آمادگی‌های لازم برای این حادثه در آن ملحوظ باشند. این، در حالی است که مؤسسات دینی و رسانه‌های این دولت‌ها نیز مردم خود را برای پیشباز این حادثه آماده می‌سازند.

این مؤسسات دینی همراه رسانه‌های دیداری و شنیداری این دولت‌ها، از سال‌های دهه هشتاد میلادی مردم خود را به ایمان جمعی به وقوع حادثه‌ای بزرگ در سرزمین شام توجه داده‌اند که به نبردی هسته‌ای خواهد انجامید. این مؤسسات، پیوسته مردم خود را به ایمان به این نکته فرا می‌خوانند که به زودی لشکری از دشمنان مسیح که بدنه اصلی آن، از میلیون‌ها نظامی تشکیل یافته است، از عراق حرکت می‌کند و پس از گذشتن از رود فرات که در آن زمان، به خشکی گراییده است، به سوی قدس رهسپار می‌شود.

اما نیروهای مؤمن به مسیح، راه این لشکر را سد کرده و همگی در «آرماگدون» با یک دیگر برخورد خواهند کرد. در این مکان است که درگیری اتفاق خواهد افتاد. صخره‌ها ذوب می‌شوند... دیوارها

بر زمین فرو می‌غلتند... پوست تن انسان‌ها در حالی که ایستاده‌اند، ذوب شده و میلیون‌ها نفر از بین می‌روند... این، نبردی نهایی و هسته‌ای است. سپس مسیح برای بار دوم، از جایگاه بلند خود بر زمین فرود می‌آید و پس از چندی، زمام رهبری جهان را در دست گرفته و صلح جهانی را برقرار می‌کند. او، دولت صلح را بر زمین نو و زیر آسمانی تازه بنا می‌کند و این مهم را از مرکز فرماندهی خود در قدس عملی می‌سازد.

یک بررسی انجام گرفته از سوی مؤسسه «تلسن» که در اکتبر سال ۱۹۸۵م به نشر رسیده است، نشان می‌دهد در حال حاضر ۶۱ میلیون آمریکایی در انتظار واقعه آرماگدون به سر می‌برند. این، در حالی است که ذکر مؤسسات دینی و ایستگاه‌های رادیو تلویزیونی که به این مهم پرداخته‌اند، در این مجال میسر نیست.

مؤسسات دینی آمریکایی، این نکته را روشن ساخته‌اند که سپاهی که از عراق به سوی قدس رهسپار خواهد شد، بنا بر پیشگویی حرقیال در کتاب مقدس (فصل ۳۸ و ۳۹) از نظامیانی از عراق، ایران، لیبی، سودان و قفقاز در جنوب روسیه تشکیل می‌شوند. مدارس انجیلی در آمریکا، بر پایه این تحلیل که واقعه آرماگدون تنها حادثه‌ای است که بازگشت دوباره مسیح را به زمین ممکن می‌سازد... و این، واقعه‌ای بسیار نزدیک است، به تبلیغ این دیدگاه پرداخته‌اند.

آرماگدونی که این عده از آن سخن می‌گویند، همان حادثه عظیمی است که پیش از ظهور مهدی علیه السلام رخ خواهد داد. همان حادثه بزرگ که امامان علیهم السلام، نام «قرقیسیا» را بر آن اطلاق کرده‌اند. آن بزرگواران، از این نکته خبر داده‌اند که میلیون‌ها نظامی از آمریکا، اروپا، روسیه، ترکیه، مصر و دول مغرب عربی به اضافه سربازانی از سرزمین شام شامل کشورهای سوریه، اردن، لبنان، فلسطین و اسرائیل همگی در ناحیه‌ای در این محدوده تحت عنوان «قرقیسیا» با یک دیگر برخورد کرده و پس از درگیری، این سفیانی است که همگی را چونان کشتزاری درو شده، در هم می‌کوبد و از صحنه نبرد، پیروز بیرون می‌آید. میسر از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «ای میسر! از این جا تا قرقیسیا چقدر راه است؟» عرض کردم: «همین نزدیکی‌ها در ساحل فرات قرار دارد». سپس فرمودند: «در این ناحیه، واقعه‌ای اتفاق خواهد افتاد که از زمانی که خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را آفریده است بی‌سابقه بوده، تا وقتی آسمان‌ها و زمین برپا هستند هم، واقعه‌ای همچون آن اتفاق نخواهد افتاد... سفره‌ای است که درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر می‌شوند». مانند این روایات، از امام صادق علیه السلام و سایر امامان علیهم السلام نقل شده است.

به هر حال مؤسسات دینی انجیلی آمریکا و اروپا آنچه را روانشناسان در قضیه بازگشت دوباره مسیح به زمین پس از حادثه

آرماگدون گفته‌اند، به کار بسته و به این گفته قائلند که بی‌گمان امکان تحقق هر نوع پیشگویی ابتدا به ایمان مردم به آن و به پافشاری آن‌ها بر ضرورت وقوع آن و همچنین به شمار نفرات آن‌ها و شمار نفرات کسانی بستگی دارد که رهبری کاروان تبلیغاتی به راه افتاده برای تحقق بخشیدن به آن پیشگویی را بر عهده دارند.<sup>۱</sup>

دو تحقیق در این‌باره قابل بررسی و تبیین است:

۱. برخی دانشمندان، یکی از علایم ظهور امام مهدی علیه السلام را وقوع جنگی در منطقه‌ای به نام «هرّ مجدون» و به تعبیر روایات «قرقیسا» می‌دانند. به این قضیه حتی در کتب اهل کتاب نیز اشاره شده است.<sup>۲</sup> اهل کتاب از یهود و نصارا این معرکه جنگی را بس عظیم و خطرناک می‌دانند که در پایان تاریخ بشر اتفاق خواهد افتاد. «هرمجدون» کلمه‌ای است مشتق از «هر» به معنای کوه، «مجدو» که اسم وادی یا کوه کوچکی در شمال فلسطین است. اهل کتاب گمان می‌کنند مساحت معرکه این جنگ از منطقه مجدو، در شمال فلسطین تا ایدوم در جنوب امتداد دارد (حدود دویست مایل).<sup>۳</sup> آنان معتقدند در این جنگ، لشکری با حدود ۴۰۰ میلیون

۱. موعود نامه، مجتبی تونه‌ای، ص ۳۹.

۲. کتاب مقدس، رؤیای یوحنا، ۱۶/۱۶ - ۱۳ و سفر زکریا، ۱/۱۴-۵ و کتاب مقدس، ص ۸۴۳.

۳. موعود شناسی، سؤال ۴۱۰، ص ۵۲۵.

نفر شرکت خواهند داشت؛<sup>۱</sup> لشکری که از عراق، ایران، لیبی، سودان و قفقاز در جنوب روسیه تشکیل شده است.<sup>۲</sup>

دکتر عبد الکریم زبیدی می‌گوید:

... این حادثه همان حادثه بزرگی است که پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت و در روایات از آن به معرکه «قرقیسیا» یاد شده است. در آن واقعه، میلیون‌ها لشکر از آمریکا، اروپا، روسیه، ترکیه، مصر و دولت‌های مغرب عربی و لشکریانی از شهرهای شام، یعنی، سوریه، اردن، لبنان، فلسین و اسرائیل شرکت خواهند داشت. همگی در منطقه‌ای به نام قرقیسیا از بلاد شام با هم مواجهه خواهند داشت و سفیانی در این هنگام، خروج خواهد کرد...<sup>۳</sup>

از مجموع روایات استفاده می‌شود که فرمانده عملیاتی این جنگ، از جانب دشمنان اسلام، شخصی به نام سفیانی است. او کسی است که به کمک مراکز جاسوسی یهود و آمریکا، میان مردم تفرقه انداخته و مردم را بر ضد شیعیان اهل بیت تحریک خواهد کرد. نیز بعد از پناه بردن امام زمان علیه السلام به کعبه با عده‌ای از یاران خود، در صدد مقابله با حضرت بر خواهد آمد که خود او با لشکریانش در منطقه‌ای به نام «بیدا» به زمین فرو خواهند رفت.

۱. همان.

۲. مجلة الفكر الجديد، شماره ۱۵ و ۱۶؛ موعود شناس، سوال ۴۱۰، ص ۵۲۶.

۳. مجلة الفكر الجديد، ۱۵ و ۱۶.

در همین جنگ است که بنیان یهود از هم پاشیده شده، بسیاری از آن‌ها نابود خواهند شد. بخاری به سندش از رسول خدا ﷺ نقل کرده است که فرمود:

قیامت برپا نمی‌شود، تا آن که شما با یهود بجنگید؛ آن هنگام، به حدی از آنان کشته خواهد شد که حتی سنگی که یک یهودی در آن پناه گرفته است، می‌گوید: «ای مسلمان! این یهودی است که در کنار من پناه گرفته است؛ او را به قتل برسان.»<sup>۱</sup>

۲. نبرد قرقیسیا: سفیانی پس از سرکوب مخالفان، هدفی جز حمله به عراق ندارد؛ از این رو، با سپاهی بزرگ به سمت عراق رهسپار می‌شود. در میانه راه در منطقه‌ای به نام قرقیسیا (شهری در سوریه در محل اتصال رود خابور و فرات)، جنگی هولناک درمی‌گیرد و بسیاری کشته می‌شوند.

در تعدادی از احادیث، پیشوایان دینی از جنگ «قرقیسیا» خبر داده‌اند. امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود:

ان لله مائدة [مأدبة] بقرقیسیاء یطلع مطلع من السماء «فینادی: یا طیر السماء و یا سباع الارض، هلموا الی الشبع من لحوم الجبارین؛ برای خداوند، در قرقیسیا سفره‌ای [غذایی] است. از آسمان ندا دهنده‌ای آشکار می‌شود و آواز می‌دهد: «ای پرندگان آسمان وای درندگان

۱. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۲۲.



زمین! بشتابید برای سیر شدن از گوشت ستمگران»<sup>۱</sup>.

روایتی، دو گروه درگیر این جنگ را فرزندان عباس و مروانی خوانده است؛ اما چهار حدیث دیگر، سفیانی را یکی از طرف‌های درگیری می‌دانند؛ از جمله حضرت علی علیه السلام فرموده است:

يظهر السفیانی علی الشام ثم یكون بینهم وقعة بقرقیسیا حتی تشبع طیر السماء و سباع الارض من جیفهم...؛ سفیانی، بر شام غلبه می‌کند. سپس میان آن‌ها در منطقه قرقیسیا جنگی در خواهد گرفت در آن جنگ، آن قدر کشته می‌شوند که پرنندگان آسمان و درندگان زمین از مردارشان سیر می‌شوند.<sup>۲</sup>

از میان روایات یاد شده، تنها این حدیث امام باقر علیه السلام از سند معتبری برخوردار است:

... و یمر جیشه بقرقیسیا فیقتلون بها فیقتل من الجبارین مائة الف...؛  
... سپاه سفیانی به قرقیسیا می‌رسند و آن‌جا نبردی در می‌گیرد و از ستمگران صد هزار نفر کشته می‌شوند...<sup>۳</sup>

از میان این روایات، به حدیثی که طرف‌های درگیر جنگ قرقیسیا فرزندان عباس و مروانی برمی‌شمرد، به لحاظ خبر واحد بودن و ضعف سند و مخالفت با دیگر روایات، نمی‌توان اعتماد کرد.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۸۹، باب ۱۴، ح ۶۳

۲. عقد الدرر، ص ۸۷، باب ۴، فصل ۲.

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۳۹۲، باب ۱۴، ح ۶۷

اما بر اساس روایت معتبر پیش گفته و سایر روایاتی که مؤید این حدیثند، چند مطلب را می توان بیان کرد:

۱. نبرد قرقیسیا واقع خواهد.
  ۲. یکی از متخاصمین، سفیانی است.
  ۳. دو طرف درگیری اهل باطل هستند.
  ۴. این نبرد، تلفات انسانی فراوانی بر جای خواهد گذاشت.
  ۵. سپاه سفیانی، برخلاف تلفات سنگین، پیروز این نبرد است.
- روایات، به انگیزه این نبرد اشاره نکرده اند؛ اما این احتمال وجود دارد که نبرد یاد شده به دلیل مقاومت حاکمان آن سرزمین، برابر زیاده خواهی های سفیانی باشد؛ چرا که سفیانی برای رسیدن به کوفه، تمام مسیر شام تا کوفه را تصرف خواهد کرد.
- روایات، درباره طرف دیگری که در نبرد قرقیسیا می رزمند، چیزی نیامده است. همچنان که گذشت، از روایات یاد شده تنها بر حق بودن دو گروه متخاصم را می توان فهمید. در روایت معتبر دیگری امام باقر علیه السلام فرموده است:

... کفی بالسفیانی نقمة لكم من عدوكم و هو من العلامات لكم، مع ان الفاسق لو قد خرج لمکثتم شهرین بعد خروجه لم یکن علیکم بأس حتی یقتل خلقا کثیرا دونکم...؛... سفیانی، برای عذاب دشمنان شما بس است او برای شما، یکی از علامات است. وقتی این مرد فاسق قیام کرد، باکی بر شما نیست که یک یا دو ماه درنگ کنید، تا این که او

تعداد زیادی از غیر شما را بکشد...<sup>۱</sup>

این روایت، به نبرد قرقیسیا تصریح نکرده است؛ اما به قرینه سایر روایات، به احتمال فراوان دربارهٔ جنگ یاد شده خواهد بود، و بر این اساس، از این روایت فهمیده می‌شود که طرف دیگر این نبرد نیز از دشمنان شیعه است.<sup>۲</sup>

به نظر می‌آید آنچه قابل پذیرش است، اصل وقوع درگیری‌ها است؛ اما در رابطه با جزئیات نمی‌توان سخن دقیقی گفت. باید توجه داشت که انسان بر اساس قدرت اختیار خود، می‌تواند امور را تغییر دهد و قرآن و روایات به این نکته تصریح دارند.

## ۵۹

**فیلم‌هایی که امریکایی‌ها (هالیوود) دربارهٔ تسخیر جهان می‌سازند و این که کسی می‌آید و جهان را به هم می‌ریزد چگونه است؟**

از اوضاع و حوادث عمومی، می‌توان حدس زد که بشر، در آینده نزدیک، بر سر یک دو راهی بسیار حساس واقع خواهد شد؛ یا چشم‌بسته تسلیم مادی‌گرایی و قوانین حاکم بر طبیعت شود و یکسره به احکام الهی پشت پا زند یا توحید خالص را انتخاب کند و به قوانین

۱. همان، ص ۴۱۷، باب ۱۸، ح ۳.

۲. رک: نصرت‌الله آیتی، سفیانی از ظهور تا افول، ص ۷۷ الی ۸۰، نبرد قرقیسیا.

و احکام الهی، برای اصلاح و علاج بحران‌های جهانی گردن نهد. سیر تاریخ زندگی بشر - به‌ویژه در قرون اخیر - نشان داده است که تمایل عمومی انسان‌ها بر اساس حس فطری خدا جویی به سوی عدالت‌طلبی و حاکمیت قوانین و ارزش‌های انسانی و الهی در حرکت است. در این نوشتار، به تشریح این دو تفکر و اهداف آن می‌پردازیم.

### ۱. حاکمیت قدرت و علوم مادی

طرفداران این نظریه، چند دسته‌اند: گروهی معتقدند شر و فساد و بدبختی لازمه جدانشدنی زندگی بشر است؛ لذا هر چه زودتر باید به زندگی بشریت خاتمه داده شود. این گروه، برای تحقق این نظریه از قدرت‌های استثمارگر در جهت نابودی نهایی جهان حمایت می‌کند و به نهیلیست یا پوچ‌گرا معروف می‌باشد.

گروهی دیگر می‌گویند: با پیشرفت حیرت‌آور علوم و تکنیک و فراهم شدن سلاح‌های مخرب و کشتار جمعی، جامعه بشری به نقطه انفجار نزدیک شده است و به زودی با دست خود، به زندگی خود خاتمه خواهد داد؛ لذا باید راه چاره‌ای اندیشید.

در این بیان، عده‌ای تنها راه را تشکیل یک حکومت واحد جهانی می‌دانند، تمام بشریت تحت یک نظام و سیستم مدیریتی واحد قرار گیرد و به اصطلاح، دهکده‌ای جهانی با یک رئیس به وجود آید، تا دیگر تضاد منافع بین سران قدرت، باعث جنگ‌های تکنولوژیک نابود کننده نشود. در این باره تلاش قدرت‌های جهانی برای کسب سلطه

برای اداره جهان بسیار چشمگیر است. پس از فروپاشی ابر قدرت شرق، هم اکنون غرب خود را قدرتی بلامانع برای رسیدن به ریاست جهان می‌پندارد و برای کسب این مقام، از انواع ابزارهای تبلیغاتی استفاده می‌کند.

قدرت‌های غربی، از طرفی با ایجاد یأس و ناامیدی از آینده جهان، بشریت را به لزوم داشتن یک پناهگاه و نقطه امید برای تسکین دلهره و ناآرامی‌های روانی متقاعد می‌سازند و از طرف دیگر، با در اختیار گرفتن ابزارهای تبلیغی و نفوذ در افکار عمومی جهان، تنها غرب را قادر به حل این مشکل جهانی معرفی می‌کنند.

آمریکا با کمک سرمایه‌داران صهیونیزم و با در دست داشتن بزرگ‌ترین مرکز فیلم سازی جهان (هالیوود)، سالانه حدود هفتصد فیلم تولید می‌کند و نزدیک به ۸۰ درصد شبکه‌ها و سینماهای جهانی را تغذیه رسانه‌ای می‌نماید. تمام این فیلم‌ها، در مسیر اهداف غرب برای حکومت بر جهان قرار گرفته است و پیوسته این هدف را دنبال می‌کند.

## ۲. حاکمیت احکام الهی و مدیریت انسان‌های موحد بر جهان

این نظریه که بر اساس پیشگویی‌های ادیان الهی ارائه شده و سیر تحول روحی در نوع بشر و گرایش به ارزش‌های انسانی و الهی در قرون اخیر، آن را به منزله یک دکترین و طرح قابل اجرا کرده است، تنها راه برای نجات بشریت را بازگشت به دین و احکام الهی

می‌داند و معتقد است این مهم با تشکیل حکومت جهانی به دست رهبری الهی امکان پذیر خواهد بود. ادیان الهی، هر کدام بر اساس آموزه‌های خود، این دکترین و نظریه را ارائه کرده‌اند. دین یهود، به رسالت و ظهور مسیح حقیقی برای نجات بشریت معتقد است. مسیحیت نیز به بازگشت حضرت عیسی علیه السلام به دنیا برای نجات بشریت معتقد است. دین اسلام، با ارائه کامل‌ترین برنامه و دکترین با عنوان مهدویت و حکومت جهانی، تنها نجات بخش انسان‌ها را برقراری حکومت واحد جهانی بر اساس احکام اسلام می‌داند.

لازمه این طرح و دکترین دینی برای جهان، مبارزه با هر گونه استثمار، قدرت طلبی و بی‌عدالتی در جامعه جهانی است؛ لذا صاحبان قدرت جهانی به مقابله رو در رو با این تفکر الهی و دینی پرداخته‌اند و به صورت‌های گوناگون به تحریف دکترین مهدویت مشغول شده‌اند. یکی از راه‌های تحریف و تضعیف، ایجاد یأس و ناامیدی در مردم جهان از روحیه خداجویی و کارآمدی دین در زندگی است؛ نشان دادن آینده تاریک و ترسناک و القای این نکته که آموزه‌های ادیان هرگز نمی‌تواند مشکلات امروز و آینده جهان را برطرف کند و تنها نجات‌بخش جهان، قدرت و تفکر غرب است. این هدف با انواع فیلم‌ها و بازی‌های کامپیوتری و ایجاد بحران‌ها و جنگ‌های مصنوعی در جهان به جوامع انسانی القا می‌شود. برای نمونه مواردی را ذکر می‌کنیم.

۱. فیلم «نوستر آداموس»: این فیلم، بر اساس پیشگویی‌های یک پزشک فرانسوی، ساخته شد؛ اما محتوای فیلم، مطابق اهداف غرب برای سلطه بلامنازع بر جهان، تهیه شده است. در این فیلم، نجات دهنده جهان از نگاه اسلام (امام مهدی علیه السلام) با نام‌های «پادشاه وحشت»، «خدای جنگ بر ضد غرب»، «ضد مسیح بزرگ» معرفی می‌شود. آینده جهان، وحشتناک تلقی شده و تنها راه نجات را اتحاد با ابرقدرت غرب می‌داند. در نهایت، غرب را پیام‌آور صلح جهانی و اسلام و مسلمانان را ضد صلح و امنیت معرفی می‌کند. در این فیلم، درباره حضرت مهدی علیه السلام آمده است: «او، مردی خونریز و بی‌رحم است و با جنگ‌های خود، تعداد زیادی زنان را بیوه و بچه‌های یتیم بر جای می‌گذارد». آن حضرت را با لباس عربی نشان می‌دهد و در حالی که با فشار دادن یک کلید هر کار بخواهد، انجام می‌دهد، این مطلب را به بیننده القا می‌کند که «ما باید متحد شویم و مانع قیام او گردیم؛ زیرا چیزی جز مصیبت و ناامنی برای مردم جهان نمی‌آورد. باید مردم جهان از او متنفر شوند و از او فاصله بگیرند».

۲. فیلم «روز استقلال»: این فیلم محتوایی تخیلی دارد و آمریکا را نجات دهنده بشریت برابر حمله فضایی به زمین نشان می‌دهد. سرانجام با پیروزی نیروهای مدافع زمین در روز استقلال آمریکا، دشمن شکست می‌خورد و آمریکا بر سکوی نجات می‌ایستد.

۳. بازی کامپیوتری «جهنم خلیج فارس» معروف به «یا مهدی»: در

این فیلم، خلیج فارس به ویژه ایران - را مرکز حرکت‌های تروریستی جهان می‌شمارد و آمریکا با حضور نظامی در منطقه، سردمدار مبارزه با این گونه حرکت‌ها می‌شود.

۴. کنفرانس تل آویو: در این کنفرانس، نظریه‌پردازان غربی در تحلیل انقلاب اسلامی ایران، اعتراف می‌کنند که شیعه دارای دو نگاه است: نگاه سرخ و نگاه سبز و معتقدند شیعه به اسم امام حسین علیه السلام قیام را شروع و به اسم امام زمان علیه السلام آن را حفظ می‌کند. تصمیم نهایی در این کنفرانس، نشان دادن تصویری سیاه از انتظار سبز شیعه، به جهان است.

پس از این کنفرانس، کتاب‌ها و فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای زیادی برای این هدف تهیه و به جهان عرضه شد؛ مانند فیلم صهیون، فیلم آرماگدون و بازی‌های کامپیوتری ماتریکس، نفرین‌شدگان، سام ماجراجو، شیطان مقیم، بازگشت به قلعه ولفن‌اشتاین، دلتا فورس، قیام ملت‌ها و طوفان صحرا (حمله به عراق) و همچنین کتاب‌هایی نظیر: جنگ بعدی، اثر کاسپار واین برگر (وزیر دفاع سابق آمریکا)، زمین، سیاره بزرگ مرحوم، جهان نوینی در حال فرارسیدن است، شما و سال ۲۰۰۰، چه بر سر ما می‌آید، آمادگی‌های فردی برای بحران سال ۲۰۰۰، تدارک جنگ بزرگ.

به طور خلاصه می‌توان سیاست‌های فیلم‌سازی آمریکا (هالیوود) را بر این اهداف استوار دانست:



۱. حاکم کردن تفکر لیبرالیسم و بی‌توجه نمودن جامعه انسانی به ارزش‌های دینی و الهی؛
۲. بحرانی جلوه دادن وضعیت سیاسی و مدیریتی جهان و القای نیاز جهان به یک حکومت و دهکده جهانی به ریاست غرب؛
۳. انحصاری کردن نجات بخشی جهان در راه‌کارهای ارائه شده توسط دکترین غرب؛
۴. القای این نکته که آینده جهان، بسیار ترسناک و ناآرام خواهد بود و ساختن فیلم‌های تخیلی برای انجام این هدف؛
۵. مخالفت و مبارزه رو در رو با حرکت‌های عدالت‌طلبانه جهانی برضد استعمارگران غربی که در جهان شروع شده است (مانند افغانستان، عراق، بوسنی، ایران و...)
۶. تهاجم و شبیخون به فرهنگ و ارزش‌های دینی و دور کردن دین‌گرایان، خداپرستان و مسلمانان از توجه به ارزش‌های راستین الهی؛
۷. القای این‌که تنها راه حل بحران کنونی و آینده در تبعیت از سیاست‌های غربی و مدیریت جهان بر اساس قدرت علمی و تکنولوژی برتر است و این قدرت، فقط در اختیار غرب - به ویژه آمریکا - است.
۸. همسو و هماهنگ نشان دادن مجامع بین‌المللی (مانند سازمان ملل، تجارت جهانی، صلح جهانی، کنفرانس‌های جهانی و رسانه‌های جهانی) با دکترین غرب برای آینده جهان.

برای تحقیق بیشتر می‌توانید از منابع زیر استفاده فرمایید:

۱. *تهاجم یا تفاوت فرهنگی*، دکتر بلخاری.
۲. *از ظهور تا پیروزی*، سید حسن تقوی.
۳. *فصلنامه انتظار و مجله انتظار نوجوان*، شماره ۵.

فصل اول

## ظهور، علایم و شرایط آن



**اساس و بنیان حرکت و نهضت حضرت مهدی علیه السلام آیا بر پایه معجزه است یا روندی عادی و طبیعی مانند انقلاب‌های دیگر جهان دارد؟**

نهضت جهانی امام مهدی علیه السلام را به دو گونه می‌توان تفسیر کرد، الف: تفسیری اعجاز آمیز و مافوق طبیعی ب: تفسیری عادی و در چارچوب نوامیس طبیعت که از سوی خداوند، بر هستی حکم می‌راند.

بر اساس تفسیر نخست که گاه از آن، با عنوان «نظریه حصولی بودن ظهور» یاد می‌شود، نهضت امام مهدی علیه السلام پدیده‌ای است که با اراده مستقیم الهی و به کمک عوامل غیبی آغاز می‌شود و به انجام می‌رسد و اقبال و ادبار مردم و نیز توجه و تلاش یا غفلت و سستی آنها، هیچ تأثیری در تقدیم یا تأخیر این حادثه بزرگ ندارد. اما طبق دیدگاه دوم که با عنوان «نظریه تحصیلی بودن ظهور» شناخته

می‌شود، حرکت جهانی آن حضرت، روالی عادی و طبیعی دارد و از این رو نیازمند فراهم شدن بسترها و شرایط، توسط توده مردم است. از میان این دو دیدگاه، دیدگاه دوم، به طریق صواب، نزدیک‌تر است؛ چرا که دیدگاه نخست، از اشکالات متعددی برخوردار است که در ادامه، پاره‌ای از آن‌ها را به اختصار خواهیم گفت:

۱. اعتقاد به اعجاز‌آمیز بودن نهضت امام مهدی علیه السلام اعتقادی بر خلاف اصل و روال طبیعی است. اصولاً در جهان هستی که جهان اسباب و مسببات است، هیچ پدیده عادی‌ای را نمی‌توان نشان کرد که بدون اسباب و علل عادی، تحقق یافته باشد؛ برای نمونه، برای سیر شدن، باید غذا میل کرد و برای سیراب شدن باید آب نوشید. همچنان که برای تحصیل یک گیاه، باید دانه‌اش را کاشت و نهال آن را پرورش داد و آب و نور کافی را برایش فراهم کرد. این توقع که گرسنگی و تشنگی، بدون خوردن غذا و نوشیدن آب، بر طرف شود یا بدون فراهم کردن شرایط رشد یک نهال، آن نهال به بار نشیند، توقع بی‌جایی است؛ چرا که به تعبیر امام صادق علیه السلام:

أبی الله أن یجری الاشیاء إلا بأسبابها؛ خداوند، ابا دارد از این‌که پدیده‌ها را جز به واسطه اسباب، تحقق بخشد.

بر این اساس، طبیعتاً نهضت امام مهدی علیه السلام نیز مشمول همین قانون خواهد بود و اگر کسی مدعی باشد که این مهم، با دخالت

عوامل فوق طبیعی و بدون فراهم شدن بسترهای عادی، شکل خواهد گرفت، باید بر مدعای خود دلیلی قاطع اقامه کند.

۲. این دیدگاه، با محتوای پاره‌ای از آیات قرآن کریم نیز ناسازگار است؛ برای نمونه آیه شریف **﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾**<sup>۱</sup>، به روشنی تغییر سرنوشت جوامع را از رهگذر تحولاتی می‌داند که می‌بایست در درون آن جوامع شکل گیرد. به تعبیر دیگر، سنت الهی بر این است که سرنوشت جوامع، نه با دخالت عوامل غیبی و نامرئی، که بر اساس شایستگی‌ها و لیاقت‌های خود آن‌ها رقم بخورد. تغییری که در آخر الزمان به دست امام مهدی علیه السلام در عالم انسانی تحقق خواهد یافت نیز مصداقی از آیه مورد اشاره است؛ از این رو، برای ایجاد چنین تحولی که از نظر وسعت و عمق، بی‌نظیر است، نباید منتظر دخالت عوامل فوق طبیعی نشست؛ بلکه می‌بایست در توده مردم، زمینه چنین تحولی شکل بگیرد.

۳. سومین اشکالی که به دیدگاه نخست وارد است این است که؛ اگر ما به اعجازی بودن حرکت امام مهدی علیه السلام معتقد باشیم، برای این سؤال اساسی که چرا غیبت آن حضرت، صدها سال به طول انجامیده است، پاسخی نخواهیم داشت؛ چون اگر بنا است کار آن بزرگوار، به وسیله اعجاز به سامان برسد، بسیار منطقی است که بپرسیم چرا این اعجاز، صدها سال به تأخیر افتاده است؟! حال که

قرار نیست برای ساخته شدن دنیایی سرشار از خوبی‌ها و تهی از رنج‌ها و حرمان‌ها، در مردم تحولی به وجود آید و به رشد و بلوغ برسند و این مهم، تنها به یک اشاره خداوند توانا و به امدادهای غیبی، شدنی است، چرا این اشاره خداوندی، قرن‌ها به تأخیر افتاده است و از همان نخست، کارها به سامان نرسید؟!

دیدگاه دوم به سادگی به این سؤال پاسخ می‌دهد که اگر ظهور، فرایندی است عادی، برای تحققش نیز باید مردم مهیا شوند و شرایط و زمینه‌های آن را فراهم کنند و چون تاکنون چنین نکرده‌اند، ظهور نیز به تأخیر افتاده است.

از آنچه گذشت، روشن شد که دیدگاه درست، همان نظریه دوم است؛ البته تذکر این نکته ضروری است که عادی دانستن نهضت امام مهدی علیه السلام به معنای نفی امدادهای غیبی نیست؛ چرا که بی‌گمان، آن حضرت از آغاز تا سرانجام حرکت الهی خود، به وسیله امدادهای ویژه الهی، تأیید و مساعدت خواهند شد و این موضوع، از روایات متعددی به دست می‌آید.

همچنان که نهضت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز پدیده‌ای کاملاً عادی و طبیعی به شمار می‌رود؛ با وجود آن که دست غیبی خداوند، همواره یاریگر آن بود. در آیه ۱۲۴ سوره آل عمران، آمده است: ﴿... أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ﴾؛ آیا این شما را کفایت نمی‌کند که خدا، سه هزار فرشته به

یاری شما فرو فرستد؟

لزوم تأیید حرکت‌های الهی، توسط امدادهای غیبی و عوامل فوق طبیعی خود، یکی از قوانین حاکم بر هستی است. خداوند، اراده کرده است افراد یا اجتماعاتی را که با نیاتی زلال در مسیر کمال، گام بر می‌دارند، در شرایط بحرانی با نیروهای پیدا و پنهان خود یاری کند؛ از این رو نمی‌توان به استناد احادیثی که از تأیید شدن امام مهدی به وسیله فرشتگان و سایر نیروهای فوق طبیعی سخن می‌گویند، غیرعادی و معجزه‌آسا بودن نهضت آن حضرت را برداشت کرد؛ چرا که این احادیث، ناظر به موارد خاصی و جزئی‌اند. تفاوت، بسیار است میان این‌که نهضت امام مهدی علیه السلام را از اساس، معجزه‌گونه تفسیر کنیم یا این‌که معتقد باشیم جریان انقلاب جهانی آن حضرت، از روال عادی و طبیعی برخوردار است و امدادهای غیبی، در موارد خاص، آن را تأیید می‌کنند.



## ۶۱

**مراد از شرایط ظهور چیست؟ با علایم ظهور چه تفاوتی دارد؟**

خداوند، جهان هستی را بر پایه اسباب و مسببات آفریده است؛ بنابراین، برای پیدایش یک پدیده باید زمینه‌ها و اسباب آن فراهم آیند تا تحقق آن پدیده امکان پذیر گردد. آیات متعدد قرآن کریم که به نقش‌آفرینی اشیا در پیدایش یکدیگر اشاره دارد و روایت «ابی‌الله ان یجری الاشیاء الا بالاسباب؛ ابا دارد خداوند این که امور را جاری کند (به وجود آورد) مگر به واسطه اسبابش»<sup>۱</sup> که از امام صادق علیه السلام نقل شده است ناظر به این مطلب می‌باشند.

بر اساس آنچه گفته شد شرایط یک پدیده، به اموری گفته می‌شود که آن پدیده، به آنها وابستگی وجودی دارد و تا آنها نباشند، آن شیء به وجود نمی‌آید. طبق این تعریف، شرایط ظهور به اموری اطلاق می‌شود که امر ظهور امام زمان علیه السلام به وجود آنها وابسته بوده و تا آنها محقق نشوند، ظهور رخ نخواهد داد. اما علایم ظهور، به اموری گفته می‌شود که بیانگر نزدیکی امر ظهور می‌باشند و تحقق هر یک از آنها، نشانه نزدیک‌تر شدن فرج و ظهور امام عصر علیه السلام است.

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۰.

با توجه به تعریفی که از شرایط و علایم ظهور ارائه شد، تفاوت‌هایی که بین این دو موضوع وجود دارد نیز روشن می‌شود. تفاوت اصلی و اساسی این است که وابستگی ظهور به شرایط، یک ارتباط و وابستگی وجودی تام و حقیقی است؛ ولی علایم برابر ظهور، فقط حالت کاشفیت دارند. البته کنار این اختلاف، می‌توان به تفاوت‌های دیگر نیز اشاره کرد؛ از جمله:

نشانه‌های ظهور، به صورت پراکنده و جدا از هم می‌تواند رخ دهند و در نهایت، ظهور امام زمان عجل الله فرجه حادث شود؛ ولی شرایط باید با هم و کنار یکدیگر، تحقق یافته و موجود باشند، تا امام زمان عجل الله فرجه ظهور کند. به علت عدم ارتباط وجودی بین علایم با ظهور، امکان دارد یک علامت یا برخی از علایم اتفاق نیفتند یا در یک زمان حادث شوند و پایان پذیرند و ظهور واقع شود؛ ولی برای تحقق ظهور، باید همه شرایط (با هم) موجود باشند؛ لذا در صورت نبودن حتی یک شرط، ظهور امام مهدی عجل الله فرجه محقق نمی‌شود. این، به علت رابطه وجودی بین شرط و مشروط (ظهور) است.

علایم، چون حالت نشانه بودن را دارند، لذا ممکن است یک علامت، بعد از ظهور (مثلاً روز بعد) اتفاق بیفتد؛ ولی شرایط، باید پیش از ظهور موجود باشند.

تحقق یک علامت، در صورت وجود قراین و شواهد قطعی، قابل شناسایی است، ولی پیدایش برخی شرایط برای افراد و اشخاص، قابل شناسایی و تشخیص نیست، برای نمونه آیا یاران فداکار که از جمله شرایط است به اندازه کافی موجود هستند؟

## ۶۳

## برای آن که ظهور امام مهدی علیه السلام واقع شود، چه شرایطی باید موجود باشند؟

مراد از شرایط یک انقلاب که ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام نمونه کامل و بارز آن است، اموری است که پدیده انقلاب به آن‌ها وابستگی وجودی دارد و تحقق آن، متوقف و مشروط به وجود این امور است. برای انقلاب جهانی و بزرگ امام مهدی علیه السلام مانند هر انقلاب دیگر، چهار شرط متصور و لازم است:

### الف. قانون جامع

یک انقلاب، برای در هم شکستن وضع موجود و برقراری وضع مطلوب، به دو نوع برنامه نیاز دارد:

۱. برنامه برای نابودی وضع موجود (دوران انقلاب)؛

۲. قانون مناسب برای حرکت جامعه به طرف وضعیت مطلوب و رسیدن به حالت آرمانی (دوران تثبیت).

قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز این دو نوع برنامه را لازم دارد. برنامه آن حضرت در قسمت اول، بر اساس روایات، پس از دعوت به راستی، حرکت مسلحانه تا نابودی کامل شرک و کفر و فساد است. به عبارت دقیق‌تر، حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، ابتدا مردم را

دعوت به دین حق و امامت خویش می‌کند و اگر کسی مخالفت کرد و خواست به راه شرک و کفر و تباهی ادامه دهد، حضرت با وی مقابله می‌کند. این روش بر گرفته از قرآن است.<sup>۱</sup>

برنامه حضرت در بخش دوم نیز بر اساس عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر است. قانونی که از طرف خالق و پروردگار انسان فرستاده شده و تضمین کننده سعادت دنیایی و آخرتی او است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیانی فرمود: سیره و سنت او، سنت من است. مردم را بر دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می‌کند.<sup>۲</sup>

#### ب. رهبری:

شرط دیگر برای پیدایش یک انقلاب، وجود رهبر و پیشوایی آگاه و توانمند، شجاع و قاطع، دلسوز و فداکار است، تا با آشنایی کامل از اهداف و برنامه‌ها، امکانات و زمینه‌ها، موانع و مشکلات، با مدیریتی صحیح و هوشمندانه، حرکت انقلاب را رهبری کند و تا آخرین نفس ادامه دهد.

انقلاب عظیم امام مهدی علیه السلام نیز دارای این شرط است. رهبر این انقلاب، بزرگ‌مردی از دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلسله نورانی امامت

۱. بقره (۲): ۱۹۳؛ «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»؛ «و با آنها پیکار کنید تا فتنه (بت پرستی و سلب آزادی از مردم) باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد».

۲. کمال الدین، ج ۲، ب ۳۹، ح ۶

است که در دامان ولایت پرورش یافته و وارث علوم انبیا و آگاه به قرآن و معارف دین است. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بیانی فرمود:

منا مهدی هذا الامة الذی یملا الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً؛ مهدی این امت از ما است، کسی که زمین را از قسط و عدل پر می‌کند همان‌گونه که از جور و ظلم پر شده است.<sup>۱</sup>

### ج. یاران

شرط دیگر یک انقلاب، وجود یارانی فداکار است که با آشنایی با رهبر و برنامه‌ها و اهداف او و اعتقاد راسخ به آنها، تا آخرین لحظه، از رهبر و انقلاب دست برندارند و آماده هرگونه فداکاری باشند. قیام جهانی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نیز به یارانی نیاز دارد که ضمن آشنایی و اعتقاد به امام و دین، تا آخرین لحظه فداکاری کنند.

از امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام ضمن حدیثی نقل شده است: اصحاب او [= حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام] به سوی او اجتماع می‌کنند که ۳۱۳ نفرند، به تعداد اهل بدر، از نقاط مختلف زمین... وقتی این عده جمع شدند، خدا امر او را ظاهر می‌کند و چون عقد کامل شد، که ده‌هزار نفرند، به اذن خدا خروج می‌کند.<sup>۲</sup>

۱. همان، ج ۱، باب ۲۴، ح ۱۰.

۲. همان، ج ۲، ب ۳۷، ح ۲.

## د. آمادگی و پذیرش عمومی

یکی دیگر از شرایط یک انقلاب و تحقق آن، پذیرش مردمی است. باید مردم خواستار تغییر حاکمیت و وضع موجود بوده و رهبر انقلاب و برنامه‌های او را واقعاً پذیرا باشند. در غیر این صورت، حرکت انقلاب به سرانجام مطلوب نخواهد رسید.

انقلاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز این شرط را لازم دارد. مردم باید به حدی از رشد و آگاهی رسیده باشند که پذیرای حرکت اصلاحی و قیام بزرگ منجی عالم بشریت باشند، تا هنگام قیام، او را پذیرفته و برای تحقق اهداف و برنامه‌های او همکاری کنند. تاریخ، نمونه‌های متعددی را از آمادگی و عدم آمادگی مردم در سینه خود انباشته است؛ برای نمونه اعلام آمادگی مردم مدینه در هجرت پیامبر اسلام به آن شهر و استقرار حکومت اسلامی نقش اساسی داشت. نیز خواست عمومی مردم مدینه و شهرهای دیگر که در مدینه اجتماع کرده بودند، حکومت عدل‌گستر امام علی ع را در پی داشت. همچنین عدم همراهی عموم مردم با امام حسن و امام حسین علیهما السلام و شهادت آن دو امام بزرگوار، توسط دشمنان اسلام.



با توجه به این که امام زمان ظهور نمی‌کند، مگر این که جهان پر از ظلم شود، آیا این روایت با دعوت انسان‌ها به آماده‌سازی شرایط فرج، منافات ندارد؟ اگر جهان باید پر از ظلم شود، تا ظهور کند، آماده‌سازی شرایط چه معنایی دارد؟

برخی بر این باورند که بین فراوانی ظلم و ستم با ظهور امام زمان علیه السلام رابطه‌ای تمام وجود دارد؛ به گونه‌ای که ظهور، زمانی است که ظلم و ستم فراگیر شده باشد؛ پس هر چه ظلم بیشتر شود، ظهور نزدیک‌تر می‌گردد؛ لذا حق‌طلبی و اصلاح، امری بر خلاف ظهور و جریان مخالف فرج امام زمان علیه السلام است؛ در حالی که فراوانی ظلم و ستم، نه یکی از علایم ظهور است (با توجه به روایات علایم ظهور) و نه یکی از شرایط آن (با توجه به بحث شرایط ظهور). نهایت حرفی که می‌توان زد، این است که ظهور امام زمان علیه السلام با فراگیری ظلم و ستم، مقارن است؛ بنابراین، شرط قرار دادن ظلم برای ظهور، امر صحیحی نیست. برای درک کامل مطلب، توجه به چند نکته لازم است:

الف. این که بین سرنوشت انسان‌ها و اعمال اختیاری آنان رابطه است، جای هیچ تردیدی نیست. هم آدمی وجود این رابطه را در زندگی خود مشاهده می‌کند و هم در قرآن کریم بر این مطلب

تاکید شده است. قرآن، هم آینده هر شخص را در دست خودش می‌داند<sup>۱</sup> و هم سرنوشت جامعه را با خواست و عملکرد مردم پیوند زده است؛<sup>۲</sup> یعنی تعیین سرنوشت خوب یا بد جامعه، در دست مردمان آن جامعه است. اسلام، از انسان می‌خواهد دربارهٔ مسائل اجتماعی ساکت نباشد و برابر ظلم و ستم، تا برقراری عدالت بایستد و حتی در این راه، به پیکار و مبارزه برخیزد؛<sup>۳</sup> و کوتاهی در این باره را نمی‌پذیرد و مؤاخذه می‌کند.<sup>۴</sup>

بر همین اساس، امر به معروف و نهی از منکر، از واجبات دین شمرده شده است و خداوند به اجرای این دو فریضه بزرگ، امر کرده است.<sup>۵</sup>

ب. به طور کلی، هیچ‌گاه یک آموزه دین نمی‌تواند برخلاف سایر آموزه‌های دین باشد، وگرنه این، خود نشانه باطل بودن آن دین است؛ لذا یکی از ویژگی‌های قرآن، عدم اختلاف در آن است؛ از این

۱. نجم (۵۳): ۳۹. و آن لیس للانسان الا ما سعی (و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست).
۲. رعد (۱۳): ۱۱. ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم (در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند).
۳. حج (۲۲): ۳۹-۴۰. «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَ إِنْ اللَّهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ، الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ...» (به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست. همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما خداست».
۴. نساء (۴): ۷۵. وَ مَا لَكُمْ لَا تَقْتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... (و چرا شما نمی‌جنگید در راه خدا و...).
۵. آل عمران (۳): ۱۰۴. وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (و باید از میان شما گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند).



حق و راستی سفارش بکنند، از خسران و ضرر به دورند.

خداوند، از انسان می‌خواهد در گناه نماند و به سوی او رجوع کند: ﴿يا ايها الذين امنوا توبوا الى الله توبة نصوحاً﴾؛ ای کسانی که ایمان آوردید! توبه کنید، توبه‌ای خالص.<sup>۱</sup>

کوتاه سخن آن که خداوند، انسان را در تعیین سرنوشت خود و جامعه، دارای تأثیر می‌داند و از او می‌خواهد برای اصلاح گام بردارد و خسته نشود. در چنین نگرشی، وعده ظهور را مطرح می‌کند. بنابراین انتظار منجی، به معنای صحیح آن، نه سکوت و تن دادن به ظلم است و نه کمک به فراگیر شدن ظلم؛ بلکه باید خواستار ظهور باشد و در این راه، تمام تلاش خود را به کار گیرد و اگر در این مسیر، به تشکیلات و حکومتی نیاز است که حرکت برای زمینه‌سازی را سامان دهد، برای تشکیل آن اقدام کند. طبیعی است ظالمان و مفسدان نیز بی‌کار نخواهند نشست و به مقابله بر می‌خیزند؛ لذا جبهه ظلم، در نهایت درجه ظلم حرکت می‌کند و جبهه حق، به اوج تلاش می‌رسد. در این زمان است که خداوند، به مدد انسان‌های حق طلب می‌آید و با ظهور مهدی عزیز علیه السلام کار ظالمان را یکسره می‌کند.

---

۱. تحریم (۶۶): ۸

## ۶۴

## آیا با توجه به شرایط کنونی جهان، زمینه‌ها و شرایط برای ظهور امام مهدی علیه السلام آماده است؟

بیان شد که برای تحقق امر فرج حضرت ولی عصر علیه السلام باید دست کم چهار شرط فراهم باشد، تا خداوند اذن ظهور را صادر فرماید. دو شرط از شروط چهارگانه تحقق یافته است. دین مقدس اسلام که دربردارنده طرح و برنامه حرکتی امام زمان علیه السلام است، بر وجود مقدس پیامبر اعظم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد. همچنین وجود مقدس امام مهدی علیه السلام که رهبر قیام بزرگ جهانی است، در سال ۲۵۵۵ ق به دنیا آمد.

اما تشخیص این که آیا سایر شرایط فراهم شده و جهان، آماده پذیرش و ظهور حضرت هست، امری مشکل و به بیان دقیق‌تر، از دسترس علم بشری بیرون است. حقیقتاً، ما نمی‌دانیم که شمار یاران امام زمان علیه السلام کامل شده است یا نه؟ ما در شرایط کنونی جهان، امیدوار ظهور و نجات مظلومان هستیم؛ ولی نمی‌دانیم آیا مردم، به راستی آمادگی پذیرش حضرت و عدل فراگیر او را دارند و در راه اعتلای دین و برقراری احکام نورانی آن، حاضر به همکاری و فداکاری هستند یا نه؟ به نظر می‌آید اظهار نظر قطعی در این باره، صحیح نباشد.

گفتنی است آنچه برای ما بسیار مهم و کاربردی است، شناخت وظیفه و حرکت صحیح در جاده انتظار است. ما باید کردار خود را

اصلاح کنیم و در وفای به عهدی که با خدا بسته‌ایم، ثابت قدم باشیم. حضرت در نامه خود به شیخ مفید نوشته است:

اگر شیعیان ما، در اجتماع به وفای عهد خود پایدار باشند، ظهور به تأخیر نمی‌افتد.<sup>۱</sup>

نیز برای ظهورش دعای فراوان، بکنیم؛ چرا که آن حضرت فرمود: «فاکثروا الدعاء بتعجيل الفرج؛ برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید».

## ۱۵

### دنیا و مردم، چه شرایطی باید داشته باشند تا امام زمان علیه السلام ظهور کنند؟

شاید بتوان در یک جمله گفت که مردم باید با همه وجود، خواستار و پذیرای منجی باشند. توضیح آن که:

۱. مردم باید بفهمند برپایی عدالت واقعی و امنیت و آرامش برای همگان و ایجاد سعادت برای جامعه انسانی و نجات بشریت از تباهی و نابودی، از عهده مکاتب و ایسم‌های بشری و حکومت‌های غیر الهی خارج است و فقط در سایه دین و رهبری آسمانی، می‌توان صبح روشنی را برای بشریت به انتظار نشست.

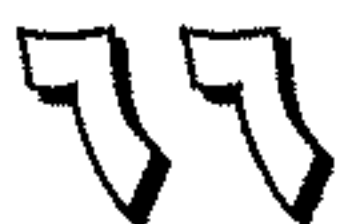
۲. علاوه بر معرفت، مردم واقعاً باید خواستار عدالت باشند و

۱. احتجاج، ج ۲، ش ۳۶۰، ص ۶۰۰

حاضر باشند برای برپایی عدالت تلاش و کوشش کنند. آنان باید بدانند که خداوند سرنوشت انسان‌ها را به نوع اختیارشان مرتبط کرده و فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾؛ به درستی که خداوند، آنچه را برای قومی است تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان خودشان را تغییر دهند؛<sup>۱</sup>

در ابتدای سوره مائده، آیات ۲۰ - ۲۶ به یکی از حوادث مربوط به قوم بنی‌اسرائیل در این زمینه اشاره می‌کند. وقتی حضرت موسی علیه السلام به بیان نعمات الهی پرداخت و به آنان فرمود: «خداوند ارض مقدس را برای شما نوشته است. بجنگید که به پیروزی می‌رسید». قوم او حاضر به تلاش و جنگ نشدند. حضرت موسی علیه السلام هم چنین دعا کرد: «خدایا! میان من و برادرم با قوم فاسق، جدایی بینداز». خداوند هم فرمود: «سکونت در این شهر، چهل سال برای آنان حرام شد».

بنابراین، مردم دنیا باید خواستار واقعی حضرت و عدالت‌گستری او باشند و حق و عدالت و بهره‌وری از منافع و مواهب دنیا را برای همه بخواهند و در راه مبارزه با ظلم و پیاده‌کردن عدالت، تا آخر بایستند. در این صورت است که امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند.



## به نظر شما، امام زمان علیه السلام آمدنی است یا آوردنی؟

پاسخ به این پرسش که تقدیر مهدوی و رهایی بشر از بن‌بست جهانی، آیا خارج از اختیار آدمی قرار دارد یا آن که در حیطه اراده و جامعه انسانی است، منوط به پرسش از اراده انسانی و نقش آن در سرنوشت فردی و اجتماعی انسان است. به این معنا که آیا انسان در تعیین سرنوشت خود، دارای اختیار و آزادی است یا نمی‌تواند دخالتی در آن داشته باشد؟ آنچه از متن دین در باره اختیار و اراده‌ی آدمی به دست می‌آید، این است که انسان، بی‌شک، در زندگی فردی و اجتماعی خود، اختیار دارد. خداوند می‌فرماید: ﴿ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم﴾<sup>۱</sup> خداوند، سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان، آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.

اراده الهی با خواست انسان همراه است. البته شکی نیست که در فرایند رفتاری انسان، علم و آگاهی خود انسان به خوبی یا بدی عمل، همین طور اختیارات دیگر انسان‌ها در جامعه، و همین طور مسایل خانوادگی و نوع تربیتی که در گذشته انسان درباره‌ی او اعمال شده است، همه و همه، در نوع گزینش آدمی اثرگذار است؛ ولی در

۱. رعد (۱۳): ۱۱.

نهایت، این انسان است که پس از بررسی‌های اجمالی یا تفصیلی و مطالعات ذهنی یا فطری و بالاخره با توجهی آگاهانه یا ناخودآگاهانه، در نهایت امر، دست به گزینش می‌زند.

حال که تا حدی معلوم شد نقش اراده انسانی در زندگی فردی یا جمعی او چیست، پاسخ به این پرسش نیز آسان خواهد بود که «آیا مهدویت را باید عینیت بخشید یا باید دست روی دست گذاشته با انتظاری مخرب و ویرانگر، چشم به راه ماند تا خود مسأله موعود، عینیت پیدا بکند؟ بر این مبنا، باید گفت، امام زمان علیه السلام امامی آوردنی است؛ همان‌طور که امام زمان، حقیقتی آمدنی و ظهور یافتنی است. از این رو که تا زمانی که شرایط برای جنبش جهانی فراهم نشود، او هرگز ظهور نخواهد کرد. در این بین، ما انسان‌ها مسؤولیت آماده‌سازی جنبش مهدوی را داریم، تا با کسب معرفت درباره امام و دوره مهدوی، و با آگاهی‌دهی به جامعه انسانی برای ایجاد بستر توحیدی لازم، اراده جمعی و فردی خود را به کار بگیریم. امام، آوردنی است؛ چرا که این بخش از مقدمات، بی‌شک در اختیار ما انسان‌ها نهاده شده است و بلکه از ما خواسته شده است در این سبب گام برداریم و هرگز سستی و کاهلی از خود نشان ندهیم؛ اما این که به حکم ضرورت، مسأله مهدویت در زندگی انسانی براساس حکمت الهی، نهادینه شده و امری است که به طراح نظام هستی باز می‌گردد و اختیار انسانی در آن نقشی ندارد، امام آمدنی

است؛ یعنی پس از آن که تمام اراده‌های انسانی، دست به دست هم داد و مردم، از سر اضطرار و آمادگی، در جست‌وجوی آن مهدی موعود برآمدند، آن گاه خدای متعال، براساس حکمت و مصلحتی که همواره در کار نظام هستی و تدبیر الهی بوده است، اراده می‌فرماید و ظهور را رخصت می‌دهد.

البته شکی نیست که زمینه اذن ظهور از سوی خدای متعال، در اختیار انسانی است؛ ولی اصل اذن الهی، از اختیار آدمی بیرون است و باید دعا و ندبه کرد، تا خدای متعال امر به ظهور کند. بر اساس سنت قرآنی، هر آن گاه که اضطرار آدمی به غایت خود رسید، بدون تردید، اجابت الهی به دنبال آن خواهد آمد.



### چرا حضرت امام زمان علیه السلام ظهور نمی‌کند؟ آیا مانع عمده ظهور، نبودن یاران صدیق است؟

همان گونه که یک رشته علل و عوامل باعث غیبت شد و مردم از نعمت وجود امام ظاهر محروم شدند، همچنین ظهور امام نیز مشروط به تحقق زمینه‌ها و شرایط آن است و تا این شرایط فراهم نشود، ظهوری نخواهد بود. یکی از شرایط عمده، وجود یاورانی است که همراه امام، بار قیام را بر دوش بکشند و تا آخر، از همراهی و

یاری رهبر خود دست برندارند و او را تنها نگذارند. سدیر صیرفی در گفت‌وگویی با امام صادق علیه السلام دربارهٔ عدم قیام می‌گوید:

حضرت، مرا به خارج مدینه برد تا آن که وقت نماز، در محلی پیاده شدیم. امام صادق علیه السلام به جوانی که در آن نزدیکی بز می‌چراند، نگاهی کرد و فرمود: «ای سدیر! به خدا قسم! اگر پیروان من، به تعداد این بزها بودند، بر جای نمی‌نشستم [و قیام می‌کردم]. سدیر گوید: بعد از تمام شدن نماز، حیوانات آن گله را شمردم و یافتم که عدد آنها از هفده تجاوز نمی‌کند.<sup>۱</sup>

تحقق این شرط، لازم است؛ ولی کافی نیست؛ بلکه باید زمینه‌های دیگر نیز فراهم شود. از جمله آن شرایط، قابلیت مردم برای پذیرش دولت حق است، به این معنا که عموم مردم و جامعه بشری (نه گروهی خاص و در منطقه‌ای خاص) باید به درجه‌ای از معرفت برسند که دریابند حکومت‌ها و مکاتب ساخته بشر، جوابگوی نیاز مردم نیست و به وسیله این‌ها، سعادت و عدالت واقعی به بشر هدیه نمی‌شود.

خلاصه آن که مردم، خود باید ظهور عدالت را بخواهند و جهانیان را با زیبایی‌های دوران ظهور آشنا کنند و روحیه عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی را همه جا گسترش دهند. مرحوم خواجه طوسی، در کتاب *تجرید الاعتقاد*، علت غیبت امام را کوتاهی مردم می‌داند؛ چرا

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۹۰، ح ۴.



که اعمال و کردار مردم، باعث شد امام از میان مردم برود؛ بنابراین، مردم باید از راه غلطی که رفته‌اند، برگردند و امام را بخواهند، تا ظهور صورت گیرد؛ از همین رو، شیخ صدوق در مقدمه کتاب *کمال الدین و تمام النعمة* می‌گوید: ظهور حجت‌های الهی در مقام پیشوایی خود، بر سبیل امکان و تدبیر، نسبت به مردم زمان خودشان است. اگر حال (مردم) طوری باشد که امام بتواند تدبیر و رهبری اولیایش را بر عهده بگیرد - یعنی مردم حاضر باشند حرف او را بپذیرند، و او بتواند اراده خدا را پیاده کند - ظهور آن حجت، لازم خواهد بود و اگر وضع به گونه‌ای باشد که امام نتواند تدبیر در رهبری اولیایش را بر عهده بگیرد و حکمت الهی، موجب پنهانی او گردد و تدبیر نیز آن را اقتضا کند، خداوند او را در پشت پرده غیبت، نهان می‌سازد، تا زمانی که وقت مناسب فرا رسد.



## انقلاب اسلامی ایران، چه نقشی در امر قیام و ظهور امام مهدی علیه السلام دارد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: یخرج ناس من المشرق فیوٹون [یمهدون] للمهدی سلطانہ؛ گروهی از مردم از طرف مشرق خروج می کنند پس آماده می کنند برای مهدی علیه السلام حکومتش را.<sup>۱</sup>

هر انقلاب و نهضت، برای رسیدن به اهداف عالی خود، به مقدمات و آمادگی‌هایی نیاز دارد. اساساً به ثمر رسیدن هر پدیده و حرکت اجتماعی، به زمینه سازی و برنامه ریزی قبلی محتاج است. در غیر این صورت، آن رخداد و حرکت یا شروع نمی شود یا به پایان و نتیجه مطلوب نمی رسد.

در این میان، روشن است هرچه آن انقلاب، بزرگ و گستره اش وسیع تر باشد، اهمیت آمادگی و مقدمه چینی برای آن، بیشتر احساس می شود. دعوت و قیام جهانی و فراگیر حضرت ولی عصر علیه السلام نیز به زمینه‌ها و شرایطی نیاز دارد که بخشی از آن‌ها را افراد جامعه بشری آماده می کنند. این‌جا است که یک حکومت و انقلاب

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷

برخاسته از متن جامعه که بر احیای ارزش‌های فراموش شده مبتنی است و در راستای اهداف و شعارهای بلند حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام حرکت می‌کند، می‌تواند شرایط و زمینه را برای ظهور حضرت در جهات مختلف، مانند آمادگی روحی و روانی، آمادگی جسمانی و نظامی، بالا بردن سطح معرفت و شناخت نسبت به امام زمان علیه السلام و... ایجاد کند.

در این راستا، امام راحل، معمار بزرگ انقلاب و بنیانگذار این نظام الهی فرمود: این کشوری که کشور امامان هدی و کشور صاحب الزمان علیه السلام است، باید کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه دهد؛ قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را - ان شاء الله - به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان می‌گذرد، جلوگیری کند.<sup>۱</sup>

نیز در جای دیگر می‌فرماید:

ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان علیه السلام

۱. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۹۵.

هموار می‌کنیم.<sup>۱</sup>

امام خمینی در بخشی دیگر انقلاب ایران را شروع انقلاب مهدی می‌داند: انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت علیه السلام است که خداوند، به همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری نیز فرمود: ما باید بدانیم که ظهور ولی عصر علیه السلام همان طوری که با این انقلاب ما یک قدم نزدیک شد، با همین انقلاب ما باز هم می‌تواند نزدیک‌تر شود؛ یعنی همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند، می‌توانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر، و یک قدم دیگر، همین مردم خودشان را به امام زمان علیه السلام نزدیک‌تر کنند.<sup>۳</sup>

آن رهبر فرزانه، جایی دیگر انقلاب را زمینه ساز حکومت مهدی علیه السلام می‌داند: ... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود علیه السلام به وسیله ملت ایران برداشته شده است و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است.<sup>۴</sup>

مقام معظم رهبری رابطه این دو انقلاب را به روشنی تبیین می‌فرماید: انقلاب ما، در راه آن هدفی که امام زمان علیه السلام برای تأمین

۱. همان، ج ۲۰، ص ۱۳۲.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸.

۳. خطبه‌های نماز جمعه تهران، تاریخ ۵۹/۴/۶.

۴. خطبه‌های نماز جمعه تهران، تاریخ ۵۹/۴/۶.

آن هدف مبعوث می‌شود و ظاهر می‌شود یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ بوده [است]. ما اگر این گام بزرگ را بر نمی‌داشتیم، یقیناً ظهور ولی عصر علیه السلام به عقب می‌افتاد. شما مردم ایران و مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیده‌اند، بدانید و شما ای امام بزرگوار امت! بدانید - که بهتر از ما می‌دانید. - شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سر منزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر علیه السلام شدید. شما یک قدم، این بار را به منزل نزدیک‌تر کردید. با این انقلاب که مانع را که همان دستگاه و نظام پلید در این گوشه دنیا بود و سرطان بسیار خطرناک و مودی و آزار دهنده‌ای بود، این را کنید و قلع و قمع کردید!

آری؛ انقلاب اسلامی ایران، همچنان که برخاسته از اعتقاد به امامت است، زمینه ساز قیام و حکومت امام مهدی علیه السلام نیز است.

## ۶۹

## هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام ایران اسلامی ما، در چه شرایط و موقعیت اجتماعی است؟

با توجه به روایات، می‌توان شرایط ایران را تا حدودی این گونه ترسیم کرد: دانش و معارف دین اسلام و مکتب تشیع، از ایران و قم، به جهانیان صادر می‌شود؛ لذا موقعیت علمی ایران ممتاز است و اصلی‌ترین مرکز دین اهل بیت علیهم السلام خواهد بود. در روایتی از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل شده است:

به زودی کوفه، از مؤمنان خالی می‌گردد و دانش، مانند ماری که در سوراخش پنهان می‌شود، از آن شهر رخت می‌بندد. سپس علم ظاهر می‌شود در شهری به نام قم. آن شهر، معدن علم و فضل می‌گردد [و از آن جا به سایر شهرها پخش می‌شود]؛ به گونه‌ای که در زمین، جاهلی در دین باقی نمی‌ماند، حتی زنان در خانه‌ها. این قضیه نزدیک ظهور قائم علیه السلام واقع می‌شود... علم، از قم به سایر شهرها در شرق و غرب پخش می‌شود و حجت بر جهانیان تمام می‌شود؛ به گونه‌ای که در تمام زمین، فردی پیدا نمی‌شود که دین و علم به او نرسیده باشد. بعد از آن، قائم علیه السلام قیام می‌کند و سبب انتقام خدا و غضب او بر بندگان [ظالم و معاند] می‌شود؛ زیرا خداوند، انتقام [و عذاب] بر بندگان را روا نمی‌دارد، مگر وقتی که

حجت را انکار کنند.<sup>۱</sup>

در ایران خیزش و جنبشی بزرگ برای دعوت مردم به طرف دین، روی می‌دهد. از امام کاظم علیه السلام نقل شده است:

مردی از اهل قم، مردم را به سوی حق دعوت می‌کند. گروهی، گرد او اجتماع می‌کنند که مانند پاره‌های آهنند و بادهای تند [حوادث] نمی‌تواند آنان را از جای برکند. از جنگ خسته نمی‌شوند و کناره‌گیری نمی‌کنند و بر خدا توکل می‌کنند. سرانجام، پیروزی برای متقین و پرهیزکاران است.<sup>۲</sup>

شاید این حرکت، همان حرکتی است که از امام باقر علیه السلام نقل شده است: گویا می‌بینم گروهی از مشرق زمین، خروج می‌کنند و طالب حق هستند؛ اما به آنان پاسخ داده نمی‌شود. مجدداً، بر خواسته خود تأکید می‌کنند؛ ولی جواب نمی‌شنوند. پس چون چنین دیدند، شمشیرها را به دوش می‌کشند و مقابل دشمن می‌ایستند، تا حق به آنان داده می‌شود، اما این بار قبول نمی‌کنند؛ بلکه قیام می‌کنند و نمی‌دهند آن را [= پرچم قیام را] مگر به صاحب شما [امام زمان].<sup>۳</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳.

۲. همان، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۲۴۳.



می‌گویند زمان ظهور امام زمان علیه السلام چیزهای زیادی است که تکامل می‌یابند؛ از جمله علم، به حد اعلاّی خود می‌رسد. بعضی می‌گویند - در کتاب‌ها نیز نوشته شده است - امام زمان با شمشیر قیام می‌کند. سؤال من، این است که با وجود پیشرفت علم و با وجود سلاح‌های مدرن، آیا جنگ امام زمان علیه السلام باز هم با شمشیر خواهد بود؟

این که سلاح حضرت و یارانش هنگام ظهور چه خواهد بود، امری است که حقیقت آن، برای ما روشن و آشکار نیست؛ چرا که سخن از آینده‌ای است که ترسیم صحیح و دقیقی از آن، برای ما قابل پیش‌بینی نیست؛ لذا تعیین و مشخص کردن نوع سلاح، امکان ندارد. البته در این میان، چند نکته قابل دقت و تأمل است:

الف. روایاتی که در آن‌ها به شمشیر اشاره شده است، لزوماً به معنای آن نیست که نوع سلاح حضرت، شمشیر است؛ بلکه معنای اولی و درست آن، این است که قیام امام مهدی علیه السلام مسلحانه است. اگر مراد روایات، واقعاً شمشیر باشد، معنای دوم خواهد بود؛ یعنی علاوه بر این که قیام مسلحانه است، با شمشیر خواهد بود. این معنای دوم، البته محل تردید است.

ب. هر چند در دوران حضرت، علم شکوفا می‌شود و مردم به کمک آن، به درستی از مواهب الهی استفاده می‌کنند؛ این



شکوفایی، لزوماً به معنای تأیید و تکمیل شکوفایی و پیشرفت صنعتی مردم در دوران غیبت نیست. به بیان دیگر، هر پیشرفتی، قابل پذیرش و ادامه نیست؛ از جمله پیشرفت در صنایع جنگی که روح حاکم بر آن، بر اساس تسلط بیشتر عده‌ای قلیل بر منافع طبیعی و عمومی دنیا و استثمار آن به نفع خود است. طبیعی است این پیشرفت، در نظام مهدوی که بر اساس صلح و عدالت است، جایی ندارد و حضرت نیز به استفاده از سلاح‌های مدرن و فوق مدرن نیازی ندارد.

ج. پیروزی در جنگ و غلبه بر دشمن، تنها با تکیه بر سلاح و ادوات جنگی نیست؛ بلکه درایت و فرماندهی درست نیز شرط است. امام زمان علیه السلام از درایت و فرماندهی خود که از علم الهی سرچشمه گرفته است، بهره می‌برد. همچنین آن حضرت، علاوه بر امدادهای غیبی و فرشتگان، به لشکر رعب مجهز است و خداوند، وحشتی در دل دشمنان او می‌افکند که توان درست فکر کردن و درست بهره‌بردن از تجهیزات را از دست می‌دهند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز در جنگ‌های بدر و احزاب، به این ابزارها مؤید بود.

د. نوع حرکت جنگی و ابزارها، به گونه‌ای است که فقط دشمنان نظامی را از پای در می‌آورد، نه آن که به مردم عادی آسیب برساند. به عبارت دیگر، عدالت رعایت شده و فقط کسانی که به جنگ برخاسته‌اند، کشته می‌شوند، نه آن که خوب و بد و مردم غیرنظامی نیز به قتل

برسند؛ چنان که در سلاح‌های متعارف امروزی، چنین است. ه آنچه از روایات استفاده می‌شود، این است که بین حضرت با دشمنان، جنگ و درگیری رخ می‌دهد و طرفین کشته می‌دهند؛ یعنی علاوه بر آن که لشکریان دشمن تار و مار می‌شوند، عده‌ای از یاران امام نیز به شهادت می‌رسند؛ بنابراین، نوع سلاح‌ها باید به گونه‌ای باشد که برای طرفین، استفاده جنگی از آن امکان پذیر باشد. سخن آخر آن که بررسی سلاح، از مسایل مهم مهدویت نیست و لذا دانستن آن، اهمیت چندانی ندارد و کنکاش در آن نیز نتیجه چندانی نمی‌دهد.



### مراد از علایم ظهور چیست؟ نشانه‌های ظهور کدامند؟

«علامت» در لغت عرب، به معنای نشانه است؛ بنابراین منظور از علایم ظهور، نشانه‌هایی است که نزدیک شدن ظهور را خبر می‌دهند. با تحلیل ماهیت این علایم، در می‌یابیم نشانه‌های ظهور، در مقایسه با ظهور رابطه سببی ندارند؛ یعنی این گونه نیست که به محض تحقق نشانه‌ها و علایم، بگوییم ظهور حتماً تحقق خواهد یافت؛ بلکه تنها جنبه اعلام و کاشفیت دارند؛ یعنی تحقق آن‌ها کاشف از این واقعیت است که ظهور نزدیک شده است.

علایم را از جهات مختلفی می‌توان تقسیم بندی کرد؛ از جمله:

۱. تقسیم علایم به نشانه‌های عادی و علایم غیر عادی ( معجزه آسا)؛

۲. تقسیم علایم به نشانه‌های حتمی و غیر حتمی؛

۳. به لحاظ فاصله زمانی بین وقوع علامت و تحقق روز موعود،

تقسیم علایم به نشانه‌های قریب (نزدیک) و بعید (دور).

آنچه بیشتر از ظاهر روایات به دست می‌آید تقسیم علایم به غیر حتمی، و حتمی است. علایم غیر حتمی یا موقوف نشانه‌هایی است که رخ دادن آن‌ها قطعی نیست و ممکن است به دلیل عدم تحقق شرایط یا ایجاد مانع به وقوع نپیوندند؛ اما علایم حتمی، آن‌هایی است که رخ دادن آن‌ها حتمی و قطعی است.

در منابع و متون روایی، به بسیاری از رخداد‌های طبیعی و غیر طبیعی و دگرگونی‌های سیاسی و حوادث اجتماعی به عنوان نشانه‌های ظهور، اشاره شده است. بدیهی است روایات مربوط به این مسأله؛ مانند سایر مسائل دیگر، همه از جهت درستی و اعتبار، یکسان نیستند. بلکه میان این روایات، برخی از جهت سند غیر قابل اعتمادند و برخی هم از جهت مضمون و مطالبی که در آن مطرح شده، جای بحث و تامل دارند؛ بنابراین، نمی‌توان به صرف دیدن یک روایت - بدون بررسی کارشناسانه از جهت سند و دلالت - به آن اعتماد کرده و آن را پذیرفت.

میان نشانه‌هایی که در احادیث، از آن‌ها به عنوان «علایم حتمی

ظهور» نام برده شده است و دارای سند معتبر بوده و در مواردی، کنار یکدیگر از آنها سخن به میان آمده است، علایم معروف و حتمی پنجگانه زیر است:

عن عمر بن حنظله: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: قبل قيام القائم خمس علامات محتومات: اليماني و السفیانی و الصیحه و قتل النفس الزکیه و الخسف بالبيداء؛ عمر بن حنظله گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: پیش از قیام قائم عليه السلام پنج نشانه حتمی خواهد بود: یمانی، سفیانی، صیحه (آسمانی)، قتل نفس زکیه، فرو رفتن در (زمین) بیدا.<sup>۱</sup> اشاره کوتاه این که:

۱. خروج سفیانی: پیش از قیام حضرت مهدی عليه السلام مردی از نسل ابوسفیان، در منطقه شام، خروج می کند و با تصرف بخش هایی از سرزمین اسلام، برای یافتن و کشتن شیعیان جایزه تعیین می کند.<sup>۲</sup>
۲. خسف در بیدا: خسف، یعنی فرورفتن و بیدا نام سرزمینی بین مدینه و مکه است. سفیانی که در آستانه ظهور حضرت مهدی عليه السلام خروج می کند، هنگامی که از ظهور ایشان با خبر می شود سپاهی عظیم به مدینه و مکه می فرستد و چون به سرزمین بیدا می رسند، خداوند آنان را در کام زمین فرو می برد و هلاک می شوند.
۳. خروج یمانی: سرداری از یمن قیام می کند و مردم را به حق و

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ب ۵۷، ح ۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

عدل دعوت می‌کند. خروج یمانی، اجمالاً از نشانه‌های ظهور است؛ هر چند جزئیات و چگونگی قیام وی، روشن نیست.

۴. قتل نفس زکیه؛ نفس زکیه، یعنی انسان پاک و بی‌گناه. در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام، جوانی بی‌گناه، مظلومانه در مسجد الحرام به قتل می‌رسد.

۵. صیحه آسمانی: منظور از آن، صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام، از آسمان به گوش می‌رسد و همه مردم آن را می‌شنوند. محتوای این پیام آسمانی، دعوت به حق و حضرت مهدی علیه السلام است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

ندا کننده‌ای از آسمان، نام قائم ما را ندا می‌کند. پس هر که در شرق و غرب است، آن را می‌شنود.<sup>۱</sup>

البته در برخی روایات، به نشانه‌های دیگری نیز اشاره شده است؛ مانند خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و ماه گرفتگی در آخر آن<sup>۲</sup> یا طلوع خورشید از مغرب.<sup>۳</sup>

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۵۲.

۲. غیبت، طوسی، ص ۴۴۴.

۳. همان، ص ۴۳۵.

عدل دعوت می‌کند. خروج یمانی، اجمالاً از نشانه‌های ظهور است؛ هر چند جزئیات و چگونگی قیام وی، روشن نیست.

۴. قتل نفس زکیه؛ نفس زکیه، یعنی انسان پاک و بی‌گناه. در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام، جوانی بی‌گناه، مظلومانه در مسجد الحرام به قتل می‌رسد.

۵. صیحه آسمانی: منظور از آن، صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام از آسمان به گوش می‌رسد و همه مردم آن را می‌شنوند. محتوای این پیام آسمانی، دعوت به حق و حضرت مهدی علیه السلام است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

ندا کننده‌ای از آسمان، نام قائم ما را ندا می‌کند. پس هر که در شرق و غرب است، آن را می‌شنود.<sup>۱</sup>

البته در برخی روایات، به نشانه‌های دیگری نیز اشاره شده است؛ مانند خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و ماه گرفتگی در آخر آن<sup>۲</sup> یا طلوع خورشید از مغرب.<sup>۳</sup>

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۵۲.

۲. غیبت، طوسی، ص ۴۴۴.

۳. همان، ص ۴۳۵.



### کدام یک از علایم ظهور واقع شده است؟

عده‌ای بر این باورند که بسیاری از علایم ظهور اتفاق افتاده است و فقط علایم حتمی نزدیک ظهور، باقی مانده است. به نظر می‌آید در این باره سخن قطعی و کاملی نمی‌توان گفت؛ زیرا منابع اصلی و قدیمی شیعه، معمولاً از نشانه‌های خاص و محدود نام برده‌اند و بسیاری از این نشانه‌هایی که به عنوان علایم اتفاق افتاده، مطرح می‌شوند یا اصولاً در این منابع ذکر نشده و یا بسیار کم رنگ بیان شده است. این امر، نشانه آن است که اخباری که این گونه نشانه‌ها را بیان کرده‌اند، چندان مورد اعتنای علمای گذشته نبوده است. همچنین اسناد برخی از روایات، اشکال دارد و نقل آن‌ها در کتب روایی جامع؛ مانند *بحارالانوار* به دو علت می‌تواند باشد:

۱. حفظ اصل نقل‌ها برای تأمل و تدبر دیگران درباره آن‌ها؛
۲. روشن شود که همه گروه‌ها - چه موافق و چه مخالف اهل بیت - در اصل ظهور حضرت مهدی علیه السلام اتفاق نظر دارند. مرحوم مجلسی در ذیل روایتی می‌گوید:

این روایت را که متن آن تغییر یافته و اشتباه دارد و سند آن به بدترین خلق خدا، یعنی عمر بن سعد منتهی می‌شود، آوردم تا

دانسته شود همه حضرت مهدی علیه السلام را قبول دارند.<sup>۱</sup>

در مواردی که سخن از یک علامت و فرج بعد از آن مطرح شده است، گویا مراد، ظهور امام زمان علیه السلام نیست؛ بلکه یک گشایش و راحتی برای مؤمنان است. از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

منتظر صدایی باشید که از طرف دمشق، ناگهان به شما می‌رسد. در آن، گشایش بزرگ برای شما خواهد بود.<sup>۲</sup>

در برخی روایات، سخن امام، به گونه‌ای است که خبر از یک اتفاق و واقعه می‌دهد، نه این که بخواهد آن واقعه را یکی از علایم ظهور معرفی کند؛ مانند وقوع گرمای شدید.<sup>۳</sup>

برخی نشانه‌ها و بیان‌ها، به گونه‌ای است که می‌تواند معنای دیگری غیر از معنای ظاهری داشته باشد. مانند طلوع خورشید از مغرب که شاید کنایه از ظهور حضرت از مکه باشد به علاوه معلوم نیست حادثه‌هایی که اتفاق افتاده است واقعاً همان نشانه‌ای باشد که در روایت ذکر شده است؛ بلکه شاید پدیده‌ای مشابه آن باشد.

بنابراین، این سؤال زمانی قابل پاسخ است که ما تطبیق را بپذیریم. مراد از تطبیق آن است که علامتی را با حادثه خارجی تطبیق داده و بگوییم این حادثه همان نشانه گفته شده در روایات است؛ اما باید توجه داشت که اولاً ما از لحاظ علم محدود می‌باشیم،

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۷.

۲. غیبت نعمانی، ب ۱۴، ح ۶۶.

۳ همان، باب ۱۴، ح ۴۴.



و نمی‌دانیم آیا واقعاً این حادثه، همان نشانه است یا نه، و ثانیاً بعضی از علامت‌ها، دارای سند معتبر و قابل قبولی نیست، تا خود نشانه را بپذیریم و بخواهیم از وقوع آن سخن بگوییم.

بله؛ اگر قراین و شواهد قطعی وجود داشته باشد، می‌توان گفت نشانه‌ای از نشانه‌ها واقع شده است و این، بسیار مشکل است. البته، باید توجه داشت که شباهت حادثه با یک علامت، این احتمال را ایجاد می‌کند که شاید این واقعه، همان علامت ظهور باشد؛ لذا حالت آمادگی را در فرد منتظر ایجاد می‌کند.



### آیا به نظر شما نیز نشانه‌های ظهور نزدیک است یا این، صرف تصوراتی است که ما داریم؟

با توجه به این که زمان ظهور مشخص نیست، زمان نشانه‌های مرتبط نزدیک به آن نیز مشخص نیست؛ بنابراین، سخن از نزدیکی یا دوری آن، امری پسندیده نیست.

البته عده‌ای با توجه به اوضاع و شرایط فعلی حاکم بر جهان، به این باور رسیده‌اند که دوره‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، همان دوره آخرالزمان است که در روایات به آن اشاره شده است؛ زیرا برای آخرالزمان نشانه‌هایی گفته شده؛ مانند گسترش فساد و تفسیر دین بر اساس هوا و هوس و...

که این نشانه‌ها در دوره زمانی ما به وقوع پیوسته است. پس زمان کنونی، آخرالزمان است و ظهور نیز در این دوران محقق می‌شود. به علاوه، با وجود انقلاب اسلامی ایران و زنده شدن نام و یاد امام زمان علیه السلام و معرفی آن حضرت به دنیا، آمادگی و اقبال مردم به پذیرش او، بیشتر شده و امید به ظهور هم فزون‌تر شده است.

به هر حال، ما در عین آن که باید به تعجیل در فرج امید داشته باشیم و آمادگی برای ظهور را در خود تقویت بکنیم، نباید فکر خود را متوجه اموری بکنیم که از محدوده علم ما فراتر است و راهی برای دسترسی به آن نداریم؛ لذا سخن از نزدیکی علایم، امری قابل قبول نیست.



### دجال کیست؟

دجال، از ریشه «دجل» به معنای «دروغگو و حيله‌گر» است. اصل داستان دجال، در کتاب‌های مقدس مسیحیان آمده است.<sup>۱</sup> در *انجیل*، این واژه، بارها به کار رفته است و از کسانی که منکر حضرت مسیح هستند یا «پدر و پسر» را انکار کنند، با عنوان «دجال» یاد شده است. به همین سبب، در ترجمه انگلیسی کتاب‌های مقدس مسیحی، واژه آنتی کریست (Anti christ) یعنی ضد مسیح، به کار

۱. رساله یوحنا، باب ۲، آیه ۱۸ و ۲۲.

رفته است.

در روایات زیادی از اهل سنت، خروج دجال از نشانه‌های برپایی قیامت دانسته شده است.<sup>۱</sup> اما در کتب روایی شیعه، تنها دو روایت در باره خروج دجال، در جایگاه یکی از علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام آمده است<sup>۲</sup> که هیچ کدام از این دو روایت، از نظر سند، معتبر و قابل قبول نیست؛ بنابراین، از نظر منابع شیعی، دلیل معتبری بر این که خروج دجال یکی از علایم ظهور باشد، وجود ندارد؛ اما در عین حال، با توجه به روایات زیادی که در منابع اهل سنت آمده است، احتمال دارد اصل قضیه دجال، به طور اجمال، صحت داشته باشد؛ اما بدون تردید بسیاری از ویژگی‌هایی که برای آن بیان شده است، افسانه‌هایی بیش نیست. حال به فرض پذیرش، این سؤال مطرح است که مقصود از دجال چیست؟

دو احتمال اساسی در این باره وجود دارد:

۱. با توجه به معنای لغوی دجال مقصود از آن، نام شخص معینی نباشد؛ بلکه هر کس که با ادعاهای پوچ و بی‌اساس و با تمسک به انواع اسباب حيله‌گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دجال است. بر این اساس، دجال‌ها متعدد خواهند بود. وجود روایاتی که در آن، سخن از دجال‌های متعدد رفته است، این احتمال

۱. سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۷-۵۱۹؛ سنن ابوداؤد، ج ۴، ص ۱۱۵؛ صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۴۶-۸۱

۲. کمال‌الدین، ترجمه کمره‌ای، ج ۲، باب ۵۲، ص ۲۰۵-۲۱۱.

را تقویت می‌کند. مانند: این حدیث رسول خدا ﷺ: «یکون قبل خروج الدجال نيف علی سبعین رجلاً؛ پیش از خروج دجال، بیش از هفتاد دجال، خروج خواهد کرد».<sup>۱</sup> بنا بر این احتمال، قضیه دجال، نشانه این است که در آستانه انقلاب امام مهدی ﷺ افراد فریب‌کار و حيله‌گری، برای نگهداشتن فرهنگ و نظام جاهلی، همه تلاش خود را به کار می‌گیرند و با تزویر و حيله‌گری، مردم را از اصالت و تحقق انقلاب جهانی منجی، دلسرد یا مرده می‌کنند.

این که در همین روایات تأکید شده است: «هر پیامبری، امت خویش را از خطر دجال بر حذر داشته است»؛ خود تأییدی دیگر بر همین احتمال است که مقصود از دجال، هر شخص حيله‌گر و دروغگویی است که پیش از خروج حضرت مهدی ﷺ در صدد فریب مردم است.

۲. دجال، کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان باشد. استکبار، با ظاهری فریبنده و با قدرت مادی و صنعتی و فنی عظیمی که در اختیار دارد، سعی می‌کند مردم را فریب دهد و مرعوب قدرت و ظاهر فریبنده خود کند. بر این اساس، این که پیامبران، امت‌های خود را از فتنه دجال بیم داده‌اند.<sup>۲</sup> به این معنا

۱. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۰۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵؛ «ما بعث الله نبیا الا و قد انذر قومه الدجال...؛ هیچ پیامبری مبعوث نشد، مگر آن که قومش را از فتنه دجال بر حذر داشت».

است که آنان را از افتادن به دام مادیت و ورطه حاکمیت طاغوت و استکبار جهانی برحذر داشته‌اند؛ پس احتمال می‌رود، منظور از دجال - با آن شرایط و اوصافی که در این روایات برای او شمرده شده است - همان استکبار جهانی باشد. در اوصاف دجال گفته شده: «کوهی از طعام و شهری از آب، همراه دارد». این، کنایه از امکانات عظیم و گسترده‌ای است که استکبار در اختیار دارد.<sup>۱</sup>



### خراسانی کیست؟

درباره شخصیت خراسانی و فرمانده نظامی او سؤال‌های زیادی مطرح شده است. ظاهر روایات مربوط به خراسانی که از طریق اهل سنت و همچنین در منابع متأخر شیعه وارد شده است. دلالت دارد بر این‌که آن شخص، از ذریه امام حسن مجتبی علیه السلام یا امام حسین علیه السلام است و از او با عنوان هاشمی خراسانی یاد شده است. اما بنا بر روایاتی که در منابع اصلی و اولی حدیث شیعه مانند غیبت نعمانی، غیبت طوسی و الارشاد مفید درباره این شخص وارد شده است، احتمال دارد او را یاور خراسانیان یا رهبر اهالی خراسان

۱. برای آگاهی بیشتر رک: چشم به راه مهدی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات قم، جمعی از نویسندگان، ص ۲۸۹ و دادگستر جهان، ابراهیم امینی.

یا فرمانده لشکر خراسان تفسیر کرد؛ زیرا این روایات تعبیر به «خراسانی» کرده است. مجموعه قراین موجود درباره شخصیت او دلالت دارد وی همزمان با خروج سفیانی و یمانی ظاهر می‌شود و نیروهای خود را به سوی عراق اعزام می‌کند.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: خروج سفیانی و خراسانی و یمانی، در یک سال و یک ماه خواهد بود.<sup>۱</sup>

آنچه از روایات مربوط به وی به دست می‌آید، این است که او رهبری و هدایت حرکت بزرگ از طرف مشرق زمین را به عهده دارد. البته بعضی از پژوهشگران مباحث مهدویت بر این باورند که عنوان خراسانی که میان نشانه‌های ظهور شهرت زیادی یافته، کمترین اخبار را به خود اختصاص داده و اثبات علمی نشانه بودن آن دشوار است.

۱. الارشاد مفید، ب ۴۰، ح ۱۴.



### منظور از قتل نفس زکیه چیست؟

پس از آن که اراده خداوند بر ظهور حضرت قرار گرفت، بر اساس روایات، پانزده روز پیش از آن، شخصی در مسجد الحرام کشته می‌شود. قتل وی که به قتل نفس زکیه مشهور است، یکی از پنج علامت حتمی ظهور شمرده شده است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: لیس بین قیام قائم آل محمد و بین قتل النفس الزکیه الا خمسة عشر ليلة... ؛ بین قیام قائم و کشته شدن نفس زکیه، [فاصله] نخواهد بود، مگر پانزده شب.<sup>۱</sup>

از برخی روایات استفاده می‌شود این شخص، جوانی است از فرزندان پیامبر به نام محمد بن الحسن که گویا چون انسان پاک و وارسته‌ای بوده و بدون گناه کشته می‌شود، به نفس زکیه معروف شده است. وی در مسجد الحرام به شهادت می‌رسد.

در فرازی از روایت امام باقر علیه السلام که درباره امام زمان علیه السلام از آن بزرگوار نقل شده چنین آمده است: و جوانی از آل محمد علیهم السلام که نام او محمد بن حسن - نفس پاک - است بین رکن و مقام کشته می‌شود.

۱. غیبت طوسی، ب علایم ظهور، ص ۴۴۵، ح ۴۴۰.

درباره علت و کیفیت کشته شدن وی در روایتی از وجود مقدس امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است:

[حضرت] قائم علیه السلام به اصحاب خود می‌گوید: «ای قوم! اهل مکه مرا نمی‌خواهند؛ ولی من کسی را به سوی آنان می‌فرستم، تا برایشان اتمام حجت کند به آنچه سزاوار است، مانند من بر آنها احتجاج کند». پس مردی از اصحاب خود را می‌خواهد، و به او می‌فرماید: «به سوی اهل مکه برو و بگو: ای اهل مکه! من فرستاده از طرف فلان [امام زمان علیه السلام] به سوی شمایم، و او می‌گوید به شما: «به درستی که ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافت هستیم و ما از فرزندان محمد صلی الله علیه و آله و از تبار و سلاله پیامبرانیم و به درستی که ما مورد ظلم و ستم واقع گردیده و مقهور شدیم. از زمانی که پیامبران از دنیا رفت، تا امروز، حق ما از ما گرفته شده است، پس اکنون ما شما را به یاری می‌طلبیم؛ پس یاری کنید».

چون آن جوان این کلام را بگوید، مردم به سوی او بروند و او را بین رکن و مقام ذبح کنند و او است نفس زکیه<sup>۱</sup>.





### درباره سید حسنی توضیح دهید.<sup>۱</sup>

درباره سید حسنی و خروج او، در اخبار، مطالبی وارد شده و این حسنی غیر آن است که هنگام ظهور امام علیه السلام در مکه کشته می شود و سر او را به شام می فرستند و غیر آن است که در شام با اموی می جنگد و سفیانی بر هر دو غالب می شود؛ بلکه حسنی، آن است که خروج او از بلاد شرق است و در کوفه با حضرت صاحب علیه السلام بیعت خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: و ظاهر شود سفیانی و یمانی و حرکت کند حسنی؛ آن گاه صاحب این امر خروج کند.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: مهدی علیه السلام داخل کوفه می شود؛ در حالی که سه رایت [= پرچم] درباره او در اضطرابند در ما بین خود، پس صاف می شود برای او (یعنی آن سه تسلیم حضرت می شوند) پس می آید و بر منبر بالا می رود و خطبه می خواند و از شدت گریه، مردم نمی فهمند که او چه می گوید.

سپس فرمود: «این است فرموده پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که: گویا می بینم

۱. از روایات مربوط به سید حسنی به دست می آید که چند نفر، به سید حسنی ملقب هستند. ما تبیین آیت الله خراسانی را از کتاب مهدی منتظر (ص ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶ و ۳۵۴) تقدیم می کنیم.

حسینی و حسینی را و هر دو صاحب رایتند؛ پس حسنی رایت را تسلیم می‌کند، به حسینی [یعنی مهدی] علیه السلام». «

مراد از سه رایت، یکی همان حسنی است و دیگری خراسانی و یمانی‌اند. حضرت صادق علیه السلام فرمود: بعد خروج می‌کند حسنی؛ آن جوانمرد خوشرو، آن که به جانب دیلم صیحه می‌زند [یعنی دیالمه را دعوت می‌کند]، به صدای فصیح می‌گوید: «ای آل احمد! اجابت کنید غمگین محزون و نداکننده از اطراف ضریح را [یعنی مهدی] علیه السلام را که از مکه ندا کرده است»، پس اجابت می‌کند او را گنج‌های طالقان،<sup>۱</sup> چه گنج‌هایی که نه از نقره است و نه از طلا؛ بلکه مردانی‌اند مانند پاره‌های آهن، بر اسب‌های ابلق سوار و حربه‌ها در دست و همواره ستمگران را می‌کشند تا وارد کوفه می‌شوند. آن هنگام، بیشتر از زمین صاف شده، کوفه را قرارگاه خود می‌نماید. پس خبر مهدی علیه السلام و اصحاب، به او می‌رسد [بعد از ورود آن حضرت به کوفه] پس اصحاب او می‌گویند: «یابن رسول الله! کیست که به ساحت ما نازل شده است؟»

پس می‌گوید: «بیرون شویم به سوی او تا ببینیم او کیست و چه می‌طلبد. به خدا قسم! او خود می‌داند که او مهدی علیه السلام است و او را می‌شناسد و از این سخن، غرضی ندارد جز این که او را به اصحاب خود بشناساند». پس حسنی با سپاه خود نزد او می‌آید و می‌گوید:

۱. طالقانی، که بین قزوین و ابهر است به مناسبت دیالمه.

«اگر تو مهدی آل محمدی، کجا است آثار جدت پیغمبر ﷺ عصا، انگشتر، برد، زره، عمامه سحاب، اسب، یربوع، ناقه عضباء، استر، دلدل، الاغ یعفور، اسب نجیب، براق و مصحف امیر المؤمنین علیؑ؟»

آن حضرت همه را به او ارائه می‌دهد. حسنی، عصا را به دست می‌گیرد و او را در سنگ سختی فرو می‌برد؛ پس سبز می‌شود و برگ می‌آورد و غرضی ندارد جز این که به اصحاب خود فضل مهدی ﷺ را نشان دهد، تا با او بیعت کنند. حسنی می‌گوید: «الله اکبر یا بن رسول الله! دست خود را بده تا با تو بیعت کنم»، پس او و سایر سپاهیان بیعت می‌کنند.



### دربارهٔ یمانی توضیح دهید.

از روایات استفاده می‌شود یکی از علایم حتمی ظهور آقا امام زمان ﷺ قیام شخصی معروف به یمانی است. در روایات، قیام او همزمان با خروج سفیانی عنوان شده است. او که از دوستداران امام علیؑ می‌باشد،<sup>۱</sup> مردم را به حق و راستی دعوت کرده و فردی هدایتگر می‌باشد. از امام باقر علیؑ نقل شده است:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ب علایم ظهور، ح ۱۷۰.

خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال است... و در پرچم‌ها پرچمی هدایتگرتر از پرچم یمانی نیست.<sup>۱</sup>



### سفیانی کیست؟ درباره او توضیح دهید.

در برخی روایات، یکی از نشانه‌های حتمی ظهور، خروج فردی معروف به سفیانی شمرده شده است. از جزئیات حرکت وی نمی‌توان به روشنی و با قطعیت چیزی گفت؛ اما به صورت کلی می‌توان بیان کرد او که گویا از نسل بنی امیه و ابوسفیان است چند ماهی پیش از ظهور، خروج و قیام خود را از منطقه وادی یابس (احتمالاً جنوب غرب سوریه واقع است) شروع می‌کند و بر منطقه عراق، سوریه، اردن و این نواحی مسلط می‌شود. او، مردی خون ریز است که در زمان تسلط و حکومت او عده زیادی کشته می‌شوند. او با احساس خبر ظهور، لشکری را برای مبارزه و کشتن امام مهدی علیه السلام به طرف مدینه و مکه روانه می‌کند. لشکر وی در منطقه بیدا بین مکه و مدینه به اراده خداوند به زمین فرو می‌رود. امام مهدی علیه السلام پس از ظهور و حرکت به سمت عراق، سفیانی به دست حضرت کشته می‌شود.

۱. غیبت نعمانی، ب ۱۴، ح ۱۳.



### خواستار اطلاعاتی درباره چگونگی ظهور امام زمان علیه السلام هستیم.

وقتی ظلم و تباهی چهره عالم را سیاه و ظلمانی کرده است و آن گاه که ستمگران، گستره زمین را جولانگه بدی‌ها و نامردی‌ها ساخته‌اند و مظلومان جهان، دست‌های یاری‌خواهی را به آسمان گشوده‌اند، ناگهان ندایی آسمانی، سیاهی شب را می‌درد و در ماه خدا، رمضان، ظهور موعود بزرگ را بشارت می‌دهد.<sup>۱</sup> قلب‌ها به تپش می‌افتد و چشم‌ها خیره می‌گردد. شب پرستان، مضطرب و هراسان از طلوع صبح ایمان، در پی راه چاره‌ای هستند و منتظران مهدی علیه السلام از هر کسی، سراغ کوی یار می‌گیرند و برای دیدار او و حضور در زمره یاوران او، سر از پا نمی‌شناسند.

آن زمان، سفیانی که بر منطقه وسیعی مانند سوریه، اردن و عراق سلطه دارد، سپاهی را تجهیز می‌کند، تا با امام مقابله کند. لشکر سفیانی که در مسیر مکه به تعقیب امام پرداخته است، در محلی به نام پیدا به کام زمین می‌رود و نابود می‌شود.<sup>۲</sup>

پس از شهادت نفس زکیّه، به فاصله کوتاهی، امام مهدی علیه السلام در

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ح ۱۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰.

سیمای مردی جوان در مسجدالحرام ظهور می‌کند، در حالی که پیراهن مبارک پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را بر تن دارد و پرچم پیامبر را به دست گرفته است. او، به دیوار کعبه تکیه می‌زند و بین رکن و مقام، سرود ظهور را زمزمه می‌کند. پس از حمد و ثنای الهی و درود و سلام بر پیامبر و خاندان او می‌فرماید: ای مردم! ما از خدای توانا یاری می‌طلبیم و نیز هر کس از جهانیان را که به ندای ما پاسخ دهد، به یآوری می‌خوانیم.

آن‌گاه خود و خاندانش را معرفی می‌کند و ندا می‌دهد:

قَالَ اللَّهُ اللَّهُ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا وَأَنْصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ تَعَالَى؛ درباره رعایت

حقوق ما، خدا را در نظر بگیرید. ما را [در میدان عدالت‌گستری و ستم‌ستیزی] تنها نگذارید و یاریمان کنید تا خدا شما را یاری کند.

پس از پایان گرفتن سخنان امام، آسمانیان بر زمینیان سبقت می‌گیرند و فرشتگان، گروه گروه فرود می‌آیند و با امام بیعت می‌کنند؛ در حالی که پیشاپیش آن‌ها فرشته وحی، جبرئیل با امام دست همراهی می‌دهد. آن‌گاه ۳۱۳ ستاره زمینی که از نقاط مختلف عالم به سرزمین وحی آمده‌اند بر گرد خورشید تابناک امامت، حلقه زده و پیمان وفاداری می‌بندند. این جریان سبز، جاری است، تا آن که ده هزار سرباز جان بر کف در اردوگاه امام علیه السلام حضور می‌یابند و با آن فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت می‌کنند.<sup>۱</sup>

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ح ۶۷

امام علیه السلام با خیل یاوران، پرچم قیام را برافراشته و به سرعت بر مکه و اطراف آن مسلط می‌شود و سرزمین پیامبر را از وجود نااهلان، پاک می‌کنند. آن‌گاه راهی مدینه می‌شود، تا سایه عدالت و مهز را بر آن بگستراند و سرکشان شهر را بر جای خود بنشانند. سپس عازم عراق می‌شود. در عراق، با دو مشکل روبه‌رو می‌شود:

۱. گروهی به ظاهر دیندار، مقابل او قرار می‌گیرند وقتی نصایح حضرت و موعظه‌اش در دل آنان اثر نمی‌گذارد، کار به جنگ می‌کشد و همه آنان کشته می‌شوند.

۲. با لشکر سفیانی مقابله می‌کند. این، زمانی است که حضرت، کوفه را نیز به تصرف خود درآورده است. گفت‌وگوها و اندرزهای حضرت، در دل چون سنگ آنان نیز اثر نمی‌گذارد و جنگ، شعله‌ور می‌شود که به هلاکت سفیانی و یاران او می‌انجامد.

حضرت، شهر کوفه را مرکز حکومت جهانی خود برمی‌گزیند و از آن‌جا به مدیریت قیام می‌پردازد و برای دعوت جهانیان به اسلام و زندگی در پرتو قوانین قرآن و در هم کوبیدن بساط ظلم و ستم، یاران و سپاهیان نور را به نقاط مختلف عالم گسیل می‌کند.

امام علیه السلام یک به یک سنگ‌های کلیدی جهان را فتح می‌کند؛ زیرا علاوه بر یاران وفادار و مؤمن، از امداد فرشتگان الهی نیز برخوردار است و مانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از لشکر رعب و وحشت مدد می‌گیرد. خداوند توانا، چنان ترسی از او و یارانش در دل‌های

دشمنان می‌افکند که هیچ قدرتی را توان رویارویی با آن حضرت نیست. امام باقر علیه السلام فرمود: قائم از ما به وسیله رُعب [وحشت در دل دشمنان] یاری می‌شود.<sup>۱</sup>

گفتنی است یکی از نقاط جهان که به وسیله سپاه امام فتح می‌شود، بیت‌المقدس است<sup>۲</sup> و پس از آن، واقعه بسیار مبارکی اتفاق می‌افتد که در جریان قیام و انقلاب امام مهدی علیه السلام سرنوشت‌ساز است و جبهه آن حضرت را تقویت می‌کند و آن، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان است. حضرت مسیح علیه السلام که به فرموده قرآن، زنده است و در آسمان‌ها به سر می‌برد، به زمین می‌آید و پشت سر امام مهدی علیه السلام به نماز می‌ایستد. بدین وسیله، فضیلت و برتری پیشوای دوازدهم شیعیان را بر خود و پیروی خود را از امام مهدی علیه السلام، به همگان اعلام می‌کند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت در حالی که بشارت دهنده مردمان باشم، اگر از عمر دنیا نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را چنان طولانی کند تا فرزندم مهدی علیه السلام در آن قیام کند، پس از آن عیسی بن مریم علیه السلام فرود می‌آید و پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌خواند.<sup>۳</sup>

۱. کمال‌الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳

۲. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۵۵۴

۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۱



به دنبال این اقدام حضرت عیسی علیه السلام، بسیاری از مسیحیان که جمعیت فراوانی از جهان را تشکیل می‌دهند، به آخرین ذخیره الهی و پیشوای شیعیان، ایمان می‌آورند. گویی خداوند، عیسی علیه السلام را برای چنان روزی حفظ کرده است، تا چراغ هدایتی برای حق‌طلبان باشد.

البته ظهور معجزات به دست هدایتگر حضرت مهدی علیه السلام و طرح مباحث فکری برای راهنمایی بشریت، از برنامه‌های انقلاب بزرگ مهدوی است که راه را برای هدایت مردم باز می‌کند. در همین راستا، امام، الواح تورات تحریف نشده (کتاب مقدس یهود) را که در نقاط خاصی از دنیا دفن شده است، خارج می‌کند<sup>۱</sup> و بسیاری از یهودیان که نشانه‌های امامت او را در الواح می‌بینند، به آن حضرت ایمان می‌آورند. پیروان ادیان دیگر نیز با مشاهده این تحول بزرگ و نیز شنیدن پیام حق امام و دیدن معجزات از آن حضرت، گروه گروه به آن حضرت می‌پیوندند. این‌گونه است که وعده حتمی پروردگار محقق می‌شود و اسلام عزیز، همه عالم را زیر پرچم خود می‌گیرد.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ<sup>۲</sup>؛ و او خدایی است که پیامبرش را با (دلایل) هدایت و دین حق فرستاد تا (سرانجام) آن را بر همه دین‌ها غالب گرداند اگرچه کافران را خوش نیاید.

۱. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۵۲۲.

۲. توبه (۹): ۳۳.

با توجه به تصویری که ترسیم شد، تنها سرکشان و ظالمان می‌مانند که حاضر به تسلیم شدن برابر حق و حقیقت نیستند. این عده، مقابل جریان غالب و اکثریت مؤمنان تاب مقاومت ندارند و با شمشیر عدالت مهدی علیه السلام به کیفر اعمال ننگین خود خواهند رسید و زمین و اهل آن، برای همیشه از شرّ و فساد آن‌ها ایمن خواهد شد.



### آیا امام زمان علیه السلام از زمان ظهور اطلاع دارد؟

عده‌ای بر این باورند که امام زمان علیه السلام از زمان ظهور، اطلاعی ندارد. اینان، برای اثبات ادعای خود، به احادیث عدم توقیت تمسک کرده‌اند؛ مانند «كذب الوقتون؛ تعیین کنندگان وقت دروغگویند»<sup>۱</sup> یا روایت «فلسنا نوقت لأحدٍ وقتاً؛ ما برای هیچ کس وقتی را معین نکردیم»<sup>۲</sup> یا روایاتی که ظهور را به قیامت تشبیه کرده است: «مثله مثل الساعة التي لا يجليها لوقتها الا هو؛ مثل [ظهور] او مثل ساعت [روز قیامت] است که هیچ کس جز او نمی‌تواند وقت آن را آشکار سازد»<sup>۳</sup>. در مقابل، عده‌ای دیگر دلالت این احادیث را تمام نمی‌دانند؛ زیرا

۱. غیبت طوسی، ص ۴۲۵، ش ۴۱۱.

۲. همان، ص ۴۲۶، ش ۴۱۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴.

این که گفته می‌شود: «تعیین وقت کنندگان دروغگویند» یا «ما اهل بیت تعیین وقت نمی‌کنیم» به معنای عدم علم نیست. حتی روایتی که ظهور را به قیامت تشبیه کرده نیز قابل توجیه- کردن است؛ زیرا بین این که آشکار کردن وقت فقط با خدا است با این که علم آن فقط نزد خدا است، تفاوت وجود دارد. علاوه بر این که روایاتی داریم که علم اهل بیت علیهم‌السلام متصل به علم الهی است و به گذشته و آینده علم دارند. مرحوم کلینی در باب‌های متعددی، روایاتی را درباره علم ائمه علیهم‌السلام مطرح می‌کند، از جمله باب «ان الائمة علیهم‌السلام يعلمون علم ما کان و ما یکون و انه لا یخفی علیهم الشئ». بنابراین، اظهار نظر قاطعانه در این باره، مشکل است؛ به علاوه، دانستن این که حضرت، به ظهور علم دارد یا نه، برای ما فایده چندانی ندارد.



### حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام قیام خود را از کجا آغاز می‌کند؟

بنابر آنچه از روایات متعدد به دست می‌آید، محل شروع نهضت و قیام امام زمان علیه‌السلام مکه و مسجدالحرام است. در حدیثی از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است: به درستی که قائم میان گروهی به عدد اهل بدر [= سربازان اسلام در جنگ بدر] ۳۱۳ نفر، از گردنه ذی‌طوی

[کوهی کنار مکه] پایین می‌آید، تا آن که پشت خود را به حجرالاسود تکیه می‌دهد و پرچم پیروزی را که پرچمی مخصوص است به اهتزاز در می‌آورد.<sup>۱</sup>

در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: هنگامی که خروج کرد [به مسجد الحرام آمده و] به خانه کعبه تکیه می‌زند، و ۳۱۳ نفر مرد نزد او حاضر می‌شوند. اول سخنی که بر زبانش جاری می‌شود، این آیه است: ﴿بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۲</sup> سپس می‌گوید: «منم بقية الله در زمین و خلیفه او و حجت او بر شما».<sup>۳</sup>

در این که مکه و مسجدالحرام، محل ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام است، همه مسلمانان - چه شیعه و چه اهل سنت - اتفاق نظر دارند؛ زیرا روایات در این زمینه، بسیار است. البته این روایات، در قالب‌های گوناگون صادر شده است؛ در برخی، سخن از بیعت با حضرت در کنار کعبه شده «انه يبایع بين الركن و المقام؛ بیعت می‌شود با او بین رکن (حجرالاسود) و مقام (ابراهیم)»<sup>۴</sup> و در برخی، خطبه آن عزیز کنار کعبه بیان شده<sup>۵</sup> و در برخی، از تجمع یاران در مکه<sup>۶</sup> یاد شده است.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰.

۲. هود (۱۱): ۸۸.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ب ۳۲، ح ۱۶.

۴. نعبت طوسی، ص ۴۵۴.

۵. منتخب الاثر، فصل ۶، ب ۱، ح ۲.

۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱.



## درباره جنگ‌های زمان ظهور اطلاعاتی می‌خواستم.

جنگ‌هایی که در زمینه ظهور مطرح است، مربوط به دو مرحله است:

۱. جنگ‌ها و خون‌ریزی‌های پیش از ظهور: این حوادث ارتباطی با امام زمان علیه السلام و ظهور آن حضرت ندارد؛ بلکه به سبب زیاده‌طلبی‌ها و خودخواهی‌های برخی انسان‌ها، بر جامعه بشریت تحمیل می‌شود. البته چون خداوند سرنوشت انسان‌ها را در اختیار خود آنان گذاشته است، آن‌ها می‌توانند با تعقل و درایت از بروز این حوادث جلوگیری کنند. در صورت تحقق این حوادث، اهل بیت به ما آموزش داده‌اند که چگونه تحت سرپرستی فقها و علما، از کنار این حوادث عبور کنیم.<sup>۱</sup>
۲. جنگ‌های مربوط به دوران ظهور: ما بر اساس روایت که عقل

۱. امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید «بر دیگران واجب است از فقها تقلید کنند» (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۵).

مرحوم شیخ طوسی، شیخ صدوق و شیخ طبرسی از اسحاق بن عمار نقل کرده‌اند که مولای ما حضرت مهدی علیه السلام (درباره وظیفه شیعیان در زمان غیبت) فرموده است: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم؛ در حوادث و رخدادهایی که واقع می‌شود، به روایت کنندگان حدیث ما رجوع کنید که آنان، حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنانم».

طبرسی نیز در کتاب **الاحتجاج** از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است: «و اما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدینه، مخالفاً لهواه و مطیعاً لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه؛ هر یک از فقها که مراقب نفسش و نگهبان دینش و مخالف هوا و هوسش و مطیع فرمان مولایش [= امامان] باشد بر دیگران لازم است که از او تقلید کنند».

آن‌ها را تایید می‌کند، قیام حضرت را قیام مسلحانه می‌دانیم؛ ولی کشتار در مقیاس وسیع را به دلایل زیر نمی‌پذیریم:

الف. روایاتی که در آن به کشتارهای زیاد اشاره شده است، معمولاً دارای سند ضعیف است؛ لذا اعتمادی به آن‌ها نیست.

ب. امام، مظهر رحمت پروردگار است؛ لذا «رحمة للعالمین» از القاب آن بزرگوار است. او برای نجات و هدایت انسان‌ها می‌آید. او می‌آید تا بشریت را از پلیدی‌ها، رذالت‌ها و حیوان صفتی‌ها دور کند؛ لذا هنگام ظهور، ابتدا خود را معرفی کرده و به تبیین حرکت و هدف خود می‌پردازد و مردم را به پذیرش حق و راستی، عمل به نیکی‌ها و بندگی خداوند دعوت می‌کند.

او فقط با کسانی وارد جنگ می‌شود که مقابل جریان حق بایستند و نه تنها حاضر به پذیرش حق نباشند؛ بلکه بخواهند با جنگ با حضرت، برای همیشه امید به صلح و نجات بشریت را از بین ببرند و به حکومت ظالمانه خود ادامه دهند.

اینان، مانند غده‌های عفونی و چرکینی هستند که باید زیر چاقوی جراحی قرار گرفته و از پیکره بشریت خارج شوند، تا بقیه اعضا و اجزا، از عفونت‌های ریخته و بتوانند به زندگی سالم و پر نشاط خود ادامه دهند.

مبارزه و مقاتله با این گونه افراد، نه تنها مطابق عقل و شرع است؛ بلکه عموم مردم نیز خواهان آن هستند. آیا مردم، خواهان

مجازات افرادی مانند هیتلر، صدام، بوش و دیگر سرکردگان ظالم بشریت نیستند؟

سوم. از آن جا که حرکت و قیام حضرت، با تبلیغ به دین حق و راستی شروع می‌شود و کلام او، با فطرت سلیم و الهی انسان‌ها هماهنگ است، بیشتر مردم خسته از ظلم و فساد و تبه کاری، به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد. به عبارت دیگر، مردمی که خودشان خواهان ظهور منجی هستند، آیا معقول است با او وارد جنگ شوند؟



### زمان ظهور حضرت حجت، چه وقتی است؟

امامان معصوم علیهم‌السلام همواره در پاسخ به این پرسش، سکوت اختیار می‌کردند و علم آن را نزد پروردگار می‌دانستند؛ ولی کسانی یافت شده‌اند که در جواب احساسات پاک منتظران، به بیاناتی خلاف سیره امامان علیهم‌السلام روی آوردند. با سیری کوتاه در بوستان معطر کلام امامان معصوم علیهم‌السلام می‌توان مضمون روایات مربوط به وقت ظهور حضرت مهدی را این گونه دسته‌بندی کرد:

- علم و آگاهی از زمان ظهور، نزد پروردگار متعال است.

- تعیین کنندگان وقت ظهور، دروغگویند.

- امر ظهور، ناگهانی خواهد بود.

- وقت ظهور، همانند خود ظهور، از اسرار الهی است.

برای نمونه، توجه به موارد زیر، سودمند می‌نماید:

وقتی شاعر پرآوازه شیعه، دعبل خزاعی، در محضر هشتمین آفتاب آسمان ولایت، شعری نیک خواند و سخن را با اشاره به قیام واپسین پیشوای شیعیان به پایان برد، سرشک از دیدگاه آن امام همام جاری شد و فرمود: یا خزاعی! نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین فهل تدری من هذا الامام و متی یقوم؛ ای خزاعی! روح القدس، از لبانت با این دو بیت سخن گفت. آیا می‌دانی این امام کیست و کی قیام خواهد کرد؟

سپس حضرت به معرفی امام منتظر پرداخت و این گونه ادامه داد:

وَ اَمَّا «مَتی» فَاِخْبَارٌ عَنِ الْوَقْتِ فَقَدْ حَدَّثَنِي اَبِي، عَنْ اَبِيهِ، عَنْ اَبَائِهِ، اَنَّ

النَّبِيَّ ﷺ قِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللهِ! مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ؟ فَقَالَ ﷺ: «مِثْلَهُ

مِثْلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يَجْلِيهَا لَوْقَتِهَا اِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِ لَا

تَأْتِيَنَّكُمْ اِلَّا بَغْتَةً؛ اما این که چه زمانی ظهور خواهد کرد؟ پدرم، از

پدرش، و ایشان از پدرانش، نقل کرد که وقتی به پیامبر اکرم ﷺ

گفته شد: «قائم از فرزندان کی ظهور خواهد کرد؟» آن حضرت در

جواب فرمود: «مثل ظهور او، همانند ساعت [= قیامت] است که

خداوند درباره آن فرمود: «هیچ کس جز او نمی‌تواند وقت آن را



آشکار سازد. در آسمان‌ها و زمین، سنگین است. و این امر اتفاق نمی‌افتد، مگر به صورت ناگهانی».<sup>۱</sup>

همین مطلب را آن امام غایب نیز این گونه یاد آور شده است:  
 وَ أَمَّا ظَهْرُ الْفَرَجِ، فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَ كَذِبَ الْوَقَاتُونِ؛  
 اما ظهور فرج پس به درستی که کار آن، با خدای تعالی است و  
 تعیین کنندگان وقت، دروغ می‌گویند.<sup>۲</sup>

از این دو روایت و روایات دیگر در این باره، به روشنی می‌توان دریافت که زمان آغاز ظهور، یکی از اسرار الهی است و دست اندیشه بشر از رسیدن به آن، بسی کوتاه است.

رحمان بن کثیر می‌گوید: مهزم بر حضرت صادق علیه السلام وارد شد و گفت: فدایتان شوم! مرا از زمان امری که منتظر آن هستیم، خبر دهید. آن حضرت فرمود: «یا مهزم! كَذِبَ الْوَقَاتُونِ».<sup>۳</sup>

فضیل بن یسار از حضرت باقر، علیه السلام درباره زمان ظهور پرسید. امام فرمود: «كَذِبَ الْوَقَاتُونِ! كَذِبَ الْوَقَاتُونِ! تعیین کنندگان وقت [ظهور] دروغگو هستند!».<sup>۴</sup>

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ب ۳۵، ح ۶

۲. همان، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴

۳. تعیبت طوسی، ص ۴۲۶، ح ۴۱۳.

۴. همان، ص ۴۲۵، ح ۴۱۱.



حضرت علی علیه السلام هنگام قبول خلافت، فرمود: «علت قبول خلافت از سوی من، عهد و مسؤولیتی است که خدا از عالمان و دانشمندان گرفته است که برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان و بیچارگان سکوت نکنند. اینک مردم، اطراف مرا گرفته و اصرار به قبول آن دارند». چرا اکنون که مردم، این همه استغاثه می‌کنند و فریاد تمنای ظهور مهدی علیه السلام سر می‌دهند و ظلم و جور، بیداد می‌کند و فقر، گریبان‌گیر ملت‌ها شده است، حضرت نمی‌آید؟

ابتدا به این مطلب اشاره می‌کنیم که سکوت نکردن برابر شکم‌بارگی ستمگران و فقر محرومان، دارای مراحل و راهکارهای متعدد است که یکی از آنها، قیام و تشکیل حکومت است. حضرت علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بیست و پنج سال خانه نشین شد و اقدام ظاهری برای تشکیل حکومت نکرد. امام حسن مجتبی علیه السلام پس از صلح با معاویه، به مدینه بازگشت و حرکت ظاهری خاصی برابر ظلم‌های معاویه از خود نشان نداد. آیا این دو بزرگوار، کاملاً سکوت کرده بودند یا متناسب با شرایط زمان، عهد و مسؤولیت الهی خود را انجام می‌دادند؟

امام مهدی علیه السلام نیز بر اساس شرایط حاکم بر زمان، به عهد خود با خداوند عمل می‌کند؛ اما برای قیام و تشکیل حکومت، با بررسی روایات، این مطلب روشن می‌شود که بین فساد و ظلم با ظهور امام

زمان ظهور علیه السلام وابستگی و ارتباط خاصی نیست، تا به علت زیاد شدن ظلم و فساد، امر ظهور تحقق یابد؛ بلکه تنها ارتباطی که بین ظلم و ظهور است، این است که زمان ظهور، ظلم و ستم، جامعه انسانی را فرا گرفته است؛ لذا در روایات متعدد، ظهور حضرت و عدالت فراگیر او، با این بیان مورد توجه و اشاره قرار گرفته است که «زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان گونه که پر از ظلم و ستم شده بود»، نه این که شرط ظهور یا نشانه ظهور، گسترش ظلم و ستم باشد. آنچه در ظهور حضرت مهدی علیه السلام دخالت دارد، آن است که زمینه‌های ظهور فراهم باشد و مردم، قابلیت پذیرش حضرت و اطاعت امر او را داشته باشند.

باید توجه داشت اگر حضرت علی علیه السلام هنگام قبول خلافت، آن کلام بلند را فرمود و خلافت را پذیرفت، بدان سبب بود که مردم، آمادگی پذیرش را اعلام کردند و حجت بر امام تمام شد؛ ولی تاریخ نشان داد مردم، واقعاً آمادگی پذیرش را نداشتند؛ لذا حضرت پس از حکومتی حدوداً پنج ساله، در مسجد کوفه به شهادت رسید. شهادت حضرت، ضایعه بسیار بزرگ و غیر قابل جبرانی برای جامعه بشریت بود؛ ولی راه امامت، به وسیله امام حسن و سایر امامان علیهم السلام ادامه یافت علاوه بر آن وظیفه حضرت علی علیه السلام آن نبود که با قیامی جهانی، عدالت را فراگیر کند. وظیفه هر امام، از سوی خداوند با توجه به زمان و محیط و مردم تعیین شده است. امام مهدی علیه السلام آخرین امام است و وظیفه او، فراگیر کردن عدالت و اسلام در

سرتاسر جهان است؛ لذا زمان ظهور، وقتی خواهد بود که واقعاً مردم قابلیت پذیرش را در خود ایجاد کنند و حضرت را بخواهند و تا آخر همراه باشند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**دوران ظهور و**

**حکومت حضرت مهدی**

عجلت الی تعالی  
فرجه الشریف



## آیا پروژه جهانی سازی یا فرایند جهانی شدن با حکومت جهانی امام مهدی، هم‌گرایی دارد یا واگرایی؟

برای رسیدن به پاسخی مناسب در این رابطه، ابتدا باید ویژگی‌های جامعه مهدوی را از نظر گذراند. آنچه در منابع و متون دینی و روایی ما، درباره حکومت مهدوی وجود دارد، گویای آن است که رکن اصلی و خمیر مایه بنیادین حرکت جهانی امام زمان عجل الله فرجه گسترش همه جانبه و تقویت و توسعه توحید و یگانه‌پرستی و درکنار آن، مبارزه فراگیر و مستمر با همه تفکرات و جریان‌های انحرافی و الحادی است. در نهضت مهدوی، آموزه‌ها و تعالیم فراموش شده پیامبران الهی برپا می‌گردد و همه دستگاه‌های استبدادی، در نهاد حکومت و قدرت زایل می‌گردند و از بین می‌روند. در حکومت مهدوی، محرومان و مستضعفان و بندگان صالح و مؤمن خداوند، از

است؛ در حالی که در جهانی‌سازی جدید، هدف آن است که منافع عده‌ای خاص تأمین شود، البته در قالبی جدید.



### آیا انقلاب مهدی علیه السلام الزاماً به حکومت واحد جهانی می‌انجامد؟

انسان موجودی انتخابگر است که در سایه حرکت اختیاری خود، به رشد و کمال رسیده و به هدف از خلقت خود نایل خواهد شد. او موجودی اجتماعی است که شکوفایی و تعالی برخی استعدادها و کمالات او در جامعه تحقق می‌یابد؛ از این رو به جامعه‌ای سالم و مدینه‌ای فاضله نیاز است، تا آدمی در بستر آن به حرکت تکاملی بپردازد. چون جوامع کوچک انسانی به یک‌دیگر پیوند خورده و جامعه جهانی را شکل داده‌اند و از آن، به دهکده کوچک جهانی یاد می‌کنند، محیط مناسب رشد برای عموم انسان‌ها زمانی است که این جامعه جهانی حرکتی مناسب و هماهنگ در کل زیر مجموعه‌ها داشته باشد؛ پس قانونی کامل و فراگیر لازم است. نقص معرفت بشری از یک سو، و توجه به برخی ملاحظات شخصی و گروهی از سوی دیگر و وجود امیال و گرایش‌های مادی از سوی سوم باعث می‌شود انسان نتواند قانون جامع و کامل را پی‌ریزی کند. بر این اساس، بر خداوند آگاه به همه ابعاد وجودی انسان و عاری از هر

ملاحظه و میل است که این نیاز بشری را پاسخ گوید. بعثت انبیا و در رأس آنها بعثت خاتم الانبیا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به این مهم پاسخ داد تا قانون مناسب در اختیار بشر قرار گیرد. طبق آیه سوم سوره مائده<sup>۱</sup> کامل‌ترین قانون و معرفت در دسترس انسان‌ها قرار گرفت.

قانون به تنهایی ضامن ایجاد جامعه سالم نیست؛ لذا تا کنون چنین جامعه‌ای محقق نشده است. با توجه به برداشت‌های مختلف از این قانون (به علت نقص و درجات عقل و علم) از طرفی و حرکت رو به رشد انسان‌ها از سوی دیگر، به معلم عالم (به علم الهی) و معصوم (از هر خطا) نیاز می‌باشد، تا به تبیین و تعلیم قانون الهی بپردازد و متناسب با نیاز جامعه انسانی آن را به درستی تفسیر کند، تا قانون و دین در زندگی قابل استفاده باشد. به علاوه، روح انسان که گوهر شرافت و شخصیت او است نیازمندی‌هایی داشته و در معرض آفات و بیماری‌ها است. برای روح نیز همچون جسم نیاز به متخصص است، تا در سایه تخصص و راهنمایی او، روح بتواند حرکت تعالی خود را به انجام رساند؛ پس علاوه بر معلم به مربی و تزکیه کننده نیز لازم است؛ از این رو خداوند وظیفه تبیین و تزکیه را بر دوش انبیا قرار داد تا علاوه بر تلاوت و ابلاغ وحی به این دو مهم همت گمارند:

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ

۱. مائده (۵): ۳، «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ «امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.»



آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة؛<sup>۱</sup> خداوند بر مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند و آنها را پاک کند و کتاب حکمت بیاموزد». با رحلت خاتم الانبیا این دو وظیفه مهم به عهده اوصیا و امامان معصوم علیهم‌السلام قرار گرفت؛ بنابراین غدیر، پاسخی دیگر به نیاز انسان بود. قانون و معلم معصوم، کنار یک‌دیگر نیز موجب پیدایش مدینه فاضله نیست؛ چنان‌که تا کنون محقق نشده است. باید کنار این دو رکن مهم، مدیریت جامعه نیز در اختیار معصوم عالم باشد تا او با علم الهی که به دین، وضع جامعه، نیازها و امکانات دارد در هرم قدرت قرار گیرد و با استفاده از کارگزاران شایسته و بهره‌وری صحیح از امکانات، محیط مناسبی را برای رشد انسان‌ها فراهم آورد. از بیان فوق روشن شد که اولاً جامعه جهانی، به دین اسلام نیازمند است، ثانیاً، به معلم و مربی معصوم علیه‌السلام نیاز دارد و ثالثاً محتاج امامت و مدیریت امام عالم معصوم است؛ پس انقلاب جهانی امام مهدی علیه‌السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی، نیاز جامعه بشری است. البته از راه قرآن و روایات نیز می‌توان حکومت واحد جهانی را در سایه انقلاب امام مهدی علیه‌السلام به تصویر کشید که به یک آیه اشاره می‌شود: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي

۱. آل عمران (۳): ۱۶۴.

الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمْكِّنَ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»<sup>۱</sup>؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند. آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند».

خداوند در این آیه به مسلمانان و مؤمنان صالح وعده حکومت بر کل زمین را داده است؛ حکومتی که در سایه آن، دین مورد رضایت خدا که همان اسلام است (با توجه به آیه سوم سوره مائده) تحقق و استقرار می‌یابد و امنیت کامل فراگیر می‌شود. این چنین امنیت، در سایه از بین رفتن عوامل ناامنی (شرک و کفر و فساد) و پیاده شدن اسلام و دین خدا تحقق می‌یابد؛ لذا در روایات، علاوه بر عدالت‌گستری امام مهدی علیه السلام به ورود دین اسلام در همه قریه‌ها و آبادی‌ها اشاره شده است. نتیجه این حرکت و حکومت، عبادت و عبودیت صحیح و کامل است «يعبدونني لا يشركون بي شيئا».



## آیا با ظهور امام زمان علیه السلام همه مردم مسلمان می‌شوند؟

در این باره، دو دسته آیات و روایات وجود دارد: دسته اول، آیات و روایاتی است که ظاهر آنها وجود غیرمسلمان در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام است؛ مانند آیه **﴿و قالت اليهود ید الله مغلولة ... و القینا بینهم العداوة و البغضاء الی یوم القیامة﴾**؛ یهود می‌گویند: دست خدا بسته است... و کینه و دشمنی را تا قیامت میان آنان افکنندیم.<sup>۱</sup> و مشابه این آیه، درباره مسیحیت نیز آمده است.<sup>۲</sup> مقتضای ظاهر این آیات، آن است که دین یهود و مسیحیت، تا قیامت باقی خواهند بود.

از بعضی از روایات نیز همین مطلب نتیجه‌گیری می‌شود؛ مانند روایت ابو بصیر از امام صادق علیه السلام که می‌گوید: به امام صادق گفتم: «در دوره حضرت مهدی، با اهل ذمه (یهود و نصارا) چگونه رفتار می‌شود؟» فرمود: «با آنان از سر آشتی و مسالمت رفتار می‌کند؛ همان‌گونه که پیامبر با آنان از سر مسالمت رفتار کرد»<sup>۳</sup> و روایات متعدد دیگر.

۱. مائده (۵): ۶۴

۲. مائده (۵): ۱۴

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶

دسته دوم، آیات و روایاتی است که ظاهر آنها می‌رساند که در زمان امام مهدی علیه السلام همه مردم، مسلمان می‌شوند و هیچ دینی جز اسلام باقی نخواهد ماند؛ مانند آیه: ﴿... و له اسلم من فی السماوات و الارض طوعاً و کرهاً و الیه یرجعون﴾؛ و برای او، هر آن که در آسمان و زمین است، تسلیم هستند؛ از روی میل یا به اجبار و به سوی او، بازگردانده می‌شوند.<sup>۱</sup>

از امام کاظم علیه السلام نقل شده است که در تفسیر این آیه، فرمود: این آیه، در شأن حضرت قائم نازل شده است. وقتی آن حضرت ظاهر شود، دین اسلام را بر یهود و نصارا و صابئان و کفار شرق و غرب، عرضه می‌دارد؛ پس هر کس با میل و اختیار، اسلام بیاورد، به نماز و زکات و سایر واجبات، امرش می‌کند و هر کسی از قبول اسلام امتناع ورزد، گردنش را می‌زند، تا این که در شرق و غرب زمین جز موحد و خداپرست، کسی باقی نمی‌ماند...<sup>۲</sup>

نیز روایت امام حسن، از امیرالمومنین علیه السلام نقل می‌کند: او [مهدی علیه السلام]، زمین را از دادگری و روشنی و عقل و منطق و دلایل واضح و روشن پر می‌کند و سرتاسر زمین، تسلیم او می‌شوند به طوری که هر کافری ایمان می‌آورد و هر بدکاری، نیکوکار می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. آل عمران (۳): ۸۳

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲.

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴

به دلیل وجود این دو دسته آیات و روایات، بین عالمان و دانشمندان، اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی می‌توان به این شکل اختلاف را حل کرد که بگوییم این دو دسته از آیات و روایات، مربوط به دو دوران از حکومت حضرت مهدی علیه السلام است: دسته اول، اشاره به سیره و روش حضرت در ابتدای ظهور دارد و دسته دوم، اشاره به دوره تحکیم و تثبیت حاکمیت حضرت مهدی علیه السلام توضیح این‌که آن حضرت، در ابتدای ظهور، تنها کافرانی را که به ظلم و فساد در زمین مشغولند، سرکوب می‌کند و از بین می‌برد؛ ولی با کافرانی که از ظلم و جور و فساد دورند و پذیرای حکومت دادگستر آن حضرت هستند، همانند سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سر مسالمت رفتار می‌کنند و از آنان، جزیه (مالیات اهل کتاب به دولت اسلامی) می‌گیرد. به تدریج، با برقراری عدل و فراگیری آن در سراسر زمین و از بین بردن باطل‌ها و بدعت‌ها و آشکار شدن نشانه‌ها و آیات حق، حجت‌های روشن الهی بر مردم تمام می‌شود و دیگر جای هیچ عذری برای کفر و شرک باقی نخواهد ماند. در آن دوره، همه مردم، مسلمان خواهند شد و آن زمان، کفر و شرک، مصداق روشن ظلم و تجاوز از حق خواهد بود که در حکومت عدل‌گستر مهدی، هیچ جایی نخواهد داشت. آنچه در روایت امام حسن از امیرالمومنین علیه السلام آمد، به روشنی، بر این معنا دلالت دارد. امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریف «هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین

الحق لیظهره علی الدین کله...<sup>۱</sup> به مفضل فرمود:

ای مفضل! اگر پیامبر بر همه دین‌ها غالب شده بود، از آتش پرستان و یهودیان و نصارا و ستاره‌پرستان و از تفرقه و نفاق و شرک و ... اثری نبود. این که خداوند فرموده است: «لیظهره علی الدین کله؛ تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند» مربوط به روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.<sup>۲</sup>

نتیجه این که دسته اول آیات و روایات، مربوط به ابتدای ظهور و دسته دوم، مربوط به دوره استواری حکومت عدل حضرت و آشکار شدن حق و حقیقت است. البته، این قضاوت، نمی‌تواند نهایی و قطعی باشد.



## آیا با ظهور حضرت مهدی علیه السلام جهان دچار چه تغییر و تحولاتی خواهد شد؟

### برنامه حکومتی و اصلاحی امام مهدی علیه السلام چیست؟

با توجه به روایات فراوانی که درباره دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام موجود است، برنامه‌های حکومتی حضرت را در سه محور می‌توان خلاصه کرد: برنامه فرهنگی، برنامه اقتصادی، برنامه‌های

۱. توبه (۹): ۳۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴.

اجتماعی.

۱. برنامه فرهنگی: مهمترین محور این برنامه عبارت است از:

الف. احیای کتاب و سنت: حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

در روزگاری که هوای نفس حکومت می‌کند [امام مهدی علیه السلام ظهور می‌کند] و هدایت و رستگاری را جایگزین هوای نفس می‌سازد. در عصری که نظر اشخاص بر قرآن مقدم شده، افکار را متوجه قرآن می‌کند و آن را حاکم بر جامعه می‌سازد.

ب. گسترش معرفت و اخلاق: امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

زمانی که قائم ما قیام می‌کند، دست خود را بر سر بندگان خواهد نهاد و عقل‌های ایشان را جمع کرده و اخلاق آن‌ها را به کمال خواهد رساند.

ج. رشد دانش بشر به طور چشمگیر و بی‌سابقه: امام باقر علیه السلام

فرموده است: در زمان امام مهدی علیه السلام به شما حکمت و دانش داده می‌شود، تا آن جا که زن در درون خانه‌اش مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت (رفتار) می‌کند.

می‌دانیم رفتار صحیح، ریشه در علم و دانش گسترده دارد که این روایت شریف، حکایت از آگاهی و شناخت عمیق از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام دارد.

د. مبارزه با بدعت‌ها: بدعت، به معنای داخل کردن اندیشه و آرای شخصی در دین و دینداری است. آنچه از تمایلات شخصی و

هواهای نفسانی وارد دین شده است، حضرت مهدی علیه السلام با آن مبارزه می‌کنند.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: هیچ بدعتی را وا نگذارد مگر این که آن را از ریشه برکند و از هیچ سنتی نمی‌گذرد مگر این که آن را برپا خواهد داشت.

۲. برنامه‌های اقتصادی: برنامه‌های اقتصادی در حکومت حضرت مهدی علیه السلام به صورت مطلوبی تدوین شده است، تا اولاً امر تولید سامان یابد و از منابع طبیعی بهره بردای شود و ثانیاً ثروت به دست آمده به شکل عادلانه بین همه طبقات توزیع شود.

برخی برنامه‌های اقتصادی دوران حاکمیت حضرت را می‌توان چنین برشمرد:

الف. بهره‌وری از منابع طبیعی: در زمان حضرت مهدی علیه السلام و به برکت حکومت او، آسمان، سخاوتمندانه می‌بارد و زمین بی‌دریغ ثمر می‌دهد. حضرت علی علیه السلام فرمود: چون قائم ما قیام کند آسمان باران می‌ریزد و زمین گیاه بیرون می‌آورد.

امام باقر علیه السلام فرمود: «تمام گنج‌های زمین برای او آشکار می‌شود».

ب. توزیع عادلانه ثروت: از عوامل اقتصاد بیمار، انباشته شدن ثروت نزد گروهی خاص است. در دوران حکومت عدل مهدوی، اموال و ثروت بیت‌المال به طور مساوی بین مردم تقسیم می‌شود.



امام باقر علیه السلام می‌فرماید: وقتی قائم خاندان پیامبر قیام کند، [اموال را] به طور مساوی تقسیم می‌کند و میان خلق، به عدالت رفتار می‌کند. همچنین فرمود: مهدی میان مردم به مساوات رفتار می‌کند به گونه‌ای که کسی پیدا نشود که نیازمند زکات باشد.

ج. عمران و آبادی: در حکومت حضرت مهدی علیه السلام تولید و توزیع، به گونه‌ای ساماندهی می‌شود که همه جا به نعمت و آبادانی می‌رسد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «در تمام زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند، جز این که آباد می‌شود».

۳. برنامه‌های اجتماعی: در حکومت عدالت‌گستر حضرت مهدی علیه السلام برنامه‌هایی بر اساس تعالیم قرآن و عترت علیهم السلام اجرا می‌شود که به سبب اجرای آن‌ها محیط زندگی، زمینه‌ای برای رشد و تعالی افراد خواهد بود. در این زمینه، روایات فراوانی رسیده است که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. احیاء و گسترش امر به معروف و نهی از منکر: در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده به اجرا گذاشته خواهد شد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مهدی علیه السلام و یاران او، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند».

ب. مبارزه با فساد و رذائل اخلاقی: حضرت مهدی علیه السلام در عمل به مبارزه با فساد و تباهی و زشتی می‌پردازد؛ چنانچه در دعای شریف

ندبه می خوانیم:

این قاطع حبائل الکذب و الافتراء این طامس آثار الزیغ و الاهواء...؛  
کجا است آن که ریسمان‌های دروغ و افترا را ریشه کن خواهد کرد؟  
کجا است آن که آثار گمراهی و هوای و هوس را نابود خواهد  
ساخت؟

ج. عدالت قضایی: او است که قسط و عدل را در سطح جامعه  
حاکم می‌کند و همه عالم را پر از عدالت و دادگری می‌کند. امام  
رضاء علیه السلام فرمود: وقتی او قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن  
شود. او، ترازوی عدالت را میان خلق نهد. پس [چنان عدالت را  
جاری کند که] هیچ کس بر دیگری ظلم و ستم روا ندارد.

مناسب است در پایان، به یکی از تحولات چشمگیر زمان حضرت  
مهدی علیه السلام که همانا بهداشت طبیعت و بهداشت روان است اشاره‌ای  
گذرا داشته باشیم؛ زیرا یکی از مشکلات جامعه پیش از ظهور امام  
زمان علیه السلام وضع تأسف بار بهداشت طبیعت و روان است که در نتیجه  
بیماری‌های واگیر و مشکلات روانی زیاد، جامعه بشریت را فرا  
می‌گیرد، بیماری‌هایی مانند جذام، طاعون، وبا، فلج، سکت، سرطان  
و صدها بیماری خطرناک دیگر. این اوضاع دلخراش و دردناک در اثر  
آلودگی محیط زیست و در نتیجه به کارگیری سلاح‌های شیمیایی،  
اتمی و میکروبی پدید می‌آید. امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید:

هنگامی که قائم علیه السلام ما قیام کند، خداوند عزوجل بیماری و بلا را

از شیعیان ما دور می‌سازد....

به امید روزی که بتوانیم آن دوران نورانی و سراسر معنوی را  
درک کنیم.



## آیا امام زمان و اصحابش در عصر ظهور از امدادهای غیبی برخوردارند؟

از روایات استفاده می‌شود در عصر ظهور که حاکمیت حق و عدل و نابودی شرک و کفر در آن رقم می‌خورد، منادیان راستی از الطاف و امدادهای خاص خداوند برخوردار هستند. برخی امدادهای الهی برای حضرت مهدی علیه السلام و یارانش چنین است:

۱. آنان از لحاظ جسمی قوی بنیه هستند. ریان پسر صلت می‌گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «آیا شما صاحب این امر هستید؟» حضرت فرمود: «من، امام و صاحب امر هستم؛ ولی نه آن صاحب امری که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن‌گاه که از ظلم و ستم پر شده باشد. چگونه می‌توانم صاحب آن امر باشم؛ در حالی که ناتوانی جسمی مرا می‌بینی؟ قائم کسی است که وقتی ظهور کند، در سن پیران است؛ ولی به نظر جوان می‌آید. اندامی قوی و تنومند دارد؛ به طوری که اگر دست را به سوی بزرگ‌ترین درخت دراز کند، آن را از ریشه بیرون می‌آورد».<sup>۱</sup>

در وصف یاران امام مهدی علیه السلام از امام سجاد علیه السلام نقل شده است:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲.

آن‌گاه که قائم ما قیام کند، خداوند سستی و ضعف را از شیعیان ما دور می‌کند و دل‌هایشان را چون پاره‌های آهن محکم و استوار می‌نماید و به هر کدام از آنان، قدرت چهل مرد می‌بخشد و آنان فرمانروایان و بزرگان زمین می‌شوند.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: به هنگام فرا رسیدن امر ما [حکومت امام مهدی علیه السلام] خداوند ترس را از دل شیعیان ما برمی‌دارد و در دل دشمنان ما جای می‌دهد، در آن هنگام، هر یک از شیعیان ما از نیزه برنده‌تر و از شیر شجاع‌تر می‌شوند.<sup>۲</sup>

۲. لشکر رعب: در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«قائم ما اهل بیت، با ترس و رعب یاری می‌شود».<sup>۳</sup>

۳. فرشتگان و جنیان: حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

خداوند، حضرت مهدی علیه السلام را با فرشتگان، جن و شیعیان مخلص یاری می‌کند.<sup>۴</sup>

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

آن‌گاه که او پرچم پیامبر را به اهتزاز درآورد، سیزده هزار و سیزده فرشته به زیر پرچمش گرد می‌آیند که با نوح پیامبر در کشتی، با ابراهیم خلیل در آتش و با عیسی هنگام عروج به آسمان

۱. همان، ص ۳۱۷.

۲. همان، ص ۳۲۶.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۵.

۴. ارشاد القلوب، ص ۲۸۶.

همراه بودند. همچنین چهار هزار فرشته به یاری حضرت می‌شتابند. آن‌ها، فرشتگانی هستند که بر سرزمین کربلا فرود آمده بودند، تا در رکاب امام حسین علیه السلام بجنگند؛ ولی اذن این کار را نیافتند و به آسمان رفتند و چون با اذن جهاد بازگشتند، امام حسین علیه السلام را شهید یافتند و در اندوه از دست دادن این فیض بزرگ، همواره ناراحت و اندوهگینند و تا روز رستاخیز، گرداگرد ضریح امام حسین علیه السلام می‌گردند و اشک می‌ریزند.<sup>۱</sup>

نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده است: فرشتگانی که در جنگ بدر به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یاری دادند، هنوز به آسمان باز نگشته‌اند، تا این که صاحب الامر را یاری رسانند و تعدادشان پنج هزار فرشته می‌باشد.<sup>۲</sup> بنابراین امدادهای الهی به صورت‌های مختلفی شامل حال حضرت و یارانش می‌شود.

۱. کامل‌الزیارات، ص ۱۲۰.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۴۸.

## ۹۱

منظور از کشته شدن شیطان به دست امام زمان علیه السلام چیست؟

قرآن مجید، نقل می‌کند که شیطان پس از این که به دلیل سجده نکردن بر انسان و تمرد از دستور الهی، رانده شد، به خداوند عرض کرد: ﴿قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون﴾؛ پروردگارا! مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد، مهلت ده.<sup>۱</sup> شیطان، در این درخواست، دو مطلب از خداوند متعال خواسته است:

۱. به او مهلت داده شود؛

۲. این مهلت، تا قیامت و روز مبعوث شدن بندگان ادامه داشته باشد.

پاسخ حضرت حق تعالی به درخواست او، چنین است: «قال فإنک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم؛ تو، از مهلت یافتگانی، تا روز و وقت معلوم».<sup>۲</sup> خداوند متعال، به او مهلت داده است و درخواست نخست او را اجابت کرده است؛ اما درخواست دوم او را که خواسته بود، تا روز قیامت مهلت داشته باشد، اجابت نشده است؛ بلکه تا روز و وقت معلوم به او مهلت داده شده است. پرسش، این است که «وقت معلوم» چه زمانی است؟ در بحار الانوار، ج ۶۰ ص ۲۲۱، از امام صادق علیه السلام، روایتی وارد شده است که ابن

۱. حجر (۱۵): ۳۶.

۲. حجر (۱۵): ۳۷ و ۳۸.

وهب از امام، درباره سرنوشت ابلیس در آیه پرسش می‌کند که این روز، چه روز و زمانی است؟ امام می‌فرماید: ای وهب! آیا تصور می‌کنی آن روز، زمانی است که خدا در آن روز، مردم را مبعوث می‌کند؟ [این چنین نیست؛] بلکه خداوند، ابلیس را تا روز قیام قائم ما مهلت می‌دهد. آن زمان، حضرت، ابلیس را محکم می‌گیرد و گردن او را می‌زند و آن روز، زمان معلوم است.

البته قتل شیطان و ابلیس، به معنای از بین رفتن همه شیاطین - به ویژه انسان‌های شیطان‌صفت - نیست؛ زیرا تکلیف برقرار است و تکلیف، دایره مدار اختیار خیر و شر است و برخی انسان‌ها هستند که نقش شیطان را بر عهده دارند. ضمن این که نفس اماره نیز هست؛ اما حضرت، رئیس شیطان‌ها (ابلیس) را که در انحراف و گناه نقش اساسی دارد، از بین می‌برد.<sup>۱</sup>

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: *تفسیر المیزان*، ج ۱۴، ص ۱۶۷-۱۶۹ ذیل آیه ۲۸ سوره حجر و ص ۱۸۴، ذیل بحث روایی آیه مذکور.



## ۹۳

اگر حضرت، شیطان را بکشند پس خیر و شر وجود ندارد و همه بهشتی می‌شوند. این، چگونه با عدالت خدا سازگار است که مردمان پس از ظهور، از فریب‌های شیطان در امان خواهند ماند؟

اجر و پاداش انسان‌هایی که در دوران پیش از ظهور زندگی می‌کنند و دین خود را نگه داشته‌اند و تسلیم وسوسه‌های شیطان نشده‌اند، از مردمانی که در دوران ظهور زندگی خواهند کرد و تحت حاکمیت عدل الهی روزگار سپری می‌کنند، بیشتر و بالاتر است. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که عبادت همراه خوف و در دولت باطل؛ مانند عبادت در حالت امن و دولت حق نیست. بدانید هر یک از شما که نماز فریضه را فرادا و پنهان از دشمن و در وقت بخواند (وقتی که علنی و با جماعت امکان ندارد) خدا، برای او ثواب ۲۵ نماز واجب بنویسد و کسی که نماز مستحبی را در وقتش به درستی بخواند، خداوند برای او ثواب ده نماز مستحبی بنویسد و فردی که کار نیک و حسنه‌ای انجام دهد، خداوند ثواب بیست عمل حسنه برای او بنویسد و هر کس نیکوتر انجام دهد، خداوند ثواب را مضاعف می‌کند. سپس حضرت در علت این پاداش می‌گوید:

شما، صابر همراه امام و منتظر دولت حق هستید، بر امام و بر

جان‌های خود از شر حاکمان ظلم در هراسید. حق شما در دست ظالمان است و شما را از آن منع می‌کنند و شما را در تنگی و طلب معاش قرار داده‌اند؛ در حالی که بر دین و عبادت و اطاعت از امام و ترس از دشمن خود صابر هستید؛ از این رو خداوند اعمال شما را چند برابر می‌کند؛ پس بر شما گوارا باد».

سپس حضرت در پایان حدیث می‌فرمایند: به خدا سوگند! هر یک از شما به این حال بمیرد، نزد خداوند افضل است از بسیاری که در بدر و احد حضور داشتند.<sup>۱</sup>

در روایات متعدد، انسان منتظر، مانند فردی شمرده شده است که در رکاب پیامبر به شهادت رسیده است.<sup>۲</sup>

وهب بن جمیع می‌گوید که از حضرت امام صادق علیه السلام پرسیدم این که خداوند به شیطان فرمود: ﴿فانک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم﴾.<sup>۳</sup> تو تا روز وقت معلوم از مهلت داده شدگانی. این وقت معلوم چه زمانی است؟ فرمود آیا پنداشته‌ای این روز، روز قیامت است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما، به شیطان مهلت داده است وقتی خداوند حضرتش را مبعوث می‌کند حضرت به مسجد کوفه می‌رود در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می‌رود به آنجا می‌آید و می‌گوید: ای وای بر من از امروز! پس حضرت مهدی علیه السلام

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۷.

۲. همان، ص ۱۲۶.

۳. حجر (۱۵): ۳۸.

موی پیشانی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند و آن هنگام روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می‌رسد.<sup>۱</sup> طبق این روایت، شیطان کشته می‌شود و مردم در زمان ظهور از شر وسوسه‌ها و فریب‌های او در امان خواهند ماند؛ ولی باز هم انسان دارای حق انتخاب و اختیار است؛ پس باز هم امکان خطا و اشتباه برای او هست. به عبارت دیگر، نفس درونی و وسوسه‌های او، آدمی را رها نمی‌کند.

همچنین چون دنیا محل ابتلا و امتحان است و مردم دوران ظهور نیز امتحان می‌شوند، امتحان آنان در مقطعی دیگر و به صورت دیگر و شاید مشکل‌تر انجام شود؛ برای نمونه، دانش آموزی که در مقطع دبستان امتحان می‌دهد، در حد و اندازه علمی و توان فکری از او آزمون گرفته می‌شود و وقتی به مقطع راهنمایی و دبیرستان وارد می‌شود، با توجه به رشد علمی و فکری امتحان سخت‌تری را باید پشت سر بگذارد.

همین فرد، وقتی وارد دانشگاه شد، باز باید امتحان بدهد و حتی ممکن است امتحان او به جای ده سؤال، فقط یک سؤال باشد و به او اجازه استفاده از کتاب نیز داده شود؛ ولی روشن است که امتحان او، بسیار سخت‌تر است و بخشش و ارفاق استاد نسبت به او کمتر می‌شود. اگر دانش آموز ابتدایی بشنود در دانشگاه چنین امتحانی

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج دوم، ص ۳۴۳.

می‌گیرند، آن را شاید نوعی ظلم بدانند و بگویند: چگونه است من که مقدار علم کمتری دارم، باید سؤالات بیشتری را آن هم به صورت حفظی پاسخ دهم؛ ولی دانشجو، هم سؤالات کمتری دارد و هم حق استفاده از کتاب برای او است؛ ولی فردی که به همه دوره‌های تحصیلی اشراف دارد، در می‌یابد که کلام این دانش آموز صحیح نیست.

دروان ظهور نیز چنین است که امتیازاتی بی‌نظیر و بی‌بدیل دارد؛ ولی امتحانات خاص خود را نیز دارد. قرآن کریم درباره زنان پیامبر می‌گوید: «ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکاری مرتکب شد، عذاب او دو چندان است»<sup>۱</sup> یعنی انتساب شما به پیامبر به شما ویژگی و امتیازی داده است که اگر تقوا پیشه کنید؛ مانند دیگر زنان نیستید (بلکه ممتازتر هستید) و اگر خطایی مرتکب شوید نیز از دیگران بیشتر در عذاب هستید.<sup>۲</sup>

با توجه به دو نکته فوق، روشن می‌شود که خداوند در همه حال درباره بندگان، عدالت را مراعات می‌کند.

۱. احزاب (۳۳): ۳۰.

۲. احزاب (۳۳): ۳۰-۳۲.

سؤالی که این‌جا ممکن است مطرح شود، این است که در روایات زیادی وارد شده است که در زمان ظهور حضرت، جهان، پر از عدل و داد می‌شود و ظلم و جور، به کلی، مرتفع می‌شود امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «یملأ الارض عدلاً»<sup>۱</sup> و همچنین در آن زمان، هیچ ظلمی نمی‌شود «و ارتفع فی ایامه الجور».<sup>۲</sup> به مقتضای این روایات، اگر در زمان ظهور، همه جا عدل است و هیچ ظلمی محقق نمی‌شود، معنایش این است که امکان گناه نیست؛ چون گناه، بزرگ‌ترین ظلم است. در پاسخ می‌گوییم این روایات، نه فقط دلالت بر عدم امکان گناه و بی‌اختیار بودن انسان نمی‌کند؛ بلکه کاملاً دلالت بر وجود اختیار و امکان گناه می‌کند. این مطلب، به توضیح نیاز دارد. اولاً می‌دانیم که مقصود از عدل در این روایات، عدل در مقابل ظلم است، و این معنا از «عدل»، در جایی امکان تحقق دارد که امکان ظلم باشد. در جایی می‌توان گفت یک فعل، عادلانه است که امکان ظالمانه بودن آن هم باشد. اگر در جایی امکان ظلم نباشد و انسان مجبور به یک طرف باشد، دیگر اطلاق عدل معنا ندارد.

نکته مهم دیگر، این است که اختیار داشتن انسان، بدین معنا نیست که حتماً باید ظلم و گناه کند. آنچه اختیار انسان را ثابت می‌کند امکان گناه و ظلم است، نه انجام گناه.

۱. مناهل الابرار، ج ۹، ص ۱۴۲.

۲. مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱۸، ص ۱۶۴.

ممکن است سؤال شود: «اگر در آن زمان هم مثل این زمان، امکان ظلم و گناه هست، چرا ظلم نمی‌شود؟» جواب این سؤال، به صورت بسیار زیبایی در روایاتی که ویژگی‌های آن زمان را بیان می‌کند، وارد شده است. می‌دانیم که ریشه گناه، غلبه کردن هوای نفس بر عقل و خرد است و اگر انسان تابع عقل باشد و بر عواقب گناه بیندیشد، هرگز گناه نمی‌کند. در روایات، وارده شده که در آن زمان، عقل انسان‌ها کامل می‌شود،<sup>۱</sup> پس در آن زمان، چون عقول کامل می‌شود و هوای نفس تابع عقل می‌گردد، کسی به کسی ظلم نمی‌کند؛ گرچه امکان ظلم و گناه هست و اختیار هم باقی است.

باید توجه داشت انسان‌های دوران ظهور همانند انسان‌ها در دوران غیبت دارای اختیارند. آنان خود باید نیکی را بخواهند و به آن عمل کنند، تا سزاوار دریافت پاداش الهی شده و به بهشت بروند. انسان مجبور، نه لایق پاداش است و نه مستحق مجازات و کیفر.

بله، در دوران ظهور به برکت حضور و حکومت الهی حضرت، زمینه مناسبی برای حرکت عمومی جامعه به سوی نیکی‌ها است و عموم مردم در جاده صلاح و رستگاری گام برمی‌دارند. البته این که سخن از اجرای عدالت فراگیر است، خود نشانه آن است که ممکن است فردی دچار خطا و انحراف بشود؛ ولی اگر رفتار او منجر به تجاوز به حقوق دیگران شد، به سرعت عدالت درباره او اجرا شده و

مجازات می‌شود. این به معنای برقراری دوباره شرک و کفر و انحراف در جامعه نیست؛ بلکه، حکومت عدل الهی تا پایان عمر دنیا باقی می‌ماند و به دنبال آن، قیامت بر پا می‌شود.



### سیمای دوران ظهور و دوران حکومت امام مهدی علیه السلام چگونه است؟

به صورت خلاصه طبق آیات شریف قرآن، آینده جهان از آن دین اسلام و حاکمیت دین حق است.<sup>۱</sup> کل زمین در اختیار بندگان صالح قرار می‌گیرد<sup>۲</sup> و حجت خدا و مؤمنان صالح، به خلافت و حکومت می‌رسند. در این روزگار، دین مورد رضایت خدا (اسلام) پا بر جا و برقرار می‌شود و احکام و معارف آن در سرتاسر جهان اجرا می‌گردد. امنیت و آرامش کامل برقرار می‌گردد و عوامل نا امنی و مظاهر ظلم و فساد از بین می‌رود و عبودیت و بندگی حقیقی به صورت عمومی تحقق می‌یابد.<sup>۳</sup>

در آن روزگار طلایی، قرآن، نماز و مسجد جایگاه حقیقی خود را پیدا می‌کنند. تعلیم قرآن، به یک فرهنگ عمومی تبدیل می‌شود.

۱. توبه (۹): آیه ۳۲، ۳۳.

۲. انبیا (۲۱): ۱۰۵.

۳. نور (۲۴): آیه ۵۵.

امام علی علیه السلام در روایتی فرموده است: گویا شیعیان خود را می بینم که در مسجد کوفه، خیمه ها زده و قرآن را بدان گونه که نازل شده به مردم می آموزند.<sup>۱</sup>

به این صورت است که مسجد مکان تعلیم و تربیت دینی می شود و نماز که رکن اصلی دین و بهترین نوع عبادت است، خالصانه انجام می شود. خداوند در تبیین آن روزگار می فرماید: ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾؛ عبادت می کنند مرا و برای من چیزی را شریک قایل نمی شوند.<sup>۲</sup> در آن دوران، زینت ها و بناهای اضافی مسجد از بین می رود، تا این مکان به درستی محل مناجات و عبادت باشد.

زندگی مادی ادامه خواهد داشت؛ زیرا رسیدن به عالم آخرت پس از زندگی در دنیا و حیات مادی است. بهره وری از منافع مادی نیز به بهترین حالت شکل می گیرد و برکات و نعمات آشکار می شود. البته منافع مادی در زمان ظهور دو مشخصه اصلی دارد:

الف. جامعه در آن عصر، فضیلت محور و ارزش مدار خواهد بود؛ از این رو از منافع مادی در راستای حیات معنوی استفاه شده و دنیا ابزار حرکت تکاملی و کسب سعادت خواهد بود.

ب. این منافع مادی به صورت صحیح در اختیار عموم قرار می گیرد و همه از آن بهره می برند و جامعه طبقاتی نخواهد بود.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

۲. نور (۲۴): ۵۵.



بر اساس روایات، با ظهور امام زمان عجل الله فرجه و برقراری عدالت، همه انسان‌ها از امکانات و نعمت‌های دنیایی بهره‌مند می‌شوند و فقر از جامعه زدوده می‌شود. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

هنگامی که قائم ما قیام کند...، زمین، گنج‌های خود را بیرون ریخته و آشکار می‌کند؛ به گونه‌ای که مردم با چشم خود، آن‌ها را می‌بینند. دارندگان زکات، سراغ کسی می‌روند که نیازمند باشد، تا زکاتشان را به او بدهد؛ ولی کسی یافت نمی‌شود و مردم از [کمک‌های دیگران] بی‌نیاز می‌شوند.<sup>۱</sup>

بر اساس روایات، در دوران حکومت امام زمان عجل الله فرجه بهترین نوع زندگی به وجود می‌آید. حضرت مهدی عجل الله فرجه مردم را با خدا آشنا نموده و یاد خدا را در دل‌ها زنده می‌کند. آنان را خدا ترس می‌کند و سجایای اخلاقی را میان جوامع گسترش می‌دهد.

او عقل‌ها را کمال می‌بخشد. آن‌گاه انسان‌ها بدی را از خوبی باز می‌شناسند و به گرد زشتی‌ها نمی‌گردند. عصر حکومت آن حضرت، دوران کمال انسانی و عصر رهایی انسان‌ها از بند عبودیت نفس و رهایی از اطاعت شیطان است. در حدیث شریف، از وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که در معراج به پیامبر صلی الله علیه و آله ندا آمد:

... ولامدنه بملائکتی حتی یعلن دعوتی و یجمع الخلق علی توحیدی...؛ و به وسیله فرشتگان، مهدی را کمک می‌کنم، تا دعوت

مرا آشکار کند و بندگان را بر عقیده به توحید من گرد آورد.<sup>۱</sup>  
 در زمان مهدی علیه السلام اعتقاد دینی مردم، مستحکم می شود و بیشتر  
 آنان، از ایمان عمیق و راسخ و تقوای بالا برخوردار می شوند؛ لذا  
 انگیزه اجرای احکام دین بسیار قوی می شود و به صورت یک  
 فرهنگ اجتماعی در می آید. در مقابل، گرایش به گناه و مخالفت  
 احکام الهی بسیار کم می شود.

آن زمان، قدرت تعقل و تفکر تکامل می یابد و تشخیص خوبی و  
 بدی آسان تر می شود؛ به همین سبب انسان ها از پلیدی و زشتی  
 دوری می جویند و به خوبی ها روی می آورند. زندگی بر اساس  
 رضایت الهی و مطابق با دستورات خدا و خواست دین تنظیم  
 می شود. مجالس خانوادگی و اجتماعی بر اساس تقوا برگزار می شود و  
 روابط بین مردم بر اساس اخلاق حسنه و کمالات انسانی خواهد بود.  
 امام باقر علیه السلام می فرماید: هنگامی که قائم ما قیام می کند، دستش را  
 بر سر بندگان گذارد و عقول آنها را جمع ساخته و اخلاقشان را به  
 کمال می رساند؛<sup>۲</sup> حضرت علی علیه السلام می فرماید: زمانی که مهدی ما  
 قیام کند... کینه ها از سینه ها بیرون می رود.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۳۱۲.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۵.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۷۲.

## ۹۵

## در زمان ظهور امام زمان علیه السلام نقش و برنامه حضرت عیسی علیه السلام در حکومت آن حضرت چیست؟

یکی از حوادث دوران ظهور، آمدن حضرت عیسی علیه السلام است. در روایات متعددی، از نزول و همراهی ایشان با حضرت مهدی علیه السلام سخن به میان آمده است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

روح الله عیسی بن مریم علیه السلام فرود می‌آید، پس پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌خواند.<sup>۱</sup>

باید توجه داشت آنچه از مجموع روایات درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام استفاده می‌شود، اصل فرود آمدن آن بزرگوار و نماز خواندن او پشت سر حضرت مهدی علیه السلام است. در روایات شیعه، چیزی بیش از این مطرح نشده است که بتوان به آن اعتماد کرد. البته در روایات اهل سنت، به نکته‌های دیگری مانند حضور حضرت عیسی علیه السلام در بیت المقدس و نماز پشت سر مهدی علیه السلام در قدس، نیز درگیری و جنگ او با دجال و قتل او نیز اشاره شده است.

می‌توان گفت نماز خواندن حضرت عیسی علیه السلام پشت سر امام

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۴.

مهدی علیه السلام که آخرین حجت خدا میان مسلمانان و جانشین بر حق پیامبر خاتم است، برای اثبات این حقیقت بزرگ است که دین اسلام آخرین دین الهی، و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آخرین پیامبر از سلسله انبیای الهی است. نماز خواندن حضرت عیسی علیه السلام در جایگاه پیشوای گسترده‌ترین دین جهان که بیشترین پیروان را به خود اختصاص داده است، راه را برای حق‌جویان عالم باز خواهد کرد و این، بزرگ‌ترین نقشی است که یک پیامبر بزرگ برای هدایت نسل‌ها بر عهده دارد و به خوبی آن را به انجام می‌رساند. در واقع، نماز حضرت عیسی علیه السلام پشت سر امام مهدی علیه السلام یک نماز عبادی و سیاسی است که حاکمیت و پیشوایی بر حق مهدی علیه السلام را بر همه جهانیان اعلام می‌دارد.

## ۹۶

آیا حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور خود، احکام جدید می‌آورد؟

دین کامل و جامع اسلام به صورت تمام و کمال بر وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و آنچه مردم بدان نیاز داشتند، در اختیار پیامبر قرار گرفت. آیه سوم سوره شریف مائده<sup>۱</sup> بر این مطلب دلالت دارد. البته باید توجه داشت که این اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت الهی از دین اسلام، برای مردم هنگامی است که ولایت و امامت امامان معصوم علیهم السلام را در جایگاه مفسر و معلم دین در متن دین بپذیرند. آیه ۶۸ سوره مائده<sup>۲</sup> که روز هجدهم ذیحجه (در جریان غدیر خم) نازل شد این مطلب را ثابت می‌کند؛ بنابراین هر حکمی توسط امامان بیان یا اجرا می‌شود، بر گرفته از دین اسلام می‌باشد.

در روایات، به پاره‌ای از احکام اشاره شده است که در زمان ظهور به اجرا گذاشته می‌شود. درباره این احکام (در صورت پذیرش صدور آن از معصومان علیهم السلام) توجه به چند مطلب ضروری است:

۱. «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم».

۲. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ؛ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای».

- الف. برخی احکام الهی، بر پیامبر نازل شد؛ ولی شرایط و اجرای آن در زمان ظهور فراهم شده و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود.
- ب. با گذشت زمان، به علت سیطره زورمداران و وجود تحریفگران، ممکن است تغییراتی در برخی احکام پدید آمده باشد. چنین مواردی در زمان ظهور، تصحیح می‌شود.
- ج. چون فقها در استنباط و فهم حکم شرعی، از یک سلسله قواعد و اصول بهره می‌برند، ممکن است برداشت مجتهدی مطابق با واقع نباشد (هر چند او معذور بوده و فتوای او لازم الاجرا است و ما مکلف به انجام آن هستیم. به این نوع از احکام، حکم ظاهری گفته می‌شود). در زمان ظهور، حکم واقعی گفته می‌شود.
- د. برخی احکام، در شرایطی خاص و اضطراری و به علت تقيه اعلام شده است. در زمان ظهور به علت عدم تقيه، حکم واقعی بیان می‌شود.
- از حضرت علی علیه السلام نقل شده است: گویی هم اکنون شیعیان خود را می‌بینم که در مسجد کوفه، خیمه‌ها زده و قرآن را بدان گونه که نازل شده است، به مردم می‌آموزند.<sup>۱</sup>
- از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است: [مهدی علیه السلام] هیچ بدعتی را وانگذارد، مگر این که آن را از ریشه برکنند و از هیچ سنتی نمی‌گذرد، مگر این که آن را برپا کند.<sup>۲</sup>

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۳۳، ب ۲۱، ج ۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۱.



## منظور از دین و قرآن جدیدی که امام زمان علیه السلام می‌آورد، چیست؟

با مراجعه به مصادر حدیثی، روشن می‌شود تعبیر دین جدید و قرآن جدید در روایات وجود ندارد؛ بلکه تعبیراتی مشاهده می‌شود که ممکن است از مجموعه آن‌ها چنین استنباط شود که حضرت، دین جدید می‌آورد، تعبیراتی مانند سلطان جدید، امر جدید، قضای جدید، سنت جدید. البته در برخی احادیث تعبیر کتاب جدید مطرح شده است. در این باره علما و اندیشوران بزرگوار ما مباحثی مطرح کرده‌اند که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. مطابق برخی روایات، بخشی از احکام به سبب نبودن شرایط آن‌ها توسط معصومان علیهم السلام بیان نشده است و فقط علم آن‌ها نزد اهل بیت علیهم السلام باقی مانده است که در عصر ظهور بیان می‌شود.

ب. بخشی از احکام به سبب دور شدن مردم از حقایق دین، مهجور و فراموش می‌شود که در عصر ظهور، زنده و احیا می‌شود.

ج. به علت برخی موانع، برخی احکام به درستی اجرا نمی‌شود.

عصر ظهور، دوران اجرای کامل و صحیح احکام است.

د. در عصر ظهور، به علت بالا رفتن سطح فکر و آمادگی و قابلیت

بیشتر مردم برای پذیرش معارف دینی، حقایق و معرفت‌های دینی

به صورت گسترده در اختیار مردم قرار می‌گیرد.

ه اسلوب و روشی که امام مهدی علیه السلام در حکومت داری از آن استفاده می‌کند، با روش‌های رایج و شناخته شده نزد مردم متفاوت است.

و. در طول تاریخ، به علت آن که امامت و مدیریت معصوم پذیرفته نشد و نااهلان اختیار حکومت و برطرف کردن نیازهای فکری و دینی را به عهده گرفتند که نتیجه آن نیز غیبت امام معصوم علیه السلام را رقم زد، بدعت‌ها و انحرافات در دین به وجود آمد که در پاره‌ای موارد، از مسلمات و ضروریات دین شمرده شد. تلاش فقهای شیعه به علت مظلومیت و اقلیت آنان، راه به جایی نبرد؛ ولی در عصر ظهور بدعت‌ها از بین می‌رود.

مجموعه عوامل یاد شده باعث می‌شود دین در عصر ظهور برای مردم به صورت جدید به تصویر در آید، نه این که دین جدید و قرآن جدید بیاید. امام مهدی علیه السلام جانشین خاتم الانبیا است. خاتمیت پیامبر و دین اسلام، از ضروریات تفکر اسلامی است که در جای خود اثبات شده است.

در پایان اشاره به این آیه شریف که به صورت مکرر در قرآن مطرح شده و مضمون آیات متعددی با آن هماهنگ است مناسب و قابل تأمل است:

«هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون؛ او است آن که رسولش را به هدایت و دین حق



فرستاد، تا بر همه دین‌ها چیره گرداندش؛ هر چند مشرکان نپسندند.<sup>۱</sup>



### حکومت امام مهدی علیه السلام چه مدت به طول می‌انجامد؟

مدت حکومت امام مهدی علیه السلام به صورت دقیق، روشن و آشکار نیست. روایاتی که در این باره رسیده، متفاوت است. در بعضی از روایات هفت سال ذکر شده است، در برخی دیگر، اضافه شده که هر سال آن روزگار، معادل ده سال این دوران است (در نتیجه مدت حکومت حضرت، هفتاد سال خواهد بود). در تعدادی دیگر از روایات، مدت حکومت، حدود بیست سال و در برخی، حدود چهل سال و در روایتی، سیصد و نه سال گفته شده است.<sup>۲</sup>

در جمع روایات، برخی هفت سال را پذیرفته‌اند؛ زیرا مشهورتر است. احتمال دیگر این که این عددها، مربوط به مراحل مختلف حکومت است؛ مرحله ظهور، مرحله تثبیت و مرحله بلوغ و کمال.

با توجه به اختلاف روایات در متن و مشکل سندی برخی روایات، به نظر می‌آید مدت حکومت، روشن نیست؛ ولی این مطلب معلوم است

۱. توبه (۹): ۳۳.

۲. الغیبة طوسی، ص ۱۸۱، ۲۸۳، ۲۸۶ و ۴۳۲.

که مدت حکومت، آن مقدار طول می کشد که عدالت فراگیر شود و احکام و فرهنگ و معنویت دین اسلام، در جهان سایه افکن و ریشه دار شود و در شؤون زندگی فردی و اجتماعی انسان ها جاری گردد.

این نکته نیز نباید مورد غفلت واقع شود که پایان حکومت حضرت مهدی علیه السلام به معنای پایان عمر دنیا نیست؛ بلکه با رجعت امامان علیهم السلام حاکمیت عدل و دین پس از ایشان، به وسیله سایر امامان معصوم علیهم السلام دنبال می شود؛ بنابراین، بین مدت حکومت حضرت با مدت دوره حاکمیت عدل الهی که تا پایان عمر دنیا به طول می انجامد، فرق است.



### آیا امام زمان علیه السلام، بعد از ظهور، به شهادت می رسد؟ چرا و چگونه؟

در باره شهادت یا رحلت حضرت مهدی علیه السلام روایات مختلفی وجود دارد. در روایتی، از شهادت آن بزرگوار، به دست زنی دارای ریش، به نام «سعیده» سخن به میان آمده است.<sup>۱</sup> در روایتی دیگر، از شهادت آن حضرت همراه دو هزار نفر از فرماندهان در جنگ با روم خبر

۱. الزام الناصب، ص ۱۹۰.

داده شده است.<sup>۱</sup> برخی اخبار نیز حاکی از رحلت آن عزیز به مرگ طبیعی است.<sup>۲</sup> و در برخی دیگر از احادیث، فقط به اصل مرگ آن بزرگوار و رجعت امام حسین علیه السلام اشاره شده است و از کیفیت مرگ حضرت، سخنی به میان نیامده است.<sup>۳</sup> برخی بر اساس روایت امام حسن مجتبی علیه السلام که فرمود: «هیچ یک از ما امامان نیست، جز آن که مسموم یا [با شمشیر] شهید می‌شود»،<sup>۴</sup> بر این باورند که نهایت و فرجام زندگی حضرت مهدی علیه السلام شهادت خواهد بود؛ هر چند چگونگی آن روشن نیست.

به نظر می‌آید در این باره، سخن قطعی نمی‌توان گفت؛ چرا که روایت اول، دوم و سوم، از جهت سند، قابل پذیرش نیست و روایت امام حسن مجتبی علیه السلام نیز می‌تواند اشاره به امامانی باشد که در زمان حکومت حاکمان جور زندگی می‌کردند. به هر حال، دربارهٔ رحلت یا شهادت نمی‌توان قاطعانه اظهار نظر کرد.

۱. عقد الدرر، ص ۱۴۹.

۲. الفتن ابن حماد، ص ۹۹ و ۱۰۴.

۳. کافی، ج ۸، ص ۲۰۶.

۴. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷.



## مسأله رجعت را کاملاً توضیح بفرمایید؟

رجعت، به معنای بازگشت است و مراد از آن، این است که «خداوند گروهی از مردگان را با همان شکل خود به دنیا بازگرداند».<sup>۱</sup> از نظر شیعه، در زمان ظهور دولت حق، برخی از مردم که از دنیا رفته‌اند، دوباره زنده می‌شوند. اصل رجعت، یک امر مسلم قرآنی است. خداوند در آیات متعدد به زنده شدن برخی مردگان اشاره دارد؛ مانند زنده شدن برخی از بنی‌اسرائیل،<sup>۲</sup> زنده شدن یک جوان بنی‌اسرائیلی،<sup>۳</sup> زنده شدن هزاران نفر،<sup>۴</sup> زنده شدن یکی از اولیای الهی<sup>۵</sup> و حتی یکی از معجزات و ویژگی‌های حضرت عیسی علیه السلام زنده کردن برخی از مردگان بود<sup>۶</sup> و نمونه‌های متعدد دیگر.

آیاتی نیز وجود دارد که بر رجعت، در زمان ظهور امام زمان علیه السلام دلالت می‌کند؛ مانند آیه ۸۳ از سوره نمل که می‌فرماید «آن روز، از هر امتی، گروهی را محشور می‌کنیم».

۱. *اوائل المقالات*، ص ۷۷.

۲. بقره (۲): ۵۵ و ۵۶.

۳. بقره (۲): ۷۳.

۴. بقره (۲): ۲۴۳.

۵. بقره (۲): ۲۵۹.

۶. آل عمران (۳): ۴۹.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «این آیه، مربوط به رجعت است. آیا خداوند در قیامت از هر امت، گروهی را محشور می‌کند و بقیه را رها می‌سازد؟ آیه قیامت، این آیه است که می‌فرماید: «و آنان را گرد آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی‌کنیم».<sup>۱</sup>

این آیه، به روشنی، به وقوع چنین امری (رجعت) دلالت می‌کند، روزی که فقط گروهی زنده شوند و نه همه مردم.

آیات دیگری مانند آیه ۱۱ سوره غافر، آیه ۲۱ از سوره سجده، آیه ۹۵ از سوره انبیا، آیه ۵۸ از سوره قصص، آیه ۸۱ از سوره آل عمران، آیه ۱۱ از سوره مؤمن و ... بر رجعت در زمان ظهور امام زمان علیه السلام دلالت دارند.

روایات مربوط به رجعت را نیز می‌توان در جلد ۵۳ از کتاب بحار الانوار، دید.

برای نمونه، در روایتی، مأمون از امام رضا علیه السلام می‌پرسد: «نظر شما در باره رجعت چیست؟» امام پاسخ می‌دهند: «همانا رجعت، واقعیت دارد».<sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از ما نیست کسی که به رجعت ما باور نداشته باشد».<sup>۳</sup>

بنابراین، به وقوع پیوستن چنین مسأله‌ای از مسلمات است و جای هیچ گونه شکی ندارد؛ به همین سبب در زیارت آل یاسین که

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۱.

۲. همان، ص ۵۹.

۳. همان، ص ۹۲.

امام زمان علیه السلام خود به شیعیانش آموخته، آمده است: «رجعت شما، حق است و شکی در آن نیست».

بعد از ثابت شدن رجعت، به نکاتی در باره آن اشاره می‌کنیم:  
بنابر روایات، رجعت همگانی نیست و تنها مؤمنان خالص و کافران خالص بر می‌گردند.

شاید یکی از اهداف بازگشت مؤمن صالح، روشن شدن چشم او به دولت اسلامی است که عمری خالصانه برای آن زحمت کشیده است؛ اما حاصل زحمات خود را ندیده و از دنیا رفته است. نیز دل-های آنان، با دیدن عذاب اهل باطل، تشفی پیدا کند. همچنین کافرانی که عمری را با دشمنی با دین و اولیای دین، گذرانده‌اند و هیچ گاه تاوان کارهای خود را پس نداده‌اند، زنده می‌شوند، تا پیش از عذاب آخرت، عذاب دنیا را نیز بچشند و تاوان زشت عمل خود را در دنیا نیز پس دهند.

بعضی از افراد، همان ساعات اولیه ظهور رجعت می‌کنند و از یاران اولیه هستند؛ مانند مقداد، سلمان، مالک اشتر و اصحاب کهف و عده‌ای پس از استقرار حکومت و برای بهره‌مندی از حکومت عدل، زنده می‌شوند.

میان حوادث رجعت، برگشت امامان علیهم السلام به دنیا، از نکات قابل توجه است. بنا بر روایات، اولین فردی که از امامان علیهم السلام رجعت می‌کند، امام حسین علیه السلام است که هنگام رحلت امام زمان علیه السلام رجعت

می‌کند و مراسم خاک سپاری آن حضرت را عهده دار می‌شود. سپس حکومت آن حضرت را به مدت طولانی رهبری می‌کند. به رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در روایات تصریح شده است. رجعت سایر امامان علیهم السلام را نیز، از بعضی روایات می‌توان استفاده کرد.

حکومت جهانی امام مهدی با رجعت امامان علیهم السلام و مؤمنان صالح، مدت زمان بسیار طولانی ادامه خواهد یافت. می‌توان گفت: اساساً، عمر دنیا بعد از استقرار حکومت مهدوی، تازه آغاز می‌شود و حکومت امامان معصوم علیهم السلام، آخرین حکومت است و بعد از آن، قیامت بر پا می‌شود.

گفتنی است امر رجعت هرچند بر اساس آیات و روایات امری مسلم و پذیرفته شده است، جزئیات آن واضح و شفاف نیست؛ بنابراین ما اصل رجعت را به صورت کلی می‌پذیریم و از اظهار نظر قطعی درباره جزئیات خودداری می‌کنیم.